

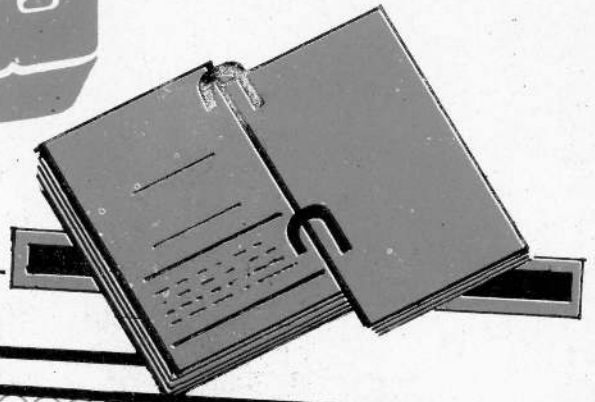
# سپاوون

شماره پنجم - آبان ۱۳۶۲  
قیمت ۱۰۰۰ ریال

[Ketabton.com](http://Ketabton.com)



# سپاه ویران



شماره پنجم ماه اسد ۱۳۲۰ سال چهارم شماره مسلسل ۳۹



منار سپاهی کتنام - واقع جاده میوند

روی جلد: گلناره هنرمند تا جهک •  
مصاحبه: اوراد رشماره آینسد • بخوانید •

# میا میله

صفحو ۵۰



## روپيا د هادر سكو

صفحو ۱۴ - ۱۷



## هنرمندان ما ميک

صفحو ۲۲ - ۲۵



## ايا چي د اشتهيد؟

صفحو ۲۹ - ۳۱



## گل زمان د ستارونو

صفحو ۲۶ - ۴۷

## هنرمت روښنگران در ساکها آزادي

صفحو ۶ - ۷

## امتياد کنيد!

صفحو ۳۰ - ۳۱

## تقلب در بهر جا و در بهر چر

## صدا رت به کي تعلق گرفت؟

صفحو ۴۰ - ۴۱

## صديق مخترع و اختراعات جديد

صفحو ۷۴ - ۷۵

هويت تحریر  
در ویرایش  
مضامین دست  
باز دارد.

اندیشه و عقاید  
مضامین به  
نویسندگان  
تعلق دارد.

### SABAWOON

Monthly Magazine of  
Journalists Union of  
Afghanistan

Editor-in-Chief  
Dr. Z. Tanin

Assistant  
M. A. Maroof

Add:  
Block 106, 3rd Microrian  
Kabul — Afghanistan

مدیرمسؤول: دکتور ظهیر زین  
تېلوفون: ۲۵۹۱۰  
معاون: محمد آصف مروف  
تېلوفون: ۶۲۷۵۲  
سیکرترمسؤول: ضیاء میاندی  
نشریه انتحاریه ژوند نالستان  
خطاب: کیرامیر و محمدنیم  
نیکزاد  
گسرهلیک: نورمحمد ورفیبه  
عکاس: شچین گل  
نایب: محمدجمعه، خواججه  
مرزا محمد و زلمی بویل.  
همکاران چاپ: محمد ظاهر  
(ظفوری)، عبدالله و عبدالله  
آدرس: مکروریان سوم،  
بلاک (۱۰۶) ۸ هلفانستان  
پانک  
۱۳۴۳ هـ - افغانستان





# دکستهای آزادی

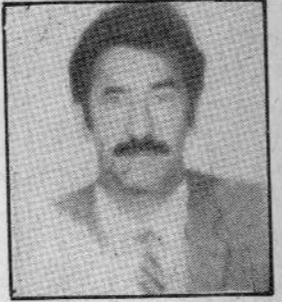
# مردم در قیام



دانشمند کاندید اکادمیسین  
محمد اعظم حسینی  
لطفاً در مورد بزرگترین درس  
های تاریخ نبرد استرداد  
استقلال کشور در سال ۱۹۱۹  
به خواننده گان مجله نظر خود  
را ابراز دارید  
سال ۱۹۱۹ میلادی یکی  
از سالهای پر خاطره و افتخار  
برانگیز در تاریخ کشور ماست.  
در این سال است که ملت غرور  
و شایسته افغانستان به قیام  
دست ظاهر و دلبر شاه امان  
الله خان برای استرداد  
استقلال کشور مردم را به  
جهاد علیه انگلیس دعوت کرد  
و با استقلال پر شور تمام افشار  
و طبقات و اقوام و قبایل ساکن  
کشور قرار گرفت. بزودی ممکن  
دسته های مجاهد و پیکار  
جوی در شهرها و مراکز عمده  
کشور آماده گوی خود را برای  
جنگ با استعمار انگلیس اعلام  
داشتند و در اوایل ماه می  
چنگ مقدس میهنی برای استر-  
داد استقلال کشور در سه جبهه  
شرق، جنوب و جنوب غرب  
آغاز یافت و پس از یکماه دشمن  
مجبور به مذاکره و قبولی استر-  
داد استقلال کشور گردید.  
مجاهد صلح را ولیندی میسین

نمایندگان مختار و کشور در  
هشتم اگست ۱۹۱۹ میلادی  
به امضاء رسید. غازی شاه  
امان الله با آنکه با برخی موا  
این معاهده موافقت نداشت  
سرانجام آنرا بتاريخ ۱۸ اگست  
مطابق ۲۸ اسد توشیح نمود و  
از آن تاریخ به بعد هر سال در  
۲۸ اسد جشن استرداد  
استقلال کشور مورد گرامی داشت  
قلمبه مردم افغانستان قرار  
میگیرد.  
بزرگترین درس های که  
میتوان از نبرد سوم افغان  
و انگلیس آموخت:  
اول: اتحاد و همبستگی و هم-  
لی مردم افغانستان در لحظات  
دشوار تاریخ است که بدون  
تعصبات قومی و نژادی و لسانی  
و دینی و چون تن واحد به  
دور شاه امان الله جمع شدند  
و سلطه بیگانه را از گردن میدور  
انداخته اند.  
دومین درس این رخداد و  
قطع مداخله بیگانگان در امور  
کشور یعنی قطع مداخله در  
سیاست داخلی و خارجی است  
افغانستان است.  
سومین درس بزرگ نبرد  
استقلال و برصمیمت شناختن  
افغانستان بحدی یک کشور  
مستقل و آزاد در نقشه جغرافی-  
فهای آسیای جنوب غربی است

چهارمین درس تاریخ  
این است که به پیروی از جنبش  
استقلال طلبی افغانان  
آزادی طلبی و مبارزه در میان  
سایر مستعمرات انگلیسی و از  
جمله هند برتانوی بیدار شد و از  
آنجا به جزایر شرق الهند نیز  
سرایت نمود و تعدادی از کشور  
های منطقه به آزادی و استقلال  
خویش نایل آمدند.  
پنجمین درس نبرد استقلال  
این است که به مردمان جهان  
و استعمارگران ثابت ساخت که  
مردم افغانستان مردمانی  
آزادی دوست اند و این مردم  
به هر قیمتی که باشد آزادی  
و هویت خود را حفظ کرده  
و میکنند و از هیچگونه قدرت  
بیگانه بیم وایستی ندارند.  
ششمین درس هم اینست  
است که مردم افغانستان  
دارای حس سلحشوری و غرور  
افغانی اند و هرگاه غرور افغانی  
وحیثیت آنان از طرف کسی مورد  
توهین و تحقیر قرار گیرد، آنرا  
نمی بخشند و تا پای جان  
از شرف و حیثیت و وقار افغانی  
خویش دفاع مینمایند. حتی  
از این روحمه و خصلت آزادی  
دوستی و استقلال طلبی  
افغانان دانشمندان و فلاسفه  
نامدار اروپایی نیز توشیح و  
تعریف کرده اند.



سند محترم عبداللهمریسان  
لحقاً توضیح بفرمایید که:  
رهبران قیام های مردم  
در سالهای حصول استقلال  
کدام عناصر به خاطر تشکيل  
ساختن ملت های ساکن  
در کشور غرض قابل با بیگانه گان  
حساب میکردند؟  
در رابطه به نقش رهبر-  
ان قیام های مردم در سالهای  
حصول استقلال و عناصری که  
ایشان در بسج نیروهای ملی  
از آنها علیه اشغالگران خا-  
رجی استفاده مینمودند یا-  
ید گفت که در طول تاریخ با-  
مدت زمان نفوذ استعمار  
گران و عناصر و ظنیرست در  
هر گوشه و کنار سلطنت درین افشار  
طبقات و گروه های مختلفی اعم  
از ملیتی و مذهبی و منطقه ای  
دست به اقداماتی زدند که  
زمینه را برای حصول استقلال  
کشور و طرد استعمارگران  
از کشور ما مساعد مینمود.  
پنجمین در رابطه به مبارزه نیرو  
های ملی و ویژه رهبران قیام  
های ملی و طرق عملکرد ایشان  
باید خاطر نشان ساخت  
که از آغاز سلطنت اول امیر  
دوست محمد خان در سال  
۱۸۳۴ میلادی تا قتل امیر-  
حبیب الله خان در سال ۱۹۱۹  
انگلیس مابصورت مستقیم یا غیر

مستقیم در امور داخلی و خارجی  
کشور مداخله نموده و به  
حاکمیت سیاسی اثر وارد  
میکردند، که این وضع اسباب  
نگرانی و نارضایتی مردم ما را  
هرچه بیشتر فراهم ساخت.  
چنانچه در طول دوره امام-  
رت امیر حبیب الله خان دست  
از روشنفکران کشور بنام مشر-  
وطه خواهان غلبه استعمار  
گران خارجی و استبداد دا-  
خلی و دست مبارزه زدند  
و گام های درجهت تنویر افکار  
عامه و روشن ساختن از هان  
مردم برداشتند تا جایکه عده  
زیاد ازین مبارزین را ما استقلال  
و وطن جان های شوهرین خود را  
از دست دادند، اما هیچگاه  
این فریاد ایشان فرو نه نشست  
زیرا آتش را که ایشان افروخته  
بودند، گروه مشروطه خواهان  
دوم فرزندان ساختند و قیام  
ملی و جنبش آزادی طلبی را  
هرچه بیشتر قوام بخشیدند.  
از آنجاییکه وجود امیر-  
حبیب الله خان بحدی پادشاه  
افغانستان یکی از موانع عمده  
اراده حصول استقلال کشور  
بحساب معرفت لذا عده  
از آزادی خواهان در آن مهان  
مدت میان تاج و تخت سلطنت  
نیز شامل بودند در عهد قتل  
وی بر آمدند و این برنامه

کلیق پلان طرح شده قبلی  
عملی گردید و شاهزاده امان  
الله در راس جنبش جدید  
قرار گرفت و حکومت جدید  
بر رهبری امیر امان الله خان  
در همان لحظات نخستین  
اعلامیه را بنی بر جلب حما-  
یت مردم و تأمین و تحکیم وحدت  
و همبستگی اقشار و طبقات  
مختلف مردم افغانستان به  
نشر رسانید. در رهن ایمن  
اعلامیه کت مردم برای تحقق  
اندیشه ها و آرمانهای دیر-  
ینه شان مبنی بر استقلال  
کامل سیاسی افغانستان که  
یکی از وظایف نخستین ملت  
افغانستان را تشکیل میداد.  
این اعلامیه که با خواست  
و آرمانهای مردم ما مطابقت  
داشت مورد استقبال و پشتیبانی  
مردم قرار گرفت و در نتیجه قیام  
مسلحانه ملی و جنگ رویارویی  
با استعمار پیون غارتگر و مستعمر  
انگلیس آغاز گردید که مبارزین  
ملی و رهبران قیام های مردم  
با شعارهای اتحاد و همبستگی  
چون مشت واحد در برابر  
تجاوزگران انگلیس قیام نمودند  
و مردم را به اتحاد و همبستگی  
و درجه و تحکیم وحدت ملی  
فراخواندند که این پیرو سدر  
جبهه قندهار تحت رهبری  
بقیه در صفحه (۸۷)



# نهضت روشنفکری

نوشته داود سیاروش

اگر به اوراق پریشان تاریخ بدون افتیدن به دام اسطوره و یا درک افراطی از مفهوم صادی تاریخ نگاه کنیم و در آن جستارهای از نهضت روشنفکری را در اواخر قرن (۱۹) مطالعه نماییم به وضاحت دیدیم میشود که این موج تاریخی از دوران امیرشهرعلی خان به تلاطم آمده است.

اگر در باره امیر دوست محمد خان استعداد استفاد از مفکوره های روشنفکرانه سید جمال الدین افغانی را در پی بگیریم پسندیدن ترقیات عصر و آوردن تحولات و پیروم های متناهی سبب به زمان نداشت، انهرشود علی خان از لحاظ ذهنی - آماد بود پذیرش چنین پیروم ها بود، ولی چون سید جمال الدین افغانی رقیب سیاسی و برادر شکست خورد امیر را در صبارت تدبیر کرده بود نزد امیر این تشویش پیدا شد که مبادا سید به پستگاه گاه طرفداران محمد اعظم خان در دربار مبدل گردد و روی همین ملاحظه ثواب کار را در آن دید که سید بدین ملاقات با محمد اعظم خان در استمران به خارج از کشور برود. روز وداع در ارک بالاد

حصار سید جمال الدین افغانی تمام نظریات و پروگرام های اصلاحی خود را به امیر تقدیم کرد و او وعده داد که آنها را در عمل تحقیق میکند سید چه نظریاتی داشت: او - در افغانستان دولت قوی مرکزی میخواسته در ایران ترکیه که دولت مرکزی موجود بود رژیم دیوکرات طلب میکرد. در هندوستان و مصر مبارزه ضد استعمار را مشتعل میخواست و در کشور های اسلامی آسیا و آفریقا غرض تمرکز قوا در مقابل اروپای مستعزیزین افغانی را در پی داشت. متجاوز اتحاد اسلام (پان اسلامیزم) را شعار میداد. با آنکه تمام مفکوره های سیاسی سید در حد پذیرش برای دولت امیر قرار نداشت، به هر حال، با رفتن از یک سلسله اصلاحات در کشور آغاز گردید. قوه اجراییه تشکیل شد و - مکتب یکی ملکی و دیگری نظامی تاسیس گردید، مطبوعه با لاد حصار بوجود آمد، جریده هفت سالتهار در (۱۶) صفحه به چاپ رسید، کارخانه توپ تفنگ و باروت سازی تاسیس گردید، ولی با حلات پنهانه - جویانه انگلیسها و فرار امیر سلسله این تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امیر -

حبیب الله با رشد نسبی شعور سیاسی بلاثر یک رشته تحولات معین، چون بوجود آمدن فابریکات، تاسیس مکتب، منجمله مکتب حبیبیه آمدن یک تعداد معلمین هندی به کابل، چون داکتر عبدالعزیز و برادرانش، عودت محمود بیگ خان طرزی با مفکوره های تحول طلبانه و برداشت عمیق مصلحتی از وضع جهان روزند - تحولات و نهضت های دنیا، زمین اذهان جوانان را آماده پذیر اندیشه های جوان سها سی نمود. در این وقت نشرات جمال المتهین و مسکن، تعداد نشرات دیگر از هندوستان به کشور سی آمد و تحولات سیاسی - ترکیه و اینترنشنال به افکار روشنفکران اثر میگذاشت. در میان قشر جوانان دلچسپی به مطالعه و درک مسائل و رویداد های بین المللی افزایش مییافت. به قول میرغلام محمد تاج سوس گردید، مطبوعه با لاد حصار بوجود آمد، جریده هفت سالتهار در (۱۶) صفحه به چاپ رسید، کارخانه توپ تفنگ و باروت سازی تاسیس گردید، ولی با حلات پنهانه - جویانه انگلیسها و فرار امیر سلسله این تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امیر -

خان مامور بار چالانی امیر - پار بیگ خان دروازی و غیره جوانانی که در داخل در - باره به مطالعات کتب و جراید خارجی میپرداختند و به مسائل سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی دلچسپی میگرفتند.

۲- حزب جمعیت سری ملی که مرکز عمده آن مکتب حبیبیه بود اعضای این حزب علاوه بر رفیروها تابدیل رژیم مطلق العنان را به رژیم دیوکرات میخواستند.

۳- روشنفکران منفردی که خارج حلقه دربار و خارج شتند. مکتب حبیبیه از سال (۱۹۰۳) یعنی سال تاسیس آن تا سال (۱۹۰۹) مرکز داغ - فعالتهای سیاسی حزب - جمعیت سری ملی در کشور بود در این حزب یک حلقه مسلمانان هندی نیز موجود بود که رئیس آنان داکتر عبدالعزیز پنجابی و اعضای آن مولوی نجف علی و مولوی محمد چراغ و دیگران بودند. در مراسم جمعیت منجمله ده هدف - اساسی که بیان شده بود تبدیل حکومت مطلق به حکومت مشروطه، تحصیل استقلال افغانستان و نشر تمدن و فرهنگ جدید در سرلوحه آن قرار

# نهضت افغانی

داشت.

با افشای یکر از تصاویر حزب "جمعیت سری ملی" یعنی برای ننگه "مصلح باید بسود" و افتادن لست فعالین جمعیت سری ملی به دست امیر حبیب الله اعضا این سازمان - تصمیم گرفتند عرضه ترتیب - نموده به امیر تقدیم کنند. در غلام محمد سید چهارمین از فعالین این حزب به ناساسی لعل محمد خان غلام بیجه و جوهر شاه خان غلام بیجه و محمد عثمان خان سیروانی و محمد ایوب خان سوسولستانی به امیر سپردند. اثرات فکری این گروهی از معاصران افغانی تا آنرا اعدام نمود و بر سر کوه زوزن شرف باید علاوه نمود که در روند جاری این وقایع جمعی از روشنفکران و دانشندان کشور از مدرسه شاهی و مکتب حبیبیه که در واقعیت همان روشنفکران ترقی خواه بودند به دربار پیشنهاد نمودند که انجمن دانشندان افغانی بوجود آید تا یک جریده پانزده روزه را بنام سراج الاخبار افغانی - نستان در کابل نشر نمایند. در راه این انجمن مولوی عبدالروف خان کندی هاری - متخلص به "خاکی" سردرس مدرسه شاهی و ملای حضور

بود.

اولین شماره سراج الاخبار افغانستان در جنوری ۱۹۰۹ (۳۰) صفحه چاپ سنگی به نشر رسید، ولی بعد از نشر شماره اول به خاطر مخالفت امیر انگلیسها متوقف شد.

با کشته شدن مولوی محمد سرور خان وعده دیگران - لهن حزب جمعیت سری ملی و توقف نشرات سراج الاخبار افغانستان شعله نهضت استقلال طلبانه و مشروطه خواهی ظاهر گردید.

ولی در حال بعد از این بار دیگر به تقاضای عصر و اجبار زمان سر فرو آورده اجازه - نشر سراج الاخبار را به محمود بیگ طرزی داده، محمود طرزی که با افکار تازه و مشیوع از استقلال طلبی، مشروطه خواهی و درک عالی از روزه های جهانی به وطن برگشته بود سراج الاخبار را به مدرسه تربیت جوانان باروچیه استقلال طلبی و مشروطه خواهی مبدل ساخت. جریده که از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۹ به نشرات پرداخت با جرکت تمام از هیچ وسیع دستگناه دولت انتقاد نموده از استقلال افغانستان سخن میگفت. این نشریه که سری فکری روشنفکران

منجمله شهزاده امان الله - خان بشمار معرفت تعداد مشترکین آن در همان زمان به (۱۴۰۰) نفر بالغ میشد.

نشرات سراج الاخبار، دولت هند بریتانوی و روسیه تزاری را به لرزه آورده انگلیسها در ابتدا تلاش ورزیدند نشرات آنرا قطع کنند، ولی بعد از صلاح کار را در آن دانستند که نوعی با نشرات آن عادت کنند. اما جنرال کورا پاتکین حکمران روسیه تزاری در - ترکستان تلگرامی به نمایندگ روسیه تومسکی که در هند بود فرستاد، خاطر نشان نمود که شماره های سراج الاخبار در بخارا و ولایت دیگر ترکستان منتشر میگردد و از مقالات آن احساسات فدر روسی بریتانوی در مردم به جو شریک پیدا بنا بر آن دولت هند بریتانوی باید بر امیر افغانستان فشار آورد تا این جریده خط مشی تبلیغی خود را تغییر دهد.

استاد عبدالرحمن حبیبی در کتاب جنبش مشروطیت مینویسد که صدرالدین عینی به او گفته بود آنها سراج الاخبار را در شرایطی که این نشریه تحت تعقیب پولیس روسیه بود بدست می آورند و مخفیانه مطالعه میکنند.

سراج الاخبار که در واقعیت امر بنیاد گذار مرحله استقلال طلبی و مشروطه فواهی در افغانستان بود تا - تحت اثرات بزرگی در همه کشور های روشنفکران منجمله در بار بگذارد.

میرغلام محمد غبار مورخ شهیر کشور در افغانستان در رساله تاریخ مینویسد: به علاوه این جنبش های فکری، سری و علنی و هسته تحول در نفس دربار نشو و نما میکرد. اصلاح طلبان از روش امیر منجز بودند، و چون خود قدرتش نداشتند باید دورپس از اعضای خاندان شاهی جمع میشدند. این فرد سردار

نصرت الله بزرگترین فرد خا - نواده شاه نبود، زیرا او آنکه مرد خداست و مویها همان استقلال کشور بود. ر اداره دولت دلبستگی به نظام قرون وسطایی داشت. پس گانه شخصی که در دربار خاندان مورد توجه نبرالهای دربار قرار گرفت. همین الدوله امان الله خان بود. او - نسبت نایب السلطنه را بجهت رهس این انجمن سری شامل نقشه کودتا نماید که امیر را در جلال آباد بکشند و جایگزین نایب السلطنه را بنشانند. دستور اجرای این عمل روانه امیر داد. نفر از اعضای جمعیت سری ملی در قرآن تحریر و امضا نموده به سردار سپردند. ولی روز مهمن سردار از خانه تنهبر آمد و با کشتن برادر مخالف کرده نسخه قرآن شریف نزد او ماند. امیر حبیب الله کشته شد و امان الله خان به حمایت بالقوه و بالفعل مشروطه خواهان به قدرت رسید. شاه تاج پادشاه هی را به شرط اعلان استقلال افغانستان بر سر گذاشت و این همان خط اول برنا - روشنفکران بود. روشنفکران مشروطه خواه در جهاد کبیر ملی علیه انگلیس سهم فعال گرفته این افراد با ایمان و صاحب اندیشه در خط مقدم پیشکارتد انگلیس مردانه زمیندند و بعد از اعلان متارکه در اضا سند استرداد استقلال وطن، که با خون غازیان و مجاهدین سر به کراه وطن نوشته شد بود، سهم فعال گرفتند. شاه غازی در ابتدا با روشنفکران صمیمانه برخورد نموده، محبوبین سیاسی مشروطه خواهان را از زندان ها آزاد ساخت و یک تعداد آنان را در پستهای مهم - اداره امور کشور گماشت. ولی شاه که حاضر نبود گام در راه جهت تحقق اهداف برنامته روشنفکران بردارد، به تدریج با عکس العمل های روشنفکران بقمه در صفحه (۸۹)







بر فرق کدامین تانک -

کدامین برونه -

و کدامین سنگه تاج میگذاشت؟

و گریبان تنگه کدامین را -

کفشهای کهنه ات را -

هدیه میگرفت؟

خدا میداند؟

شبهای بی ماهستاب

وقتی در سیدهای کوچک چشمان خود

ستاره میسوردی

و نگاههای پریشانیت -

سینه آسمان را شیار میکرد -

تووز عشق کدامین عزیز

در چهره زده هنت

میوه یاد میبخت؟

خدا میداند؟

وقتی سفیرد شین - هذیان شیطا

در بگوشهایت را

با رخوت میگرفت

خون در رگهایت -

با چه لپهیی جوش میزد؟

و آنگاه -

عاشقانه تکبیر میزدی - جنگه را

تا ممر کمره فتح میکردی -

●●●

آهای سپاهی آزادی!

در کدامین روز بی آفتاب -

شهبان -

از دم مرکب تاریکی -

جان جادو بی میبخت؟

که آغوی روحت -

یکبارها از چشمه سار آتشمن تن

رو کرد -

و دیگر خنجره های مژه گانت

به قیام بر نداشتند -

دیگر -

شبهانه هانامدی

و مادرت هر گز -

سید پرگل تنهایش را

روی طاقچه دیدارت نگذاشت -

پوچساره -

دیگر مسافری نداشت

که جام لبریز چشمانش را

در بی او فرو بهاشد -

- ۳ -

آهای سپاهی کاکلسی!

دهشب مسافری -

از دیار پریشانی آمد -

با یک مشت نشانی

از گیسوان خونین است -

گفتم:

آه همد پسته خداست -

این ریشه های جنسی -

زود است - زود است

کزین ریشه های جنسی

در دشت یاد های دهکده -

جنگلی بکارم -

که اگر روزی -

میوه وحشی آن را -

زاغها بخورند - کیوتر کردند -

مسا فر نهایید -

گفتش باش -

باش تا باری دامن رنگمده ات را

به دیده بهالم -

آخر چهار دشتی دارد -

و - دود گوهی

و عطر خونسی -

مسافر پیهم لب میزند -

مسافر - هیچ نمیکند -

باری آبله عقده

در گلپوش ترکمید

و فقط اینقدر رگت:

(( رضای خداست ))

مسافر برگشت -

به جانب ناپیدا -

به سوی سرگردانی -

آی مرد خدا!

مسافر بوی ترا داشت -

کاکلس -

کاکل مست ترا میبند -

کفشهایش - پینه پینه بود و کامهایش

کامهای بی شکست ترا میبند -

●●●

هان - عزیز من!

وقتی عزیز همگسرت

گلناره های نهمسخته بیکرت را -

تکسه تکسه به دا من میچسبد -

بادها آنگاه دریافتند -

که بهد خونین بهشتی -

چه عطری دارد!

●●●

های دیوانه آ زادی!

من نیز آبله پاییستم

در سحاری دیوانه گان

من به ز بارت لاله ها میروم -

تا معنی سنارت سخن کامیابیت را

لصکم

و خنک عقل مسخره نرود -

من خویشتن را -

با کل خواهم شوخاند -

با گیاه خواهم روپاند -

با برکه خواهم آویخت -

جاری خواهم شد -

همخط رود خانه

و خواب خواهم رفت -

همسر کوره -

تا یافت کم

لالایی را

که در شبهای بی مادر

با آن میخفتی -

و هابویی را

کز کوتاهترین خواب زمان

بیدارت میساخت -

●●●

آ زاده مرد استوره قامت!

مردا نه گیت را!

در قلمرو تعریف

گنجایشی نیست -

کسوه -

نامت را پس میدهد -

دشسته

شهادت را تنگی میکند

و رود خانه -

راهی شدنت راه

چه آرام است و چه کم امتداد!

و من -

جوا نیت را -

چه قد رکود کم!

●●●

عزیز ملت من - سپاهی آزادی!

سوادت -

در سه واژه تمام بود:

خدا - مادر - آ زادی

و از نام خویش -

هج حرفی به یادت نبود -

با نهنوشتی!

اگر هنگام تو بودم

از افتخای تو -

شعر بلند روزگار را -

به ودیعه میگرفتم -

خیر باشد -

نامت با زمین -

نامت با ستاره -

نامت با خدا -

گره خورد - است -

●●●

های غریب زاده

مرد رفته در بی گنهای نامی!

نامت - نورواژه بیست -

در قاموس بی ردیف شیکرد های خرابان -

که تجلی حروفش،

جاد و کران مشرق و مغرب را -

کور میبکشد -

باکی نیست

اگر خلیفه های نا خلف -

مفتیان بی طهارت را -

به سود خویش خریدند -

و سپاهد اران سانسپاس

پیمان یاری - پیمان خونت را

با فرا بی میسر

بپردند -

همین بیست -

که فرزانه گان زمین -

دیدند:

تو بر سجاده سخن مشرق

عاشقانه ترین نیاز را -

نماز آزادی را -

به آذان برخاستی - به تکبیر ایستادی و ادایش کردی -

عزیز شعر من عزیز زندگی من!

من -

شهادتت را

با کدامین قصیده خونین

به آمین بر خیزم?

■



# تصویرهای از



ملا عبدالله مشعوره ملای لنگه که تمام سمت جنوبی را در سال ۱۹۲۳ در زمان زمام داری امان الله خان رهبری میکرد.



امیرامان الله  
حین وداع با سربازان گارد شاهی در انتهای ترک  
وطن.

پاکتن ازجا سوسان انگلیسی بهنام لا رس که در تحویل  
یک واحد دسایس علیه نهضت امانی سهم فعال  
داشت.

طلاب و نهضات رهبری مکتب جوییه در زمان  
امیرامان الله



امیرامان الله





# کله جهان درنگه

و کالینین که به عمارت پارلمان روسیه یا قصر سپید روسیه می انجامد از تانک‌ها، ماشین‌های محاربه‌ای و موتورهای نفر بر نظامی پر شد. دیگر ترافیک شهری اختلال شده بود. مابقی بیرون هتل رتیم. تانک‌ها پارلمان روسیه را محاصره نموده بود. ظاهراً اسب کودتاچیان بد و مانعش به پیش می‌تاخت. اما صرف چند دقیقه بعد گروه بزرگی از رهبران پارلمان روسیه از عمارت لطفاً صفحه برگردانید

و ترجمان راه اقامتگاه را در هتل از کرایین که در یکی از نقاط مرکزی ماسکو واقع است، در پیش گرفتیم. رفت و آمد در جاده‌ها بصورت طبیعی ادامه داشت. چهره‌های رنگ پریده مردم از شوک خبر میداد که هنوز پایان نواخته بود. مغازه‌ها باز بود و از تانک‌ها اثری دیده نمی‌شد. با جابجایی در هتل غرض تانک‌ها در جاده‌ها آرامش و بی تفاوتی مردم را. اختلال کودتا حوالی ساعت ۳:۱۱ دیگر دوجاده بزرگ کوتسوزف -

وانها برای آن که قدرت را نگه دارند به کودتا متصل شدند. بسیاری از مقررات در دهلز هلمبه دود کردن سنگ‌تاق نمودند. مثل هر حادثه، پس مردم نا آشنا از یکدیگر سوال نمودند و با ابراز نظری می‌کردند. در دوطرف خط ریل عابری ساده نیز مشغول گشت و گذار بودند. مثلیکه آنها هنوز از حادثه اطلاعی نداشتند. ترن حامل مسافر ساعت ده و نیم صبح به ایستگاه ماسکو رسید. ما همرا باهمانند از

کمیته فوق العاده قدرت را دست گرفت. گریچف به خاطر دلایل صحت بر کارش، یا نایف معاون اول رئیس جمهور رهبری کشور را به عهده گرفته بود. یگونسه مارینا سور کف ترجمان ما در حالی که صدایش می‌لرزید و خشم از چشمانش فوران می‌کرد، در کوبه ترن از حادثه اطلاع داد. او سخنانش را با این جمله ختم کرد که: "خونتا (محافظه کاران وحشی می‌خواهند دموکراسی را بکنند)". ساعت ۹:۲۵ صبح بود. ترن تا یک ساعت دیگر باید به ماسکو می‌رسید. مسافری ۱۲ ساعت سفر را پشت سر گذاشته بودند. راه‌پوی سراسری شوروی در اتاق‌های ترن خطاب کمیته فوق العاده را بختر می‌کرد. فکر میشد که زمان به عقب برگشته است. شاید این نه سال ۱۹۱۱ بلکه سال‌های ۶۰ هجری است که رهبران شوروی زیر نام شماره‌های مانند "زند" باد کونیزم زندماد مردم" بمطایق دیکتاتوری جدید را بر پا می‌دارند.

در دهلز واگون ترن مردم با سباهای تکیه و مضطرب با یکدیگر صحبت می‌نمودند. یک خانم گریه میکرد و می‌خندید. به من نگاه نموده و گفت: "فردا باید قرارداد اتحاد در میان جمهوری‌های شوروی امضا می‌شد، در آنصورت محافظه کاران و کونیست‌ها قدرت را از دست می‌دادند"



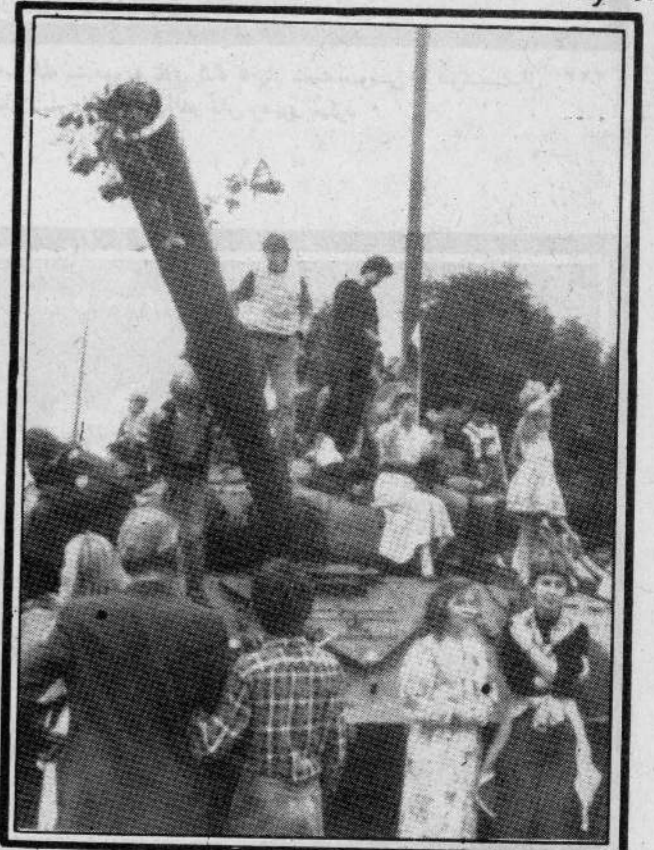
پلتن جسونانه رهبری مقاومت در برابر یوچوست ها راه عمده گرفت.

## بیرنده اصلی مبارزه برای دموکراسی ملیت است

نوشته دوکتور خرف هر طین

همزمان کودتای ناکام در اتحاد شوروی و پیروزی بران (۱۹ تا ۲۵ اگست - ۱۹۹۱) بدیر مسوون مجله سیارون همراه با یک عده ژورنالستان افغانی، در ماسکو اقامت داشت. وی در بازگشت به وطن، گزارشی و تحلیل جریبان کودتا و انقلاب ۲۲ اگست را که به پیروزی دموکراسی شوروی انجامید، نام به نام از راه اخبار گفته به نشر سپرد.

از آن جا که مجله سیارون خواننده کان و ویژه خود را دارد و نیز به خاطر آن که این مطلب جالب و مهم به وسعت و فراخانی بیشتر بدسترس خواننده کان و علاقه مندان فرار گرفته باشد، این متن گزارشهای مذکور را بدون هیچ تنزیه و تصرفی به نشر میسپارد.



تانک‌های تانک‌های شوروی



# ۷۲ ساعتی که جهان را تکوان داد

پارلمان پایین آمده و راه صحبت با تانکست ها را در پیش گرفتند. هنگام صحبت گروهها چند صد نفری مردم به دور آنها جمع شدند به انبوه جمعیت لحظه به لحظه افزوده میشد و بدینگونه مقاومت در برابر کودتا آغاز شد.

«قصر سپید روسیه» یا عمارت پارلمان جمهوری روسیه بنه مرکز ایستاده گی در برابر کودتا چنان کمونیت مبدل شد. بنا افزایش جمعیت مردم تانک ها را مجبور شدند از نزدیکی پارلمان دور تر بروند. مردم عادی که مزه آزادی را بعد از هفتاد سال ترهتاریانیزم و استبداد یک حزب چشیده بودند، خود به کار سنگر بندی ها در اطراف «قصر سپید» آغاز نمودند.

علی الرغم دستور کودتاچیان در مورد منع تظاهرات و گرد همایی ها مردم جان در کف نه تنها در برابر پارلمان بلکه در سایر میدان ها و نقاط عمده ماسکو گرد همایی های چند هزار نفری را آغاز نمودند.

این گرد همایی ها در ظرف ۲۴ ساعت به تظاهرات و میتنگ ها مبدل شد.

کودتاچیان اعلامیه هایی را که متن کامل آن ها (المجب ) در روزنامه «پیام ما بطور کامل نشده شده از اردیو و تلویزیون پخش میشوند.

اعلامیه ها حرف های زیادی نداشت. جامعه در بحران است، دسپلین وجود ندارد، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی تعمیق یافته از اتوریته شوروی در خارج کاسته شده، بی قانونی و جنایات افزا-

پیش میباید و چیزی های دیگری از این قبیل که همه جامعه شوروی پر از کودتاچیان آن را درک می نمودند. اما باید تفاوت که کودتاچیان بحران شوروی را -

خالص در برابر مردم ایستاد و سی هراس خراب به آنها سخن گفت و از آنها طلب ایستاده گی و مقاومت نمود.

راد پوی روسیه به محل تبارز اراده

جریان تکفرائن مسیحیاتی کودتاچی ها

مردم کاپیتان فاکتد رهبری بودند و در عقب یلتسن و همکارانش قرار گرفته بودند، مبدل شد. آنها از تظاهرات میان خواستند تا علیه مردم خود از اسلحه استفاده نکنند. در نتیجه همین مبارزه بود که یک واحد بزرگ تانک به یلتسن پیوست قوای هوایی از پشتیبانی کودتاچیان امتناع کرد و راد پوی روسیه هم مدواما از پیوستن واحدهای مسلح به مقاومت وهم از موضعگیری آزاد پخواهان در لنینگراد و سایر شهرها خبری داد.

هر سه شب و روز کودتا مقاومت کننده گان جاده ها و خاصا



میدان مقابل پارلمان روسیه را ترهتنگتند. جوانان شب و روز از سنگر ها دفاع می نمودند و با شور و انرژی که انقلاب ها فراهم می آورد راه پاسداری از دموکراسی و آزادی را در پیش گرفتند.

کودتاچیان در وضع دشواری قرار گرفتند. کمیته فوق العاده آنها که شامل پروکاه وزیر داخله، کرپچکوف رئیس ک. ج. ب. پاولوف صدراعظم، یازوف وزیر دفاع، یینایف معاون رئیس جمهور، تیز - یکوف رئیس کمیته علوم و صنعت، بگلا قوف مشاور امنیتی رئیس جمهور و استرادیوسف رئیس کمیته دهقانان شوروی بود، هسته هسته دچار اختلافه پس از اردگی شد. روز و کودتا پاولوف به بهانه فشار بلند بازاری ترک نمود. به نظر می رسید که نظامیان نیز در نحو

اعمال کودتا دچار اختلاف هستند. تلویزیون سی. ان. ان از کنار رفتن کرپچکوف و یازوف نیز خبری می داد.

از سوی دیگر علوی که یک ژورنالست شوروی اظهار نمود کوشاچیان خود را مشکت را انتخاب نمودند. آنها پلان توطئه را مانند سال ۱۹۶۴ که خروشچف برنارشد طرحی می نمودند. بدینگونه که در بین خود فیصله نمودند که وقت برای آن فرا رسیده که «شف» را به دلیل اینکه به «سمت» مطلوب نمی راند بر طرف کرد. آنها حتی این زحمت را متقبل نشدند که فورول جدید برکناری بسازند و با همان فورول کهنه و اشنای «معادیر سخن» عمل کردند و با بره اندازی بازی «شگرف» و «کین گرف» خواستند مردم را - بشناسند. آنها طوری محاسبه نموده بودند که با این حرکات می توانند درست مانند سال ۱۹۶۴ همه را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. اما آنها نمی فهمیدند و از تاریخ نیا موخته بودند که سال ۱۹۶۱ و سال ۱۹۶۴ نیست. آنها تصور کردند که در زنده گی جدید بازم می توانند به همان اشکال کهنه قدرت دموکراسی حزبی دولتی عمل کنند. آنها خواستند همه مسائل را خودشان حل کنند، نهرا به این امر عادت نمودند بودند. آنها عادت نموده بودند که فکر کنند نظر شخصی آنها نظر همه ملت است، که دموکراسی صرف یک کلمه جان نمی آید، که دموکراتها ارزشی ندارد. توطئه گران تصور نمودند که آنها



مقاومت مردم در برابر کودتاچیان در برابر پارلمان روسیه

تیکه دار حاکمیت هستند و قدرت برایشان از بالا ها بخشیده شده است.

رهبران کودتا که به گفته «متفکر عمده» یازسای و دوست ما بسبق گریچف الکساندر ساکولفیف حتی سوسالتم رابه معنای دادن چند گرام مسکه و چند توت کلباسه و چند پارچه نان خشک به مردم درک می کردند، در نخستین برآمد مطبوعات خورش در برابر مردم هیچ چیزی جز نفرت و دشمنی طینت ها انسان را به دست نیاروند. بانایف این بازچه «دست اپارات حزبی و نه ایمان توطئه گران در حالی که دستانش می لرزد و هر لحظه به ا غرائفان خودنگاه می کرد نتوانست کترین شطقی برای امتناع مردم در مورد عملی که انجام شده ارائه کند. یک ژورنالست خارجی با یک سوال بسیار بر معنا از او پرسید که شما وقتی کودتا می کردید، آیا با پیرویت مشوره نموده بودید؟

کودتاچیان برخلاف و تفسیرات درجهان معاصر و نشان را که غرب پس از بهالهای بازسازی و اصلاحات در زمین گرایشهای حیات سیاسی، اجتماع شوروی کسب نموده است مورد ارزیابی قرار ندادند. امریکا و غرب در کنار مقاومت و نیرو های طرندار دموکراسی قرار گرفت. رهبر - ان کشور های غربی بابرقراری - لن داغ یا بورس یلتسن مستقیم در مقاومت علیه کودتاچیان اشتراک نمودند. بدینگونه یلتسن به مکانه مقام قابل اتکا چه در میان ملیون آزادخواه شوروی - بلکه همچنان نزد رهبران غرب مبدل شد. در تجربه رویداد های اخیر امریکا و سایر کشورهای غربی نشان دادند که آنها دیورد استقرار نظم نوین جهانی و دفاع از دموکراسی درجهان پایدار ایستاده اند. کودتاچیان محاسبه - درستی رادر مورد موفق میخائیل

گر با چف نیز انجام دادند. آنها فکر می نمودند که گر با چف را می توانند وادار به تسلیم کنند. اما او تسلیم نشده، او طوری که خودش در صحنه مطبوعات پس از برگشت به کپلین در روز پنجم ۳۱ اسد امشا کرد از امسا هر گونه سندی در باره اشعاع و با تحویل قدرت به معاو - تشریح می توانست که نتایج را در مومعت ناها را نمانی قرار دهد. اما ورنه.

تمام این عوامل گروه هشتگانه رادرمومعت دشوار قرار داد. حتی حزب کمونیست که رهبری آن بدون اعلامیه رسمی و خاموشانه در عقب کودتاچیان قرار داشت، حرکت نه نمود بر اعمال کودتا مبر تا مبدل بگذارد. روزنامه «پراودا» و «شیخ روزنامه دیگری که نه تسلط کور نمسها قرار داشتند که تمام اسنا و مصوبات توطئه گران را چاپ نموده اند. این تزلزل به ستایش کودتاگشود نتوانستند.

رهبران کودتا برخلاف جهان تاریخ و زنده گی عمل نمود مو قانوس - نعتی را که خود به ان رای داده - بودند نه پامی گذاشتند. از همین جهت هم طی سه روز کودتا ما با - کس بیخوردیم که بتواند از کودتا دفاع کند. در حالیکه جوانان مردم عادی اشک می ریختند و تمام اسد شان را به یلتسن بک بودند.

تعمیب اوراست که در جریان یک صحبت ما با معاون روزنامه «پراودا» اتای گارچف در روز مس - کودتا که هنوز کمیته فوق العاده عمل می کرد، می توانست موضع حزب کمونیست را روشن سازد. هاز بقمه در صفحه (۱۶)



شود که در سال ۱۹۹۱ چهار  
سد و خفتاد و پنج قصبه آدم -  
کسی درین جا رخ می دهد .  
کمیته قضایی سنای امریکا  
حوادث آدم کشی را در ایالات  
متحده امریکا در سال گذشته  
عیسوز (۲۳۲۲۰) حادثه  
بسیاری یعنی کرده بود ، در حالیکه  
حوادث قتل در سال گذشته  
در آنتشور به (۲۳۴۴۰) می  
رسود .

## میتلایه سلطان در کانادا

لبیر گزار به سازمان -  
جنوبی کانادا که به تاریخ  
۲۵ جولای به نشر رسیده از  
رسم نفرانادایی ، یک نفر  
در نون حیات خود به سرطان  
میتلایه خواهد شد . سازمان -  
موسوم به " ستانیتدن کانادا  
مکویید " در جریان سال ۱۹۹۱

پند و نه هزار واقعه جدید  
سرطان در کانادا ثبت و -  
تشخیص خواهد شد . تعداد  
وقایع جدید سرطانی از -  
(۲۰۰۰) به (۳۰۰۰) در  
خرمال افزایش خواهد یافت .  
به غیر صورت خیر خیری هم  
نشر شده و آن اینکه مرگ های  
ناسی از سرطان دوره طفولیت  
نسبت به اوایل دهه هفتاد  
به نصف کاهش یافته است .

## جامعه اروپایی مبارزه با فراقوانی

برای جلوگیری از تولید  
محصولات اضافی در پایتخت -  
های جامعه اروپایی تدابیری  
اضطراری روی دست گرفته  
شده است .

قرار اطلاع آژانس نووستی  
سال گذشته بهشت و پنج میلیون  
تن گندم محصولات جامعه  
اروپایی به فروش نرسیده و در  
گدام هان خیره مانده است . -  
پوشه بی می شود که در سال جاری  
۱۸۰ میلیون تن گندم جمع آوری  
شود . در حالیکه مصارف جامعه  
اروپایی ۱۴۰ میلیون تن است .  
تصمیم اتخاذ شده تا قیمت  
خرید گندم در حدود یک

سه حصه کاهش یابد که جبران  
خساره فارم داران نیز در آن  
در نظر گرفته شده است . اما  
جامعه اروپایی هوشدار داده  
که در کشت گندم کاهش بعمل  
آید .

## کفرانس بین المللی

در اکتوبر سال ۱۹۹۱ در  
شهر پراگ نخستین کفرانس  
بین المللی درباره جنایات  
کونتره دایر مگرد .  
در این کفرانس نماینده -

کان کشور رمای اروپایی  
امریکایی و آسیایی اشترک  
خواهند وزید .

## تفاوت بزرگ میان زنان مرد و خود

در نهم یارک نتایج تحقیقات  
در مورد زنان جهان تحسنت  
عنوان " زنان جهان بگرایش  
واحصانه سالهای ۱۹۷۰ -  
۱۹۹۰ " به چاپ رسیده  
است .

این نخستین تلاش کار -  
شناسان ملل متحد در زمینه  
ارزایی وضع و حقوق زنان در  
۱۷۸ کشور جهان است . پسر  
اساس این تحقیقات زنان  
در برابر کار مساوی با مردان  
طور اوسط (۳۰-۴۰) فیصد  
کتر مزد بدست می آورند .

تعداد زنان بی سواد از -  
۵۴۳ میلیون در سال ۱۹۷۰ به  
۵۹۷ میلیون در سال ۱۹۸۰ -  
افزایش یافته است .

طول عمر زنان در حال حا -  
صر به مقایسه مردان طور -  
اوسط در کشورهای رشد پا -  
فته ۵-۶ سال و در افریقا ۴-  
سال کمتر است . اوسط عمر  
زنان در افریقا ۵۴ سال و در  
اروپا و امریکای شمالی ۷۵ سال  
است . طبق اطلاع آژانس نو -  
وستی که این گزارش را منتشر  
کرده تعداد زنان جهان به  
مقایسه مردان کمتر است .

## آب عراق عربی

## را بخورند و درایت

سریلانکا از جمله کشور  
هایست که در جنگه خلوج  
فارس خسارات زیادی را متقبل  
گردیده است . عودت کارگران و  
متخصصین این کشور به وطن  
که تا قبل از آغاز جنگه خلوج در  
کویت کار می کردند ، برابلی  
هایی را در جهت کارهای آنها  
برای سریلانکا پدید آورده و -  
این کشور منابع اسماری خود  
را از دست داده است .

غرامت کشور سریلانکا را باید  
عراق مطابق قطعنامه سازمان  
ملل متحد بپردازد اما تا هنوز  
معلوم نیست که عراق برای این  
کار آماده است یا نه و اگر ق  
برای پرداخت این غرامت  
حاضر هم گردد تا آخرین عقده  
دارند که پرداخت آن نظریه  
مشدلات جدی اقتصادی این  
کشور سالها بطول خواهد شد  
انجامد . قبل از آغاز جنگه  
خلوج فارس یکصد هزار سر -  
ملانثایی در کویت مصروف کار  
بودند که ۷۴ هزار نفر آن به  
سریلانکا برگشته اند .

# از زمین زرفانی

تعمیر و توسعه



# انسان در عین پیشرفت

## نقطه پایگال

جهل پایگال از عمیق تر -  
 این جهل های جهان است  
 که عمق اعظمی آن ۱۶۳۷ متر  
 است .  
 در این تازه گی ها و لا -  
 در پیر قبالکوف دانشمند  
 استیثوت جهل شناسی اکا -  
 دی علم شوروی مؤلف شد  
 به عمیقترین نقطه جهل با -  
 یگال پامین رفته یگاردی را  
 در زمینه قلم کند . تا حال هیچ  
 کس نتوانسته بود به عمیق  
 جهل پایگال راه یابد .  
 به اسرارش آزانسی  
 نووستی موصوف باد و نفرد یگر  
 به کمک یک دستگاه به عمیق -  
 ترین نقطه جهل پایگال  
 فرود آمده و چهار ساعت رادر  
 آنجا سوری کرده به کمک پروژ -  
 کتور از کف جهل فلمبرداری  
 نموده و آب و خاک جهل را -  
 برای تحلیل و تجزیه با خود انتقال  
 داده اند .

# روز رهایبی کویت

در کویت اعلان شده که  
 ۲۶ فبروری روز رهایبی کویت  
 از وجود سربازان عراقی روز  
 رختی در آن کشور خواهد بود .  
 این تصمیم را کمیسیون  
 تقنین شورای ملی این  
 کشور اتخاذ نموده است . قبلا  
 پیشنهاد شده بود که روز دوم  
 اگست روز آغاز تجا و زعراقی بر -  
 کویت روز رختی اعلان گردد  
 اما کمیسیون تقنین کویت این  
 پیشنهاد را به اتفاق آرا رد  
 کرد .

# تشریح از سال پیشین شادی

در ننگولیا نیز هر سال مانند  
 سایر کشور ها به اسم حیوانات  
 مضامین شود . آنها سال  
 ۱۹۹۲ را سال شادی  
 ( مومن ) دانسته و هوشدار  
 داده اند که باید مالداران  
 برای زمستان ۱۹۹۱ - ۱۹۹۲  
 آمادگی بگیرند زیرا شرایط  
 اقلیمی نامساعد فرا خواهد  
 رسید و امکان تلف شدن حیو -  
 انات موجود است .

# ۱۴ تن مواد فضاله به کشورهای جهان برای انتقال یافتند

اخیرا " سموزیم پوسن -  
 الملی ایگولوژیکی در استیا -  
 نیول دایر گردیده بود درین  
 سموزیم دکتر کرایتوان کوری  
 طی سخنرانی گفت :  
 " در پنج سال اخیر  
 حدود ۱۶۰ میلیون تن  
 مواد فضاله در همه شرکت  
 صنعتی کشورهای گردیده یافته  
 به کشورهای " جهان سوم "  
 انتقال یافته است .  
 همزمان با این اعلان  
 در ترکیه جمع آوری ماضها  
 به منظور جلوگیری از آبین  
 عمل آغاز یافته و در اسناد  
 پیشنهادی این  
 کشور تصریح شده است -  
 از حفظ محیط زیست کنترل  
 صورت گرفته تعذیرات علوسه  
 متخلفین شدت یابد .  
 قرارگزارش از انیس  
 اطلاعاتی نووستی شاروال  
 شهر استانبول که پیشتر  
 از سایر شهرها از آلوده گی  
 محیط زیست متضرر شده موضوع  
 بررسی مجددا قانون حفظ  
 محیط زیست را در ترکیه -  
 مطرح ساخت .

# دستگیری یک ادمخوار

یک مرد آمریکایی که ۵ انفر  
 راکشته و گوشت بدن آنها را  
 خورده بود دستگیر شد و به  
 جرم خود اعتراف کرد .  
 تلویزیون سی . ان . ان -  
 در بخش خبری خود اعلام کرد :  
 - در شهر میلواکی واقع در -  
 ایالت ویسکانسین مرد ۲۱ ساله -  
 ای به نام جفری دامر به اتهام  
 قتل حد اقل ۱۵ نفر و طعمه  
 قطعه کردن بدن آنها و اد -  
 مخواری دستگیر کرده اند  
 سی . ان . ان در گزارش خود  
 افزود :  
 - اعضای پولیس میلواکی به هنگام  
 جستجوی اپارتمان این مرد ۵۶  
 سر انسان رادر داخل یخچال  
 ۱۱ جعبه و اجزاء قطعه نموده  
 شده چند بدن و مقدار مابیل  
 ، ملاحظه می اشخوآن راکش ف  
 کرده اند .  
 همایگان دامر گفتند که بوی  
 تعفن گوشت کندیده در دو سال  
 اخیر در فضای اطراف اپارتمان  
 وی به مشام می رسید و صدای  
 کاراره بوقی از اپارتمان وی به  
 گوش می رسید .  
 در کتر قانونی میلواکی ایسن  
 کشتار را بزرگترین و فجع تر سن  
 مورد آدم کشی در تاریخ ایالت  
 ویسکانسین اعلام کرد .  
 شیکه راد یوس . بی . او سی  
 با پخش گزارش مشابهی در ایسن  
 رابطه گزارش داد :  
 - احتما می رود که این مرد  
 که قبلا نیز مدتی را با خطر تجاوز  
 جنسی به جوانان زیر ۱۸ سال -  
 در زندان بسر برده باشد و ی  
 در ظرف دو سال گذشته بعضی  
 از ۱۸ نفر را به قتل رسانده  
 باشد .

# قطعه قطعه کردن

## « ۱۰۰۰ » انسان

اعضای حرکت شورشی رنامو  
 موجب قتل حداقل ۱۰۰۰ نفر  
 در مرکز ناحیه لائو در ایالت  
 شمالی لامپولا شدند .  
 راد یو موزامبوق به نقل  
 از شاهدان عینی گزارش داد  
 که اکثر این قربانیان را کود -  
 کان تشکیل می دهند .  
 به گزارش خبرگزاری المان  
 از ماپولو ، این راد یو افزود :  
 عوامل " رنامو " قتلش از  
 پایتخت لائو راد یو راجوری  
 اشغال کردند .  
 - این راد یو همچون گت :  
 امرادی که توانسته اند  
 از این منطقه بگریزند و وارز -  
 منطقه ریائو در همایگر  
 خود شوند گفتند که قربانیان  
 قطعه قطعه شده و در قفس  
 های فریشتگاها گدا رده شدند .

# قربانی بی پای بیت

یک زن و شوهر هندی که  
 کودک خود را دریای بت بزرگ  
 قربانی کردند دستگیر شدند .  
 این زوج روستایی که چند  
 سال از داشتن فرزند محروم  
 بودند در دو سال پیش با حب  
 پسری شدند .  
 " پورا انکول " و همسرش  
 " سومترا " نذر کردند که دو -  
 مین کودک خود را حقیق آیین  
 بت پرستی دریای بت بزرگ  
 قربانی کنند . دومین کودک  
 آنها دختر بود که به هنگام قر -  
 بانی شدن در واه و پانزده  
 روز عمر داشت به گزارش خبر -  
 گزاری جمهوری اسلامی ایران این  
 نوزاد دختر در دریای بت بزرگ  
 ماهاسویاد ر روستای ساتوا -  
 دای قربانی شد . پولیس  
 این زوج روستایی را به دلیل  
 قربانی کردن فرزندشان  
 دستگیر کرد .



# تشیخ از زمین

## از زمین

### و

## از زمان

○○○

### و مریخ و مریخ

### به فراق خود

ماورین امریکایی به تاریخ ۴ اگست گفتند که پانزدهمین یکای قبل از آنکه میله تفنگچه را به سون خود چرخانده به خودکشی دست زد در مراسم عمومی در یک کلیسا به سوی مریخ و داماد چند بار تپش زد.

این زن امریکایی که آن کوراند و نام داشت جفت مشروس و داماد را از دوره مکتبسی شناخت و گفته می شود که با حق داماد بود.

زمانیکه جیو فلنتسکا داماد و پناهنده مریخ در یک کلیسا در شهر نیویورک ایالت پنسیلوانیا سوگند وفاداری را به جا می آورد دند و کوراند و تفنگچه را از دستگول خود کشیده داخل

راخر و کلیسا شده و میا فریاد کرد درین حال که سحر جرات نبرد است و امام درین غروب در اثر حمله قبلی به تعقیب این خاد که در همان کلیسا جان سپرد.

این دختر بیست و پنج ساله از کلیسا نوارشوده و دو مریخی دیگر را قبل از آنکه تفنگچه را به جانب خود چرخانده و بیست مریخ را به سون خالی کند به جا فریز کرد.

### سایر دنیا

### تشیخ از زمین

تاریخنا مان چینیایی به این نرسا شدند که آتشموز دریا به غای نفت کویت و فعال شدن مجدد نوه آتشفشان در فلپین باعث سرازیر شدن سیلابهای چندماه اخیر در چین شده است.

محققین در آکادمی علوم - پکن گفته اند نه امسریای ضخیم که از چاه های مشتعل نفت از زمان جنگ خلیج به این سو متصاعد گردیده باعث کاهش تپش خود اشعه خورشید به زمین گردیده و در نتیجه حرات سطح زمین را کمتر ساخته است و این زمستان ذروی - را ایجاد نموده است.

عده به پسران آتشفشان کوه پینا تو بو از فلپین ابرهای ضخیم خاکستر را به فضا متصاعد ساخته و در نتیجه حرارت رادین منقله پایان آورد و است.

سرازیر شدن سیلابهای اخیر که شدیدترین سیلابها در قرن جاری در چین خوانده شده باعث هلاکت دو هزار نفر گردیده است.

### تاسال ۲۰۰۰۰۰۰۰

### تشریفاتی

طبق گزارش که بتاریخ شش

است یا سالگرد پرتاب هم اتمی در شهر نیویورک در لندن نشر گردید و میلیونها نفر در قرن های آینده در نتیجه آزمایشات ذروی که در سراسر جهان اجرا می شود و جانهای شان را از دست خواهند داد.

این گزارش که تحت عنوان "رادیکالیسم و زمین" به نشر رسید و بخش از کارگزاران های طبی علوم سلاح های ذروی است که توسط سازمان دو کشوران بین المللی برای جلوگیری از جنگ ذروی پسراره انداخته شده است.

این گزارش تا نوسرا ت آزمایشات ذروی در قضا و در زیر زمین را که توسط انگلستان چین و اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۴۵) به اینسو صورت گرفته مورد ارزیابی قرار داده است.

در این گزارش گفته شده که تا نهر این آزمایشات به طور یکنواختی معادل به سهولت هزار هم است که در شهر نیویورک پرتاب گردیده بود.

گزارش میگوید که تا نهرات بقایای ذروی این آزمایشات تا سال (۲۰۰۰) باعث آن میشود که (۴۳۰۰۰۰) نفر از اثر سرطان بمریزند. این سازمان که مقر آن در لندن است مشکل از دو کشوران طب هفت پیت دانان و کارشناسان ذروی از سراسر جهان می باشد.

### تشریفاتی

مردیک در قریه تمام بوکینیا پسر نیوجار خود را کشت تا بتواند سه هزار نفر را در آلبریه زندگی وی را بدست آورد و از طرف محکم به سه مرگ محکم شد.

دانیل بوکینیا در شرکت بیمه کار میکرد متعسف است که پسر خود را تا سرحد مرگ نت و کوپ کرده و بعد از جسد وی را در آب انداخت

درست بعد از کشتن پسرش او خواستار پرداخت پول بجهه زندگی او شده ادعا کرد که پسرش تصادفی در آب غرق شده است.

### التش فسان

### اوزون را از غریب بگرد

اداره ملی بحرشناسی و اتموسفرشناسی امریکا به این نظرات که فعالیت کوه آتشفشان پینا تو بودر فلپین که اخیراً بعد از شش صد سال خاموشی دوباره فعال گردیده میتواند تشر اوزون را بر فراز نیم کره شمالی در سال آینده شدیداً صدمه زند.

کاهش سطح اوزون ماده که زمین را از اشعه ماوراء بنفش آفتاب محافظت میکند از سفر دیوا اکساید ناشی میشود که در مواد آن آتشفشان به مقدار زیاد وجود دارد.

### بنگاله طیش

### در طوفان تشار وید

سیف الرحمن ونهراله بنگاله دیش گفته است که بنگاله دیش در طوفان تباہ کن ماه اپریل یک اعشاره هفت مهاد در خسار دید این رقم رانبری مشترک ضرر بیتی بنگاله دیش و مل متحد تخمین کرده اند.

همچنان طوفان مذکور باعث هلاکت (۱۲۱۰۰۰) -

نفر گردید. سیف الرحمن گفته است کشورش ۲۱ میلیون دارالراد رکناه مدت ۲۶۹ میلیون دارال دیگر را در دوره متوسط طولانی ضرورت ارد.

### دین اسلام

### در آذربایجان



شایع ۱۲ اکتبر شرکت -  
 کند آن کفرانس برین مسموم  
 ده تانون (۱ آزادی عقاید  
 و سازمانهای مذهبی) اظهار  
 داشتند که آنها با مواد مسموم  
 ده این تانون موافق نیستند  
 به عقیده آنها در تانسون  
 مذکور اسلام باید به مشابه  
 دین رسمی حکومت تسهیل  
 گردد در ضمن صورت اداری  
 روحانیون دارای تفازسی  
 تواند حزب سیاسی شود را  
 تا "سیر نماید" شرکت کنند  
 کان کفرانس همچنان استوار  
 می دیزند تا آموزش دینی در  
 کتاب صورت گیرد  
 به عقیده "سازماندهای معاد  
 ون کادوسی علیر ادرایمان  
 در صورت نظام شدن دین  
 اسلام به حیت دین رسمی، آذ  
 ربايمان باید نام جمهوری  
 اسلام میس گردد و جنین  
 قسم ضربه اخلاقی  
 باز نامگز میگردد" موصوف  
 به کوه "کفرانس سالسون  
 جلسه را ترک کرد

### شرکت کاپیتان

### چهره زنی مشاهیر

پولیس در جمهوری گری  
 جرستان زبانی تکان خورد  
 که تلفون متعلق به جوزف  
 ستالین دزدی شد  
 این تلفون در روز ۱۱  
 ستالین در شهر گری گریستان  
 که در یک تانور شوروی در آنجا  
 تولد یافته به ناپیش گذاشته  
 شده بود. این دزد تصادف  
 می توفیق گردید و آن خوری  
 بود که یک پولیس کوه هنگام  
 شب یک تن از باغبان راکه  
 یک شیشه را منتقل میداد  
 شرف ساخته و شیشه او را  
 تلاش کرد این دزد چاره  
 جز اعتراض به خورشید داشت  
 دزد مذکور در قرارگاه پولیس  
 گفت که او تصمیم داشت  
 تلفون ستالین را در منزلش  
 نصب نماید، زیرا تلفونهای  
 صری قابل اعتماد نیستند  
 این تلفون که ستالین

در جهان جنگ در جهانی  
 از آن استفاده میکرد و  
 به موزیم مسترد گردید

## دزدی یک میلیون دلار

دزدان یکصد و پنجاه  
 نفره را که از عمران ترنداسی  
 گذشت و قیمت آن در مارکت  
 های بین المللی اشای انشیک  
 به میلیونها دلار میرسد امروز  
 ملی بنگه دیش دزدی کردند  
 مامورین داکه گفتند که دزدان  
 مذکور با قطع میله های آهنین  
 وارد گالری موزیم که در طبقه  
 دوم قرار داشت شده و با رسو  
 دن مجسمه "میناتور" شده  
 فرار نمودند این مجسمه قسمتی  
 از تاج ماراچا دیگایانامی باشد  
 مامورین داکه گفتند این نخستین  
 حادثه دزدی در موزیم مذکور  
 در بیست سال گذشته است  
 این مجسمه شش کیلوگرم وزن  
 داشته و در بازارهای بیجا  
 لملی میلیونها دلار ارزندارد

### دزدی یک پشه

### در اوزر با ریجان

علی حق بر دی یف رئیس  
 کلوپ پدیده های غیر عادی  
 باکو برای خبرنگار آژانس  
 "آما - ایراد" اظهار  
 داشت که در این اواخسودر  
 آپشرون ملاقات انسانها با  
 موجودات عجیب ثبت گردیده  
 است. یک گروه محصلین  
 مکتب عالی نظامی کسپن در  
 نزدیکی باکو با موجودات عظیم  
 الجثه مواجه گردیدند. این  
 موجودات با پشم سیاه کورنگ  
 پوشیده بوده و یک چشم سرخ  
 داشتند که کمی پایین تر از  
 پیشانی قرار داشت و بزرگی  
 چشم آنها به اندازه یک دانه  
 انار کلان بود. در سابق نیز  
 در آپشرون مردم با جنین  
 موجودات ملاق شده است.  
 در زمستان سال ۱۹۸۹ با  
 شده گان قهوه کورداخانسی

موجود دهنده را د پندسکه  
 کام آنها چهار برابر گسام  
 انسان بود

شامل علی یف در روز ششم  
 وی باکو در ماه فبروری سال  
 ۱۹۸۹ در نزدیکی استیشن  
 شروبنام "د پوز" با دیویک  
 چشم مواجه گردید. امروز  
 کلوپ پدیده های غیر عادی  
 باکو از اهالی جزیره نسای  
 آپشرون خواهرش نموده تا  
 راجع به ملاقات های مشابه به  
 کلوپ مذکور خبر دهند. در  
 جهان پدیده های مشابه و  
 جود دارد مثلا در سال  
 ۱۹۸۹ یکی از جزایر بحر  
 الکاهل جیمه دیویک چشم  
 کشف گردید

### بازسازی فرد شکسته

### آبایی گریباچف

تا بیج ۱۲ اکتبر ده هکده  
 آبایی گریباچف رئیس جمهور  
 شوروی روز شکوهند است. در  
 دهکده "پرو ولنوس کلخوزی را  
 که بنام یا کوف میگرد لسوف  
 یکی از نخستین رهبران دوم  
 لک شوروی مسمی بود لغو کرد  
 دند

روز نامه کمسولسکا با پرودا  
 می نویسد که چنین تصمیم را خود  
 اهالی ده اتخاذ نمودند  
 ایوان میخائیلنکو رئیس اسبق  
 کلخوز گفت که انجمن ده هفتی  
 که تازه ایجاد میگردد رطول  
 پنج سال از پایه دولتی  
 معاف خواهد بود و بهتر از  
 همه اینکه دهقانان اختصار  
 دار زمین خود خواهند گرس  
 دید

اکنون هر عضو انجمن می  
 تواند ۱۴ ایکر زمین (مسک  
 ایکر مساوی است به ۲ جیب)  
 بدست آورد. ناگفته نماند  
 و طندا راهالی این ده میخا  
 ئیل گریباچف نیز حق دار  
 مالک زمین مورش پدوش گردید

### دزدی یک میلیون

دزدان با حوله و اخیرا  
 بی د و عتاق و دیترا منجم  
 سقا پی ستین متوررا قطع  
 نمود و یا خود برده اند  
 مسموم نشده نه به مدت  
 زمان را در بر گرفته که دزدان  
 مذکور توانسته اند لوجه های  
 المونومر سقا حقیقین متور را  
 که در بناده شوت ویلسون  
 در منطقه بروکلیون نیویارک قرار  
 دارد بردارند اما به احتمال  
 زیاد به آما این کار را در جزیره  
 یان انجام داده اند. این  
 متور بیست و نوار ساعت بازمی  
 باشد. پولیس تخمین زده  
 که المونومر چهار سرت شده  
 یون. قتاد تانون هزار دلار  
 ز دارد

### سنای امریکا و پیش

### سینه ادمکشها

سپو تحقیقی که در مجلس  
 سنار کانزوا ایالات امریکا  
 رخ ۱۱ اکتبر صورت گرفته  
 در موریتیه گرای ششماه اول  
 سال جاری عیسور در ادامه  
 جنایات وجود داشته باشد  
 تا اخیرا بجاری (۲۲۷۰۰) نفر  
 در ایالات متحده امریکا به  
 قتل خواهند رسید

شیر این تحقیق که توسط  
 کمیته قضایی مجلس سنای امریکا  
 صورت گرفته قضایای آدمکش  
 انون نسبت به س سال گذشته  
 دو چند افزایش یافته است  
 (جوزو بایدین رئیس کمیته  
 بد نور این رفتار خونریزی  
 را نتیجه استعمال مواد مخدر  
 تشنج باند های نوجوانان  
 و دست یابی بدون کدام محدود  
 دیت به صلاح میداند

از جمله پنجاه ویت ایالت  
 امریکا، تکزاس شاهد بزرگترین  
 حوادث قتل در سال جاری  
 خواهد بود. تعداد حوادث  
 قتل در این ایالت امریکا سه  
 صد نفر بیشتر از سال گذشته  
 است. به هر صورت واشنگتن  
 دی.سی. مرکز آدمکش  
 خواهد بود



نام های ناشناخته در میان  
هواخواهان هنر تاجیک در  
افغانستان نمیباشند .

درغنائین همزیبانان صمیمیت  
و همدلی پیوسته زیبا و زینت  
پرداخته ها بوده است .

گاهی از سر زمین پر بار  
فولکلور افغانی برجیده آوازی  
سرداده اند و زبانه های  
ترانه های شاد و صحت مجلسی  
و گاهی نیز این جا و آن جا  
پارچه هایی را به بازخوانی  
گرفته اند .

البته خود نیز هدایایی در  
این زمینه داشته و با تعارف  
دسته گل هایی را نثار شنونده  
گان و بهننده گان افغانی خوب  
پیش نموده اند .

بهبتر خواهد بود از زبان  
خود آنان بشنوم که چی هر  
فهرستی برای شنونده گان افغانی  
خوبش دارند .

نخست از همه با کرامت الله  
آواز خوان جوان و خوش صدای  
این گروه پرشهایی را مطرح  
نمودم که میخوانند :

• بار چندم است که به افغان  
نستان آمده اید ؟

• بار سوم است که به افغان  
نستان دوستانه اشتی آمده ام  
و این یگانه کشور است که خود  
را در آن بیگانه احساس نمی نماید  
هم چه تبار و ریشه و فرهنگ ما  
یکوست .

• تا شهر موسیقی غرب را بالای  
موسیقی تاجیک چگونه یافته اید  
و آیا خود نیز از این موسیقی  
چه یزی میداند ؟

• در حالیکه خود را دقتیتر به  
سوال نشان میدهید و گویی در  
صحنه امتحان قرار دارید دلش  
را با ندانان گزیده بحد میگوید  
• شخصاً موسیقی غرب را بهترین  
نگریده ام و در قسمت تکسپ  
ارو پایی در تاجیکستان با پسند  
گفت که تا سال ۱۹۸۰ تکسپ  
ارو پایی بالای موسیقی ما تا شهر  
مستقیم داشت که پس از همان  
سال چند تن با هم کمر راسته  
گروهی را به نام سمذیان که  
پهلوی دنیای موسیقی فارسی در  
لطفاً صفحه برگردانند



# گروه هنرمندان تاجیکی در جشن استقلال به کابل آمدند

مواجه از نریا سرلوری

باری از نوه پس از چار سال  
باز هم میزبان هنرمندان تاجیک  
استم . آنان خوب میخواستند  
نند و خوب میخواستند و خوب  
هم میخواستند . هر چند آن سبک  
دستی و شور سالهای پیشین  
را کمتر داشتند . اما هنرمندان  
خوبشان خرمای شهرنوا بسا  
آهنگهای خوب و ظرافتهای  
هنرمندانه خود را گرمسای و  
کسرتهایشان بود .  
آواز خوانان خوب دیگرشان  
کرامت الله واحد اللعین پارچه  
های خوبی تقدیم علاقه  
مندان موسیقی تاجیک نمودند .  
بیشتر از همه خرمای با تقدیم  
آهنگهای افغانی " اوخندا -  
جان دلم تنگه است " " بچه  
جان لوگری " و " مشک تازه  
مهریزد ابر بهمن کابل " یکبار  
دیگر علاقه مندان را نوازش  
بخشید و توانست همان محبوب  
بیت گذشته را در جمع د  
ستان افغانی تازه سازد .  
از مدتی به این سو هنر  
موسیقی در تاجیکستان آمیزه  
می بوده است از ظرافت های  
موسیقی بالندی و خاور زمین  
با آلات بومی و محلی تاجیک  
که گهگاه سایه روشن تا  
و امواج تازه گرای غرب نیز  
در آن محسوس بوده است .  
گروه های هنری چون پل  
پدیده هاه گلشن زیبا . . .

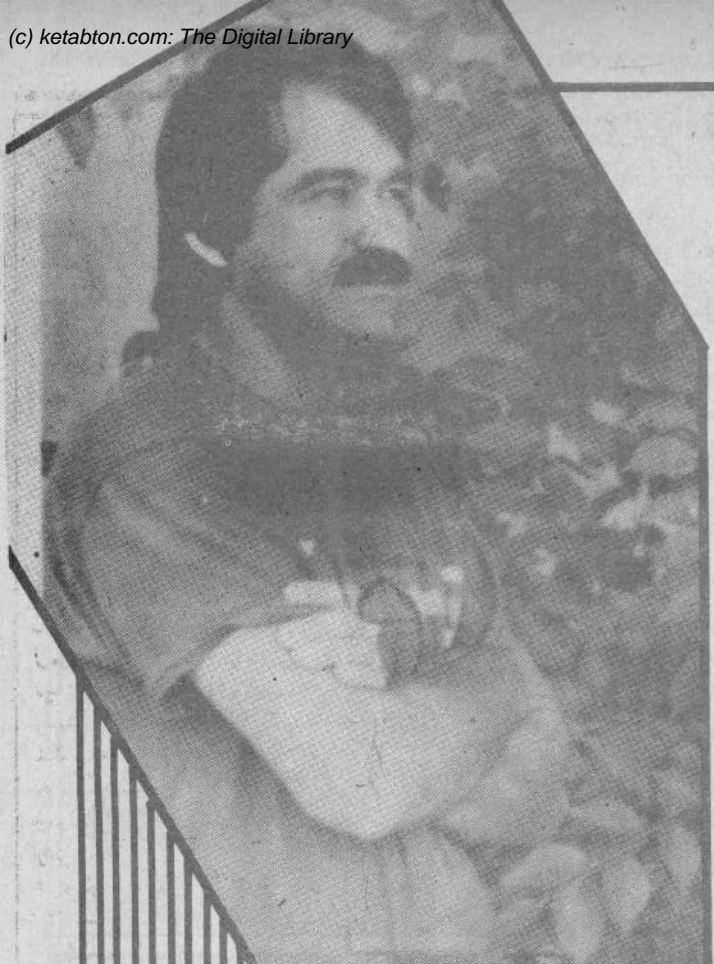
# دلم تنگاست

## از خنجره دیگر خرمای شیرین

# او خدا جان

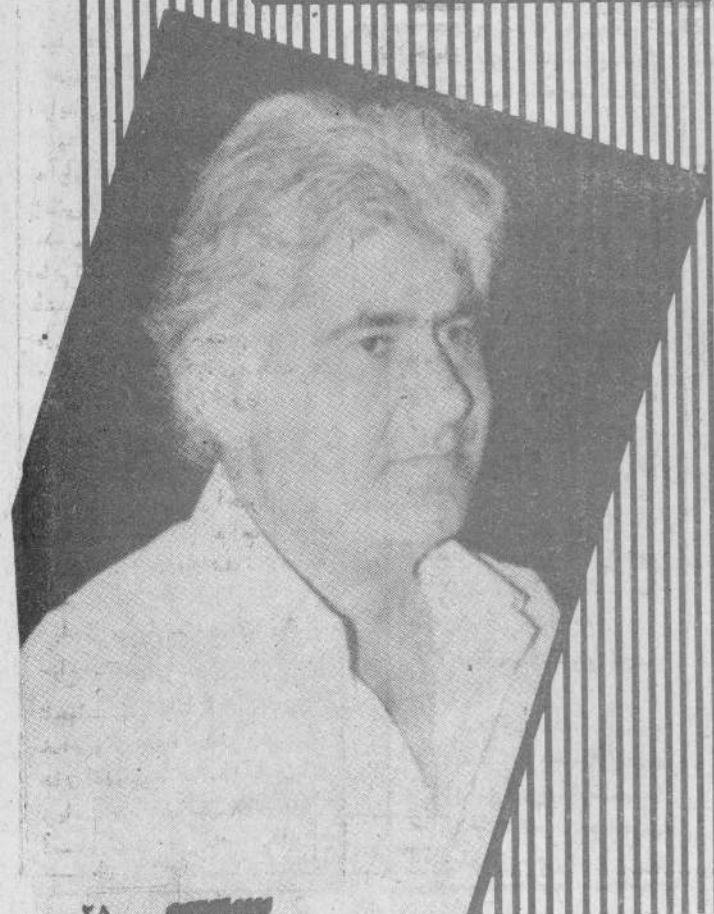






که می‌کنید چه خواهد بود ؟  
 ابرو هایش را بالا انداخته  
 می‌گوید :  
 - اولاً خود انکند که چنین  
 کاری شود اگر باز هم چنین شد  
 به دهکده بی مورم گانگه‌ها.  
 رم و از شیر آن مسکه هینوسر  
 و قصابی ته به منطام و در ضمن  
 می‌کوشم اولاد های زیاد به دنیا  
 بیاورم تا بانوای آنان غیبی  
 دنیا را فراموش کنم . اما این  
 را از یاد نهید که بد و ن مو -  
 سیقی نمی شود زنده گی کرد .  
 \* دو سال بعد خود را چگونه  
 پیشبینی می‌نمایید ؟  
 - من آن قدر به آینده نمی‌اند -  
 بسم آن چه برایم ارزش دارد همین  
 امروز است . آینده را خدا میدا.  
 ندوس  
 \* کدام ساز را سازگار حالات  
 خویش یافته اید ؟  
 گوی به جایی رفته است از آن  
 جا سخن می‌گوید :  
 - تنبور را دوست دارم صدای  
 بقیه در صفحه (۸۲) .

خاوی چه چیز بوده است ؟  
 باز هم می‌نماید که گویی حالت  
 را به خاطر می‌آورد و سپس  
 چنین می‌گوید :  
 - دو سال قبل نامه بی از پست  
 جویان دریافت نمودم که در آن  
 نوشته بود " دوست و سه سال  
 دارم به آهنگسازیت خیرات  
 علاقه مندم اگر صاحب دهنه فرزند  
 هم شهید حاضر با شاهروسی  
 نامم .  
 هر دو خندیدیم - من  
 پرسیدم که کدام آواز خیرات  
 چنان علاقه مندی زیاد داشت  
 رسید ؟  
 درنگی ننموده می‌گوید :  
 - علاقه خاص من به تمام هنر  
 خیرات در شریعت است که نسبتان به  
 صورت خاص از یکی آن ها  
 نام بگیرم .  
 برای لحظه بی هر دو سبک  
 پیشتر به خاطر آن که چوب  
 بان صحبت قطع نشود بهر هم  
 \* اگر موسیقی و آواز خیرات  
 سبب افلاک بود اولین گساری



# خرما شیرین و کرامت الله بار دیگر در ستیزهای افغانی درخشیدند

میشود، علت را بپرس ؟  
 خندیده می‌گوید قرار است  
 امروز روی تربت احمد ظاهر  
 بروم و به روح پاکش دعا کنیم .  
 \* قسمی که معلوم میشود اکثریت  
 مردم تاجیک علاقه زیاد به  
 آواز احمد ظاهر دارند، میشود  
 علت را بدانیم ؟  
 - نگاهش را از نقطه بی برمی‌کند  
 و ادامه میدهد :  
 - به خاطر آن که احمد ظاهر  
 شعرهای خوب را انتخاب نمود -  
 ده و آواز به نوقدم تاجیک  
 دارد و مردم میتوانند در  
 آهنگهایش تصویری از زنده گی  
 خویش را باز یابند .  
 \* در قسمت انتخاب شعر  
 چگونه نوقدی دارید ؟  
 - شعرهایی را انتخاب می  
 نامم که به گونه بی بازندگی  
 و پهلوهای آن در رابطه با -  
 شد و اکثریت بتوانند در همان  
 شعرها لحظاتی از زندگی کسی  
 شان را دریابند .  
 \* آیا گاهی موسیقی غرب را -

خامخرا شیرینا غاست که  
 باعلاقه مندی و سمیت خاص  
 آهنگهایش را برای شنوندگان  
 آوازش را که میدارد کما هم  
 سبب روز تاروز شمارا قسه  
 شدن آوازش از نوقدی میاید .  
 خرما شیرین با چند تن  
 از زورنالستان دیگر مصروف  
 مساحبه است . من هم منتظر  
 میمانم پس از آن که دیگران  
 رفتند من به پرسشهایم آغاز  
 کردم .  
 \* آیا از آواز خودتان خوش -  
 نشان میاید، چرا ؟  
 میخندد و بعد می‌گوید : خود  
 ستایی پیشه شیطان بود . من  
 خود را در هنر خود شرمندارم اما  
 هنر را در خود دوست میدارم  
 خوب در وقت صحبت مجلس  
 نا آرام معلوم میشود گاهی پارا  
 روی پای دیگران قرار میدهند  
 لحظه بی دستهایش را زهر  
 پخش می‌کند . و بعد موهایی  
 را با دست نیازش میکند .  
 بهرسم خیلی ناراحت معلوم

ان راه دارد تشکیل دادیم .  
 \* موسیقی تاجیک را با موسیقی  
 کدام کشورها در نزدیکی  
 و تشابه قرار میدهند ؟  
 بعد از اندکی درنگ می‌گوید :  
 - موسیقی ما نزدیکی خاصی  
 با موسیقی افغانستانی و هندسی  
 دارد که ما توانسته ایم این  
 موسیقی را در دیگر ایالت های  
 اتحاد شوروی نیز رایج سازیم .  
 \* در مورد نوجوان و پانفیلیسی  
 شدن موسیقی تاجیک چی نظر  
 دارید ؟  
 خود را تکان داده گویی چیزی  
 را از نظر میگذراند بعد ادامه  
 میدهد :  
 - موسیقی باید مسلکی و اساسی  
 آمیخته شود . در صورتیکه  
 موسیقی الفبا بی شود آن گاه  
 مشکلات همه حل خواهد شد  
 چه با آما تور بودن نمی شود که  
 موسیقی را به گونه اصلی آن فرا  
 گرفت و آمیخت .  
 \* به گونه بی که دیده میشود  
 شما آهنگهای افغانی را خوب  
 اجرا می‌کنید ؟  
 برای گهش این آهنگها چی  
 معیار هایی را در نظر می‌گیرید ؟  
 خنده معنی داری نموده من  
 افزایش :  
 بیشتر از همه احترام من نسبت  
 به آواز خوان آهنگ میباشد .  
 زمانی که آهنگ را پسندیدم  
 - می‌کوشم آن را طوری اجرا  
 نامم که نزدیک با همان آهنگ  
 باشد . گریه کای خوانی سبک  
 عمل پسندیده نیست . چرا  
 که با خواندن آهنگهای دیگر -  
 ان نمیشود جایی را گرفت .  
 اما کای خوانی نزد من مفهوم  
 خاصی دارد و آن این که به  
 نظر من کای خوانی احترام  
 و علاقه مندی زیاد به اصل  
 آواز خوان آهنگ میباشد نه  
 تقلید از او .  
 باختم سخنان کرامت قربانوف  
 سراغ آواز خوان شیرین کلام -  
 اناجیکستان را که با اداهای  
 خاص و دوباره خوانی آهنگ  
 های افغانی علاقه مندان من  
 زیادی در کشورمان یافته  
 است می‌گویم . بی قصدم از





# دځسر لالی

د ژواک لیکه

د موسم د کلونو د نازکو پاتو سره بیره پداده چې ستا د نښاسته گوتو مړول ورسره برخه دي .

لالی ! ته چې دوزیسی د سهار نهه بجو سره اشناهی ستا دي د نازک لونه د نازکوز و نو امله په تمه ده . لیکه د نښاست د بازار تودول تاته

جان سپارل غواړي . ته د ابا زارتو د ساته اوسرولوته یی به پېژده . ته نښاسته لالی یی ، د نړی درانه لمر وړانگی ستا د مخ لوري ته گړی راگړی . ستا سو د کوشونو د

درانه سهار وزیس خولکه ورنژدي کړی . داچی نن د پتنگانو د قافلې لوري تاته خبره دي ، په دې وخت کې د هغی زېدلې پانی لعا ظ ساته چې د زمان د توند با د خپېرې وهلی یو ، خړکته دورموشیو وا که ارد نښاست هنداره یواړی ستا مخی نه ونوله

لالی ! د تاندولېستولوري له نظره به اچو !!

د وړولسی دی ، شونډو شپږو مری پوښو وخت لاسی هغی خواک شه تر تگور وپوښه پام په گاردي مکه هلته د کلونو د سره اتق یو سره شری یی ، د هغی لالی ! پوهی یی لېوخت پخوا به ستا د کلاسی خبری شخه د هغی پتنگان یی یوازې اوسا نښاست سره به یی یوازی ، ستا د نښاست د هغی قدر یوازی ساتلید کیده . تاته د زانی پسه ولوش هغه ماته گڼه کیده د بهادری !

د نازک لالی ! د نښاست په دې رنگین گژار کې ، د نښاست د باغ د شاکو گور تاندولسی لښکر ته پام گول د هغی د غږی ملکی ستا د هغی رابولسی .

دا ستا پام به هیره و ا دلته چې د موسم غږکی د پتنگانو د انتظاریسی د دې موسم او براد وینه یوازی د هغیسی خولی هکته به را بڼه . د هنر لالی !

لا مېر کړی دی ، ووايه د نښاستو سره د نښاست په بازار کې ستا د معاملت تاته سه یی ؟

لالی ! که د نښاست د حساب ورکولو د حشر په وچ ستا سره د نښاستو د هېرولو او هېریدو د سپارلو حساب وشو ، ستا د سپین تندي ، شین خال ، واداغ لېرې کولای شی ؟

لالی د ښکلی هنر لالی ! منم چې ستا سره لاسونه او اورغوي به هلته د حساب د پاره واورې ، راوړې خو د دې سرولا یونود حساب ورکولو د پاره دنورو نښاستو په سرورینود ک زړونو ته سوپ ته شی ورکولای .

د نښاست مغروري اوسه

نازېرې !

منم چې ستا د مخ کلاب ته د پېرزه واغلو پتنگانو د هډکی اتن جوړې اوستا ستا زې ستا د هنر د تاج محل د مرصنو تېرو مخی ته د وړی

خو سره نښاسته یی ، ستا د اوبل پرمخانی د نښاستو نږونه پېر شاه کړی دی ستا د نورو شکر گرانو سره پوښو د نښاستو د افرته کښوول . ستا د حسن شخه تر پل لېرې کول یی موه زړونه د هغی سره اټکاره و سپارل ، پوهی یی چې ستا د هغو شخو هم د زړونو نښانی خطا کړی ، ستا د خیالی مړوند په اړلو سره راوړلو سره خو مره زړونه د نښاستو په سیندکی لاهوشون منم چې ته نښاسته یی ، ستا د سره کلاب به په سرورینودو شرمولای شی ته نښاسته یی ، تاته د حسن د بازار د گڼدلو وړ خلاص دی .

کولای ! پوه یی چې خپل حسن پرماته نښاسته کړی یی ، او د خپل نښاست د کلونو هنداره دی د لاسی شخه و نه لوڼده او هنداره هم ستا د نښاست په پوښو ته شریږده خودا چې د هغی نښاست به غرور د نښاست و نښاستو لوري ته شریږدای



که چگونه همه مردم چین خواستار مجازات وی میگرددند . گماهیتم کرد تا او یک لحظه در باره جهانات و حوادث ( انقلاب کلتوری ) نکرکند . در یکی از مینتنگ های ( خونفینها ) اشتراک و ضمن ابراز نطقی چنین گمت: ( مائو برای همه شماسلام می فرستد ۱۰۰۰ ) وید نیال این جمله اشتراک کننده گان باشعور و همچنان نهاد زدند: " از رفیق مائو باید بیاوزیم ۱۰۰۰ احترام به رفیق سزنان سن، تا آخرین قطره خون خود ذره شما ایستاده ایم ۱۰۰۰ " فعلا شعار کمالا تغییر کرده بود . ( سزنان سزنان سن را به ده هزار بارجه باید برهد ) ( )

مکن از روفیسوزان پوهنتون نپهاریک بنام ( اوکسانا اونیک ) در سال ۱۹۷۱ - چندین هفته را با سزنان سن سپری نموده بود چنین اظهار نظرمی کند: پسزبان سن را باید به مشا بهیک فرد با شعامت پسر هادی و پسر بره پیشگام انقلاب یاد کرد ) سزنان سن چندین سال را در ستر مین سیری کردی در مسکو تحت تدای قرار داشت داکتران میگفتند کهوی به مرض سرطان دچار میباشد . اما با شعامت نهادحتی مرض سرطان را به زانو در آورد .

سزنان سن همیشه احساس عدم اعتماد نسبت به مائو داشت . مائو بعد از طلاق خانم اول خود که یک دختر مادی از فامیل دهقان بود بر اساس اصرار فامیل مائو با دختری از یک فامیل روشنفکر ازدواج کرد از او نیز همراه با سه طفل وی جدا شد . زن سومی مائو بخاطر ( اخلال دماغی ) به بیمارستان عقلی و عصبی نگهداری میشد . مائو علاوه بر آن دوهمرت نزدیک را ( پوشا - وسی و لنهن پهاو ) را بقتل رسانند آما سزنان سن نمیتوانست خود را آسوده احساس کند ؟

انقلاب فرهنگی از یک طرف سزنان سن را در کرسی بیوری سیاسی حزب کمونیست نهیست رسانید ، از جانب دیگر چین را به عقب راند و جوانان چین را از لحاظ اخلاقی و روحی معیوب ساخت .

سزنان سن را مانند ( لاورینتیا سها ) - مردمانی محاکمه نمود که در مقابل مکت خود بی اندا و مقصر و گناهکار بودند . ملت چین باید تحمل داشته باشد که واقعات جدید در باره " همسر چهارمی مائو " برآید و همچنان این تحمل را باید داشته باشد که واقعات نهادی را که از سالهای ۱۹۴۹ بدین سو در آنکشور اتفاق افتاده بدانند .



# پیوه مائو

## خودکشی

### کرد

از مجله عصر نوین چاپ اتحاد شوروی

ترجمه احمد سنها

همسر چهارمی و اخیری مائو خانم ( سزنان سن ) هنریشه سابق و عضو بیوری سیاسی حزب کمونیست و مشا به الهام دهنده ( انقلاب کلتوری ) در حدود سی سال با بیگبری و تلاش زها د تقیها موفق شد تا به تنهای بالای بزرگترین ملت سزنان حکمفرمای کند ، وی تصویری کرد که به هدف خود نزدیک است اما بعد از مرگ مائو قربانی مبارک قدرت که خودوی به هاسال مصرف آن بود گرسد .

قبل از مرگ خود مائو برای وی ضمن نامه نوشت: ( فعلا مائو هم دیگر جدا میشود هر کدام در جهان خود بسر خواهیم بود ، صلح و بیوری را برای همه ما آرزوی کم . ممکن این چند جمله آخرین پیام من برای تو باشد . زندگی انسان محدود است اما انقلاب سرحدات رانمی شناسد اما تو میتوانی به عالیشان مقام برسی اگر توبه این هدف نایل نیامدی در آن صورت به صورت گنم سقوط خواهی کرد ، تن تو پارچه پارچه خواهد شد ، استخوانهایت خواهد شکست ) ( )

مائو ضمن به تاریخ ۹ سپتامبر سال ۱۹۴۷ در گذشت مراسم سوگواری او هشت روز طول کشید . در سبد گلی که برای مائو همسرش سزنان تمبه دیده بود نوشته شده بود: ( شاگرد و هممرت تو ۱۰۰۰ ) و تصدا نمی خواست بیوه مرد کبیر باشد بدین ترتیب خواست این مطلب را افشاده نماید و تصمیم گرفته بود تا جایی او را پرنماید . سزنان همیشه خاطر نشان میساخت: ( پگا - نه را می گاز تبدیل شدن شخص به مهره شطرنج جلوه گبری می کند پدست آوردن قدرت است ) (۱۰) خلق مائو اقای هواگو فسن تمبه این شکل فکرمی کرد .

هواگو فسن فرمان داد تا سزنان سن را از عضویت بیوری سیاسی حزب کمونیست چین اخراج و در زندان انداخته شود . پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به " بهترین اسم وضو جنبش کمونیستی جهان داخل اقدام گردید . کمیته مرکزی خطاب به مردم چین چنین اعلان نمود: عضو بیوری سیاسی خانم سزنان سن در سال ۱۹۳۵ توسط سزنان جاسوس ( گومیندان ) استخدام شده بود .

و در سال ۱۹۳۷ با اینهان نمودن هویت خویش واقعیت را کتمان نموده اصل و نسب نمودالی خود را پنهان و بدین ترتیب در حزب راه پیدا کرد . در زندان سزنان سن نمیتوانست ببیند



# چگونه خواهد آمد؟



نخواهد داشت.  
چنان برای عدد از شهرستان  
گاز مایع نیز آماده فروش است  
که انتقال آن در شهر کابل  
رودت گرفته شده است

**منبع صحبت:** معاون اول  
وزارت معادن و گسترش  
معدن

۱- ذغال سنگ:  
امسال در نظر است تا در  
توزیع ذغال سنگ بی غداست  
های سال های گذشته تکرار  
نشود. تثبیت شده است که  
پتجاه هزار تن ذغال سنگ  
به کابل وارد شود. در زمینه  
رهایست ترا نسبت سکتور -  
خصوصا تا اخیر عقب مانده  
در این مساله است البته  
انتقال آن از همین اکنون آغاز  
شده است و در دروازه تاجیکه  
شهر تاجیک آن ادا به دارد  
برای سهولت تعریه تحویل  
پول در شهری شانگه های  
مختلف و در بانک های مختلف  
قابل اجراء است. باید خیسر  
قسمی ذغال توزیع آن آغاز خوا  
هد شد. البته قبل از توزیع  
است های مستحقین تثبیت  
شده از طریق نواحی شهر  
کابل این پروژه پیش برده می  
شود.

**منبع صحبت:** انجنیر فضل  
احمد رئیس برق کابل  
صحنه های را  
که از مسئولین امور خردانه هم  
نشانده اند این امر است که  
باید نسبت به این مشکل مردم  
حکومت تداوم جدی توهمراه با  
ظرفیت های واقعی که بتوانند  
نیاز مندی های مردم را تکفیل  
نمایند اتخاذ نمایند.  
در حالت موجود معنسی  
پوست کده مسئولین اینست که  
تخل به مقدار کافی وجود ندارد  
ناید تهیه شود. ذغال سنگ  
هنوز به مقدار کافی به کابل نرسیده  
شاید برسد. برق فعلا  
وضع بهتر دارد اما ممکن است  
وضع آن بد تر شود و اما مردم  
چه کند؟

**منبع صحبت:** دوکتور کد امسی  
معاون وزارت معادن  
و صنایع کوهستانی

۲- انرژی برق:  
خوبه فخانه امسال بنام  
باران برق های زیاد سال  
گذشته وضع آب نسبتا بهتر  
است و از این جهت بر چسب وی  
برق در وقت های طولانی تر  
صورت میگردد البته در هشت ماه  
در امسال مشکلات بهالاستر  
برچا وی برق به وجود خواهد  
آمد. زیرا در این فصل بخش  
بهتر مردم به مصرف برق توجه  
بهتر مینمایند و بر علاوه  
تجهیز پخت و پز توسط برق صرف  
رت میگردد. ظرفیت های موجود  
چند تولید برق برای شهر  
کابل به تناسب مصرف آن نا  
کافیست

شهر کابل توسط ۴۴۰  
برق و ۳۴۰ برج برق بر بوسط  
به فایده گات و در ویر دولتی  
از انرژی برق مستفید می شوند  
در بخش برق انرژی حرارتی  
مشکلات عدم موجودیت تهسیل  
وجود دارد و فعلا در ایمن  
مورد مشکلات کماکان پابرجاست  
وزارت آب و برق با اصلاح و  
تتاز پروژه های جدید میتوانند  
برق بیشتر را تدارک نمایند به  
اسمار و وجود پولی نیاز نیست  
است که با مصاد شدن امکان  
نات تسهیلات فراهم می شود  
و بیشتر اینکه برق به موجودیت  
آب در دریا های که در مسیر  
بند های برق جریان دارد  
متعلق است.

۳- انتقال مواد نفتی:  
تجهیز و تدارک مواد محروم  
قانی در فصل زمستان برای  
شهر کابل کار خیسر  
مشکل است از یکسو مشکل انتقال  
لات و از سوی دیگر کمبود  
محرو قانی از طرف هم انتقال  
مواد به مرکز دست به دست هم  
میدهند تا مشکلات را جاکسر  
سازند.  
در رسانهای اخیر بنا بر کمبود  
چوب ذغال سنگ و انرژی برق  
فشار معنی بالایی مواد نفتی وار  
شده است به همین سبب نفت  
کمیابی کم شده است و از جوری  
نست آن در بازار های جهان  
افزایش یافته است.

در سال جاری حکومت تصمیم  
دارد تا از منابع داخلی مقدار  
نفت خام را تهیه نماید همچنان  
تداوم اشتغال شده تا شرکت  
های نفتی بین شخصی میاید  
نفتی را تولید و از طریق پست  
استیشن های دولتی توزیع  
آن را تنظیم نمایند تا نیای  
در این زمینه وجود دارد توارب  
داد های هم صورت گرفته است  
البته برای شهر کابل کویون  
های جدید جهت برای مسافر  
نفتی توزیع خواهد شد. هم  
استثنای برای مستحقین فروش  
در یافت مواد نفتی و جیسود

از جمله سال به این سو زمستان باد شوری و ناملایماتی خاصی  
مهمان عزیزین ما می شود. زمستان همیشه فصل تا مهر با تست  
امایزای مردمی که آتش و تان ندارند نامهربانتر به یاد داریم زمستان  
سال ۱۳۲۷ را که کودگان مادم بانوای ها وقت پست استیشن  
های تیل جفت شدند و به خاطر دارم برقیهای سنگین وزن سال  
گذشته را البته که بات آن اراده نبردند و بر این سختی صبر  
ما برده است البته آنچه که در امکانات است مردم از آن استفاده  
نمایند. بکنند از مواد نیز کم است ست چیز های با مشکلات  
دست میاید ولی حقیقت اینست که مردم هم شرایط جنگه را میداند  
هم سوزان را درک میکنند هم معنی محاصره اقتصادی را بلد اند  
ولی با آنهم خانه ایگه سرد است آتش میخواهد و شکی که گرسنه  
است نان میطلبد و تن برهنه را باید پوشانند.  
حکومت در رسانهای گذشته با اتخاذ تدابیر توانست باری از  
مشکلات را بر دوش گیرد و چاره سازد همچنان تدابیر اضافی فرض  
حل یک سلسله از مشکلاتی که در اثر رو آوردن هواشناسی از اولیایست  
به شهر کابل به وجود آمده نیز اتخاذ گردید. واقعت اینست  
که کابل شهر چند بار اگر چقدر از نفوس کم شده است. برق شبکه تولید و  
تسخن خانوادگی هاتوزیع مواد قفایی مواد مورد نیازان در زمستان  
همواره بنا بر افزون بودن نفوس و کمبود امکانات باید اقل شبکه  
خدمات اجتماعی مشکلات خود را میداشته باشد اما یک سوال مطرح  
می شود. آیا قدا میر حکومت به موقع اجرا میشود؟ آیا آنچه در  
دسترس است عادلانه توزیع می شود؟

ما برای زمستان طلال روان هم تشویش داریم و هم امید.  
زمستان خواهد آمد اما بی دایم و بی ندامت مردم معتمد  
پوشان اند و وضع اقتصادی خیلی مردم بر سر صحنه ساخته است  
هنوز جنگه میبارد و هنوز جنگه راه میگذرد. هنوز جنگه مسوولان  
خانوادگی را جوانان و نان آور و نیروی کار کاروان مشغول خود  
نگهداشته اند اما اینکه آنها را از صحنه زنده کن دور بوسازد صحنه  
ستم مسوول این امور به سوالهای بسیار در این مورد پاسخ  
بگویند که واقعا چه داریم؟  
آیا مردم تشویش داشته باشند یا امید؟

کزاره گوی: همیشه "سیدی"

۲۸



راپورتاژ

# احتیاط کنید!

# تقلب

در



وقتی به شهر میرویم و میخواهیم  
چیزی بخریم در هر مورد در هر  
قلم و سواست داریم که می-آدا  
تقلیب باشد، مبادا کم باشد  
مبادا فریب بخوریم و ازین گونه  
تقلب امروز نه تنها در سنگهای  
غیرشیشه بلکه در اجناس ولوا نیز  
متشلف، خوراکی ها و مسکه  
اجناس وجود دارد. کفتر  
کسی است که قادر باشد یک  
تولیدکننده را دیوکت یا  
ویدئو تپ جایانی اصل را با  
ساخته عوض آن که از اینها  
کوبه و تاپوان می-آید فرقی بگذارد  
مثلا بسیاری هم نمیدانند  
که تاریخ سپری شده ادویه  
تجاری، کرم دندان، لوازم  
آرایش، رب پادنجان رومس  
کسروها، شکر خشک، پنیر، مسکه  
روغن و ازین شمار را چگونه  
در نظر بگیرند و چه عواقب  
منفی را این تاریخ سپری شده  
در قبال خواهند داشت؟  
من گزارشی خود را از - آه فر-  
چشکا مهرکه افغان اعظمی بستم جا-  
یک تقریباً یک از نقاط مرکزی





# محمد جا در محمد خیر

شهر است . در اطراف دیکانهای مختلفی وجود دارد . و آنسو دست فروشان و فروشنده گان دوره گرد . کس بالاتر تصایب و در کنار آن رستورانیت ، در مقابل بازار و فروشگاه بزرگ افغان و افغان نشنل بدر جست غریب شویخ پری ها ، شور - خود و پشتو بعد از نه سزای لیلان !

میخواهم از ترکیاری و سبو فصلی خریداری کم چسی صمیم :

سنگ وزن که از خشت و آهن های عالی نمعه شده معادل وزن حقیقی نیست ترازوهای بانگ دار اند و اگر یک جنس را در دو ترازو بسا تعویض جا وزن کس می بینی که یک پاو ، پاو نیست و چارک حتی سه پاو نیست !

بالای کراچی سبب فروش تکه سرخ رنگی نصب شده که سبب های سبز و خام را پخته می نما - مانند وقتی در خانه سبب های چیده شده خود را بار دیگر

می بینی متوجه میشوی که تریب خورده ای !

میخواهم بزیج و ماشرو لوبیا را قیمت کم . نرخها خیلی گران است و دکانداری که میخواهد خود را صادق تجاره دهد - میگوید برادر بازی نخورد و تمام بازار بزیج خوب نیست نه سبب میدهند ، فقط من خودم از بخلان بزیج خوب آورده ام به تمام سده بزایت صدمه . آبا باور می کسی سر راهم خانمی آمد که خرید طه - می از سودا در دست داشت پرسیدم :

خواهر ! چی خریده ای؟ - گفتم از منای کویونی گرفته ام - علاوه گرفتیم وزن آنرا دقیق بسازم زمانیکه ۷ کلو بود و وزن کردیم ۶ - کلو بود و وزن نیز مقدار کمتر از اصل بود .

برای خرید تخم من نمز باید - آنرا در مقابل نور آفتاب بگسری که مبادا بجای زردی و سفیدی ، چوجه می در آنجا باشد - و زمانیکه میخواهم از تکه فروشی چوری را این بگم نمیدانم

کدام جنس تکه اصل و کدام بدل است . یک متر قافه را باید به پنجم افغانی بخن ایسا این پنجم افغانی راه آب - انداخته ام با چیزی بدر بخور خریده ام .

وقتی آنرا تکه را می کنند می بینی که حتی یک سانتی آنرا به نفع خود می برند . شهر خشک را نمیتوانی فرق بگذاری انواع و اقسام شهرهای تازه خور شده را می بینی که به قیمت های مختلف از ۱۲۰۰ تا ۲۶۰۰ افغانی به فروش میرسد . جالب است که مثلا در فروشگاه انوب واقع مکرهون سوم یک کلو شهر خوب ۱۰۰۰ - افغانی است اما در شهر همین شهر

به ۲۶۰۰ تا ۲۰۰۰ چسرا؟ بقینا که در جای اولی انصاف است و در جای دوم نیست و آیا کدام مرجعی وجود دارد که شهر تاریخ گذشته را از بازار جمع آوری کند ، چرا که بیشتر این شهرها بصرف ساختن آیسکرم و شیرین ویا الحقال

خورد سال میرسد .

در سزای لیلان با بعضی نمونه های از لباس های ساخت وطن برخوردارم که بنام لیلانی فروخته میشود درین باره تجربه نمیکم . دوستی را دیدم که با تصایب دعوا داشت پرسیدم چرا ؟

گفت دهر روز از او گوشت خریده بودم در خانه متوجه شدم که گوشت بو میدهد معلوم شد که وی از مزاول سف گوشت گرفتند یا بزرایج شده میخوا - هدو در طول راه این گوشت ها بومی گزند اصلا در باره تصایب های سار با - گفتم هیچ تصنیف وجود ندارد که این تصایب ها مطیعین باشند مردم به گوشت های سن و خون دار که بمعنای ذبح نشدن حیوان است توجه نمی کنند . درد و آخانه میخواستم ادویه خریداری تمام اما متوجه شدم که اکثر دواها هندی است و این راه را ترجیح میدادم که اکثر دواهای ساخته چینه در صفحه ( ۸۴ )



# راځه داد پخړ کي پښان

اختره له همدې اوسنځخه  
ندارې چېر شونکو نه دناسم  
او ترنښت درې ورکړې او همداس  
رنگه دمعلمانو اختيارم ولري))  
او خپل جاي يې وځنه او خپلگي  
ته

په اوزده دهلېزکي دهلکانو.  
چغني او بوغاري هره خواصوي  
محسن چې ورو ورو يې ندم -  
اخست، داسې احساس راوړ  
چې په هغه لاره ندم زدي، کوم  
چې په رنځ او شور ختمېږي.  
هرکي دواړه رنځ او شور  
دټولگي په وروستي خوگسې  
کې يو هلک ناست وو په لسوړ  
زغ سره وويل:

(( استاد، زما پوښکي  
کېسه زده ده))

محسن په هغه دهلېزکي  
چې په پای کې يې دده ټولگي  
وه وروښت گام اخيست، پ-  
نډه سره نري کې دادده لو-  
مړنې تسميره په اوبه دي نه  
پوهېده چې په ټولگي کې به  
دنده څه ورپېښ شي، نو  
په دې ډول يې هغه کولسه  
چې هغه وخت تر راونه رسېږي  
تېره نيه تر گه پدې په خپل  
پيښتر دپخوا او انوار اوونست  
اوبه دي هلک يې نکر کاوچسې  
دخلکو په م کې درېدل همومره  
گران کار دي. دغه دپاره...  
ورپېښ له دې نه چې سړي پوه  
شي کوم شي يې او کوشن يې  
دي، ژوند تېرېږي خواصا  
سروښن دا ژوند وروستې نښاي  
دي چې سړي يک زده کړم  
کوي؟

ابا تاته خپله، له شور -  
نمې څه درې په باد دي)) او  
په دغو پېښه انکارومره وده  
شو.

گه پخ کلې چې له خوبه راپات-  
خپدې نښايې ځان دمدبر خپو نسې  
ته راوړسارو.

هائې پر کوم شي باندې خپري  
ريزان وي، خو محسن ورته  
څېر شو او دنورو بونکو خبره-  
ته يې غوږ ونيو. دوي هم په  
هغه هلک خبرې کولې، کښو  
چې دمحسن فکر يې مشغول  
وو، خو تېرېږي دا وچسې  
دوي له بله نقطه نظره پسر  
موضوع باندې بحث کاوو.

نمې څه درې په باد دي)) او  
په دغو پېښه انکارومره وده  
شو.

گه پخ کلې چې له خوبه راپات-  
خپدې نښايې ځان دمدبر خپو نسې  
ته راوړسارو.

هائې پر کوم شي باندې خپري  
ريزان وي، خو محسن ورته  
څېر شو او دنورو بونکو خبره-  
ته يې غوږ ونيو. دوي هم په  
هغه هلک خبرې کولې، کښو  
چې دمحسن فکر يې مشغول  
وو، خو تېرېږي دا وچسې  
دوي له بله نقطه نظره پسر  
موضوع باندې بحث کاوو.

کېسه زده ده))  
خوښا باندې کښېږدي: ده په  
تيل ټول زور سره پر همدسې  
نشار راوړ، خو رڼه ترې خړا  
توه او په شترگم يې ورننوته.  
دناسو سره څه خوږ وو، زما  
پلار پوه سړي وو او داسې  
زېره يې در لوده چې نه اوز-  
ده وه او نه لنډه. ده ډ پسر  
کار کاو او کاسې هم به وو  
هميشه به له ده سره پوهنو-  
ره کوشن وي او هغه به يې  
چېرولې اوله سره به يې نوي  
کولې.

کېسه زده ده))  
خوښا باندې کښېږدي: ده په  
تيل ټول زور سره پر همدسې  
نشار راوړ، خو رڼه ترې خړا  
توه او په شترگم يې ورننوته.  
دناسو سره څه خوږ وو، زما  
پلار پوه سړي وو او داسې  
زېره يې در لوده چې نه اوز-  
ده وه او نه لنډه. ده ډ پسر  
کار کاو او کاسې هم به وو  
هميشه به له ده سره پوهنو-  
ره کوشن وي او هغه به يې  
چېرولې اوله سره به يې نوي  
کولې.



د اوسنځخه د ۱۹۳۶ کال  
د اپرېل په مياشت کې  
د نلسټون په شمالې برخه  
عکايه سيمه کې زېږېدلې دې  
د هغه کوچنيمشوپ د پانامه  
پارټي ترمشو او پيايې په کال  
۱۹۶۸ کې د نلسټون د اشغال  
له کبله له خپلې کوره تې سوه  
نمورې ته ولاړ او د نلسټون  
مېشته شو. کوم چنې عسان  
له خپلې کوره تې سره په فکري  
زړوند کارو او همدې خبرې دده  
پر روحيه باندې لويه اغېزه  
کړې وه. ده په د نلسټون کې  
خپلې زده کړې پای ته ورسولې  
او پيايې حقوق لوستلو ته ادامه  
کېښو وو.

پولې يو صندوق وچې له لرگي  
او پيسې اوږه پانگه ونيو  
څه چې ورو ورو په صندوق  
کې غبرگه پوځو پيښو او خنداڼ  
پېښو ته لېدلې -  
پېښه کې سړي پر ټوټو پياوړو  
شل کېږي، بريا ته وړي واي  
جانو دپه د لياره هم يکسې  
ځاي ته وړي، که چېرې ده غو-  
نښت چې کښه چېرې کړي، نو  
چېرې ورو چې له صندوق څخه  
راووتې، زما د پلا صندوق د  
پوښ ټولې په لاس کېښلې  
اوسولې، دوي ورو چې تر هغه  
پورته دپه څه من سړي مانې  
وو، که چېرې کوم سړي دمانې  
په سر درېدلې واي، هر ورځ  
پوه يې شي، او اوسنځخه کې  
د صندوق په موجوديت به نښاي  
وه شوې. هغه څه مړتې چې  
په ځنګر را پورته شوې وو، د  
صندوق څخه يې ډيره خوله  
نوره دې توگه زما پلار هېڅ  
کله په دې هلک فکر نه کاوچسې  
د مانې څښتن به يې پتې -  
جاي پيدا کړي او دې به لڼه  
ده تپايه وشړي، د مانې  
څښتن هېڅ کله د باندوي نه  
راوت، دده خدمتگاران دې  
نه چمتو وو چې هر څه دي وو.  
نورې هماغسې وکړې، د څښتن  
خدمتگارانو زما له پلار سره دده  
د راز په ساتلو کې لاس وکړې  
وو او ددې په بدل کې زما  
پلار د همدې کوشنې وړيا جو-  
ړولې. زما پلار په يه جدي توگه  
خپل کار کاوو، اوله چانه نه

سېده.  
ټول خلک به دې پوهېدل  
چې دې کولاي شي کوشنې نوي  
کړي، په دې توگه به ورځ به  
ورځ خلکو ده ته ډيرې کوشنې  
را وړلې.  
زما پلار به دښينې تر ناوختې  
پورې کار کاو او پوره به يې پسې  
وېل چې:  
(( لږ ژر به زامن پيو -  
نمې څه ولېږم)) او ورپه  
سې وېل چې:  
(( پېر زده په وروږ به آسوده  
او ارامه شي))

خو دلته کوچنې هلک نور  
څه ونه وېل او غلې ودرېده.  
محسن په لوړ زغ سره وويل:  
(( ولي دخپل دوست  
لياره لاسونه نه کوي؟ ايا  
تا سو له دې کيسې څخه  
حيران نشوې؟))

هلکانو وويل چې جز غواړو  
دکسې پاتې بېرته هم واورو.  
محسن کوچنې هلک ته مخ  
رواړا و چې: (( ستا کيسه  
پاتې لري؟))  
کوچنې خپلو خبرو ته داسې  
ادامه ورکړه:  
(( له دې مياشتې پوځه  
ډېر وخت تېرېده چې د پلار  
په مخ کې مې ډېر کار انبار  
شوې وو، کار دومه ډېر وروږ  
ده نشو کولاي کوره راشي.

مور جز په وېل چې هغه يې  
له دې چې له صندوق څخه  
راووتې، شپه او وروځ کار کوي.  
څښتن سړي به هڅمه پېرېده  
کې کښناسه او ډول ډول مړي  
به يې خوړلې او پوښتې به يې  
له مانې نه کښه راجولې، چې  
سهار به شو، نو غونډې به د سوهو  
له پر ستگو څخه ډکه وه. داسې  
چې خدمتگارانو به نشوای کولې  
لايې چې زما د پلار صندوق دپوهو  
په ضلع پيدا کړي، مورمې  
وېل چې دې به دومه په خپل  
کار کې پياوړو چې هر هغه څه چې  
په صندوق په سر لوبدل، دې  
په پزې خبره وو.  
ډېر خلک داسې فکر کوي  
چې زما پلار عادت لري دصند-  
وق په منځ کې کښينې او په خپل

کار بوخت وي، خو کله چې  
خپل کار پای ته ورسوي پياوړو  
کوره يې، مگر زه داسې  
عقيده لرم چې دې هلک مړ  
نوي دي.  
هلکانو، کوچنې به لاسونه  
ونکول او کوچنې هم به ډېر  
وقار سره پر خپلې نښاي کښينا-  
ست، په دغه وخت کې پسر ورو  
ښيښو شترگو دمحسن وخواښه  
روبي روبي کتل، محسن چې  
دکسې تر ناښرا لاندې راغلې  
وو له کوچنې هلک نه وغوښتل  
چې له ده سره دمدبر دفتر ته  
ولار شي، په لپاره کې يې پو-  
ښتنه لمنې وکړه چې: (( ايا  
ته په رښتيا سره پوهېږي چې  
پلار دې مړ شوي دي؟))  
کوچنې هلک وويل: چېرې  
(( پلار يې نه دي مړ شوي، ما  
دې لپاره دا خبره وکړه چې  
خپله کيسه پاي ته ورسوه، که  
داسې مې نه وای وېلې نو زما  
کيسه به هېڅ کله پاي ته نه وه  
رسيدلې، خو مياشتې وروږ  
اورې رامنې او دلته تودو غم  
په هغه دسوهو پوښتې کې کړې  
په پيايې کې به ددسوهو زور  
شي او پلار به مې وکولاي شي  
چې هغه له خپله سره اېښه  
کړي، او نوي راوړي.

په دې وخت کې محسن او  
کوچنې دواړه دمدبر کوشنې ته  
ورسېدل، او دواړه ورننوتل  
محسن دپوهو وويل: (( زما  
په ټولگي کې يو هوسيار هلک  
شک د هغه د پلار کيسه واوره))  
پلار کيسه دې څنگه ده؟  
زما پلار پوه کوچنې همدسې  
در لوده او په خپل کار کې ډير  
ماهر وو، پوه وروږ دده او اړو  
د مانې څښتن غوږ ورسېده.  
د مانې څښتن هر څه چې  
ژوي کوشنې ډول وې، د زما  
پلار ته راوړي تر څو هغه جو-  
ړي کسې، د مانې څښتن  
خدمتگارانو دوه ورځې همدسې  
ته ژرې کوشنې راوړلې داسې  
چې زما پلار د هغو په منځ کې  
لوب شو، بېکله نوره دکان  
کې نښاي نه وو، دمدبر لږ څخه  
له نښايه تکرور او پيايې وويلې

پاتې په (۸۲) مخ کې



ابراهیم در کمال امواج آتش و دود فرو رفت و شعله های خورشید از هر سو او را فرا گرفت و غمرو آتش صدای او را فریاد میزد. اکنون بسیمین آتش با ابراهیم چه کرد؟ آتش قهر مند های ابراهیم را بسوخت و بگداخت و او را آزاد ساخت و خدا تعالی سوز وحدت آتش را از او فرود گذاشت و او را بر او سرد سلامت ساخت.

پس از چند روز که دود و شعله آتش فرو نشست، قوم منظره ای عجیب دیدند مشاهده کردند که ابراهیم سالم و سرخوش و آزاد بیازید عوت مشغول است. ایمن منظره ایشان را متحیر و مبهور کرد همه طوری که از شدت انفعال و شرمندگی سر هار از بهر افکندند و ستواری و متفرق شدند.

**ابراهیم و سرود**

این سرود است حیرت افزا و معجزه عظمی و سرود را جز طغیان و دوان نمیفرود زیرا ابراهیم را دشمن دستکامیاجیل و هادم بنیان جبروت خود میدید و از این رو ابراهیم را بسوی خویش خواند و با او بنای مجادله و احتجاج گذاشت و وقت این چه فتنه است که برانگیزد ای وایمن چه آتش است که افروز خفته ای؟ و آن کدام خداست که بسوی او دعوت میکنی؟ مگر بجز من خدای سراج داری؟ و باغیر از من معبودی را سزاوار عبادت میدانی؟ کست که در مرتبه ازم افزون باشد؟ مگر نمی بینی که تصرف شد بهر اهورنیش و ابرام قضایا در دست من است؟ فرمان من نافذ و حکم قاطع است و مردم چشم بر حکم و گوشت بر فرمان من دارند و همه بمن امیدوار و از من هراسانند آیا با وجود اینها در خدایش من تردید داری؟ سپس گفت: چرا اتفاق و اتحاد مردم را بر سر زده ای؟ و تنهائشان را در هم شکسته ای؟ هرورد کاری که سویی و دعوت میکنی کدام است؟ و خدایش که خلق را بعبادتش میخوانی کست؟

ابراهیم با اعضای آرام و خاضری - مطمئن و بیانش روان در جواب سرود گفت: هرورد گار من آند است که جان من بخشد و جان میستاند و تنها دوست که خلقت ایجاد میدهد و نابود میسازد و توالم بشمار میآورد و آن را تا پایان عمر منسیر و اجن معد و زبها میدارد. در اینجا سند احتجاج نوربند ابراهیم در نندان او هام سرود را در هم شکست و ولی سرود از سر فرود و جبروت راه منبره و مجادله پیش گرفت و از روی مخالطه با آئین سفسطه گفت:

منهم هر که را بخواهم و پس از آنکه در زمانم را با او نمودم در پرتو خویش

زنده میدارم و همچنین هر که را بخواهم فرمان خویش بچنگال مرگ میسپارم و جان از کالبدش بدر میآورم.

سرود بدینگونه جمال حقیقت بیان - ابراهیم را در خصوص انشاء حیات و بخشیدن و باز گرفتن آن در پرده سفسطه و مخالطه بپوشید و دست بدامن حیل و تزویر زد و ولی آن مشرور جاهل کجا میتوانست در برابر قدرت نبوت و مهول حجت ابراهیم پایداری کند؟

**قصص ابراهیم**  
و آنچه با او در سواب

پراگند ساخت تا مردم را از سروری ابراهیم بر خرد سازند و از اطرافش بپراگند و - ابراهیم از جهت سخت گیری و آزار نمود بسرنوشت همه مصلحان ام گرفتار گشت و کم کم عرصه بر او تنگ شد و بخت هجرت افتاد و همی دعوت خود را از آن سرزمین بپرکت که در برابر نهم تو خدگلی بر شاخصا - رت نشکفت و باز گرداند و قوم را در محیط استحفا و عذاب پشت سر نهاد و آهنگ فلسطین کرد و ولی در مسیر خود مدتی در شهر حران توقف نمود.

**ابراهیم در حران**

قحطی و خشکالی فرارسید و اسعار بطور بی سابقه ای بالا رفت و کارزنده کی در شام دشوار شد. پس ابراهیم ناچار

**شکست ابراهیم را که**

آهنکه مصر کرد و همسر خود ساره را نیز همراه خود برد و در آن تاریخ حکومت مصری یکی از پادشاهان عرب عملی بود که روز کاری در آن سرزمین سلطنت داشتند. ساره جمالی خیره کننده داشت. پس یکی از بداندیشان و داستان او و زیبایی فوق العاده اش را بشاه خریداد و او را شفته جمال ساره ساخت و بگرفتن وی ترغیب و تشویق کرد.

این بیان با هوای دل شاه موافق افتاد و برای اجرای آن منظور ابراهیم را احصار کرد و از نسبت او با ساره جو باشد. ابراهیم مقصودش را دریافت و ترسید که اگر او را از حقیقت آگاه سازد قصد جاننش کند و تا مانع را از سر راه خود بردارد از اینرو ابراهیم گفت: او خواهر منست و مقصود ابراهیم خواهری در دین و زبان و انسانیت بود. شاه چنان پنداشت که ساره بدین شوهر است. پس فرمان داد

تا او را بقصر سلطنتی برند. در این هنگام ابراهیم نزد ساره رفت و داستان را با او در میان نهاد و وی را - فرمان داد که بیان و اظهاراتش را تا میسر کند و سپس او را بدست لطف و نظیر عنایت خدا سپرد.

ساره را بقصر شاه بردند و در زیباترین لباس و جواهر آراستند ولی او آن روز دور اعتنائی نکرد و در دستگاه جلال شاه رایسه چیزی نگرفت و فکر شوهر و عاطفه و خانواده او را در زاویه اند و متوجه نشین ساخت.

پس چون شاه بسوی او آمد و حال - حزن و متاثرش را دید و نوشید تا غم و اندوهش را تخفیف بخشد و خوف او - حشمت راستین دهد و ولی در آن حال اضطراب و آشفتگی شدیدی احساس کرد که ناچار از ساره روی برتافت و با او چون آهنگ ساز مکرر دستخوش همان پرهشانی و - اضطراب خاطر گشت و از اینرو بسختی

**شکست ابراهیم**

از ساره بهر اسید و او از شدت پرهشانی در رستخود بیارمید و چون بخواب رفت در عالم رویه یابر حقیقت حال واقف شد و دانست که ساره شوهر دارد و باید متعری او نشود و او را بحال بیود واگذارد و چشم بدو را ننگرد. چون شاه از خواب برخا - ست دانست که ساره ای جز آزاد ساختن ساره ندارد و پس هاجر را بحتوان خد - متکاری باو بخشید و او را به ابراهیم سپرد.

**اسماعیل**

ابراهیم با همسرش ساره و هاجر خا - ده همسرش را بمسوی فلسطین رهسپار شد و او با او و موافق فرار از خود را نیز همراه برداشت و در میان اهل و عشیره خود و جمعیت کوچکی که با او ایمان - آوردند مسکن گزید.

ساره مترون بود و از آن جهت که میدید شوهر با وفا یزد و آرزوی فرزند ی بسر میرد غمگون میشد و روزگار هم ساره

بحد می رسید بود که دیگر امید فرزند آوردن نداشت. پس به ابراهیم اشاره کرد تا با کهنتر بنا جگر کنی باها و گرامی و فرمایند برادر بود همبستر شود و تا مگر از او فرزند ی بوجود آید که شبستان زنده - گهشان را روشن سازد و سوت غم - افزای خانه ایشان را در هم شکند.

ابراهیم از رای او سروری کرد و ویدی - نگذشت که پسری پاکیزه از هاجر ولادت یافت که او را اسماعیل نامیدند و قلب ابراهیم لهریز از شدی و خرمی و دیده اش از دیدار فرزند عزیز روشن شد و ولی آتش غیرت در دل ساره زبانه کشید و طوفانی سخت از حزن و متاثرش او را فرا گرفت و او از خواب و آسایش بی بهره اش ساخت و کارش بجایی کشید که قدرت دیدن اسل - عمل و تحمل مجاورت هاجر را نداشت.

در این طوفان روحی و انقلاب نفسانی سهمگین که زنده گانی ساره را از هر سو فرا گرفته بود و جز در ساختن اسماعیل و هاجر چاره ای نمیدید از اینرو از ابراهیم خواهش کرد که هاجر و فرزندش را بدو برترین نقطه ای از آن سرزمین ببرد که دیگر صدا و خبری از ایشان نشنود و از شکسته دیدار - در امان بماند.

ابراهیم بفرمان الهی خواهش او را - پذیرفت و هاجر و اسماعیل را همراه خود برداشت سواره از شهر نهریون شد و بر اهنگاشی خدا تعالی و در پرتو عنایت او همچنان راه میبرد تا بجای کمبسه رسید. در آنجا بفرمان الهی هاجر و - اسماعیل را فرود آورد و در آن سرزمین سی آب و علف و بحال ضعف و مسکت و با - سرمایه مختصری از طعام و ظرف کوچکی از آب و ولی با قلبی لهریز از ایمان و امید واری بخدا فرود آورد و بازگشت ابراهیم آن مادر و فرزند را در دامان پهن و گسترده آن بیابان جای داد و با آهنک بازگشتن و بدانشتر آویخت و نشان مرکبش را بگرفت و گفت: ای ابراهیم و بچکا سروری؟ و سارا درین بیابان سهمگین بنه میسپاری؟ هل جبر باینومله میخواست عواطف ابراهیم را تهییج کند و دلش را برقت آورد و شاید در این میان اشاره بقداقه فرزند عزیز - هم کرده و او را واسطه قرار داده باشد و

و از بیم ترسنگی و تشنگی کشفده هزار ی باشد: اکنون که مرا باین طفل بگناه در این بیابان خطرناک میگذاری چه کسی ما را از جنگال گرگها و شرسایع حفظ میکند؟ و ما با کدام نیرو میتوانیم در تاثیر آفتاب سوزان و گرمای طاقت فرسای

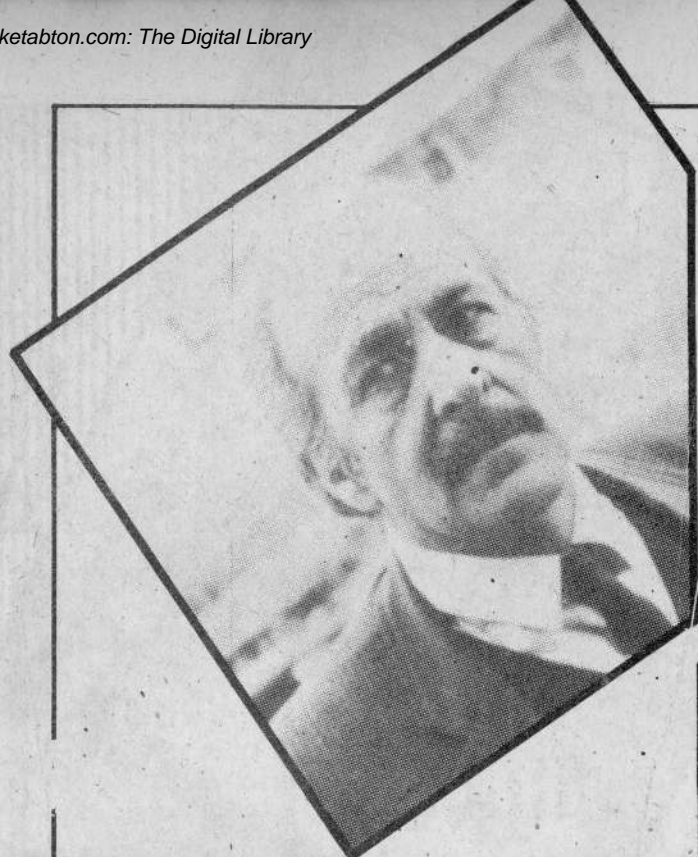
این بیابان مقاومت کنیم؟ آنگاه سمل اشک را در روی ناله و تضرع خود پیش پای ابراهیم روان کرد و تا مگر بحال او - طفل عزیزتر رحمت آورد و ولی ابراهیم آنهمه تضرع و زاری را بچشم نشمرد و سا کمال قدرت و صراحت گفت: این فرمان خدای است هاجر چون این بشنید بجای خود بازگشت و در برابر اراده و حکم الهی تسلیم شد و بر خم و لطف او تنه زد و وقت اگر اینکار بفرمان اوست پس تردید ندارم که او هرگز ما را خوار و زار نخواهد گذاشت. ابراهیم از آن تپه سر از پشرد در حالی که از پشوتن و دلواپسی کامیابتر را - سنت میساخت و از دیگر سو ایمان و طمئینان بخشد او را به پیش میراند. جای تردید نیست که ابراهیم در این لحظه و از فرقی پاره جگر و فرزند یگانه اثر که بهنگام پیری مایه دلگرمی و چشم روشنتر شده بود و در آتش حسرت میسوخت و ناله های موزناک از دل بر میآورد و سلاب سرشکش روان بود. ابراهیم با چنین تا سلف و متاثری دل خود را در آن بیابان پهلوی فرزند عزیز تر گذاشت و در حالیکه خدا را بر جایست و نهایت در پاره او میخواند بوطن بازگشت

**چشمه لطم**

هاجر در برابر قضای الهی تسلیم شد و صبر جمیل پیشه ساخت و از طعام و آبی که همراه داشت صرف میکرد و تا توشه اش پایان یافت و گرسنه و تشنه ماند و او شهر درستانش بخشید و دیگر نه غذایی برای طفل خود داشت که گرسنگش را تسکین دهد و نه شربت آبی که سوز تشنگش را فرو نشاند و طفل از شدت گرسنگی و سوز تشنگی سخت بگریست و فریاد و ناله - سرداد و مادر بیخود را بر او بر آن منظره و همچون سوند بر آتش بفرار و پرهشانی میدود و سهل اشش بدامن مهر پخت و آرزو میکرد که کافر میتوانست از شیر جان و خون دل و اشک چشم خود برای جگر کوفتی اثر آب و غذایی فراهم سازد و ولی هیبت

هاجر جد و جهد و کوشش بسیار کرد تا مگر از آن گرفتاری و پرهشانی راه فرار و نجاتی بیابد و چیزی که از همه بیشتر او را مضطرب میداشت منظره فرزند عزیزتر بود تصدق بخود می بچشم و پیش چشم - مادر نزدیک جان دادن بود. از اینرو ناچار کودت را بجای خود گذاشت و سرگشته و سراسیمه و دیوانه وار بهر سو میدوید و اگر چه گریه طفل و شومین فریاد تر مانند مقلاتوس او را بسوی خود میکشید و مجال دور شدن باو نمیداد.



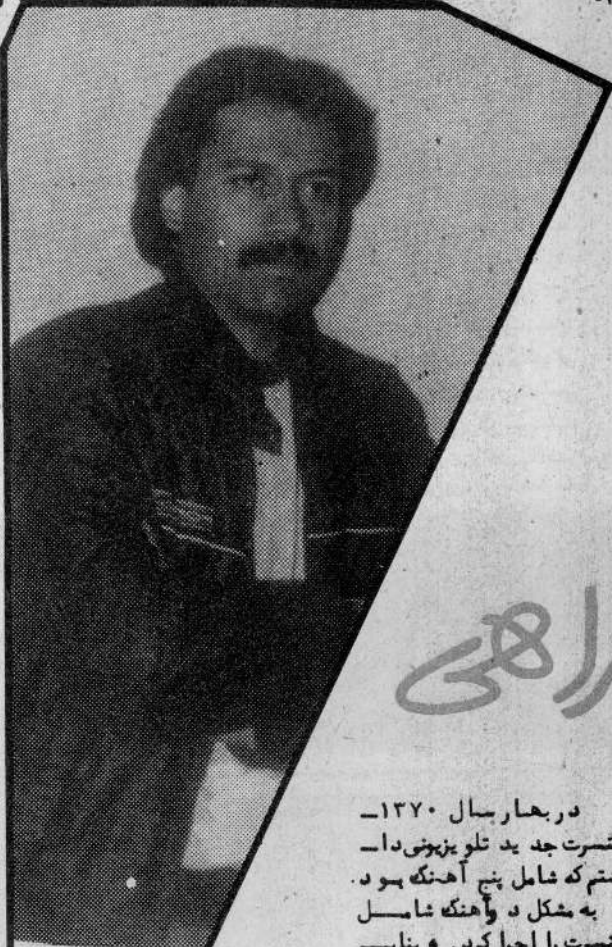


### جسور: «تاریخ مادرونی»

سواى کارکرد هایم در بخش  
درام های رادیویی و اجرای -  
پارچه های تئلی رادیویی و  
تلویزیونی - رویت برجسته ام  
در اوایل بهار امسال نوشتن  
سناریوی فیلم تلویزیونی «تاریخ  
مادر وطن» بود که تمام کردم  
و عنقریب به کارگردانی عزیزالله  
هدف روی سن خواهد آمد .

# چرا دستگیر شدی؟

تهیه کنند بزرگه هاجر



## راهی

در بهار سال ۱۳۲۰ -  
کسرت جدید تلویزیونی را -  
شتم که شامل پنج آهنگه بود  
به شکل د و آهنگه شامل  
کسرت را اجرا کردم و بنا بر  
نمود و کمبود نوازنده گان نتوا -  
نستم سه آهنگه دیگر را نسبت  
نمایم . امیدوارم ریاست رادیو  
تلویزیون کشور یک کمیسیون  
اصلاحیت ثبت آهنگه ها بنا  
وسایل موسیقی را ایجاد نماید  
تا آواز خوانان مابدون سخته کی  
کارهای هنرمندان راد نیال  
نمایند .



## هدف

«سخن بی عمل نمیتواند»

داشته باشم که نظر به محدودیت  
دیت های سفرم به تعویق  
انداخته شد . کارهای کوچک  
و رادیویی ام را آن قدر قابل  
یاد آوری نمیدانم .

نمیخواهم برای علاقه مندان  
هنرم و خواننده گان مجلسه  
«سخن بی عمل» داشته باشم -  
شم من در اوایل سال تصمیم  
گرفتم سفری به مزارشرف



## یاسمین یارول: نقشی برای «عبرت»

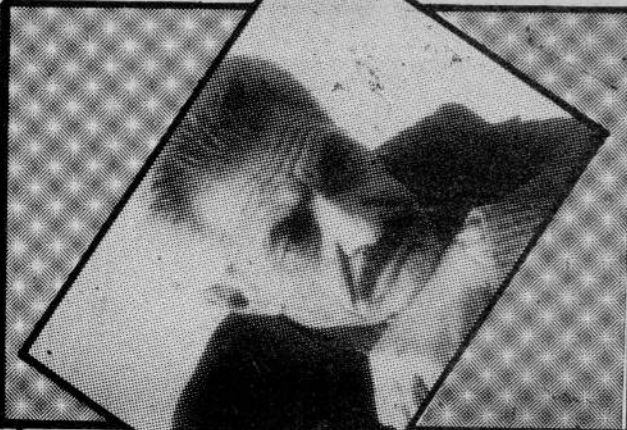
در طی چهارماه اول سال در  
تئاتر آن دنک هانقش مرکزی رادا -  
شتم که خوشبختانه در تئلیوآل  
تئاتری در سطح کشور جایزه -  
اول را گرفت ه افزون بر آن در  
همین گذشته هانفلم کوتا مسیما -  
بی سایه به کارگردانی نصیر -  
القاس به پایان رسید و به نما -  
پیش گذاشته شد ه فعلا مشغول  
اجرای نقشی در تئاتر تلویزی -  
ونی عبرت استم .

### همای ستمدی:

در جریان چهارماه گذشته  
مصرف بازی در فیلم سینمایی  
خاکستر بودم که کار آن به این  
گذشته های نزدیک به پایان  
رسید و من در آن نقش مرکزی  
را داشته ه همینان درین روز  
ها در فیلم تلویزیونی شکوت و  
تئاتر خواستگاری مشغول شوم -  
تنگه و تهرین استم که به  
این زودی ها به نمایش خواهد  
آمد .

## بازی در خاکستر





ف. فضلی:

توکی بی خپله هم رول او نوم  
د نوي کال اوخترونو په مناسب  
می دراديو له پاره اتم تشلیس  
پارچي جوړي کړي اودغه راز په  
همدغو مناسبو نوم د تلویزی-  
يون له پاره هم پنځه پارچي  
جوړي کړي چی په دوو کی سې  
پرونه عم در لوره . دغه راز  
د پانوکړه تیاتر کی هم  
رون اجرا کړ او د کونکورزي او  
کجره په فیلونوکی هم ټکیارین  
که د البردی نو وپایاست؟

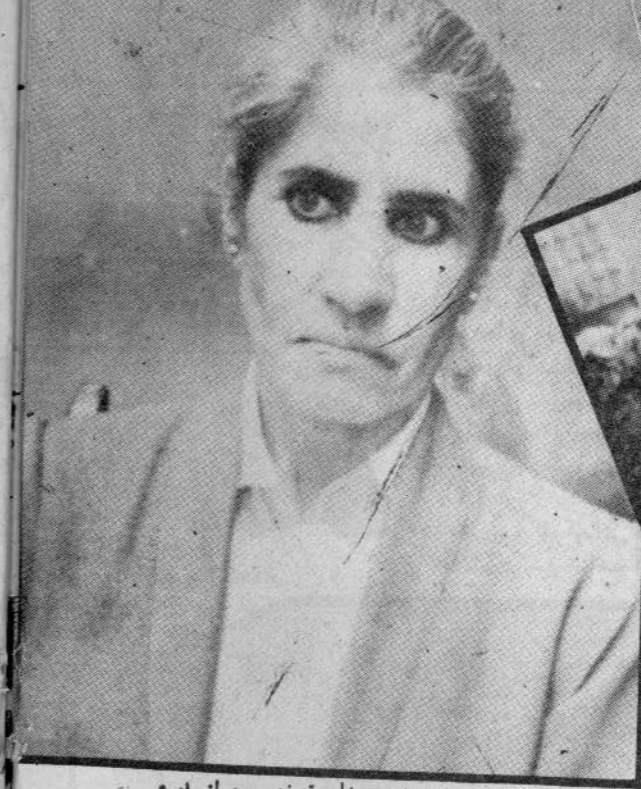
# د البردی ...

زما کار تل په ختم دول  
رون دي . رادپوس درامونه  
او داستانونه زړی کن اوپنجا-



# مشغل شریار: پيچنی تداشتهلم؟

پیرسید جقدر فعالیت -  
نکرده ام ، در راديو درامها  
وداستانهای دنباله دار هم  
نقش داشته ام وهم زده کرده ام  
در سهال دکونکورزي نقشبز  
داشته . ودر فلم خاکسپرنهيز  
په رول را د ب کردم . بزنامه  
ترانه جاز انتخاب را به صورت  
شما چي بید که چی نکرده ام ؟



# په خیر ...

د اخذوري د پښتو تشلیس  
هنر تکه لو بغاري چی اوس په  
سفر کی ده دراديو په درامونو  
او داستانونو کی بی خورا بنا-  
پسته برونه اخيست ده .  
د پانوکړه نمایشنامی کی نیسه  
وخلیده او د نوي کال او اختره



صها  
د گل او غزل پلانا مه  
سوزال ماته نوو کونو له سر  
فعالیت وکړه . دکال په لومړي

# د حاجی محمد کامران الوتنه



د سرواړون کار په دي  
موه کی زما د ( ادکها ) په تیاتر  
کی وو . دغه نمایشنامه چی په  
تلویزیون کی هم نشر شو د -  
افغانستان د هنر مند انواتحاد  
په لخوا په جوړشوي فستیوال  
کی په لومړي مقام او جایزه وکړله  
د دغی نمایشنامی . لکنه د قدر  
چرمانیښور . اوداستادینکدله  
خوا د ابرکت شوي وو . نورخو  
په نوي کال او اخترونوکی اسی  
لندي تشلیس پارچي اجرا کړي  
او وروستی کار په انتقا دي  
پارچه وو چی له هغی سره ما  
هم الوتنه وکړه .

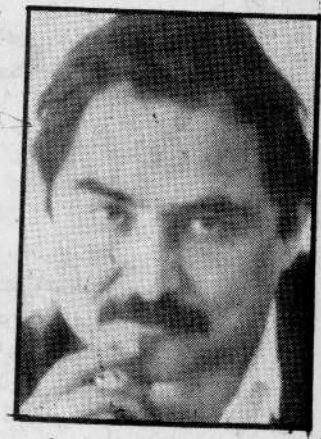
# آیا چي داشتید؟



# دین محمد هیل من دی

و په دیره مینه او شوق کار  
کړ . د سترې خدمت په پای ته  
رسولو د موسی ریاسته را-  
فلم تراوسه می په هنري برخه کی  
دیر کار دی کړي و خوتنه  
په هره مباحثه کی می یوه نوی  
سندره ویلی ده . هیل من هم  
د نوي ماموریت سره زمانوړي  
سندري عم زیاتش .

جوان شریار و  
کنار  
در طول چهار ماه اول سال  
سفری داشته به کشور تاجکستان  
ناظم مشترک افغانی و تاجکی  
را زیر نام گلناره کارگردانی نمایم  
این فلم با پرسونل فنی سونایی  
هر دو جانب رنگسینما سکوب  
تهیه خواهد شد و هنرپیشه-  
گان هر دو کشور در آن نقش  
های خواهند داشت کار فلم  
پرداری و شونتکه آن به زودی  
آغاز خواهد شد .







ترجمه آماسی

# مصلحت

سونیا گاندی با ارسال نامه احساسات را در پیش ریاست حزب ابراز کرد.

بعد از آنکه خاکستر راجیوگاندی صدر اعظم سابق هند در ظرفهای مخصوصی جایز گردید، در نیمه ریل مخصوصی در حالیکه اعضای کمیته کار حزب کانگرس آن را بدرقه میکردند به الله آباد فرستاده شد. ریل در هر ستیشن توقف میکرد تا سوگواران آن را از نزدیک ببینند. در حقیقت سفر مذکور آغاز گردید و در همین مراسم گنجانده شد.

مگر حرف عیده برای حزب کانگرس "اندرا" همانا انتخاب ریاست بود که بعد از ترور راجیوگاندی برای چندین روز حزب مذکور نتوانست کسی را در باید که جای راجیو را بگیرد و یا اینکه جبهه واحدی برای انتخاب سونیا گاندی به وجود آید. رهبران حزب کانگرس در عقب درها نشسته مصروف رزم و پیکار زمین جانشین کردن شخصی به جای راجیو گاندی بودند. چنین جا رو جنبال بعد از انشعاب سال ۱۹۹۹ در حزب مذکور به وجود نیامده بود.

یک بار دیگر یک آدم که لباس آستین کوتاه پوشیده بود و آری کی. داوان نام داشت به روی صحنه ظاهر شد و خانم سونیا را به پیش کشید تا رهس حزب کانگرس شود. آقای داوان را گروهی از رفقای راجیو کمک نیز کرد. لحظه ای که آقای داوان از مرکز راجیو اطلاع یافت همه بی نمایش رابست دست خود گرفت. با ماموران حکومتی و رهبران سیاسی کهها را هماهنگ ساختند و رول خود را خوب بازی میکرد. وقتی که خانم اندرا گاندی کشته شد همین آقای داوان بود که رهس جمهور زایل سنگ را به یک اشاره فهماند که راجیو گاندی باید به جای مادر ثریه حیث صدر اعظم انتخاب شود. به هر حال پیشین همان روز که راجیو به قتل رسید آقای داوان اشخاص چون میاتیش شرماء و جگدیش تاپلر و غلام نبی آزاد و فوتیدا رو مکن لال شرماء را باهم جمع کرد. آنها فقط نیم ساعت باهم نشستند و تصمیم اتخاذ کردند که سونیا باید به عوض راجیو به مقام ریاست انتخاب شود. باید گفت که افراد فوق الذکر همه همکاران شخصی راجیوگاندی در امور سیاسی بودند. مگر وقتی که کمیته کار چهارده نفری حزب کانگرس در همان روز باهم جلسه کردند و نتوانست کسی خلی ایجاد شده یا مرکز راجیو را بپرند. مگر در این میان رهس حزب کانگرس در ایالت مدیا پرادیش آقای ار جون سنگ پیشنهاد عجیبی کرد. او به همکارانش گفت:

"حزب کانگرس سقوط خواهد کرد و کشور پارچه خواهد شد. برای آنکه هر دو آن را نجات دهیم باید سونیا در اسقرار گیرد. پس بیاید که همه از سونیا تقاضا به عمل آوریم تا مسولیت را بپذیرد." مگر یک تعداد کمی از آنها جرئت کردند

که در برابر پیشنهاد فرار کردند و از آن جمله آقای کرشناکریم از هواداران سونیا پرسید:

"چرا در انتخاب رهس حزب عجله داشتید؟ باید که بالای آن مشوره کنیم و یا حتی تا به آتش سپردن آن را به تصویب بیاوریم."

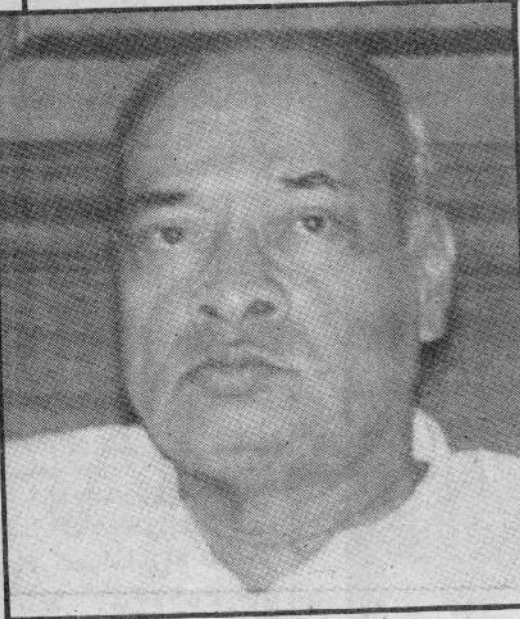
درین جریان آقای پاور اضافه کردند: "مادر مرحله دوم انتخابات قرار داریم. اگر ما رهس جدید انتخاب کنیم و گاندی مابرای مقام صدارت کی خواهد بود؟ بیچاره نم در این مورد همین اکنون تصمیم بگیریم. در همین وقت آقای داوان و هند ستا نشن کوشش کردند تا مباحثه را پایان دهند؛ مگر موضوع به ناراسیماراو گذاشته شد تا خاطر نشان سازد که آقای پاور حرف خوبی زده است."

آقای پاور یگانه کسی بود که به طرف انتخابات مابرات میدید. او آقای راو را به عوض خانم سونیا مورد پشتیبانی قرار داد. کپا و به جایی رسید که اعضای جوان پارلمان و طرفداران راجیو گاندی در مخالفت با مکتوره انتخاب سونیا به حیث رهس و رابطه بر قرار کردند. در همه بی تلاشها حرف عیده این بود که بازنگران در جلسه کمیته کار حزب کانگرس خودشان اشتراک داشتند. مگر سر جنرال حزب کانگرس آقای بکیت بعضیها را موقع داد تا آقای تهوری صدر اعظم ایالتی او تر پرادیش را نادیده بگیرند. موصوف در ساعتی که راجیو کشته شد

# کمیته

## تعلق گرفت

بعد از جابجایی آقای ناراسیمه را به مشابه گاندی سازش سر بلند کرد.



خود را به دهن رسانیده بود. به هر حال از جلسه کمیته کار کانگرس یک چهارم واضحاً هویدا بود که آنها بی که از خود کدام بنای سیاسی ندا شتند. از سبب وفاداری به خانواده گاندی میخواستند که سلسله کماکان ادامه یابد. به همین ترتیب آنها از عملیات داوان پشتیبانی کردند.

مگر پانزده ساعت تمام بر سونیا فشار آوردند تا ریاست حزب را بپذیرد و بولسی او از پذیرش آن ایا و وزید. همچنان دوستان نزدیک به رهبری آمیتا به چین اورا مشوریدند تا به خاطر زنده کی خود و اطفالش از درگیری در سیاست خودداری کند. از مباحثه آنها عالمی از کپها به وجود آمد.

باید تشنه گان قدرت از سونیا به خاطر به دست آوردن رهروزی استفاده کنند و بعد از انتخابات راه سقوطش را هموار سازند.

سونیا مجبور خواهد شد تا علیه ترور رهس موقف جدی اختیار کند. از آنرو حیوات خود و اطفالش با خطر مواجه خواهد گردید.

با وصف نقش او اگر حزب در انتخابات پیروز نگردد متخیر خواهد شد. سونیا با ارسال نامه احساساتی به رهبری حزب از پذیرش ریاست حزب ایا و وزید که بعد از آن بخش پارلمانی حزب کانگرس به فعالیت آغاز کرد. بخش مذکور

به گونه بی عادی توسط رهبران و یا در غیابت او توسط معاون آن تشکیل جلسه میکند. در حقیقت جلسه مذکور توسط وفاداران "داوان" دعوت گردید.

در اجندا جلسه طرح تصمیم گنجانده شده بود. در طرح مذکور تقاضا از سونیا حذف گردید. مگر از بخش پارلمانی حزب تقاضا به عمل آمد تا تصمیمش را اتخاذ نماید که در اثر آن از انتخاب سونیا به حیث رهس حزب کانگرس استقبال کرد. اما برای انجمن حزبی سونیا درد سر شده بود که چرا ریاست را نمی پذیرد. هنوز "عملیات داوان" به سردی نگراید. بود که کمیته کار کانگرس جلسه دیگری را تشکیل کرد. جلسه رانا ناراسیماراو سرپرستی میکرد و همه بی مکرر تر جنرالهای حزب در آن اشتراک کرده بودند. جلسه به خاطر تنظیم مقرراتی آینده انتخابات دعوت شده بود. مگر آقای کارونا کاران پیشنهاد کرد که سونیا رهبری حل نکرده و هیچ کاری به پیش نخواهد رفت؛ مگر جلسه صدای او را در گلو خفه کرد. بالاخره بدون آنکه کدام تصمیم اتخاذ گردد. جلسه پایان یافت.

اما رهبران بر جسته حزب کانگرس بیابن بر تعویق مساله خشمگین بودند. وقتی که سونیا واضحاً از پذیرش ریاست شانه خالی کرد آنها بر مساله انتخاب رهبر جدید فشار آوردند. در این

میان آقای وسنت سوپا به پشتیبانی آقای ناراسیماراو سخن زد و از آقای د نیش سنگ تقاضا به عمل آورد که کمیته کار حزب کانگرس باید هر چه زودتر نام سرپرست ریاست را نشانی کند. بالاخره آقای شراد پاور تا پایان انتخابات از ناراسیماراو پشتیبانی کرد. درین جریان انکشاف تهورانگیزی به وجود آمد. به این معنی که آقای ار جون سنگ نیز از ناراسیماراو پشتیبانی کرد و آقای تهوری هم به پشتیبانی ناراسیماراو شانه داد. به این ترتیب آقای ناراسیماراو به مشابه گاندی سازش سر بلند کرد. موصوف کرکتر طبیعی داوان و کسی از اویدگویی نکرد. است. این مساله نشاندهنده آن است که چرا او مورد پذیرش قرار گرفته است. به هر حال او هم بی این جا رو جنبالها یک مساله له واضح گردید که رسیدن به ریاست حزب معنی در دست گرفتن همه بی قدرت را ندا رد. بسیاری از هواداران آقای تهوری فکر میکردند که بعد از انتخابات موصوف به یکی از رقبای سر سخت در پارلمان تبدیل خواهد شد.

آقای پاور اظهار داشت که رهس کمیته سراسری کانگرس هند ضرورت نیست صدر اعظم باشد که این مساله یک قدم عالی به پیش است؛ مگر به نوبه خود یک تلاش میخواهد. مخصوصاً برای یک حزبی که از چهار دهه به این سو وابسته به مسک

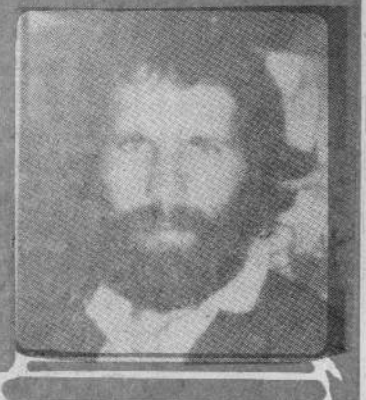
بقیه در صفحه (۸۵)



بیاورد • به گفته دانشمندان  
 این رشته • مریض همواره از  
 کمال یک دوره مکمل تسدای  
 دو باره صاحب قوه دید  
 دوره جوانی میگردد و در صورت  
 اینکه مریض مومنی بوده و بودا  
 پیش سعادت شده باشد ۸۵ درصد  
 موهایی آن دو باره سبب میگردد  
 و قوه جسمی آن هم با حالت  
 جوانی بر میگردد ۵۰  
 مریض شما تا حال چقدر  
 روزه گرفته ؟  
 مریض من ۵ از مدت (۲۰) -  
 روز یکدینسو جز آب هیچ چیزی  
 نخورده است و حالام کاملا  
 سر حال است  
 هینو ترم چطور بالای -  
 افراد تا نهر میکند ؟  
 هینو ترم بالای ۸۵ درصد  
 اشخاص تا نهر در هینو ترم  
 ها زود تر و برخی ها دیرتر  
 به خواب میخوابند مریض  
 بالایی اطفال پنج الی پانزده -  
 ساله زودتر از پانزده الی سی  
 بیس ساله بعضی زودتر برخی  
 دیرتر و اشخاص بالاتر از سی  
 سی به بالا دیرتر به خواب  
 میروند  
 شما میدانید که انسانها به گفته  
 روانشناس مشهور آریستو  
 میگویند فریبند دارای دو ضمیر  
 اند ضمیر خود آگاه و ضمیر  
 ناخود آگاه  
 در حالت عادی ضمیر آگاه  
 برنده است و ضمیر ناخود آگاه (۶۵)



عبد الرحیم یوسفی  
 با استفاده از مینو ترم  
 مریضان صعب العلاج را  
 تداوی میکنند

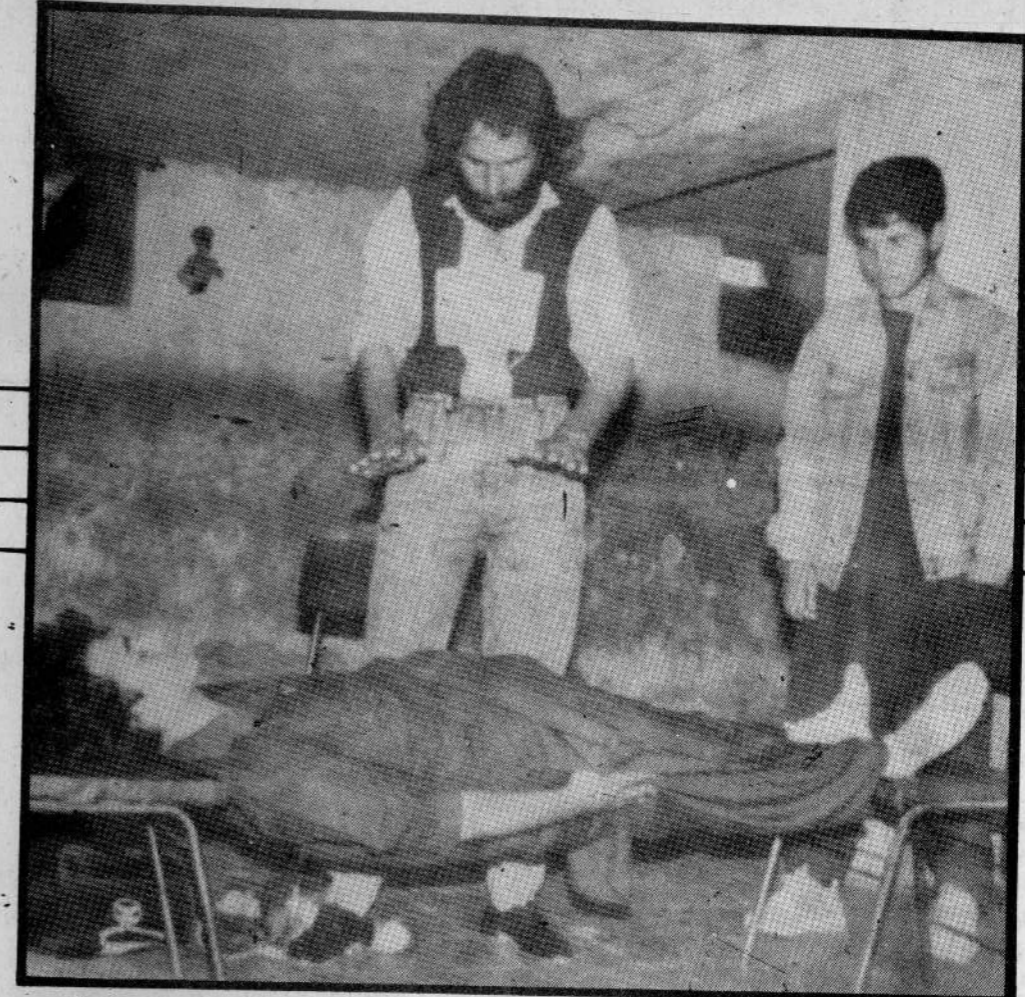


توصیه کردن چهل روز گرسنگی  
 کمال به مریض یکی از شیوه صحای  
 تداوی عبد الرحیم یوسفی میباشد

دین سگرت نزد چند تن و تداوی  
 یک خانم ۳۵ ساله که از مدت  
 سه سال بدینسو از نفس تنگی  
 شدید شکایت داشته و تداوی  
 طبیب برایش مؤثر واقع نشده بود  
 و همین طور نزد چند نفر  
 دیگر که بیمار بودند نتایج مثبت  
 تداوی کننده را بدست آورده ام  
 - جالب است و لطفاً در -  
 مورد این مریضتان معلومات  
 بیشتر را به من بدهید -  
 - این مریض که هنوز هم -  
 تحت تداوی قرار دارد و فقط  
 یک ماه از معالجه اش میگذرد  
 نتایج بسیار قناعت بخش را به  
 دست آورده است  
 من این خانم را هفته یک  
 بار تحت تداوی نهر خواب مقنا -  
 طبیبی قرار داده و در همان  
 حالت برایش هدایت میدهم  
 این خانم که هر روز با خود  
 دو داشت و بدون آن یک -  
 ساعت هم زنده گی کرده نی -  
 توانست و حتی در هفته چند -  
 بار به شفاخانه های زفت  
 واکسین میگرفت فقط بعد از  
 دوین تجربه ، تمام دواهای  
 خود را قطع کرد و فعلاً هیچ  
 نهای به اکسین هم ندارد  
 من کاملاً اطمینان دارم که  
 این خانم بعد از چند تجربه دیگر  
 صد درصد شفا یاب میگردد و به  
 زنده گی عادی خود دوام  
 میدهد  
 - شیوه تداوی و چگونگی چگونگی  
 است ؟  
 - من از شیوه (چار) یعنی  
 (چهل روز آب و روزه) -  
 استفاده می کنم  
 در این شیوه مریض در مدت -  
 چهل شبانه روزه روزه میگیرد  
 چه جز از آب چیزی نمی خورد  
 نه شب و نه روز  
 - آیا مریض در این مدت -  
 احساس گرسنگی می کند و  
 انرژی خود را از دست میدهد ؟  
 - احساس گرسنگی را توسط  
 هینو ترم در وجود مریض از -  
 بین میبریم و انرژی را که مریض  
 از زخیره گاه های عضویت مصرف  
 میکند بعد از اتمام این دوره  
 چند برابر آنرا دوباره بدست

توانسته ام به چنین حالتی  
 دست یابم • پس بجایست  
 که کاتب خورش را به چنین نام  
 سس سازم و در پهلوی آن افتخار  
 را عاقل را بنام کشور خود ثبت  
 نامیم  
 - آیا تنها ورزشکارانگه  
 میتوانند به این نبره مخصوصاً قهر  
 ویر روانی دست یابند و پس ؟  
 - نه خیر ، نبره نبره های روانی  
 انسان که قبلاً متذکره میسر  
 در تمام افراد وجود دارد که  
 استثناء در بعضی انسانها  
 فعال میباشد ولی بقیه انسانها  
 میتوانند آن را بصورت کمتری  
 با قبول ریاضت ها در وجود  
 خود فعال سازند • که ورزش  
 کاتنگو بنا بر ریاضت زیادگی که  
 به کار دارد این نبره ها را هم  
 با ن تقویت فیزیکی فعال میسازد  
 زد  
 - آیا شما نبره هینو ترم را  
 با استفاده از این ورزش در -  
 یافته اید ؟  
 - کاملاً  
 - چه وقت متوجه موجودیت  
 این نبره در وجود خود شدید ؟  
 - دو سال قبل به تیرنات  
 آن شروع نمودم  
 - از آن وقت تا حال از این  
 نبره در چه موازید استفاده کرده  
 اید ؟  
 - فعلاً از قوه مقناطیس در -  
 تقویت ورزش خورش و اجسرای  
 عملیه های هینو ترم و تسدای  
 مریضان استفاده میکنم  
 - در مورد تداوی مریضان  
 تان لطف نموده معلومات دهید  
 - در تداوی مریضان من از  
 روش "هینو ترم و چسار"  
 استفاده میکنم • قابل یادآور  
 است که در ابتدا این شیوه  
 توسط یکی از دانشمندان روانی  
 نی شوروی بنام بوری سوزنوف  
 اساس گذاشته شد و بعداً یکی  
 از استادان روانی ایرانی بنام  
 استاد کاپوک آنرا عملی نمود  
 فعلاً کتابان بدسترس  
 من قرار گرفته که با آزمایش  
 نمودن تجربیات آن نتایج مثبت  
 و قناعت بخش بدست آورده ام ؟  
 که توسط هینو ترم در ترک نموم

توانسته ام به چنین حالتی  
 دست یابم • پس بجایست  
 که کاتب خورش را به چنین نام  
 سس سازم و در پهلوی آن افتخار  
 را عاقل را بنام کشور خود ثبت  
 نامیم



مصاحبه کننده : دکتور ظاهری

عبد الرحیم یوسفی جوان ۲۹  
 ساله ، محصل صنف چارم بود -  
 هنر طب معالجوی استنبوت  
 طب کابل و بنیانگذار ورزش  
 کاتنگو در افغانستان اخیراً  
 متوجه موجودیت نبره پنجهایی  
 در وجود خود گردیده و فعلاً  
 بنا بر گفته مومنی و وفادار  
 انسان دارای پنج قوه در -  
 نی میباشد که عبارت از :  
 نبره ایمان ، نبره نگر  
 نبره اراده ، نبره جسمال  
 و قوه مقناطیس است • که  
 هینو ترم جز از قوه مقناطیس  
 میباشد  
 او با داشتن چار خط در -  
 سال ۱۳۶۲ کلب کاتنگو نوا  
 را در کشور اساس گذاشت و از  
 آن روز تا حال هزاران جوان  
 را با تکمیل هنر و تکنیک های  
 این ورزش ثقیل آشنا ساخته  
 اکنون بصورت تیرن دادن -  
 دو هزار تن در پنج کلب  
 میباشد  
 او که ورزش کاتنگو را اختراع  
 ورزش اندام ساز میداند در  
 تلاش است تا به مراحل عالیتر  
 این ورزش دست یابد که در  
 راه موفقیت های هم داشته  
 است  
 آنروز که با او مصاحبه داشتم  
 هکیت رهبری کلب های او از  
 تمام گوشه های کابل دور هم  
 جمع شده بودند تا برامین چند  
 موضوع با هم مشوره نمایند که  
 یکی از مسائل مورد بحث تغییر  
 نام کلب کاتنگو به " فرهنگستان"  
 تن و روان افغانستان بود  
 که با تأیید همه مورد قبول  
 قرار گرفت و مع سولاتم را  
 با این سوال آغاز کردم که :  
 - چرا نام کلب تانرا "فر -  
 هنگستان تن و روان گذاشتند ؟  
 - یک کاتنگو کار وقتی به مراحل  
 پیشرفته تر وارد میشود نبره  
 جسمی روانی او از قوی می  
 گردد و قوا روانی پنج گانه  
 که فوقاً متذکره میسر اگر در  
 وجود کسی فعال شود کار  
 های غارقی المعاده انجام داده  
 میتواند که خود پختانه من

# مینو ترم

## در طبایف افغانی

توانسته ام به چنین حالتی  
 دست یابم • پس بجایست  
 که کاتب خورش را به چنین نام  
 سس سازم و در پهلوی آن افتخار  
 را عاقل را بنام کشور خود ثبت  
 نامیم



در ماه اسد سال روان ، مسکوشاه—  
حادثه بزرگی در تاریخ بشر بود . سران  
ایالات متحده و اتحاد شوروی باهم نشستند  
و بعد از گفتگو های پیمان ( ستارت ) پیمان  
کاهش سلاح استراتژیک را امضا  
کردند .

در گذشته ، هنگامیکه رئیس جمهور  
ایالات متحده امریکا وارد مسکو گردید  
در منطقه البروج دیپلماتیک تسمیری  
در محل ستاره ها به وجود آمد . آقای  
رونالد ریگن سرور که او را از کلکتهای کر—  
ملین بهرون کشید و اعلام داشت که دیگر  
اتحاد شوروی را به نام ( امپراتوری شیطان )  
پادشاهی و به این ترتیب جنگ سرد  
پایان یافت . مگر اکنون با رفتن جورج بو—  
ش به مسکو ، تسمیراتی در موقعیت  
ستاره ها به وجود نیامد . اگرچه این  
نخستین سفر آقای بوشر به مسکو بود  
در عوض هر دو رضایت شان را به متقابل  
سهاستمداران فعال که در عمل بر مساوی  
میرم باهم کار میکنند ، نشان دادند . به  
هر حال ، قبل از آنکه آقای بوشر آخرین  
گام سفرش را به طرف شهر کیف بردارد  
آقای گریچاف پیمان کاهش سلاح سترا—  
ژیک را امضا کرد . بر اساس پیمان  
مذکور می نماید از سلاح هسته ای تولید  
شده در زرادخانه های هر دو کشور کاهش  
داده میشود . آقای گریچاف در مراسم  
امضای پیمان مذکور اظهار داشت  
که : امضای پیمان برای همه جهان  
با ارزش بوده قدم بزرگی در راه خلع  
سلاح خواهد بود . خداوند را شکر  
گذران که ما آنرا متوقف ساختیم و به عقب  
زدیم . ( )

چنان می نماید که برای نخستین بار  
ایر قدرتهای نظامی در صد دینتقیمر و کاهش  
سلاح دور بود هسته ای ، که توانایی  
تخریب هر دو جانب را داشت ، برآمدند ،  
به هر صورت با استفاده از فرصت آقای  
بوشر نیز حرفه های را اظهار داشت .  
( ) پیمان مذکور بی انداز پیچیده  
است ، مگر در مورد هدف عمده آن باید  
خاطر نشان ساخت که کاهش در نیروی سترا—  
ژیک هسته ای خطر جنگ را کاهش میدهد .  
( )  
بعد در کنفرانس مطبوعاتی که تدویر گردید  
ملتن از ژورنال لیستان پرسش به عمل آورد که  
چرا هر دو جانب همه بی راکتهای هسته ای  
رانای بود نمیکنند در تاریخ به این پرسش  
چنان معلوم میشد که هر دو متفقا به یک  
موضوع اشاره میکنند . هر دو تاکید کردند  
که موضوع عملی نیست و نمیتواند که زرادخانه  
های شان را یکسره ببندند ؛ زیرا به نظر



نوشته ذیح الله آماسی



آنها هنوز هم ملت های وجود دارند که  
دارای سلاح هسته ای اند . آقای بوشر  
نگرانی بخصوصش را در مورد اسلحه  
هسته ای که در دست مرتدان قرار دارد  
اظهار داشت ، مگر چنان معلوم میشد  
که خطر شوروی را برود شود .  
به این ترتیب پیمان کاهش سلاح  
ستراتژیک برای نخستین بار بعد از قضا  
مسابقه تسلیحاتی بین ایر قدرتهای نظامی  
به امضا رسید . عهد نامه موثف چهار  
جوبی را بدست میدهد که بر مبنای آن امگا  
نات کاهش مجدد ( اسلحه ) بدون ضرورت  
به جستجوی راه دراز و پر مشقت ، همسر  
میکرد . با اینست یادآوری کرد که کاهش  
مجدد اسلحه نازلان و ضرورت است ، زیرا  
بر مبنای ( ستارت ) اگر سر و تیغ در صد  
کاهش در اسلحه صورت گیرد باز هم اتحاد  
شوروی ۷۰۰۰ واحد اسلحه هسته ای دور  
برد و هزارها واحد اسلحه برد کوتاه در ذخا  
بر خود موجود دارد و زمانی آن رانای بود  
خواهد کرد که ایالات متحده به ناپسودی  
ذخایر خود موافقت کند .

بر علاوه کاهش اسلحه ستراتژیک  
دو جانب در جهان نقشه ها شان بر مساوی  
سده منطقه ای و بین المللی با هم به گفتگو  
شستند .  
توافق آنها بر کنفرانس صلح شرق میانه  
که در روابط ایر قدرتها خیلی مهم است  
امیدواریم که بیشتر را به وجود آورد . هر  
دوره بر بر تلاشها به خاطر استقرار آتش بس  
در یوگوسلاویا تاکید کردند ، مگر در مورد  
افغانستان ، کمیو چها و دیگر پرا بله های  
حل نشده منطقه ای ، که باری در مرکز  
رقابت های آنها قرار داشت  
کدام اعلامیه پیش بخش کردند و خاموش  
ماندند . در جلسه سران اظهار عقیده  
گردید که واشنگتن و مسکو اکنون مساوی  
مذکور را نوعی تلقی کرده ، در  
حالی که مساوی هم همانا تعمیق همکاری های  
دوجانبه آنهاست .

آقای بوشر در جهان سفر خود ، آخرین  
گامش را به شهر کیف ، مرکز جمهوری  
اوکراین اتحاد شوروی گذاشت . موثف  
در جمهوری اوکراین ملاتنا های را انجام داد  
د . او بهانه بی دربارمان آن جمهوری  
ایراد کرد و گفت که از پشتیبانان دموکراسی  
استقلال و آزادی اقتصادی چی در مرکز  
و چی در دیگر جمهوریها پشتیبانی میکند  
البته پشتیبانی او بر اساس شخصیت های  
بلکه بر مبنای اصول استوار است .  
به هر حال دستاوردها و مشکلات آقای  
بوشر در قیاسه با آقای گریچاف ناچیز بود ؛  
بقیه در صفحه ( ۸۶ )

# سلاح استراتژیک





د سید صاحبزادې نجلۍ لیک

پښتون سندرې اوډلي همه هنر دي چې د کليو د خوښو اوښادو ترڅو په سر او پورته کړي او په نني بڼه عصرت راوتلي ، خو اصلې ټاټوبي يې هماغه کلي دي چې د گورونو اولښتو وادونو او خټونو ، مښو ، بيلتون ، وطن او سراني په هکله دلته يوه سروکي گڼه جوړه چارمنو ، لوبو ، غونډو او تنهنو سندرې يې اوږدو سندرې دي . شلورځو ، خورا او جسي ، نیکو ، کتپو په ډول ويل شوي دي اوچې ترننه رسېدلي بمانود غزل ښکلي دنيا غورگوي شوي ، خو خپل سوچه والي يې نه دي هر کړي ، کليوالي پخپلي اولمليان د سندرې ويلو کيسې داسې لاس لري چې نه به وايي په سندرو ويلو کې بري لښک او اخیست دي . باچي کورم بود دغو پخپلو او پخپلانو په منځ کې ښه وندلېزې نو هغه چاته يوازې په پيل کې ، بلکه په نورو کليو کې هم د خلکو خوښ شې او د وڼو او خوښو ته يې رابولي او خپلې ښادې د هغه په غزاوڼو سندرو نوري هم نهاتي اوښکې کوي .

د دوست دچينې په کسر کې دود دنداوو ، پخپلو نجونو به په وډونو کې سندرې ويلې اوچې يې غزلې اوکله به چې بل کلي ته وډونونه تللي

نوپه يې يو کوچنی هلک هم له نمانه شو بيوه دغه هلک چې دنجونو په کار کې راتنه خوده نمان بيل گانه ، هم دچينې سره مينه پيدا کړه اوږدوږدو ده هم لاس بري گونجاو ترڅو دچينې پرغزلو کې ماهر شو اوښانه به يې چمبه غږوله ، نورنودې پرتو موان شوي هم وو اوښونوله نمانه سره نه بيوه ، دا د دغه هلک د سر ډور يوه ماريونه له ښاره راوره او دواړه وروته به ښه شوق دهغې په زده کولو او غزلو بوخت شول ترڅو چې دواړو خپل استعداد ، ښه وازوبه اود سندرو په ويلو يې هم بيل وکړ . دلته دود دواړو د سندرو ويلو اوچې غزلو انگاري په ټولسو نژدې اولرېو کې خپري شوي او په هرواړه کې د دوي گون سرور شمېرل کيده ، ان تردې چې په کورې پښتون واکي هم د دوي د سندرو ليوال گمان زيات شول او تل به يې دوي کسرتونونه رابلل . دا هغه وخت وو چې کوچنی هلک په گلزمان اوښتې وو او ټولو به د گلزمان سندرې دچينې اوښه آواز ته غونډه کول . گلزمان اتلس کلن موان و و خوده دښه هنر په وجه په ورو ، زړو گران او دهغو ي زړونو ته نژدې ووه په دغو و کتونو کې راديو اوراديو يې سندرو کليو ته هم لاره پرانستې

واو د گلزمان کليوالو او اولس غوښتل چې دې نورهم د شهرت پورې ونه رسوي . اوښه هيله يې دا وه چې دده له سندرونه نورښتانه هم خوندي واخلي او ددغه غښتلاو کورې ؛ بلکه ترې له ده نه هيله وکړه چې راديو ته ورشي . ده هم داغوښتل او زړه يې تلوه وروته درلوده ؛ خويلاره يې نهه پېښود ، هم له دې کبله چې ويل به يې راديو د سري غز خرابوي او بل هم داچې راديو ورته ښه نه پېښيده ، خو کله چې يې پلار سره تورو خاورو کې کښود نو ده هم نوره کلي کې گام ټنگه نه کړي شو او د پکتيا ولايت والسي ترښه هيله وکړه او روسي مکتوب يې په لاس ورکړ چې راديو ته مراجعه وکړي .

گلزمان راديو ته راغسې او امتحان ته کښاست . نصرالله حافظ چې هغه وخت د پښتو موسيقۍ مشر و و وايي :

( ما ته يې وويل چې راسه د گلزمان په نامه نوموان په پښتو سندرو کې امتحان ورکوي کله چې زما غلموس ليدل چې درې وروته دي او گلزمان داسې ښايسته غزلې اوښې سندرې وايي چې د سري زړه غواړي سلغونه وروته کښې او وايي وري په دې توگه ۱۳۴۳ کال کې د ( بي بي شمېرې نوري گلي ) سندرو دراديو په خپلو کې بهر ته د دوست دچينې کلي ته ولاړه او کليوالو ترې خوندي اخیست او بري بهارل يې .

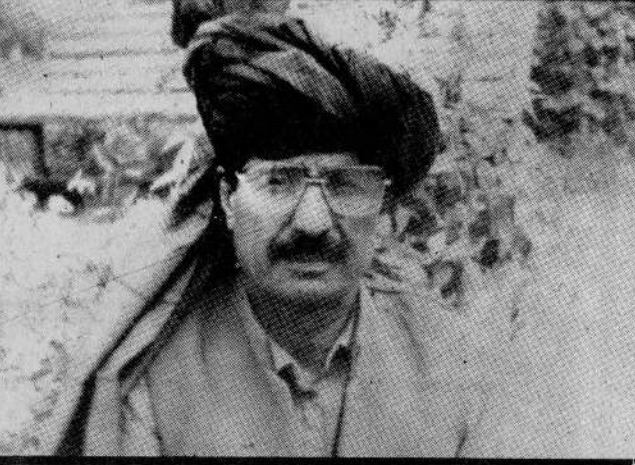
نکه يې ( زانگې ليلو ، ستا په سپينه غاړه د لوزنگو امله يوه ليلو ) په همدغه کال دده لخوا په راديو کې اجرا شوه . نورښو گلزمان يوازې دچينې کليوال نه وو ، بلکه په هرښتانه کلي کې کليوال گوميدلې وو او د بېرولو ولايتونو ترڅو به خلک کاښل ته په گلزمان يې راتلل او دې به يې وډونو ته د سندرو ويلو په خاطر بيوه .

په هرکليوالي واده کسې

به چې گلزمان سندرې ويلې نو پخپلي به له هرې کرکسي او دروازي څخه را پښتانه تر و د ( غوندي مندي داتوري زلفي جوړې کړه په تدي ) د سندرې وپونکې موان وويښې . گلزمان په دې پوهېده چې دده همدغه سندرې د خلکو خوښي نو په دې بڼه يې سندرو ويلو ته دوام ورکړه او دوه لومړنې بهر لښتوب وو چې د خلکو زړونو ته لاره پيدا کړې وه .

دده سره مينه نه يوازې د ده د هنر خوښوونکو درلود ، بلکه نورو سندرغاړو ته هم دده استعداد معلوم وو او دده په زيار او گام يې ايمان درلود ، نوښکته دده نه دا هيله هم پيل شوه چې نورو سندرغاړو ته سندرې

استعداد يوازې دمان له پاره و نه ساته بلکه نورې هم ترې بهرمن کړل او موانو هنرمندانو دده نه داستادي هيله وکړه . لومړي وروته يوازېس گورې کښوده ، چاوره د پښ محمد ، ايشان موند ، غلام محمد تر ه باغی او نورو موانانو خوشې په کورې پښتونخوا کې شوانو سندرغاړو ته د دشاگرد ي گوره کښوده او گلزمان په دېره مينه دوي ته زده کړه پيل کړه . گلزمان ته يوازې په افغانستان ، بلکه په هندوستان ، ايران ، بنگلور ، کومب ، مغلستان او د شوروي اتحاد په اتسو جمهوريتونو کې کسرتونه اجرا کړل او چمبه يې وپزوله ، پوځ ته په تاجکستان کې د کسرت ورکولو په جهان کې تاجکسې هنرمندان دده دواړې غزلو



ته حيران شول ؛ بلکه دې په دايرو کې په ښي لاس ( بېم ) آواز او په کښ لاس ( نېر ) آواز پاس ، دوي به راديو حيران . نوونکې او نه زړه پورې و . په رښتيا هم چې د گلزمان دايرو هغومو چې مشهوره ده هغومو يې ساري ، او ښکلي هم ده ، دده په شان دايرو تر اوسه هېڅوک نشي غږولې ، دې په دايرو کې خپل محلي تکورونه او محلي تنگري غږوي چې دادنه يوه اهمه ښانگه ښاده . گلزمان سره پردې ، چې خپل محلي سازونه ؛ لکه ، ډهل ، ساپ پاتي په ( ۸۹ ) ښخ کې

جوړې کړې ، ده دا هيله په دېرې خوښي ونه استاد اولميرت يې !

خو محفل ښي ساتي نوې چاونه منځ احمد ظاهر ته يې د ( او ) نه راسي جانانه زيا ) گلزار يکسې ته يې د ( راشه آشنا ستا ديدن لپاره نري سترگسې نورو ، نلسي سندرې ) اوږلا ناهيد ، رخشانې ، سرمن پرون ، منگل ، غمښ ، او بيا ن شامحمد ، دين محمد هماغو نورو يې ښکلي سندرې جوړې کړې چې شمېر يې حتی ده ته هم نه دي معلوم په دې توگه گلزمان خپل

# گلزمان د سازونو او آوازونو غوږپېژندل





### نام

شهاب  
 از زلفی تنهایی خویش می آیم  
 سپلند  
 گردن افراخته  
 رحمتراز تمامی نای ها ه از تمامی فریاد های زمین  
 چه صلح ه چه دشغوار  
 شهاب به تماشانشستم  
 عاشقان محتاج  
 در رگشاد ه تپش روزها و شبان  
 حقیر و چه بسهار هعلق شاد هی از کا و چرهای پائیز  
 به گدایی میروند

### در تارکترین درد ها و در ریخ من

خوشید را بر هیچ آستانه ای دستی به در بیزه دراز نکرد ه ام  
 آموخته ام دل به دریا ها رها کنم  
 تخران دلی از من به وام گرفته است  
 تا بر ماسه های گریه گریه غلطان رفتن را قامت خم نکند

آنک ه کوسه پیرودند انهایش لحظه ها  
 و امید سپیدش که بر روی و موی من شگرفان شده است  
 و اینک ه تو ه که میخوای با مرکه خونگی  
 دگرگون به فریاد ترسیده  
 دلی از ذروه به زرفا افتاده است  
 در تعلق جان برگد عشق  
 با مضرای ه که گاه گاه بنواز دش

کهنک زده ه گنج ه منک  
 به عشقی نه ه که میخوام به دست نی آید  
 به جانی ه که می بوشم و از دست می گریزد

لطیف پدرام





## دوبنموهار

راخوري دي جي به خ زلفي تار تار شي  
 به کي چو کلي و کورنه د بهار شي  
 د خودي بياله به و نه عکسي به ژوند کسي  
 جي دجا ترخاري ستا دوزموهار شي  
 که به لاردي دونا گامو نه کي دي  
 داس لاري توه زما به هم به لار شي  
 دوصال به تورو مشغلي رگي نيه دي  
 نه جي هسي خوک د ستا د بنو پنگار شي  
 که تپور به (( سمع )) بيا به خير رافلسي  
 ستا که مخي به گلزار تول (( چپرهار )) شي

سمع الله سمع

## د شيدو جام

باوڙل چس ستا  
 د اوڙل و شنبوله اوڙل دو لارو به  
 د سپور من کلي ته  
 د مين اوڙده لاره وهم  
 اوڙه دي خيال من  
 ستا پلو لپرتي کي ته و  
 چس من د هيلو مخته  
 د لمر له سترگو زير پدلي ماهان  
 د شهد و جام کي  
 له مارا نوسره ولسپدل  
 اوڙ ما د مين لاره  
 لنگره ته شوه  
 لاپس اوڙ ده پورته

۱۳۲۰ - ۲۰۲۲

کابل

کمال الدين مستان

## غزل

مخني د اثناله چس اسري وينم  
 خبر دي جي خوري او که ترخي وينم  
 تو د تورو زلفو مار چچلس ميم  
 بلس به وجود من سوري لبس وينم  
 که جي به تاز سره موسکي شي مار  
 نو کله کي نگو نه تاتسري وينم  
 و پر شيه لاله کي د صبا پر خه  
 ماويل جي ديار د صبح عولس وينم  
 که به بيزا به از غوضغ شي  
 نکه مي پيچسي به وينو سوري وينم  
 پر بيزده جي به درکي شي مچون ته  
 اخر خوبه دهره سترکي دلپس وينم  
 د اوصال زوري دي واحده نسبي  
 تمله کي چس من رنگي و زمي وينم

عبدالواحد پشان



کیتان سینما:

# دنیای سینما را تغییر داد



فلسفای رانشانی کرد که ژورنالستان آن را سینمای موزی تعریف کردند • در فرجیام فقط اختلافهای همین سینما با سینمای دیگر اوراکشت و نابودتر کرد • شاید کار برداژه کشتن برای اونا درست باشد ، مگر میتوان گفت که مرگی به سواغش آمد • ممکن از دیها لکتیک آن آگاهی داشت که نخواست ت به دفاع در برابر آن بپردازد • بانا سف که امروز سینمای مارا بیشتر ضد و نقیضها فرا گرفته است ، آنچه سینما میخواست بر آن غلبه حاصل کند •

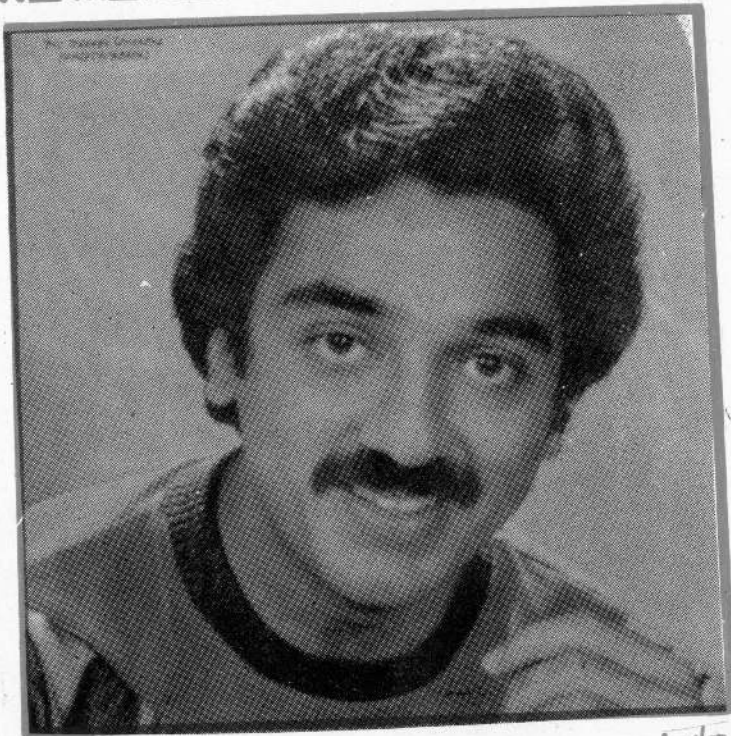
انسان در زنده گی خود چند دوست محدود میداشته باشد که در فراز و نشیب روزگار میتوانند در کنارش باقی بمانند • وقتی که سینما از دنیا رفت چنان مینمود که کسی را از دست داده بی که با تو بزرگ شده است • به مرحال مرگ او هم ما هم دنیای سینما را تغییر داد که در هر صورت

امیدوارم آنچه من میخواهم بگویم حرفهای محض در مورد یک انسانی که از جهان چشم پوشیده و یک یاد بود شتاب زده نباشد • بیشتر از چهار سال میشود که او از دنیا رفته و ما هنوز هم عشق او را در دل داریم • توانایی را که خداوند به سینما داده بود ، باعث میشود که یادش بیشتر در خاطر ما باقی بماند • من برای نخستین بار در سال ۱۹۷۴ در انستیتوت فلم پونسه او را دیدم • او به انستیتوت مذکور آمده بود تا دیپلومش را تمام کند • با دیدن او با خود گفتم که چهره سینمایی دارد ، باید هر چه زود تصویرش را گرفت • کترین کماتی موجود اندک چهره بی چون سینما داشته باشند •

سینما آدم را آگاهی میدهد که در زنده گی چی چیز ممکن است و احساس را داده آن چقدر فریبنده است • او هم بی دوران







کمل هاشم

# سینمای ناکام هند

آنچه مراب خیرت بیشتر و امید دارد اینست که اینجایه کس سینمای ساخت بیسی را به باد انتقاد بیست و میگرد از هنریشه ها گرفته تا کارگردانها و موزیسین ها و تئاترگران و اما کارها همانگونه که است، جهان دارد. مثل اینکه آب از آب تکان نخورد به خاطر دارم چندی قبل یکی از کارگردانهای نام آور سینمای هند به من گفت: کمل توبه غرور چاق شدن مهوری و این خطر بزرگ هر لحظه ممکن است ترا از ستم بلند هیروی شماره اول به زمین باندازد. "وقتی به حرفهای او فکر میکنم ناراحتی ام بیشتر میشود - آهانام تیل - شریک هنرمندی به خاطر پیت هیروی لاغری بودن است؟ آیا این خودتیک کمیدی نیست؟ مگر تاریخ هنر به جای ارزشمندها از وزن و سنگینی فیزیکی حکایه خواهد کرد!

من بانا سرف میکنم که سینمای هند بهترین هنرمندان خود را به زمین شو از دست داد: چاق شدن!

اصل شخصی نباید معیارها و دیدگاه های هنری تماشاچیان مارا تشکیل بدهد. اگر ما به سوی چنین آینده ای مهوریم، باید از همین حالا پیشبینی کرد که از طرف والای به نام هنر فرستگها فاصله خواهیم گرفت.

(نوشته حاضر بخشی از کتاب "مباحثه" جولان کمل هاشم با گزارشگر مجله ستار اندستایل و نقطه نظرهای این هنرمند درباره سینمای تجارتن هند است.)

\*\*\*

نقدانم، این جنون از کجا به سرم زد که سینمای جنوب را وداع گفتم، جانب فلمستان بیسی آمدم.

در سینمای جنوب پیت اصل پذیرفته شده وجود دارد، نقدم هنر پرچم شده. در حالیکه در سینمای بیسی مساله برعکس است اینجا به چهره حق اولیت و ارجحیت داده میشود.

به عقیده من شاید یکی از دلایل شهرت موقتی داشتن همین باشد، به خاطر اینکه نهایی چهره پتانمانت است و امانت عمر کوتاه دارد. آرایش صورت با گذشت هر روز در معرض تعدید خطر بپری قرار میگیرد، اما هنر با گذشت روزگار به سویی جاودانه کی میبرد امروز وقتی به تازم نهن فلم تجارتن (که خودم در آن نقش دارم) می اندیشم و آنرا با فلمهای جنوب خودم مقایسه میکنم، سخت احساس ناراضی می کنم.

چقدر فاصله است از کیمت و آرا تا لیک دو- جن کی لئی.

آن مانند گذشته نیست.

سمتا از نیمه سالهای هفتاد و تانیمه سالهای هشتاد، زمانیکه باشام بنگال، گووندنهالانی، سنجایت رای خودم و دیگران کار میکرد، آراء بخشن عمده سینمای هند را به عهده داشت. با آنکه کوتاه زنده گی کرد، مگر هم او در سینمای ما خیلی نهاد بود. گسره او را دوست میداشت و برای او گسره زنده گییش بود.

نخستین فلم من به نام بهوانی بهوانی در فضای دوستانه ساخته شد. سمتا نصرالدین شاه، ام پوری، موهن گوپل و نیامین جیلانی بدون خواستن کدام پولی کار کردند. علی الرغم آن در لامله باهم مکیا بودیم، غذا میخوردیم و چون اعضای یک خانواده باهم زنده گی میکردیم سمتا زنی بود که طبیعت آزاد داشت و نسبت به رولهای که او در آن کار میکرد روحیه آزادتر داشت. مردم در فلم بهوانی بهوانی رقص او را به خاطر دارند. باری ما تلاش کردیم تا آن را دور کنیم. به این منظور شو تنگ را از سیلان ساختم. سه روز تمام سمتا و موهن باهم کار کردند تا آنکه آنها در قالب آزادی محلی درآمدند. وقتی که اولم بهوانی بهوانی را به تماشا نشست، گفت که واقعا از فلمهای بزرگ است. امروز فلم مذکور از فلمهای خوب و دست آورد بزرگی برای محسوب میشود.

بعد از آن فلم هولی را ساختم که نصر و ام پوری رولهای کوچکی را به عهده داشتند. او نیز باید رول کوچکی را به عهده میداشت، اما بنا بر وظایف دیگر نتوانست. در همان وقت پندار فلم هیچ وصاله به وجود آمد. او واقعا مهوریم فلم مذکور بود. او در فلم رول زن آزادی را داشت که میتوانست کلمه "نی" را بر زبان آورد.

من نمیتوانم در مورد تمام قضایای زنده گی او تاس بگیرم؛ زیرا که نهاد است و درین مختصر نمیتوانم مگر اجرا کارش خیلی عمده مینماید. فکر میکنم هومیکا رول ترسناکی را برایش سپرده که سمتا خود را وقت آن ساخته است. به همین گونه از اجبارتا نام میگیرم و هنگامیکه به بازیگری خود فضا میبخشید، خیلی دقیق معلوم میشد. و این بود سمتا، سمتای که تنها در خود فروخته زنده گی نمیکرد. او همیشه میخواست که دیگران را دست دهد، دوستی باشد و به آنها بیونند و این یکی از دلایلی که چرا او هنوز هم در دل ما جا دارد.



خبر ما شیرین هفت رنگه محبوب  
ماجک تان در کنار مقبره  
احمد ظاهر هفت رنگه افتخانی

---

گلناره و ستاره دو هنرمند  
ماجک تان که در کابل سفید  
هنری داشتند .









خود را محتاج سایه ، همبخت مجنون و -  
آشفته مضمون معزنی کرده بود ، اما سبیدی  
حقیقت زنده کی برد رخش و فرزاننش شفا -  
فتر از آن بود که بتوان پنهانش کرد . زیرا  
او بیوسه و خسته کی نشناس ( به امید سبیده )  
گام بر میداشت و قلم میزد .

♦ ♦

عبدالحسین توفیق شاعر ارسته ، پرک - ار  
و متواضع که از لحظه لحظه زنده گمش در هنگا -  
ه برداشت و بر خورد با اشیا پدیده ها -  
و روند های جاری محیط پیرامون رخشنده -  
کی و تلالوی توفیق و دستگاری صمیمیت ،  
سرانجام به گفته خودش ، (( بار امانت -  
پنهاده بردوش )) حیات را به منزلگاه رسا -  
نهد و نقطه پایان تلاش های سازنده و پسر

درین دیرینه دیردیر بنیاد  
زمانه داستانها میدهد باد  
بیانات در یکدیگر بدانیم  
که تنها ایست مرگ آن میزد

♦ ♦

بارش را نقطه تمام گذاشت .

او با کمبود نهاد و پاک سرشتی بود از سلا -  
له قلم و سخن که هفتاد و سه بار شاهد ورق  
برگردانی بهار و پاییز بود .  
سه سال داشت که توسط خانواده اش  
به هرات باستان آورده شد ، تا در این مهد  
هنر پرور و تاریخی به معرفت های شعرا رف  
و سفرهای به جانب سواحل رموز و کشف و  
دقایق برتر دست یابد .  
وی نیز که به گفته نزدیکانش روان نسا -  
آرام و ذهن پویشگرمی داشت ، پیهام  
در دستجو بود و به پیش میرفت .  
در سفرهای به سوی سرزمین معنویت  
فقط از خداوند توفیق میخواست و کلا -  
الحی را یگانه و اولین چراغ رغبتهای پرس  
شاهراه زنده گمش میدانست .



توفیق در برتونهایات و با انکسار به ترجمه  
بی همانندش در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ -  
تحریر کشف المطالب ( آیات مبارکات -  
قرآن کریم ) را از روی قرآن مجید چاپ  
سلطانی همت نمود .  
توفیق در طول عمر بیاری پراختیار و ش  
دامان این خط روشن اندیشه و باور را برای  
لحظه بی رها نکرد . شور پر شور و عشق برد ل  
باتمام قوا جلو و جلو تر رفت و چندین  
اثر دیگر بر مبنای اندیشه های عقیدتی  
خوبش به رشته تحریر درآورد . در این  
راستا میتوان از اعلی نامه ، در خط قرآن ،  
الهدیر ( مجموعه بی در حال جذبات  
قرآن کریم که نظم گردیده ) ، برگردشع قرآن  
( چیده های منظوم از تفسیر مشهور  
ملاحسین واعظ کاشفی هروی ) کلمه اللهم -  
العلیا و شماری از رساله های منظوم و مشور  
دیگر از جمله کتاب النور ( چیده گلعلی  
از گلستان قرآن کریم ) را نام برد .



# جامی گنجینه

## کتابخانه گنجینه

برجسته‌ترین کار استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن مجید است

به گفته \* دانشمند فرزانه امروزگار  
 محترم نمک سیر بزرگترین و برجسته‌ترین  
 کار عمل استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن  
 مجید است که وی آنرا آئین دفتر زنده گان  
 نشر آرزو میکرد که چنین شد \*

میردالحسن توفیق از محضر استاد  
 حاجی شیخ محمد طاهر قندهاری گند  
 به قول اکثرت، علامه \* زمان خود به شمار  
 میرفت همواره میخندید بوده و از هموزبان عربی  
 بیادای علم عقلی و نقلی فلسفه و حکمت را  
 آموخت \* سپس با چنین پشتوانه، به روش علمی  
 و اندیشه‌ی شعری راه پیشه گرفت \* و در جوانی  
 به انجمن ادبی هرات راه یافت \* و به کار  
 های قلمی اش شور و اشتیاق بخشید \*

اشعار آزاده این شاعر آزاد اندیش  
 که به گفته منتقدی بعضی زمان در آنجا متعهد  
 درجیده \* (وطن) چاپ شده و به همه  
 کان قوت قلب و ایمان داد \*

استاد توفیق اکثرت نبشته هایش را  
 در ولایت هرات به اسم مستعار \* جامی بشعر

دروازه \* اتفاق اسلام چاپ میکرد. انگار  
 جام ، آینه حقایق و صفت های جامعه -  
 بی بود که شاعر در آن منزهت جام  
 در سروده هایش که به شصت و چهار  
 هزار میرسد \* بیشتر آینه دار و رفیق بوده  
 است هر چند تعدادی از مضامین فلسفی  
 اجتماعی ، عشقی و تاریخی را نیز شامل  
 شعری پوشانیده است \* عشق و جوانی  
 نوازی دل ، گلهای توفیق ، قطرات اشک  
 نرفتهها ، سایه روشن ، جام ، طنین های -  
 دل انگیز ، آهنگ صرا ، جهان ما  
 پندار ، نقش تاریخ ، جرعه ها ، توانی  
 ها ، سوخته گان ، به فرزندان من ، روشن گران  
 شگفتی ها ، هرات ، اندوخته ها ، جویبار  
 جای پا ، آسایش ، فانوس خیالی

نجات بیشتر ، سایه دیواره اسپند  
 به امید سپیده ها ، بهر زار رفته گان  
 رهاصات ، جامی و دیار جامی و چندین  
 تایی دیگر که تعداد مجموعی آنها  
 به دویست و سی و یک میرسد \* بخشی از  
 آنها در هرات قلمی او در رشته های دیگر  
 است \*

با اندوه بی پایان باید گفت که این  
 جام هنر و ادب از دست اجل بروی سنگر  
 شهادت تقدیر افتاد. روح امین انسان  
 بزرگوار را شاد میخوایم \*

سپهرین



جلدی و خیمه‌ها را می‌آورد -  
 ۲- نباید موه‌ها را برخلاف  
 سمت و میلان رویشان تراشید،  
 (مثلاً از پایین به سوی شقیقه)  
 جهت تراش باید مطابق موازات  
 میلان رویشان موی باشد.  
 ۳- ده دقیقه قبل از تراش  
 نشین موه‌ها را با آب گرم گرم  
 طوب سازند. ملام ساخته  
 و پس از پنج دقیقه نخست  
 ساحه را با شامپوی خفیه اطفال  
 شسته و موه‌ها را ترنگهدارند.  
 ۴- خاصیت چسبندگی  
 در مقابل تیغ فیزی همواره سد  
 نسر باشد. و جلد حساس  
 نه باید از آن استفاده کنند  
 هم‌استفاده از ریز تراش  
 شی‌های بی‌موی بدون هدایت  
 دانش قطعاً مجاز نیست.  
 ج: برتندن:  
 تندن موه، جمله موه‌ها  
 موه در تراش کوتاه موه  
 استعمال دارد نه موه‌ها  
 قوی بوده و یا بر زمین از سبزه  
 خودکنده شوند. موه‌ها  
 سوه از زمین رکنند پس موه‌ها  
 انانی و نه آن در تندن  
 بودن موه، به خاطر  
 بسیاری نه:  
 (استفاده از برتندن  
 موه در ساحات بزرگتر و سطح  
 بدن و زیانبار است و امراض  
 جلد را موجب می‌شود.  
 ۲- بین خرابی برتندن  
 موه باید حد اقل پنج الی شش  
 ساعت وقفه زمانی وجود داشته  
 باشد.  
 ۳- اگر از برتندن موه  
 آن برکنده شده است، بهترین  
 از دو بار با زخم موه تازه موه  
 در بازازاده این سوه صرفی  
 نضرتمایید. زیرا در قدم اول  
 خطرات آنات معمولی و در مراحل  
 پیشرفته تر سرطان‌های  
 جلد وجود دارد.  
 ۴- در میان تندن نشین  
 ساحه‌ای که موی آن برکنده  
 شده است به خاطر مگرش  
 تندن حد اعلا احتیاط به  
 کار است.  
 ۵- برای اینکه برکنده  
 موی به سهولت رویدن در  
 بقیه در صقه (۸۸)

می‌آورد و لذا درست تر آنست  
 که پیش از استعمال اول در  
 ساحه به اندازه یک حکم یکبار  
 آز موه شود.  
 د: دای تمپه شده را با لای  
 یک ناحیه کوچک بدن تطبیق  
 نموده و برای پوست دقیقه  
 انتظار بکنید. در صورت  
 نداشتن عکس العمل پیشگفته  
 میتوان از آن وسیعاً استفاده  
 نمود و اما یاد داشت‌های  
 زیرین باید به خاطر سپرده  
 شوند:  
 ۱- استعمال مداوم ادویه  
 سپید سازی برای جلد ناحیه  
 آسیب‌میرساند.  
 ۲- بیشتر است و دواها  
 به فواصل حد اقل شش روز  
 استعمال شوند.  
 ۳- مایعات سپید سازی  
 موه تراش بودرها و پاکرم‌های  
 آنست و آنرا میتوان در خانه  
 نیز تهیه نمود و به هر چه  
 در حدود شش تا هشت گرم  
 صابون ورقه ورقه تراش شده را در  
 پوست می‌شاید روغن پسر  
 اوکساید حل نموده بالای آن  
 نخست سه قطره امونیا و پس از  
 دو دقیقه دو قطره گلیسرین  
 علاوه نماید. مواد قوی را تا  
 به سه آمونیا و برای (۲۰) دقیقه  
 انتظار رسید. تردید ناصله  
 برای استفاده مناسب است.  
 ۴- پس از استعمال دوا  
 حرارت ناموسای موه نضر  
 پاکرم ریز (مردانه) ناموس  
 ۵- سپید سازی، مخلوقات  
 معتدل شستشو و مزاج سازنده  
 نرم ساخته شوند.  
 ب: تراشیدن:  
 تراشیدن سریعتر و  
 آسانترین سوه دفعه تراشیدن  
 است، اما نتیجه آن موه  
 است. زیرا پیاز آن سالم میماند  
 و اما اینکه موه‌ها را  
 تازه نه پس از تراشیدن موه‌ها  
 قوی تر و روشن تر میمانند.  
 حقیقت ندارد. البته تراشیدن  
 لطافت جلد را از بین میبرد.  
 مراعات نکات آن در این سوه  
 لازم است:  
 ۱- هرگز نباید موه‌ها را  
 تراشیده شوند. زیرا آفات



مساعذ کنند. و برای رویدن  
 آن فراغم تر میسازد و پلکسه  
 هر سوتیزم را به وجود آورد و آنرا  
 تشدید می‌نماید.  
 ۸- عوارض جانبی یک  
 عده دواهایی که طی شوره‌ها  
 منظم صورتی تداوره استعمال  
 میشوند. دواهایی که عوارض  
 جانبی آنها انشرا سبب رویدن  
 موه می‌شوند عبارتند از:  
 - مشتقات کروماتوزون  
 قرص‌ها بد خامه کی -  
 دنیازون، دیلاندامون و دیلان  
 نتین.  
 ۹- استعمال زیاد لوازم  
 آرایه تیز در زخم‌های تونا سون  
 عسریات و زخم‌ها آرایش‌دون  
 هدایت و مشورت دانش‌ناگهانی  
 سبب هر سوتیزم شده میتواند.  
 سوره ساز از بین برکن  
 هر سوتیزم در قدم اول موه

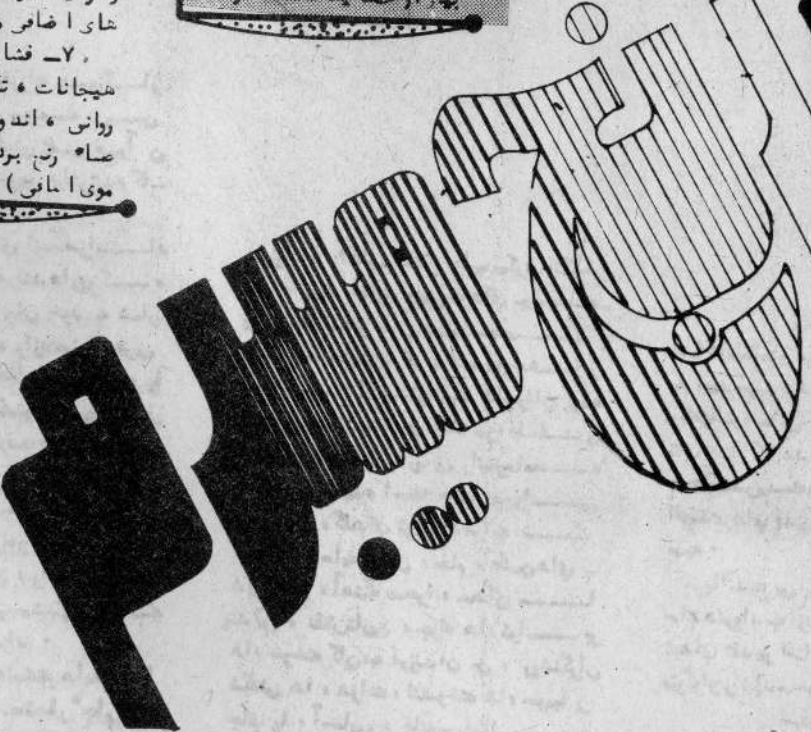
قدوات خاص در دوران بلوغ  
 به طور ناگهانی همراه با تشو-  
 شات و ناپهنجا رهایی عادت  
 ماهوار یک زنک خطر برای  
 پیدایش هر سوتیزم بوده می  
 تواند.  
 ۳- شماری از آفات و -  
 امراض جلدی (به ویژه در -  
 ماتیت‌ها) سرعاً سبب  
 هر سوتیزم میشوند. باید گفت  
 که یک تعداد دیگر باعث ریز:  
 آن می‌نماید و میتواند.  
 ۴- تقریباً تمام امراض  
 اندوکراین (آفات قدوات) -  
 دارای افزایش داخلی و تشوشت  
 و تغییرات وظیفوی هورمونیه  
 مخصوصاً در زمان انقطاع -  
 طبت (پائینه کی) یاد و از  
 پایان یافتن خصلت جنسی -  
 زنانه در سنین پیشرفته، بسا -  
 عت هر سوتیزم می‌کند.  
 ۵- امراض نفو پلاستیک  
 توموری و آفات همیشه نیز مستقیم  
 و یا غیر مستقیم (از سرتیر پسر -  
 شم زدن تعداد هورمون‌ها -  
 سوتیزم را بار می‌آورد.  
 ۶- امراض کمستیک ما -  
 نند پوست‌های تخمدان -  
 امراض غده فوق الکویه و سایر  
 غدوات مترشحه مانند نخامیه  
 و در قیه نیز سبب رویدن مو  
 های اضافی می‌شوند.  
 ۷- فشارهای عصبی -  
 میجانات و تالوف پیشرفته  
 روانی، اندوه طولانی (مخصو  
 عاً رنج بردن از پیدایش  
 موی انانی) نه تنها زمونه

برای برخی از موه‌ها پرمویی آنها  
 جهت خود شایند و لذت بخش  
 نیز تمریف شده است.  
 پیش از اینکه درباره شیوه  
 ها و روشهای گوناگون از بین  
 بردن پرمویی سخنان نشود  
 بی گفته نشود، بیشتر است بدانیم  
 پرمویی چیست و چه گونه  
 وجود می‌آید.  
 پرمویی (پایه اصطلاح  
 علمی هر سوتیزم) عبارتست از  
 موجودیت موه‌های غیر طبیعی و  
 انسانی در قسمت‌های غیر شرمه  
 بدن به ویژه در روی (استداد  
 پایینی شقیقه‌ها، زنج، پشت  
 لب) و قسمت فوقانی اندام  
 دو جانبه گردن، دوزن‌ها و  
 دختران.  
 اسباب:  
 ۱- اساسی‌ترین سبب  
 پیدایش هر سوتیزم ماله  
 ارثیت (از جانب مادر) که  
 بیشتر به یک نسل و یا نژاد  
 خاص ارتباط می‌کند. دختران  
 گندمگون و یا سبزه که دارای  
 موه‌های تیره و یا خرمایی  
 باشند، بیشتر از دیگران به  
 این آفت مبتلا میشوند.  
 ۲- قرط فعالیت و پرکاری  
 به از حد یک تعداد از -

بدون شک بارزترین و شاید هم  
 یگانه نشانه تمیز کننده زبانی  
 لطافت جلدی باشد. زبانی  
 چهره از نگاه ساختار آناتومیکی  
 با نداشتن جلد لطیف صرف  
 میتوان برای یک لحظه دیدن  
 (آبهم از دور) خوشایند باشد،  
 نه برای خیره شدن و تماشا کردن  
 طرح و آداه این بحث از در  
 نقطه نظر متفاوت و درنگ  
 بیشتر می‌خواهد:  
 تابستان موسمی که  
 به خاطر پوشیدن لباس‌ها  
 زک و کثرت میتوان قسمت  
 زیادی از جلد بدن را  
 بدون پوشش نگه داشت  
 به عبارتی دیگر تابستان  
 وقت مناسب برای نمایش  
 جلوه‌های زیباییست  
 اما این امر در شرق  
 و غرب از هم  
 چه قدر تفاوت  
 دارد.  
 در کشور  
 های شرقی  
 هیچ آفت  
 جلدی به  
 جز سرطان  
 نماند  
 سر  
 از

موی برای زنان و -  
 دختران نیست به خاطر  
 اینکه فیصدی زیادی از  
 مردها در برابر پرمویی  
 جنس مخالف به صورت نرسر  
 آوری حساسیت نشان میدهند.  
 در این کشورها نظر بجرخی  
 از معمارهای غنیمه بی‌وفر -  
 هنگی، پرمویی از جمله بد -  
 بختی‌های یک زن تلقی میشود،  
 زیرا در میان مردم پرمویی  
 با تخولات غیر علمی مانند  
 نقص جنسیت داشتن و نیمه  
 مونث بودن و عقامت‌های  
 احتمالی و خشونت طبع و کج  
 خلقی و غمخوره و غمخوره  
 میباشد. حال آنکه غالباً چنین  
 نیست.  
 در کشور های دارای سطح  
 زندگی بلند و کلتور  
 متفاوت از شرق پرمویی  
 زنان اصلاً پدیده قابل  
 توجه نه تنها برای جامعه  
 بلکه حتی برای  
 خود زنها و دختران میباشد.

# از موه‌ها جلای که



نوشته دکتر کورس آندره با همکاری  
 نوحه س. س. س. س.



میگوید: من به خاطر اعتراضی  
نزد شما آمده ام. هازمها بهترین  
و تلخترین لحظات زنده گیم  
به شما جنایت میکنم و رازی را  
برایتان فاش میسازم  
بعد انگشتان خود را در جیب  
های پیراهنش نیرو میبرد. شرم  
زده سویم میبندد. نگاهم در  
نگاهش من نشیند. چشمها -  
پیش فرزند میبندد. مانند آه  
است که همه زنده گی او در  
چشمهایش جمع گردیده است.  
در چشمهایش درد است  
خزان زنده گیت هیرسادی  
آرزو هاست. در چشمهایش  
قصه نوره زار هاست. رازش  
مردن است و راز سوختن و -  
ساختن است.

و حقیقت این است: نمیدانم  
کجا آغاز کند. شاید هم دارد که  
مبادا نام او را بر زمین مجله  
بنویسم و یا شاید هم ندارد.  
وقت میگذرد و من قلم به دست  
چشم به دهانش دوخته ام.  
اندکی در جایش جا به جا  
میشود. و بعد میگوید: بگذشته  
من هر لحظه مانند فلم سینما  
از مقابل چشمهایم میگذرد و مرا  
به سختی می آزارد. درین فلم  
دختری را می بینم که همه سر -  
ماهی هفت و شرافت خود را به  
پادشاه داده است.  
دختری که فقط فاصله بین  
خانه و مکتب را میدانست. به  
خانواده اش انس داشت.

هستنی هایش را دوست  
داشت و استادش را احترام  
میکرد. بگذار از این فلسف  
لمنتی که هر لحظه از مقابل  
چشمهایم میگذرد و زجرم مید -  
هد. برایتان بگویم. آن را بنویس -  
بمسجد تادرس باشد برای -  
دختران جوانی که چشم و گوش  
بسته به منجلا بیدنامی سرو  
موروند. لطفه به خط درشت  
به همه مادرها بنویسد که  
مراقب جگر گوشه هایشان باشند  
و نگذارند دختران معصوم  
شان به سر نوشت من مبتلا  
شوند.

بیهوده حلالین چه استم یک  
درس عبرت. یک لکه تنگه یک  
زهر تلخ. من یک زخم همک  
زخم ناسور. من هر لحظه رنج  
مهرم. درد میکشم. رنجی  
که نمیتوان آن را انداز گرفت.  
درد من تقسیم کردنی نیست  
اما گفتمی است.

من در اگر دستف ۱۱ یکی از  
لیسه ها بودم. در اگر خوب  
و لایق صنف خود بودم. با و ر  
کمند خیلی خوشبخت بودم.  
خانواده ما یک خانواده نمونه  
بود. آینده ام را از در چینه  
خوشبختی نظاره میکردم. همین  
داشتم که گل سعادت و خود  
شبختی در زنده گیم میشکند.  
آن وقت همه وجودم بهار میشد.  
براز شکوفه میشد مانند هر

دختر جوان از روی رفتن به  
خانه بخت را داشت و لب  
اقنوس که دستهای گل خوش  
شبختی ام را بر پر کرد. خانه  
بختم ویران شد. دستهایم  
بهار و خزان کرد. امسک  
در رگهایم مرد و من امروز یک  
کشتزار سوخته ام. یک زمین  
نور زده.

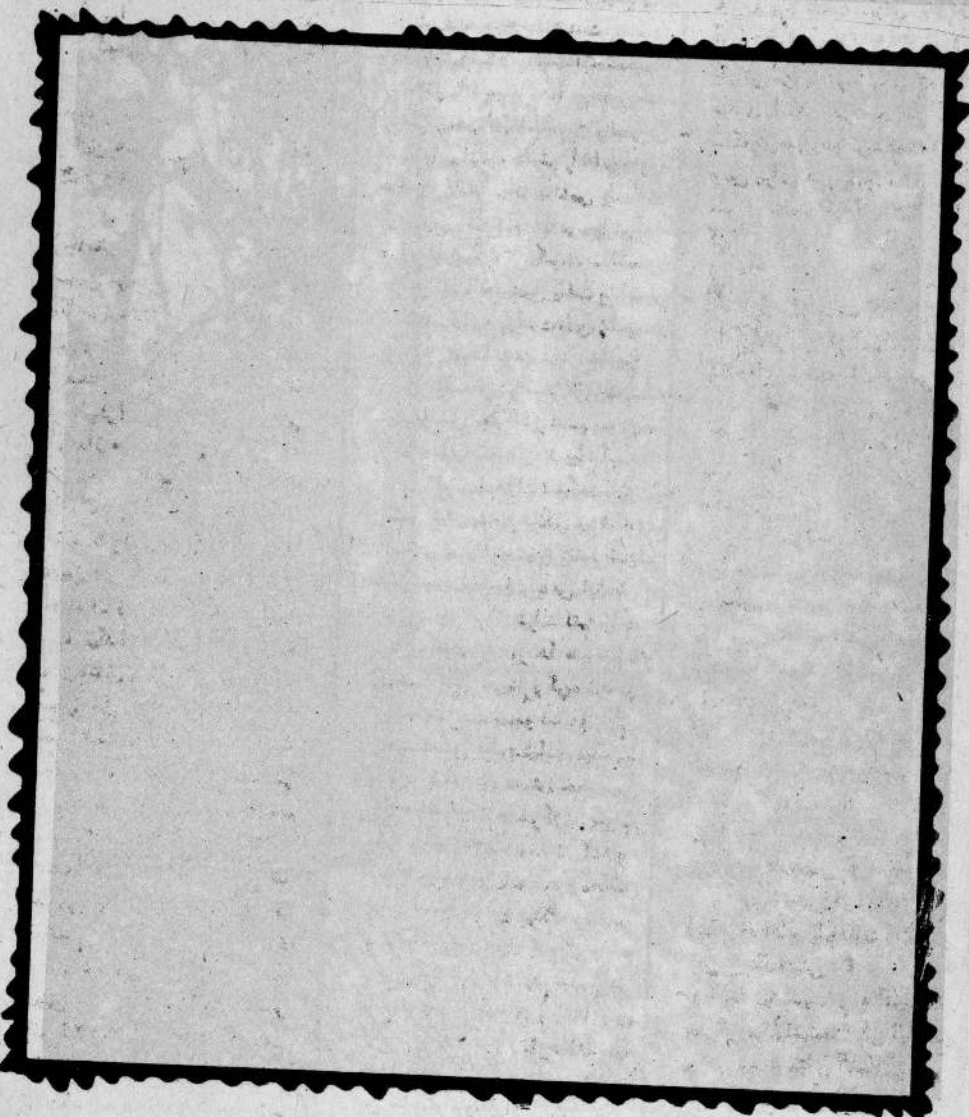
این همه یک سال قبل اتفاق  
افتاد. استادان حالان را پیش  
رو داشتیم و - ال تعلیمی به  
فرجامش نزدیک میشد. ماری  
صمیم ترین دوست من بود.  
ما گاهی به خانه همدیگر میر -  
فتیم و در درسها همدیگر  
را کمک میکردیم. آن روز که  
فرمایشاتحان الجبر داشتیم  
ماری از من خواست تا به خانه  
اش بروم پذیرفتم. خوب به  
پادشاه بودم. ما یکی دو ساعت  
الجبر کار کردیم. در خلال  
همین دو ساعت ماری هر  
لحظه اتاق را ترک میکرد و مرا  
تنها میگذاشت. بار آخر که  
ماری اتاق را ترک کرد و من  
سرگرم حل معادله می بودم  
کسی هسته ادهسته از عقب  
به من نزدیک شد تا خواستم  
روم را به آن سو دور بدهم  
دفعته. دستان قوی و نیرو -  
مندی که بدون شک دستهای  
یک مرد بود پادشاهی بینی و  
دهنم را محکم گرفت. بیوی  
تندی شبیه بوی درای خشک  
بینی و دهنم را پر کرد. هر  
قدر تلاش کردم نتوانستم خودم  
را نجات بدهم. بعد از یک  
کشکش خسته کننده تصور  
کردم تمام سبک میشود و من در  
بحری فرق می شوم. معلوم  
نیست چه مدتی بین نیمه بس  
هوش قرار داشته اما در تمام  
این مدت حس میکردم جسم  
سنگینی مرا در خود میفشارد و  
بوم تمام در قالب دستهای  
کسی شکل میگیرد. کسی با  
درنده خوبی تن صحت مرا  
در بازویان خود میفشرد. وقتی  
به هوش آمدم در یافتم که کسی  
و یا کسانی به من تجاوز کرده  
اند. ماری را ندیدم. با  
آبروی بر باد رفته و چشمهای

اشکیبارا و تن لرزان راه خانه  
را در پیش گرفتم. همین که  
وارد اتاق خود گردیدم و درس  
را بهانه قرار داده دروازه را  
ببرم بستم. همه وجودم میسو -  
خت مشقیقه هالم از شدت درد  
شهر میکشید. نمیدانستم  
چه کنم؟ به یاد ندا رف که چه  
کردم چقدر رگیزه کردم. ولسی  
گریه نمیتوانست آشتی را خاموش  
کند. ولکه سیاه بدنای را از  
دامین من بپوشید. دقیقه هفت  
از پی دقیقه ها میگذاشتند  
اما زمان پایانی نمی یافت و شب  
به صبح نمی پیوست. آن شب  
نا قوس بدنایم در گوش هایم  
صدای برداشت. از آن شب  
شکجه روح من آغاز شد و من  
زندانی زندان بی دیوار گرد -  
دیدم از آن روز زنده گی من  
ملو از رنگها و بی رنگی هافند  
و من ساهی و زشتی زنده گی  
را لمس کردم. در باقی اضا -  
تات نتوانستم اشتراک کنم. به  
بهانه مریضی روزها دروازه  
اتاق را بروم بستم و گریه کردم  
از یک سال بدینوشب و روزم  
در یک کابوس وحشتناک میگذاشت  
رد ماری آن مار خوش خط و  
خال را دیگر هم هرگز ندیدم.  
نمیدانم چه تعداد دختر کاش  
معصوم را به بهانه حل معا -  
دلات الجبری به پرتگاه بد -  
نامی افکنده باشد؟

چندین بار خواستم بخواب  
کف می گم ولی یک فکر و یک اند -  
یشه مرا ازین عمل باز داشت.  
تکر انتقام از دوستی که دوست  
خوشبختی و سعادت من بود  
دوستی که راه نشاط را بر من  
بست و خنده را بر لبهایم -  
خشکاند. انتقام از مردی که  
هرگز چهره اش را به خاطر  
ندا رف. تمام ملو از نفرت است.  
همینکه به بستر مهرم تصور میکنم  
قبری پیش چشمهایم در من باز  
کرده است. خواستگارها همه  
وقت به خانه ما می آیند ولسی  
جواب من همیشه منفی است.  
بوی چاره مادرفم چه زن خود -  
بوست ز یاد میکوشد از من  
جواب مثبت بشنود ولی چه گونه  
میتوانم بگویم: ماد را دخترت

نمیتواند به خانه بخت برود.  
به عوض پیراهن سپید عروس  
اورا کفن بپوشان زیرا که بخت  
دخترت را از دست داده اند حالا از  
هر چه مرد است بهزارم. از همه  
آن ها نفرت دارم. دنسای  
جوانی من با دستهای کتشف  
مردی مانند ظرف چینی بروی  
سنگش هوا و هوای شکسته است  
و من برای هر پارچه آن تسا  
سرحد خسته گی گریه ام.  
گریه دخترت را مجال صحبت  
کردن نمیدهد. کلوش پسر  
میشود. از چشمهای زیبایت  
که در نظر من از آسمان خدا  
پاکتر اند قطرات اشک چون -  
دانه های مروارید من هم بر  
رخساره های رنگینیده اثر فرو  
مهریزند. یک لحظه تصور میکنم  
بزرگترین بحره ناپیش روی هم  
سریزه کرده است.

دخترت اشکهایش را با  
بخت دست پاک میکند و میگوید  
"بین حالان یک آدم تنها  
استم. آدم تنها بازنده کسی  
نیست و هیچ با آینده نا  
معلوم. برای مادرها بنویس  
و بگو که شما را به خدا متوجه  
دختران تان باشد. به آنها  
زیاد اجازه رفت و آمد به خانه  
دوست و همسفری راند همد.  
من پرسم وقتی آن حادثه  
اتفاق افتاد چه روال داشت رادر  
جهان نگذاشتی؟  
از آنها میترسیدم. آنها  
حقا. مرا میکشیدند. ولی ایگاش  
میگفتم با دستانتان آنها از رنج  
مرگ تدریجی رهایی می یافتم.  
بعد میخواهد برود با اجبار  
قدم بر میدارد. من از عقب او  
را مینگرم که لرزان پس تمام دل  
آهسته آهسته چون سایه  
بی از روی زمین برچیده میشود  
و لحظی بعد چون ستاره ای  
که افق زنده گیش را کمر کرده بسای  
شد ناپدید میگردد.  
حالا که این سطور را می نویسم  
چهره معصوم و چشمهای گریه  
آورد او پیش نظر من می آید و شاید  
تا در هر هاتاشنیدن من راز دیگر  
و تا نوشتن یک کشتزار سوخته -  
دیگر نقش خاطر می باشد.





# اخبار نوشته اولی سعادت

## مشق خوشنویسی

مردی به اتهام قتل محاصمه  
موشده قاضی رویه مرد کرده  
گفت: شما چرا آن زن را ازبام اند-  
اختید؟  
مرد گفت:  
به خدا سوگند است که از  
پشت سرمش خوشنویس معلوم  
میشد.

## عناز بلتر

### از گناه

آواز خوان بد آوازی که  
در یک پروگرام تلویزیونی  
کسرت داد و بعد از آنکه  
برنامه اش را اجرا کرد و از-  
تلویزیون بیرون آمد معده ای  
از مردم را دید که با چوب  
و چاق در جلو دروازه خر-  
وچی ایستاده اند و حالت  
تهدید آمیز دارند.

آواز خوان با ناراحتی گفت:  
"انشاءالله از بابت اینکس  
صدای من خوشتان نیامده  
باین کاری خونه خواهید  
داشت!  
یکی از آن ها گفت: "نه  
ما با آن کسی کار داریم که  
ترا به تلویزیون آورده!"

## تصرف با اسب

بایسکل یک قاطر آهنگس  
است که دو پادار چون جو  
نمیخورد از آنرو خیلی لاسر  
است بوسیله گوشه اش هدایت  
میشود قبحین لازم نیست باید  
در شکمش لگزد ها تیز تیز  
برود و برای ایستادن گوشش  
را محکم باید گرفت.

د فتر تبلیغاتی ریاست بی-  
نظمی خبر میدهد که ترافیک  
یکی از جاده هاد روزه کنترل  
به خواب عمیق فرو رفته که در  
اثر این خواب و چادری خل-  
نیس راتند باد موثرهای تیز-  
رفتار که آخرین درجه سرعت  
را گرفته بودند به فضای لختنا-  
هی براند به نقطه نا-  
معلوس برده است. خبر-  
اعا ف می کند. ترافیک هم-  
چنان مصروف دهن خواب های  
شهرین بود. قصبه تحت  
تحقیق و بررسی خاص کجا-  
دری اثر را از دست داده قرار  
دارد.

امروز شاگردان و دانش  
آموزان مکاتب ولیسه ها  
نخستین دور امتحانات شان  
را در فضای کاملاً دموکراسی  
پانقل های طوماری و تاپوزی  
آغاز کردند.  
خبرنگار ریاست بی نظم گزارش  
میدهد که در جهان امتحا-  
نات معلمین و مفتشین حاضر  
بوده با این که حضورشان لریزه  
بر اقدام امتحان دهنده گان  
انداخته بود با آن هم بسا  
ملاحظه نقل های نقل و ریزان  
صمیمانه تیرخود را می آوردند و  
خبررما افزاید یکی از اعضای  
مفتشون و اعتماد شاگردان  
را در زمین تهیه و تدارک تاپوزها  
به سایر های مختلف عالی  
دانسته و آینده پرسیاری  
حتی در سطح تحصیلات عالی  
برایشان پیش بینی نمود.  
گزارش علاوه میکند سهم و-  
سطه داران نیز چون مثال  
های گذشته در این دور-  
امتحانات قناعت بخش بوده  
است.

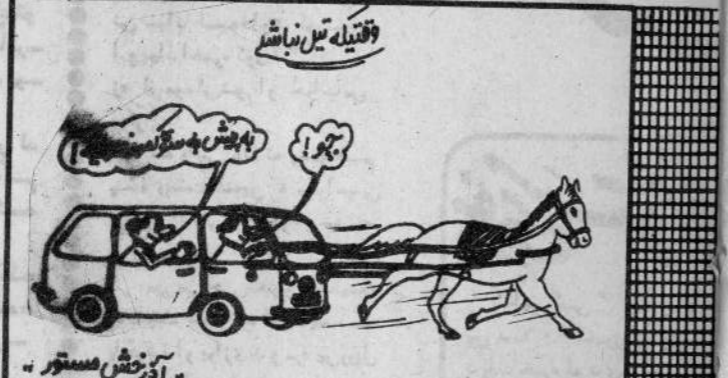
پروترکول دوستی همکاری  
دو جانبه بعد از نصف دشب  
میان ترانیک و تکسی ران یکی از  
محلات مزد حم شهرد رضای  
آرامی که گاهگاه با صفا ای لیل  
آبی خندق وسط سرك مختل  
بقیه در صفحه (۸۱)

حالا هم اگر دلت میخواهد -  
برای شادی مخرم!  
زن گفت:  
نه عزیزم، حالا که ترا دارم  
چمه چیزا دارم توکه بامنی نکس  
میکنم شادی ام در پهلوی  
من است.

# خواب پریشان

آه و بار در آخر صحبتش  
آه می شنید و می گفت:  
- افسوس... ما خیلی  
عقب مانده هستیم. انجمن حمایت  
حیوانات نداریم. تیبی از شیبه  
ها برخلاف همیشه دیدیم که  
زننه فقیرجان کراست. رفقا هر  
کدام از مردی سخن گفتند ولی  
فقیرجان خاموش بود. این خا-  
موش او مارا مشور ساخت.  
برای این که او را سرگرم بیاوریم  
موضوع مورد علاقه خود را  
به میان کشیدیم. انجمن  
حمایت حیوانات. اما باز هم-  
خاموش بود. سرانجام به اثر-  
اسرار زیاد ما را از خاموشی  
خود را انشاکرد. اوضه کرد  
من خیلی در باره انجمن  
حمایت حیوانات فکر کردم در نظر  
داشتم که به مقامات مسئول  
پیشنهادی هم تحریری ارائه  
کنم. در باره طرح خود بسیار  
فکر کردم و دیشب هم با همسرم  
تاکید حرف میزدیم.

گفت: شما خجالت نمیکنید  
که بالای مرکب دو نفره سوار  
شده باشید.  
گفتم:  
من شنیده بودم که روی با-  
یسکل دو پشته سوار شدن را  
ترافیک منع کرده ولی در مورد  
مرکب چیزی نشنیده ام. اما  
در حالی که از غم سرخ شده  
بودند گفتند:  
- حیوانات معلوم را از دست  
نمیکنید.  
تازه متوجه شدم که روی موس  
تری که آنان از آن پیاده شده  
اند نوشته شده: "انجمن  
حمایت حیوانات". فهمیدم که  
کار ما راست را می رسد  
افغانی جریه کردند. جریسه  
را برداشتم. یکی از آن سه نفر  
پرسید:  
- اسم این حیوانک چیست؟  
خیال کردم بپرسم را میگویند  
گفتم: "فصلو" گفت:  
این مرکب قشنگ را میگویند  
نه پست را.  
و از غم خندیدم و گفتم:  
نام ندارد. من او را حیوان  
بقیه در صفحه (۷۲)



## شادی

دختر ترشندی با یک  
مرد فقیر و نادار ازدواج نموده  
روزی به شوهرگفت:  
مردانی عزیزم از جمله چمنی  
که من در خانه داشتم یکی هم  
شادی بود که خیلی خوشم-  
میاید. مرد گفت:  
حالا هم اگر دلت میخواهد -  
برای شادی مخرم!  
زن گفت:  
نه عزیزم، حالا که ترا دارم  
چمه چیزا دارم توکه بامنی نکس  
میکنم شادی ام در پهلوی  
من است.

# خواب پریشان

آدم که بیچاره ماند چه -  
افکاری نیست که به گله اثر -  
خطر نمیدند. من و فقیرجان  
و مدبر عبدال و سر معلم فتیح  
همان طوری که یکجا مکتب را به  
پایان رسانیدیم و همزمان وارد  
مشاغل دولتی شدیم به فاصله  
کسی از هم دیگر تفاعد کردیم  
معمولاً با هم جمع میشوم و یک  
من زنده و همه میهم خاطر است  
و ماجرا های زنده گری را به یاد  
من آوریم و از دوستان بخفور  
و مرحوم خود یاد آوری میمانیم  
فقیرجان که تریاس ما مورد ولست  
بوده و در پست های مختلف کار  
کرده و چند بار به خارج هم -  
مفر کرده است همیشه یک کپ را  
سرمایان داشت مرتب شایه است  
میکرد که:  
- چرا ما انجمن های -  
حمایتی نداریم. مثلاً چرا -  
انجمن متفاعدین نداریم انجمن  
حمایت حضرات نداریم انجمن  
چی و چی نداریم.  
فقیرجان که به قول خود در  
در باره حیوانات بسیار مطالعه  
کرده است بیشتر در باره حیوان-  
شاید حرف میزد.



عالی بیست رفت

آذر خوش مستور

کرده پرسید:  
ملاچی میخس چرا -  
رسمان را به کسرت بستای?  
ملاکت: میخواهم خود نکسی  
نمایم!  
شخص پرسنده گفت:  
اگر مهل خود نکسی داری بیا  
رسمان را به گردنت آویزان  
کنی نه در کمر!  
ملاکت: خو، چقدر رهوشمار  
استی. بیشتر در گردن خود  
بسته کرد و بودم قریب بود که  
بپریم.  
ارسالی دیانا ارشاد خند -  
ان متعلم لیس خدیجه  
جوزجانی.

روزی ملا نصرالدین خوا-  
ست تا خود نکسی نماید -  
رسمان را به کمرش بست -  
در همین لحظه یشتقران به پیشرویش  
میگفت رو به ملا نصرالدین

نحوه نکسی

روزی ملا نصرالدین خوا-  
ست تا خود نکسی نماید -  
رسمان را به کمرش بست -  
در همین لحظه یشتقران به پیشرویش  
میگفت رو به ملا نصرالدین

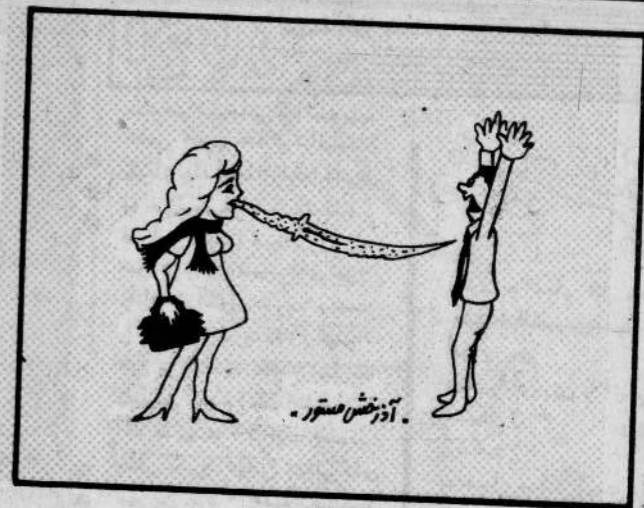


## الحمد لله

فرید شاکرد یکی از مکاتب  
واقع در یکی از قصبات دور  
افتاده یکروز آمد پیش معلمش  
و به او گفت:  
پدرم گفته است تا از شما  
بپرسم آیا خروس را دوست  
دارین؟  
معلم پاسخ داد: البته  
پسر جان، خیلی زیاد خو-  
شم میاید، مگر چه باید کرد؟

شاکرد جواب داد:  
پدرم میخواست برایشان  
یک خروس بیاورد!  
چند روزی گذشت اما از  
خروس خبری نبود، بالاخره  
حوصله معلم سر آمد و گفت:  
فرید جان مگر خروس را که  
وعد کرده بودی چه شد؟  
شاکرد گفت: الحمد لله که  
وضع خروس فعلاً خوب شده  
است.





# کالیزه

زور په کلي کی چاکلېزه  
 باساکره نه پخوانده هخچس  
 کله مور بارته کده راوکره نو  
 دغه لو به موم په کور را ننوته  
 ورم کال می نیکه چس عمر چس  
 په نوی کلو نوبه اړول او د  
 آزادی په جگړه کی یې لاس پورته  
 په چه تاوول د گاونډی په  
 کور کی دده دو پروکې زوی کا  
 لیزی ته تللی و کله چس کورته  
 راغی نووا رمی زما پلارته سخ  
 وراړاوه  
 بچو! په رشتیا چس مور  
 خوشی عمر تره کره نه موخپله کا  
 لیزه زموه اونه هم د ژوند په  
 خوند پوه شو  
 پلار می له واره خواب ورکره  
 باباجانه هته زره  
 خوره په نیت کی می ده چس  
 ستاد کورس کالیزه ونس  
 نیکه می د پلار زخیره په  
 خوله کی ورزیده کوه  
 ته دکور سوغمه کوه  
 اوس زمانه دکور سوده ه کا  
 لیزی هم ددودی! خوتسه  
 زمانه خوره چس خدای ناخوا  
 سخته یې کالیزی درختی مرنه  
 شم  
 دنیکه لمدی خبری سره  
 می پلار مجبور شو چس بله ورغ  
 دکور په چت پوری رنگه کاغذ و نه

می اناد کالیزی په کوه کی پنخا  
 شمسی و تو مبل اوتیرتال می له  
 پلار سره دکالیزی شوو پید ا  
 شو پلار می دکوه له پاسه  
 پنخه د برتر شمسی ولگولی اوبغا  
 می مری کړی ه مورس دکالیزی  
 په ورغ له پوی حیوانی پنخلس  
 کلنی پینلی خنخه هم زیاته سره  
 او سپینه پرقیده ه خنخه چس  
 پنخه ویشت کلنی یې ثابت شوه  
 او هغه په دی چس خان زمانه  
 پلار خنخه لس کاله کشر بولی  
 خوتر توله په زړه پوری دا ده  
 چس همدا سز کال خورور خس  
 د مخه مور راته وویل  
 زویه! ستا په کالیزه کس  
 به کله و خاندو  
 له دی خبری سره یومشبه  
 په چرت کی شوم ه خنخه چس  
 د مور کشر زوی دم که خه هم  
 دتذ لری له مخی خورور دسر ش  
 کلن می ه خود عمر پتو لو پمیر  
 خه کی می دخپلی کورس  
 د رواغو پتو لو په خاطر مور ته  
 وویل  
 مور جانی! زه تراوسه  
 پوری لا زبهدلی نه می کله چس  
 وزبهدم بهاد کالیزی خبره کوه  
 مور می له خنده راته وویل  
 و ی بچمه! داته خس وایس  
 نن سجاد لسوخاوند کسبری  
 او بهاد خبره کوی  
 زه لبر موسکی شوم او خواب می  
 ورکره  
 بینه وایم ه که ته رشتیا هم  
 پنخه ویشت کلن می ه نوداس  
 یې پوله چس زه لاتراوسه نه  
 می زیر بدلی  
 مور می چس خپلی اشتباه  
 ته متوجه شوی وه له خا  
 پاخیده او یوازی دو مری وویل  
 رشتیا می زمانه خرابه شوی  
 دده ه که نو زوی خنخه مور ته  
 دا خبره کوی

# مریبت

براتی وروسته دد وه دری  
 مهاشویه پیوغو خیرات پین شو  
 د واره یې خان کونج ته کس  
 ترخو دری نفری غوری په یوازی  
 سره ووهی ه همغی چس وایس  
 پسی پرمو راخی د طالع  
 پرمو طالع راخی ه خنخه د براتر  
 دلس دم د خیرات آشیز راخوت  
 نود ستر کویه ستر گرکید و سره  
 د فورس د غوښو د ن قاب پسر  
 غوری اسانه شو ه براتی هم  
 خوروات تمداسی دوام ورکر چس  
 ته به وایس دخور لو په کوهسه  
 مسا بقه کی یې گدون کړی و ی  
 او د پلو هنج دیوست یسی  
 رده کر همپشه و چس په دستر  
 خوان بانوی او رداورد و غزید  
 اوه لسوتوبی په زینیل کی و  
 چاره اود شفاخانې به لوری یې

# د یاتو توگی

شمشه پورخانه ه خیر...  
 بهادی کوم خوامنه کړی ده؟  
 - تخم چس نن یې دکور د صفه  
 یې د کتابچی وعده را کړی ده  
 - مالو موری چس دکور خنختن  
 شوی یې؟  
 - تراوسه خونه هم ه مگر د پسر  
 زره یې خنختن شم  
 - خنخه ه او په خه؟  
 - دا چس کارونه یې ټول خلاص  
 دی او یوازی کور پاتی دی د تل  
 امر می اخیستی او کارونه می ورته  
 خلاص کړی دی ه د پرنشنا مېتر  
 خود ایو کال کپری چه له امر  
 سره یو خای می د دفتر په مېز  
 خانمکی کولپ کړی دی ه او  
 تېلفون می هم خو ورخی د مخه  
 له نو مری سره یو خای ترگرید کړی  
 اوس تخم چس د صفای کتابچه  
 هم ورته واخلم  
 - چس د اسی ده ه نو ضرور  
 دی کور هم تر لاسه کسری دی  
 اوزمور شهرتی دی لکه چس  
 د کور توغو ندی وکړه کله خه؟  
 - شمشه پور کورت خود دی خو  
 خان ته یې نه کړ پوی کله  
 چس د کور خنختن شوم بهادغه  
 خبری کوه  
 - چس دکور خنختن نه یې ه  
 نو تېلفون ه پرنشنا تل صفای  
 کتابچه دی خنخه تر لاسه  
 کسری؟  
 - زو زوره! ته رشتیا هم چس

# غوره شوی معلومه

تېبت قد په کتابونه لسو ر  
 پوی  
 - په شرو مهوکه چاغندی ه  
 نگره به چاغ شوی وه  
 - د ایمان زوال دروغ دی  
 د تو تو زوال دروغ دی  
 - گناه په خپله کړی ه لعنت  
 په شیطان وایس  
 - غله ته هر بوتی سسری  
 دی  
 - په خپله خرته لری د پل  
 په آرمپوری خاندی  
 - خره بیکر کپل غوړونه  
 یې بایدل  
 - پتوی اوبیان اوخی تېبت  
 تېبت  
 - اوزه له لیه تختیده ه  
 د صاب کره یې شپه شوه  
 - پېشو چس خوب ونسی  
 چوموزک په خوب کی ونسی  
 - اول مژه به نوسه ه او  
 جسی نسی یې نوبتنگه یې نوسه  
 تکرری



# دنیای روزگاری

په کور کی هم د ماشومانو د  
 مور له لاسه پرتاوت را بانندی  
 توره شپه ده ه هر سهار چس  
 دهند اری ترنخ د پیری خربلو  
 لپاره د پېر ه نو په تر  
 تند ی اوله گوا بن نه پک غز راته  
 وایس  
 بهاد چاله پاره ریزه خبری؟  
 ضرور له بل چاسه تا رغزو لسی  
 یې ه که دغه ماشین می در  
 لختی په لنکری کی ونه تکاوه ه  
 دیوگی لور به نه می  
 که سپینه یې وایم اوله تا  
 سوپی پته نه لیم نو دا پنخچیرم  
 ماشین دی چس دچ مرکیسی  
 غونډی زمور دکور په لنکر کس  
 تکرری

# نوی ستوری

وایس چس "بهره زما وای  
 یې د ملا ه خوزما په زهره کس  
 د واک خبره له دی هم پسر  
 ورتوره ده ه په کور کی د ماش  
 مانو له مورخه نیولی بهاد دغه  
 تر تا پیستی پوری تېسول زساد  
 پیری واکداران دی  
 کوه ورغ چس بهره ونه خره  
 اود فتر ته لار شم ه نو یسا  
 دستر همکاران راختی مخ اړ و  
 او یاهم ننخ په نیشه راته وایس  
 چس ولی دی بهره رسد لس





# تازه های دانش

## چاقی اطفال و بیماری قلبی

دوکتوران بر این باورند که بیش از نیمی از کودکان چاقی در بزرگسالی نیز بیش از اندازه چاق خواهند ماند و در نتیجه در معرض خطر بیماری های قلبی و دیابت قرار می گیرند در این رابطه روزنامه واشنگتن پست در بخش بهداشت خود نوشته دوکتوران متخصص اطفال معتقدند چاقی بیش از اندازه باعث درد سر در بزرگسالی است. این دوکتوران معتقدند عدم خذیه صحیح مصرف بیش از اندازه مواد چسبناک مانند شیرینی ها و شکلات ها و چاقی بیش از اندازه در دوران طفولیت و بزرگسالی می شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزیتی برای بر سایر رسانه ها ندارد. این دستگاه (۱۰۰۰ سی. ام) نام دارد و تا به حال ۱۰ هزار عدد از آن در کوریا جنوبی به فروش رفته است. در این رابطه تبلیغات چاقی ها ساخت نگران شده اند زیرا اگر رفتار باشد بیننده تلویزیون به ویژه و احتیاج از حمایت اصلاحات تجارتی تلویزیون خلاصی شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزیتی برای بر سایر رسانه ها ندارد. این ترار گرفته است.



اجرای تکنیک تیمو و سانهاال آه آپ چاقی

## حمله و فتل حمله

### تلویزیون بدون اعلانات

برای خلاصی بینندگان تلویزیون از اعلانات فراوان تجارتی اخیراً جای پای ها دستگاهی ساخته اند که به کمک آن تماشاچیان تلویزیون در فواصل برنامه های بخش می شود نگاه نکنند. این دستگاه (۱۰۰۰ سی. ام) نام دارد و تا به حال ۱۰ هزار عدد از آن در کوریا جنوبی به فروش رفته است. در این رابطه تبلیغات چاقی ها ساخت نگران شده اند زیرا اگر رفتار باشد بیننده تلویزیون به ویژه و احتیاج از حمایت اصلاحات تجارتی تلویزیون خلاصی شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزیتی برای بر سایر رسانه ها ندارد. این ترار گرفته است.

را از طرف فدراسیون ورزشی کشور ایران نصب شد. پرسیدم و تکواندوی پیوسته با تکواندوی هیوانگه چه تفاوتی به هم می رسانند گفت: پیوسته کله کوریا پیوسته که پیوسته عمل و سه سرعت را میگویند یعنی سه عمل در تمامی حرکات و حرکات پیشرفته حمله و ضد حمله و یعنی دفاع بدون دفاع و حمله بدون حمله که شامل ضربات بلند بالایی و چرخشی و چکشی و کوشی پرشی و حرکات انفجاری دست و نقاط حساس بدن از خصوصیات این سبک است که مبارزه اساس این ورزش را تشکیل میدهد. عبدالناصر به دنبال سخنان خوبش به این نکات نیز اشاره کرد: تکواندوی پیوسته و ورزش

## حای مثل آپیرین

گروهی از دانشمندان در اثبات این ادعا مستدکی نوشیدن چای در سلاطین انسان اثر مثبت دارد. چای معده دار و مازان چای آن به دنبال آزمایشاتی اعلام کرده اند انواع چای تنبلی تره و زیت در خون را تحت فشار قرار می دهد. تجمع تره و زیت یکی از مراحل اولیه انسداد رگ انتقال خون از قلب است. تاثیر چای به دلیل وجود مواد مختلف رنگی در آن است. این مواد مانند اسپرین برای جلوگیری از لخته شدن خون مؤثر است.

اصول کوریا پیوسته که سابقه چندین هزار ساله دارد و قد را پیوسته جهانی آن در کشور کوریا و جنوبی در شهری به نام "کوکی وین" است و این سبک یک کماله مبارزه می محض است که حرکات نمایشی در آن کمتر به چشم میخورد مگر سبک تکواندوی هیوانگه که قد را پیوسته بهمن الملی آن در کشور کانا دا می باشد سابقه هژده ساله دارد و سبک کلاسیک تکواندو می باشد. حرکات نمایشی آن بهشترازا کاراته الهام گرفته است در رنج موج تکواندو و درجهان به عنوان کاملترین و خوشترین سبک رزمی در میان سایر هنرهای رزمی شناخته شده است. عبدالناصر هرگز صرفاً از کمیته ملی المپیک متقاضی است تا بخاطر منجم ساختن کامل

## گلور در وی رانسارد و گیکرین

بادرمان صحیح کلودرد (تیز) رقی یک پنی سو لین (مضامع بروز) عارضه قلبی است. این استن تو کوکی یکی از بیماری های نسبتاً شایع اطفال در سنین ۱۰ الی ۱۵ سالگی است که شروع این بیماری در رصول پاییز و زمستان حدود ۱۰ برابر بیشتر از فصل دیگر است. عامل این بیماری "استرپتوکوک بتاهمو لیتیک" گروه A می باشد که به راحتی بر اثر تماس نزدیک و توسط ذرات معلق در هوا، از راه دستگاه تنفسی به فرد مستعد منتقل می شود. یک تا پنج روز پس از ورود میکروب به بدن، علامت بیماری به صورت تب ناگهانی، گلودرد دل درد، استفراغ و گاهی لکه های جلدی شبهه مضمک ظاهر میشود که پس از مراجعه به طبیب در معاینه حلق و

رهروان این رشته که حدود ۱۰۰ نفرند کلس همین اکنون ترین این ورزش را میگویند قد را پیوسته را ایجاد نماید زیرا زمانیکه یک ورزشکار به صورت کلی از آمون ورزش تکواندو موفق بد می آید مجبور است تا از کشور دیگری کمر بند این ورزش را به دست بیاورد که این مسئله در روانیت امر اگر خطا نکته باشم احساس می شود. لیتی محض در برابر ورزشکاران است. ماه قضا به کمیته ملی المپیک پیشنهاد می نمود تا بار دیگر خوشرا به اصطلاح "به کوچیه" حسن چپ نژده "پیشنهاد داد و ورزشکاران را به مثابه جزه از فعالیت های مربوط به خوش بداند در غیر آن کمیته ملی المپیک یعنی چی؟

به پنی سلین از تزریق آن خود داری کند زیرا بر اثر عدم تزریق پنی سلین تجویز شده توسط دکتر فرزند آنها ممکن است مبتلا به تب روماتیسمی شده و دچار عارضه قلبی - روماتیسمی گردد که تا آخر عمر طفل را گرفتار و احتمالاً زمینگیر می کند که در آن صورت دیگر پشیمانی سودی نخواهد داشت. در همین جالزم به تذکر است. چنانچه اگر کودک مبتلا به تب روماتیسمی باشد به تب روماتیسمی ناشی از آن مبتلا گردد. برای پیشگیری از تب روماتیسمی از تزریق ماهانه پنی سلین طبق تجویز دکتر به هیچ وجه نباید خود داری شود زیرا با هر بار خود تب روماتیسمی اگر عارضه قلبی وجود نداشته باشد ظاهر خواهد شد و اگر امین بیماری وجود داشته باشد تشدید می گردد. از آنجاییکه در اطفال کمتر از پنجاه ساله حساسیت نسبت به پنی سلین بسیار کم است. لذا میتوان به مشوره دکتر آنرا تزریق نمود در این صورت نیاز به تزریق جلدی نمیباشد.

آرزوی تان چیست؟ آرزو دایم عده برای اینکه یک ورزشکار یک تاز و متواضع در رشته کانگوا باشم اولیس دکتر روانی باشم که از طریق تلویزیون بتوانم روزی هیولنا خورش را تدا وی نام لگه همچنان عمدتاً از ریاست محترم صحتروانی تمنا دارم از کسانی که به هیئت منجم دست یافته اند در تدا وی میباشن شان طلب همکاری نمایند. آها شما حاضر هستید در صورت تقاضای ریاست صحت روانی با آنها همکاری کنید؟ پلیس آخرین گفتی تان چیست؟ آخرین گفتی می آیند که زنده کی خون من می خواهد فخر اقبال رایگانی نیست.

## سند و اسناد

دانشمندان امیکانی و شوروی در نظر دارند تا یک گروه بین المللی زبانی بر روی کوه میخ ارسال دارند این برنامه قبلاً قرار بود توسط امیکانی ها صورت گیرد اما شوروی ها نیز حاضر شدند در این پروژه و همپوشانی هر دو شدند. هزینه این برنامه بر روی هشتی بالغ بر ۱۰۰ هزار دلار است و مطالعه ای است که توسط چهار پرفیسور ۲۰ دانش جو صورت خواهد گرفت. طبق این بررسی اقرار است یک دستگاه مدار جلدی به ساخته شود که خرج آن معادل ۳۰ میلیارد دلار است. از زمان کشف لنز در سال ۱۶۶۰ توسط (امیکانی) دان نشمند امیکانی این پدیده مراحل پیشرفت و تکامل را سرعت یافته و طی می سالی اخیر لنز از اتاقهای ازما و پشگاه ها وارد زندگی روزمره مردم شده است.

آرزوی تان چیست؟ آرزو دایم عده برای اینکه یک ورزشکار یک تاز و متواضع در رشته کانگوا باشم اولیس دکتر روانی باشم که از طریق تلویزیون بتوانم روزی هیولنا خورش را تدا وی نام لگه همچنان عمدتاً از ریاست محترم صحتروانی تمنا دارم از کسانی که به هیئت منجم دست یافته اند در تدا وی میباشن شان طلب همکاری نمایند. آها شما حاضر هستید در صورت تقاضای ریاست صحت روانی با آنها همکاری کنید؟ پلیس آخرین گفتی تان چیست؟ آخرین گفتی می آیند که زنده کی خون من می خواهد فخر اقبال رایگانی نیست.



# تخصصی ورزشکار

# فرجام عالی و پیشگام عالی

## حالا پدرم یک دایم الحسب است و مادرم دیوانه و بیستیمان

امروز کسی در من فریاد -  
 میزند . یک نیروی جدا از من  
 مرا به نوشتن وامیدارد .  
 میخواهم در مورد سوزن  
 و حشرات بی جایی سوید  
 مادرم بنویسم . زیرا این مساله  
 خانواده ما را به باد فتنه داد .  
 آرامش زنده گی ما را بر حمانه  
 به هم زد . حالا شب و روز من  
 در گریه يك كابوس است . از همه  
 زنان و شوهران از همه  
 مادران و پدران میخواهم تاقصه  
 خانه ما را به دقت بخوانند زیرا  
 در آن درس بزرگی نهفته است .  
 مادر بزرگ حسودی نبود .  
 همیشه بالای کپه کتین چپزی  
 بهمانه میگرفت . همه وقت مرا -  
 قب حرکات و رفتار پدرم بود  
 اندک ترین تخمیری که در حرکات  
 پدرم میدید بالای پیش ایسراد  
 میگرفت همین که در مهمانی  
 ها و موسی ها پدرم رامیدید  
 که باد و مستش و با خانم دوستش  
 صحبت میکند فوراً عنکبوت -  
 حشرات و سوزن در دلش  
 تار می تنید . وقتی به خانه می  
 آمدند سهل بر مشها و پر خاش  
 هانتار پدرم میشد . بچه ها -  
 پدرم در چنین حالات خاموش  
 میماند . زیرا مادر را زهاد  
 دوست میداشت . اما مادر -

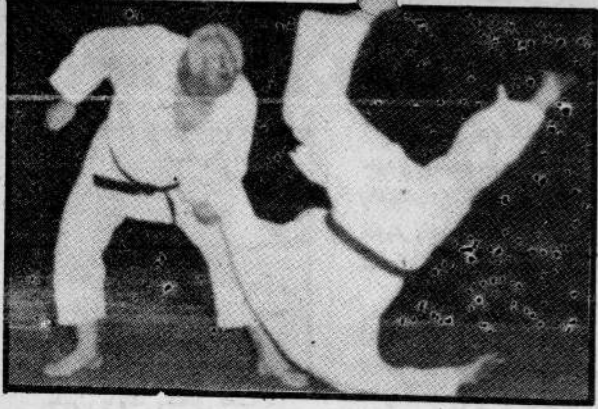
ندانسته توشه به ریشه سعادت  
 خود و همه مامزد . در فرجام  
 بهانه صبر و حوصله پدرم تپس  
 شد . روش غیر انسانی مادرم با -  
 عت گردید که پدرم به مشروب -  
 پناه ببرد . بیاد دارم آن شب  
 هرد و از عروس برگشته بودند .  
 پدرم نشاء بود . به مشکل  
 تعادلش را حفظ میکرد . به -  
 مجردی که داخل اتاق شدند  
 باز مادرم شروع کرد : " بگو آن  
 دختر کی بود که چند بار در چوکی  
 مقابلش شستی و کتیش کتیب  
 زدی و خنده کدی . پدرم که  
 سرش را به پشتی چوکی تکیه  
 داد بود چند لحظه سوی -  
 مادرم دید و بعد از جایش  
 برخاسته از الماری يك بوتل -  
 مشروب برداشت . آنگاه مرا  
 صدا زد او گلاس میخواست .  
 من از ترس ماندم بود مهربانم  
 گلاس را با قهر از دستم گرفت .  
 آن را پر کرد . دوس و سوسو  
 راهم بایک نفس سر کشید . من  
 دوباره به اتاق آمدم در سننم  
 افتادم خواب به چشمهایم نمی  
 آمد رفتم چسبیده به کلکین  
 ایستادم . باز صدای مادر بلند  
 شد که میگفت : " او شرابی خود  
 مهربانی و عشق دخترک ده -  
 سرت زده ؟ " پدرم نتوانست

تحمل کند آن وقت بوتل را با -  
 شدت تمام سوی مادرم پرتاب  
 کرد . بوتل به دیوار اصابت کرد  
 پارچه پارچه شد . چهره پدرم  
 از قهر و غضب زیاد کبود شده بود  
 بی حال روی چوکی افتاد .  
 چشمهایش مانند دو کاسه خون  
 بود . نمیدانم . مادرم آهسته  
 آهسته چه میگفت که يك بسا ر  
 پدرم غضبناک روی چوکی نهم  
 خیزید . و با شدت تمام بر مادرم  
 فریاد زد : " او زن روی خدا ره  
 بیمن . زنده گی ره سر خود و سه  
 د و زخ نگیدان . " من عقیب  
 شیشه کلکین گریه میکردم . آبی  
 آنها من برادر مرا اصلا به -  
 حساب هم نمی آوردم . بمسد  
 مادرم خیلی بی اعتنا از جایش  
 برخاسته زهوراتش را بالای . موز  
 آرایش گذاشت و با بی اعتنایی  
 روی تخت خوابید . و من به امید  
 آن که دیگر مشاجره آنها به پایان  
 رسیده . به بستر رفتم . تانیه  
 های شب خواب به چشمهایم  
 نمی آمد . اشکها با لاشتم را -  
 نرم میکردند .  
 صبح به امید این که مشله  
 چه آن ها خاتمه یافته از بستر  
 خاستم . اما بعد از نوشتن  
 چای بگو مگوی آنها دو بساره  
 آغاز شد . مادرم میگفت  
 وقت با آ خر چهره او را از  
 لای کفن دیدم . يك چشم او  
 نمه باز بود . زنها میگفتند :

و در میان عشقش گریه  
 میگفت : " اکه بوتل به سرم -  
 میخورد ؟ " بعد مشاجره  
 تند تر شد تا آن جاکه یکبار پدرم  
 فریاد زد : " بس اس دکه زن -  
 هر چه حد و اندازه داره . " -  
 مادرم بی اعتنا به فریادهای  
 پدرم و چهره های رنگ پریده  
 و تن لرزان من و برادرم گفت :  
 " دکه نمیتانم کت تو زنده گی  
 کتم ، طلاقه بی . " این  
 دو سه روز ادامه داشت . گریه ما  
 و مدخله قوم و خویش همیش  
 نرفتاد . بعد آن دو به محکه  
 رفتند و خیلی آسان از هم جدا  
 شدند . من برادرم با هم  
 ماندیم . مادرم نزد پدرم مادر  
 خود رفت . برادرم ۸ سال  
 داشت . از وقتی که مادر ما را  
 ترک کرد . در بدین درمانی بنه  
 جان برادرم افتاد . همیشه در  
 آنتر تب مسموخت مریض او  
 ۴ ماه ادامه داشت و يك روز  
 هیچ که لحاف را از رویش  
 برداشتم دیدم که چشمهایش  
 به سقف اتاق مانده اند . شاید  
 او تاب جدایی مادرم را ندا -  
 شت .

او دیده به راه مادران . -  
 بچه طغلك دل انداخت  
 وقتی جنازه را میبردند مادرم  
 آمد . مانند دیوانه ها بود .  
 خواست خود را بالای جنازه  
 برادرم بیندازد . مگر پدرم -  
 برایش اجازه نداد . با خشونت  
 او را از خانه کشید و نگذاشت  
 که روی پسرش را ببیند . از آن  
 حادثه یسسال میگذرد . و من -  
 تک و تنها بدون هیچ خوشی  
 ماندم يك سایه لرزان . -  
 بدون امید زنده گی میتم . در  
 حالیکه دختری به سن و سال -  
 من به محبت والدین چنان -  
 ضرورت دارد . مانند گل به -  
 آب آمان از محبت هرد و  
 محروم . همیشه با خود میگویم  
 چنین است فرجام سعادت و -  
 سوزن که کانون خانواده کسی  
 ما را بر باد ساخت . ما آواره  
 شدیم خندیدن و خوش بودن  
 را فراموش کردیم .  
 حالا پدرم يك دایم الحسب  
 است و مادرم پشیمان و من بسا  
 چنین پدری زنده گی میتم  
 و با چنین زنده گی میازم و -  
 مسوزم .

# مغلوب ساختنی بدون...



جودو کاهلی را ازین برد .  
 و ذوق جودو بهدار کنند .  
 ای نیروی کار در نهاد  
 ادبی است .  
 باید متذکر شوم که در جودو  
 اشخاص قوی و کم قوت شانس  
 مساوی دارند . و برای  
 خانها يك وسیله تدافعی  
 بسیار خوبی است . این  
 ورزش نخستین مرتبه از کشور  
 چین نشأت نموده و در -  
 جاپان انکشاف یافته است .  
 مفهوم جودو اصلا از کلمه  
 "جو جو سو" مشتق گردید .  
 و در پهلوی جودو شعبات  
 دیگری نیز از آن جدا شده  
 است .  
 قابل یادآوری میدانم  
 اینکه :  
 موفقیت در جو جو سو بهایه  
 کار بردن زور . قوت و خشونت  
 ممکن نبوده . بل با مهارت  
 زهره گی هنرمی و ملاحظه  
 میباشد که جودو بعد هابسه  
 صفت يك ورزش بی خطر  
 از جو جو و سو مجزا گردید .  
 س : چه نانی که تعمیم شد  
 جودو از جمله ورزشهای رزمی  
 به حساب میروند تکنیک و  
 تخنیک آن با سایر ورزشهای  
 رزمی چه تفاوتی به هم  
 میسراند ؟  
 ج : انگاهیکه جودو از  
 جو جو سو جدا گردید به شکل  
 يك سهورت مستقل سهورتگامیل  
 خود را پیود از شعبات  
 دیگری چون کاراته اکیدو و  
 تکواندو و کیودو و کتدو و کاسا  
 نودو و هایوسامی هاگیناتا  
 و کوزاری نانا که همه با تخنیک

های رزمی انکشاف یافتند  
 و شامل بازهای المپایی  
 گردیدند . مشکل میباشد .  
 زیرا جودو و عاری از هرگونه  
 ضربات و جراحتات  
 صدمه ها و خطرات بود .  
 مانند کشتی چنگکی سمست  
 شمال کشور يك بازی بی خطر  
 و خوشایند میباشد .  
 از انبیه گفته آمدیم احتیاط  
 می گردید که جودو يك سهورت  
 رزمی نبوده و تخنیک های آن  
 شامل پرتاب ها و محکم گرفتن  
 خفه و تاب دادن مفاصل است  
 که همیشه کدام برای ورزشکاران  
 در اجرای مسابقه خطری را  
 دارانست . تخنیک های این  
 سهورت به طور کلی دو مسابقه  
 عملی می شود اما از سایر  
 شاخه های این ورزش که  
 احتمال خطر در آن محسوس  
 است بطور کامل عملی نمیشود .  
 ویژه گهای عالی این  
 سهورت در این است که زن و  
 مرد در اجرا و بهیچر دان -  
 سهیم شده میتوانند تفاوتی  
 به هم ندارند .  
 س : چند نوع تخنیک در  
 این سهورت وجود دارد تحت  
 کدام نامها ؟  
 ج : جودو در یک  
 کودوگان که اولین استنوت  
 تحصیلی جودو در جهان  
 است و در توکو مرکز جاپان  
 فعالیت دارد متشکل میباشد  
 از :  
 تخنیک پرتاب ها . به زمین  
 زدن و تخنیک محکم گرفتن  
 و ضربه





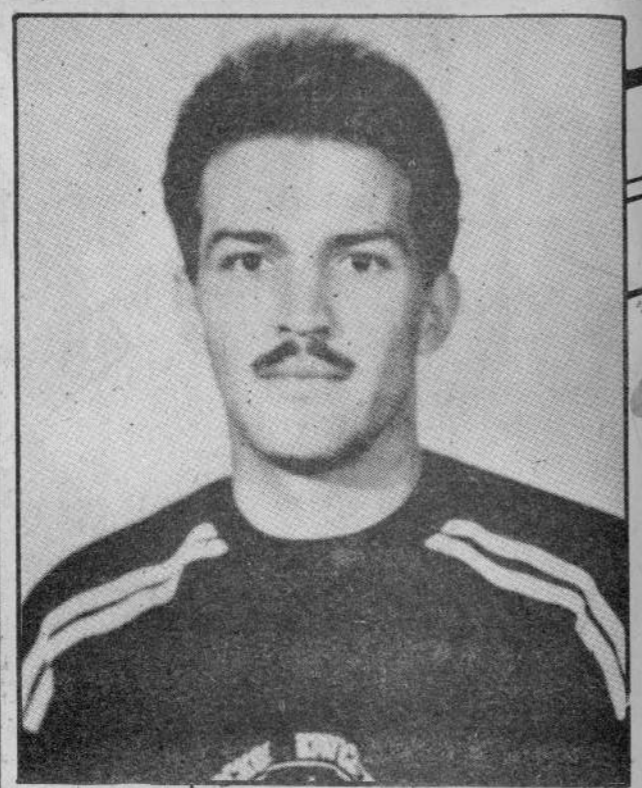
# آرزو دارم همیشه قهرمان بمانم

چندین سال است که بود انهای ورزشی کشور میزبان ختران ورزشکار نبودند است با وسد آینه سالها قبل تصهای دختران ورزشکار در سطح کشور غوغای رابریا نموده بودند اما به یکباره گسی دامنه آن چنان پیده شد که نشانی از آن باقی نماند و خود شبخفته در این روزها در کالبد بی روح ورزشی دختران روح دمدمه زنده گشته است به هموسن منسو ر پای صحبت یی از قهرمانان بد منتون محترم میا میرو ورزشی در انستیتوت پولی تخنیت کابل غنوتوبهای ملی بد منتون وپوسنت پانک منشیعم میخوانمهم که در مورد خورد ورزشی چیسی گفتنی دارد

مناجان اگر موافق باشوید پرسشهایم را طرح میونم

باکامان مول جیر آن پیزی را که در دستم دارم برای شما باز دو مینایم بعدا با شوخی عریغی میگویم نشود که سوال غنای منش را از من صرح نمایید

بقیه در صفحه (۸۲)



است اما در کشور خودمان آنطور یک میبایست در این عمره کار شود نشده است و نیز ند اشتن امکانات وسیع جهت ارتقای سطح این ورزش تا شهر ناگوار خود را در ساحه ورزشی جا میکند که مسن سعی نموده ام تا صرفا از اندرخته ها و تجارب ورزشکاران خارجی استفاده اعظمی نماع که میتوانم این دستاوردهای ورزشی ام را برای شما به شمارم هشت مدال طلا و د ه د بیلوم ورزشی و لقب ماحتر سورت پو در سال ۱۳۶۶ به سفت بهترین گولزن از جانب فدراسیون فوتبال کشور به من داده شد

های ورزشی داشته اید و نیز در مورد دستاوردهای ورزشی تان به عزیز خواننده این صفحه معلومات بدهید

اگر د فین گفته باشم تقریبا هشت مرتبه به خارج از کشور سفرهای ورزشی داشته ام که نتایج همه بی آن ها بر ایسم قناعت بختر بوده است

سطح ورزش کشور با ورزش سایر کشورها چگونه یاتمید

طبعا سطح ورزش سایر کشورها نسبت به کشور خودمان بلند تر است زیرا تجهیزات ورزشی و امکانات و زمینه های مساعد جهت تمرینات در اختیار آنها قرار دارد که فالت عملا به موقعیت و پیشگامی همین موسسات



# فوتبال را باید دید

مجله با اعلام رسول رحیمی عضو تیم ملی فوتبال کشور

فوتبال ورزشیست بتکی بر تخنیکها و تکنیکهای زیبای هجویم و حمله بی که این ویژه گیهایش سبب گردیده تا عدد بی شماری از جوانان خوش ذوق ورزشکار را در دامن خود بپروراند از جمع جوانان ورزشکار و با فبالیست ممتاز صمیمی و علاقه مند سر سخت فوتبال غلام رسول رحیمی مواجه شدم که مصاحبت را با من پذیرفته به سوالاتم چنین پاسخ ارایه کرد:

چرا از میان سایر ورزشها فوتبال را برگزیده اید

آزادی که فقط یک تماشاچی بودم در ذوق زده بی این ورزش شدم به مرور زمان در وجودم علاقه بی نهایت نسبت به این ورزش به وجود آمد به همین سبب بعد از تمرین متواتر و پشت کار خودم از هفت سال به اینطرف به عضویت تیم ملی فوتبال کشور پذیرفته شدم همین اکنون در خط مهاجم تیم ملی مسروف بازی میباشم

مشخصات یک فبالیست خوب در جرمش سابقه چیست

در گام نخست یک فبالیست باید آراسته باد حیلین عالی

# مغلوب نمودن بدون اسلحه

این نجیب زاده ها صنعت جود و را بعد ها به طرز بهتر و اصلا حتر به هموطنان خویش و جهانپان پیشکش نمود

جهت آشنایی بیشتر ارجمند خواننده بی این صفحه مصاحبه بی را با محترم نظرمند نهکژاد ترینر تیم ملی جود و انجام داده ام که دران میخوانم:

س: جود و به نوع ورزشی بوده و در جهان چه سابقه بی دارد

ج: جود و یکی از بهترین ورزشهای بدنی و یک واسطه انکشاف فکر و سرعت در عکس العمل و تمرین وجود و اخذ قدرت عالی جسمی بوده که سابقه در صفحه (۶۷)

بنابر روایت بعضی کتب در اوایل سال ۱۶۵۰ یکتفسر تاجر چینیایی موسوم به "نصرت گمین" در یکی از نواحی توکیو بنام اکوزای صنعتی را به سه نفر از نجیب زاده های جاپان آموخت که با استفاده از آن می توانستند دیگران را بدون استفاده از اسلحه مغلوب سازند

یوگورو کانویکی از شاگردان



د ان دو و ترینر تیم ملی توانندی پو سه کلب هدایت میباید بهتر خواهد بود تا در مورد گفته منای خود ترا با هم بخوانم:

از سال ۱۳۶۲ که مدت دو سال از تمریناتم در ورزش بوکس سپری شده بود نظریه محاسبه همه جانبه از استعداد و توانایی فیزیکی وجودم به نگو اند و رو آوردم و بعد از سپری شدن یکتیم سال موفق بعدر یافت کمربند سرخ شدم

باید بگویم که این رشته را بطور مکن و منظم در کشور ایران فرا گرفته ام ابتدا به کاراته شو توکان که یک سبک جاپانی است و متعاقبا به کانفو تو و در آخرین مرحله به تکواندو پیوسته علاقمند شدم که همین اکنون این رشته را با علاقمندی دنبال میباشم در جرمش آموزش در کشور ایران مسابقات را با ورزشکاران ایرانی اجرا نموده ام نتایج همه بی آنها برایم قابل محاسبه میباشند زیرا در اثر موفقیت من در مسابقات کمربند سیاه و ان دو

بقیه در صفحه (۶۵)



# حمله ضد حمله

کلام شهبایی دارد و بهان فصیح و او را از نزدیک دیدم فنون تکواندو و آیین ورزش معاصر را به قدر توان واستعداد خویش در ذهن متمرکز ساخته است

این جوان آراسته پانوری و پراتین ورزشی و عبدالناصر هوشمن دارند که کمربند سیاه



# معلمان در معلم

گزارشگر: مهنا آفرین

سهما صمم یکی از معلمان شهر خوارگه کودکان دوستی - چنین گفت: بسیاری مادران کودک مریض را به کودکانستان میآورند که این کار نه تنها برای کودک خود اثر زنج دهنده است بلکه سبب اذیت و آزار دیگر کودکان نیز میگردد.

بعد از آن به طرف صنف بالا تر این کودکانستان که در آن جا کودکانی از سن سه تا پنج ساله مصروف درس خواندن و کارهای عملی قصه گوئی میباشند رفتیم.



با دیدن مادران که به رسم احترام همه از جا برخاستند پس از آن که همه شان به جا های خود جا به جاشدند به درس خود که از طرف معلم شان تدریس میکردید ادامه دادند.

با اندکی تاخیر از نفیسه همدرد یکی از معلمان این صنف در مورد این که چرا بعضی کودکان به مجرد جدا شدن از مادر یا پدر جانب کشوند کستان به گریه میافتند؟ پرسیدم.

او در پاسخ چنین گفت:

معلمان میگویند: کودکانی که مادران تحمیل کرده دارند...

نخست از همه سری زدیم به کودکان دوستی با داخل شدن به محوطه این مهد پرورش اطفال، توجه ما را نظافت، سلیقه و کار دانی استادان و آمین امن کودکانستان جلب نمود. پس از معرفی همراه معاون کودکستان دو ستن راه صنفهای مختلف آن جا را پیش گرفتیم.

اولتر از همه داخل شهر خوارگه این کودکانستان شدیم معلم ها هم مصروف آرام نشستن و تنظیف نبودن کودکان بودند. در آن جا کودکی میگریست، دیگران میخندیدند. شاید آن یکی گریه بود که نهاد منبوه، معلمان پس هم به جانب کودکان میدویدند آن جا اگر مادری بود او حالت معلمان را میدید دیگر هم حرفها برایش حل شده میبود و شاید هم نمیگفت که کودکم در کودکانستان هر روز گریه میکند راستی هم چقدر دشوار است. ما دوری از چقدر میماند، از ناراستی اثر شکایت نمیگفت اما دیگر برای معلمان کودکانستان حزن وجود نداشت که کودکان نا آرام نشسته کودکان میکردند و...

# کودک

گزارشگر  
کودکستانها  
شهر



هدف این گزارشنامه آشنایی والدین و معلمان و تربیت اطفال از کودکانستانها با اطفال و معلمان است. از این گزارشنامه میتوانیم به خوبی آشنایی پیدا کنیم با اطفال و معلمان و از طریق این گزارشنامه میتوانیم به خوبی آشنایی پیدا کنیم با اطفال و معلمان و از طریق این گزارشنامه...

مکان و... این راه غریبها و کوهی از بیست و هفت نفر است. آنها نه تنها در کشور ما قابل اطمینان نیستند بلکه حتی در چندین کشور دیگر نیز در این راه غریبها و کوهی از بیست و هفت نفر است. آنها نه تنها در کشور ما قابل اطمینان نیستند بلکه حتی در چندین کشور دیگر نیز در این راه...

مدرسه و... این راه غریبها و کوهی از بیست و هفت نفر است. آنها نه تنها در کشور ما قابل اطمینان نیستند بلکه حتی در چندین کشور دیگر نیز در این راه...

کودکستانها... این راه غریبها و کوهی از بیست و هفت نفر است. آنها نه تنها در کشور ما قابل اطمینان نیستند بلکه حتی در چندین کشور دیگر نیز در این راه...



# تواریخ بر سر زبان

صدای موزنم • آنان خروشیدند و گفتند :  
 عالم ... حتی يك نام خوب برای او انتخاب نکرده ای زود باش به خاطر این اهانت بصبر - کب " صد افغانی " دیگری جرم بدی •  
 صد افغانی دیگر هم از سن گرفتند • نفر سوس که معلوم میشد وتر نواست پرسید :  
 - غذای این حیوان را چطور به او میدهند ؟  
 گفت :  
 خودش میخورد •  
 آه چی آدم بی بند و باری •••  
 بهادارشه را نمانسته به او بدی با ترس گفت •  
 - نخبر ••• چی خیال کورم •  
 اید ••• رشقه را هر روز با پتاس پورنگات می شوم •  
 انهن ••• جای او خراب نیست؟  
 نزدیک بود بگویم که در طولمه میخواهد اما از ترس جرمه گفتم :  
 اتاقش پاک و عفاست • در رزمستان بخاری برقی و در تسمایستان برایش کولر میگذارم •  
 - آبی که به او میدهند چگونه است ؟  
 - همین آب معمولی است پس که خود ما هم می نوشیم • او بدید بطرفم دیدم گفتم :  
 - ظالم ••• حتی آب را جوهر هم نمیدهی ؟ •••  
 وارخطا شدیم و گفتم :  
 - بسیار معذرت میخواهم تسمی فهمیدم که این حیوان چای هم میخورد •  
 - جای لازم نیست •  
 - طرف هایش چگونه است ؟  
 نزدیک بود بگویم گویا است اما

مورا گفت :  
 - شمشه من •••  
 اما فکر باغچه که حتماً نا- شکن باشد •  
 - اتاق او چیزی کم ندارد ؟  
 از ترس جرمه شدن گفتم :  
 - یک راد پوکست برایش گذاشته ام که موسیقی بشنود ولی اگر شما امر میکنید برایش يك تلو- یز بزن هم میخرم •  
 او سوس را تکان داد و گفت :  
 - خوبست ••• برای انبساط روحی او بد نیست ••• منتوس فکر باشد که بعضی بزنامه های تلو یزوتی بسیار خسته کن و - تکراری است • گفتم : اگر تکرار میگوید فرض بویام کرده ویدیو میخرم • گفتند :  
 - لازم نیست ••• دیدن زبا د به طرف تلو یز بون چشمانش را ضعیف میکند • آنها با مهر - بانی به سرو روی مرکب دست میکشیدند •  
 وترتر باز توصیه کرد :  
 - وقتی که برایش رشقه میدهی باید دست هایت را با صابون بشویی گفتم :  
 - اگر فکر میکنی دستهای مسر- کتف است رشقه را بعد از این با قاشق و پنجه به دهنش - میدهم •  
 فقیر جان اهی کشید و گفت :  
 - دوستان عزیز در همین وقت من از خواب پریدم از عرق پهرانم ترشده بود بعد از آن عهد کردم دیگر در فکر چنین چیزها نباشم •

با درن خانه زن را رسانید  
 میزند • نوریه ظهرا از آنکه  
 محمد نسیم به بلای راسر  
 سر آورد نواست • در یک کج  
 دکان آرام میگرد • محمد کریم  
 مالک دکان محمد نسیم را از -  
 گوئی موسی و اف میسازد  
 به اتفاق هم  
 این زن گریه را از دستش می کشند  
 بالاخره زن را صبح رها می  
 سازند • نوریه بعد از پرسن  
 و جویان • به رهنمایی پت زن  
 راه خانه اش را در پیش میگرد اما  
 به خانه سوس نمی رود پس به -  
 منزل کانا ر سوس پناه میبرد •  
 بعد از جستجوی شوهر زن -  
 دستگیر می شود اعتراض می  
 کند • ونشک دینتریکه سوس تر  
 ویراستم به سرفه هشتاد هزار  
 افغانی نموده است که نوریه آن  
 را در بریان تحویل خود رو  
 کرد راست • اما اینکه اصل  
 قضیه چه خواهد بود و به خوا-  
 هد شد ؟ به سوس این میازره  
 با جرایم جنایی ولایت کابل  
 ارتباط میگرد •

سر راه در آن پای پیوند مقدس  
 از دواغ و پاشوازان طفلان کند  
 شمره می آید پیوند مقدس میسا  
 شد در میان است • زنی بنام -  
 نوریه که یکسان قبل با سوس  
 به نام نسیم در صفه مقدسی  
 نشیند و سوسند پایداری را بر  
 دستان میاورد نسیمه دلایل  
 بر اساس و ویرا خوسیر دو بار  
 مورد لت و توب قرار داده •  
 است راه فرار از منزل شوهر را  
 راغب در قریه کلخانه ناخوسه  
 نسیم در پی میگرد و به عرف  
 شهر میباید • نوریه که حسنی  
 عاشق مادرش را زبیر پناهید  
 و طفل بار ماهه را بر او منزل  
 رسان کرده مدت چار شبانه روز  
 را در منزل اشغال مختلف و -  
 ناشناس سپری میساید بالاخره  
 در پیش از روزها باید سرساز  
 به نام محمد کریم رو برو میشو د  
 محمد کریم زمیتره • دیده  
 زن را به پنهان آنکه به منزل  
 سوس برود و باره مورساند راه -  
 تایس را در پی میگرد و در -  
 یک از دکانهای رنگر سوس

# اوراخواهر خواهد داشت بدفشارکند

پشته و پوستون صبح میزند •  
 زمانه این سلسله را حل افرا  
 طس خریتر را میباید قایلتر  
 از بوضوح باخبر می شوند بعد  
 از جستجوی مسوولین کشف  
 جنایی شقیقه دستگیر  
 و در نظارت خانه انا -  
 تبه و دیت کابل تحت نظارت  
 فرار میگرد • مسوولین کشف  
 جرایم جنایی در پی کشف و -  
 تعقیب عاملین قضیه افتاد •  
 اند که الی ترمجه سوسند  
 همه بر آنها در ترازوی عدالت  
 افتاده تحویلشان می شود •

بیمانه آنکه زهینه خوب زندگی  
 برای شقیقه سوسند و پرا پیه  
 منزل خود • در مکرور بان میبرد  
 دختر سوس روز به پنهان آنکه به  
 دیدن مادرش میبرد از خانه  
 کاکایر بیرون می شود به -  
 رهنمایی خواهر خوانده از  
 این سوس به آن سوس یا  
 د پوران و نگرانان این های  
 مختلف شهری معرفی می شوند  
 به حدی که شب بخارا با دیو -  
 ران و نگرانان سوس بی کولک

# هوس را بر خود کش ترجیح داد

تج سوس معمولی به و جفته  
 میروند و سوسه منزل می آیند •  
 بدون اندک ترس توجه نسیمت  
 به زن میزند خوب که این امر  
 باعث بروز قاتل ترین نواقص  
 و سرافتندگی می شود • با م این  
 نزد مردم می شود • با م این  
 قضیه را با نامه سوسه قضیه  
 گو به بارشاه کید بر این  
 نقطه شده است تا سوسران  
 نسبت به خانهایشان راه -  
 انعطاف را در پیش گیرند تا از این  
 طریق بتوانند به رازها و اموال  
 درونی زنان بی برسد • اما  
 میبایست تمهادهای از مردان را که

# اوراخواهر خواهد

در کتب  
 شقیقه که عاخره دخترک  
 آرام و محسوس است اما  
 باطنش شعله های نام کنده  
 نوجوانی به نوست میگذارد •  
 وی که زنده گی مشرق را با پاره  
 مادر و خواهر و برادر طاقت -  
 نرسالتی میکند گاهی به منزل  
 خواهرش و گاهی هم به منزل  
 خواهر خوانده می نماند پیشه  
 با نوزده ساله بی بنام شقیقه  
 با نهمه ناخوسه یازدهم شهر -  
 کابل مرتکب گردیده است با هم  
 کاکایر به موسوع می بود به

اقترا مقومه شده و دیده  
 ابره در پوران پس های شهری  
 با نصب دستکارت های رنگارنگ  
 و پوشه ستاره های طلوع و شبنم  
 کت های موسیقی از با م  
 تا شام عده بین را مجذوب و -  
 عده بی ران را می میسازند و -  
 مجد و بین آنها همان جوانست  
 های کوتاه اندیش میباشند •  
 به پدید این قضیه را که دختر  
 یازده ساله بی بنام شقیقه  
 با نهمه ناخوسه یازدهم شهر -  
 کابل مرتکب گردیده است با هم  
 کاکایر به موسوع می بود به

# درد هلیزهای معاکم چی خبر است

# بیوهی که بیوه نبود

زن طرف پهلین می خورد و از آن  
 بیوه وانمود میسازد بالاخره  
 از هرگل تقاضا میکند تا با هم  
 یکجا زندگی کند زیرا هیچ  
 کمزوری ندارد آنها یک خویشی  
 را به کرایه میگردند و مدت شش  
 ماه را در آنجا مشورت سپری  
 میکند بالاخره بالای موسیقی  
 بنا میسازد شان برهم خورده و -  
 کتبه گی های میان شان به  
 وجود می آید • در یکی از روزها  
 سوسه با استفاده از غایت پر  
 یکل دخترش آینه را که درازده  
 سال دارد از خانه فراموشند  
 و مدت یکسال سوسه از هلسان  
 بنظره لا درت میشود به اشرف  
 جستجوی مسوولین کشف جرایم  
 جنایی سوسه دستگیر می شود  
 اما از انعطاف دخترت -  
 در رازده ساله خویش را پس  
 خیر وانمود میسازد و موضوع  
 خالب آنکه سوسه زن بیوه نسه  
 بل زن سوسه دار است که سوسه  
 هرگز در کول متقاعد قوی -  
 مسلح میباشند سوسه تا اکنون -  
 به جرمش اعتراف نکرده است اما  
 شواهد گواهی میدهند که جواز  
 اختطاف کننده آینه دختر هرگل  
 سوسه کسی دیگری نیست

چنانچه بر همه همد است  
 عدس از زنان جوان مانوسیت  
 به شهادت رسیدن شوهران  
 شان بی سرپرست شده اند  
 و آنها مجبور اند تا برای فرار  
 هم آوری همیشه فرزند دان  
 يتم شان در پی جستجوی کار  
 بگردند • اما دیدم شده است  
 که یکده از زنان باوصف آنکه  
 شوهران شان حیات اند بخاطریه  
 یک ترجم مردم را نسبت بسوسه  
 خویش برانگیخته باشند خویش  
 را بیوه پس کن معرفی میگردند  
 با هم این چال و فریبک پت زن  
 را میخوانم •  
 دو سال قبل از امروز -  
 هرگل زن بیوه بی که با خود  
 چند طفل قدرتم داشت  
 پلخمری را به قصد دریافت کار  
 به طرف کابل ترک میکند و در -  
 دستگاه ساختن هلسان به  
 صفت کارگر اشغال وظیفه  
 میسازد زنان بیخوسه چینه  
 طفل يتم خود را از راه حلال  
 به دست میاورد • در یکی از روز  
 ها با زنی به نام سوسه رو برو  
 می شود بعد از مباحثت و -  
 گفتگو با هم معرفی می شوند



مصاحبه از نگین

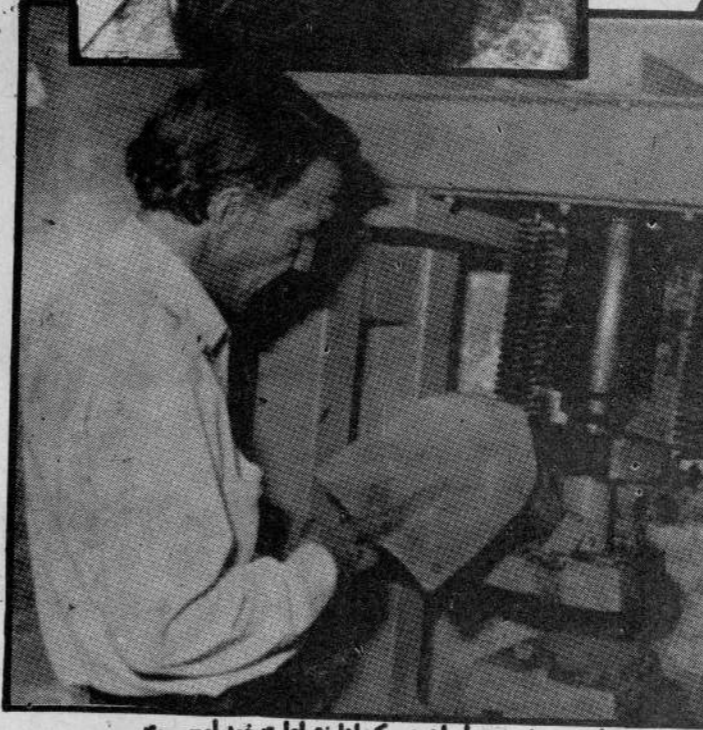
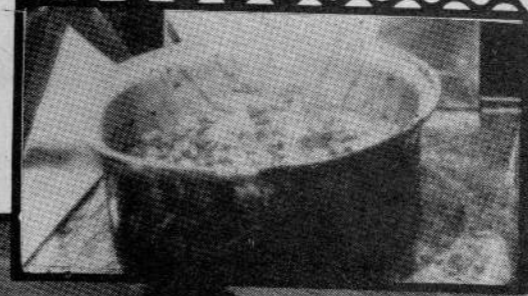


# صدیق مخترع و اختر اعانت جدیدتی کتاب در چند ثانیه



صدیق مخترع در چند ثانیه گوشه را با زاویه مخصوص اتمه کتاب  
کتاب میسازد

تنگ مخصوص که صدیق با زاویه مخصوص کتاب در طرف  
نیم ساعت در آن شهرها میزند



صدیق صرف میساختن پیل توسط ماشینی که از اختراعات خود اوست

گفتی، پرازانیه که صدیق آزان به  
سای کوکرده با سکره لامبراستفا د  
میسازد

همه متوجه شدیم که ازگوشت  
دود بلند میشود، اما تا گران  
همه در حیرت فرورفته و لبخند  
میزدند زیرا در مدت پنج ساعت  
هفت دقیقه کتاب پخت شد.  
ایا این اختراعات را برای دیگران  
هم می آموزند؟  
در حالیکه سروروش را از عرق  
پاک میکرد گفت: بلی کورسی  
را برای علاقه مندان اختراعات  
و ابتکارانم که اگر علاقه به یاد  
گیری آن داشتند ایجاد نمود  
ام که هشتاد نفر به آن مراجعه  
نموده اند.

× دهن کورس چه چیزهایی  
را شاکردان می آموزند؟  
دهن کورس اختراعاتی همچو  
گرم نمودن آب در حمامها پخت  
و پزغذا و گرم نمودن اتاقها  
با دینتر گرفتن زاویه آفتاب تولید  
آب از آفتاب و ذوب نمودن هر  
نوع فلز به درجات مختلف هالونی  
که میتوانند توسط آفتاب چند  
کیلوپتر فاصله را طی کنند.

× آیا حکومت برای ایجاد این  
کورس با شما مساعدت ها می را  
انجام داده است؟ در حالیکه  
زهر خندگرنه می از چهره او  
نمایان بود گفت: بالاخره پیسه  
فاخر میسرود این کورس شده عدد  
نیم و ده جلد کتابچه برای تدریس  
این کورس هر ماه مساعدت گردید  
در حالیکه من همیشه خواستار  
ام تا زمته خوبتر کار برآیم

باشد و هموطنان ما بتوانند  
برای سهولت کارشان از آن ها  
مستفید گردند.  
بعد با هم به طرف چاپک -  
لوازشر رفتند که آنجا بود راهسی  
شدیم.  
صدیق قبلا همه وسایل را  
مقابل آفتاب گذاشته بود تا آماده  
تحریر باشند نورناهیستان همه  
دور از حلقه زدند.  
بعد صدیق مخترع شروع  
نمود به کار.  
ابتدا یکقدر گوشه را که  
برای کتاب و یخچن شورا آورده  
بود توتی نموده بعد در بین  
دیگ، گوشت را با مواد لازم اندا  
خته و سر صندوق شیشه می  
را که از هر چار طرف با آهن  
احاطه بود بست و برای یک  
ساعت به زاویه معین مقابل  
آفتاب گذاشت.  
بعد ۹ خمیری را که خود  
آورده بود در دیگ نان پزی  
قرار داد که برای پختن نان  
و دیگ خمیر را نیز در یک صندوق  
که بالای از شیشه و چهار اطراف  
فشر از آهن بود گذاشت. تا  
گفته نمایند که بالای هر دو صندوق  
یک یک آینه بقدنمانیز قرار داشت  
صدیق سیخ پوز گوشت را  
بالای تشت آهنی که روی آن -  
از نزدیک پو شانیده شده بود  
به زاویه مخصوص در مقابل آفتاب  
قرار داد. پس از لحظه کوتاهی

چندی پسر صدیق مخترع  
به اداره مجله سیاهین آمده  
و خواست تا در مورد اختراعاتش  
چیزهایی را به نشر رسانم.  
اداره مجله سیاهین این  
که توانسته باشد با بی ککسی  
را انجام دهد روزنامه عا جرد  
بد و راد و بوتلوینزون را درجهان  
گذاشت که این مصاحبه اثر را  
با خبر نگار مجله سیاهین می  
خوانند.  
باز هم غمگین استه باز هم  
دلزانیاتش از بغضی است ه  
باز هم میخواهد نهاد کند -  
صدیق مخترع که ساامان درازی  
را با نهیدستی گذرانیده است  
اما هنوز به اختراعاتش ادامه  
میدهد.  
مرد عظیمیست، چنان  
مادانه صحبت میکند که گوی  
سالمات با او می شناسی، مرد  
بسیست متوسط قامت با چهره  
استخوانی و لاغر اندام این بار  
خودش به دفتر ما آمد بیست  
از سلام و علیک مخترع چوکسی را  
اختیار نمود و با همان تیپ مخصوص  
شش پا را بالای پا قرار داده  
نشست خیلی مظلومانه حرف  
میزد. بعد از لختی درنگ  
پرسیدم حتما اختراعات جدیدی  
را انجام داده اید؟ در حالیکه  
ک دستهایش را با هم میمالید  
گفت: همیشه آرزو دارم که برای  
وطن و مردم خدمتی را انجام  
دهم که حلال بعضی معضله ها

ساعت کرد زیرا هدم خدمت  
برای اجتماعتته برای خودم  
چنانچه چندی قبل به  
منظور ایجاد یک ورکشاپ به  
یکی از مراجع ذمه لاج رو بردم  
در آن جا نه تنها حرفهایم  
شنیده نشد بلکه توهین هم کرد  
مدم. پرسیدم آیا این گونه  
برخورد ها شمارا دلسرد از کار  
نمی نماید؟  
در حالیکه چشمانش از حده  
برآمده بود گفت: باور کنید در  
مقابل چنین برخورد ها ان قدر  
دلسرد ششوم که دم میخواهد  
فهاد بترم و ان چه را که اختراع  
نموده ام ازین بهر و ذوب تمام  
باری صدیق اتقان گفته.  
بود: ( آنچه را که تاکنون اوب  
خه ام از برکت نام صدیق  
مخترعست یعنی زمانیکه تا  
جوانی به ششوم و نام صدیق  
مخترع را شنیدم همیشه ذهنم  
مشغول اختراعات اوب میسود  
آرزو میکردم روزی من هم بتوانم  
از همین طریق خدمات شایسته  
نی برای هموطنانم انجام دهم  
که همانطور شد.  
× آرزو شما کارهای  
او ارتباط دارند؟  
- خود را اختراع ساخته  
که در صفحه (۸۵)





### داوینکو سمندر

داوینکو به خیو کی من دردونه بسادوم  
 داخیل خمیری گهوان ته سیلابونه مادوم  
 برحال من هیس خاندی زمانه او کسه تقدیر  
 چی وئی بره مان نیاسی مینونه بسادوم  
 بیلنو ته ستاله لاسه دا جهان واره تورم شو  
 به تورو نیوکی هیس شه الو نه بچنا ووم  
 داوینکو سمندره ای و داستاستو خپو کسه  
 دغم د یاسه غم کی طوفانو لسه بسادوم  
 و هیس مستو نیکی خیار ساتی بسه زاری  
 (( ژوی )) ستادنی گونی پر هرونه بسادوم

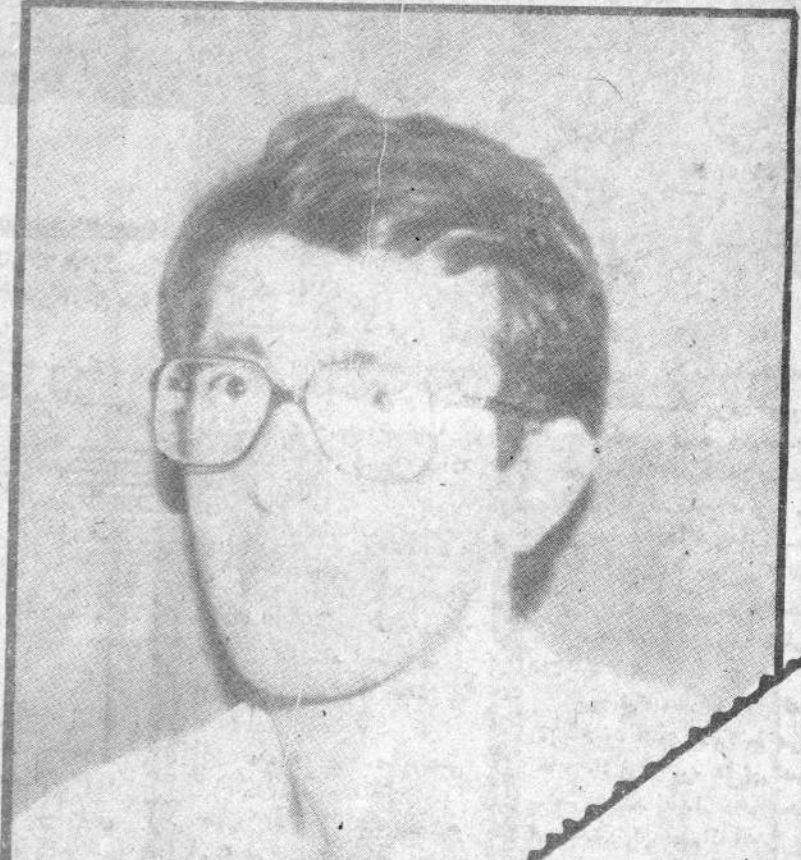
## دعمونو نو پوه چیو کی

زبه سپاه دنجونیه په لسه  
 کی هغه بیخله ده چی لسه  
 خلورو کلونو رایه دیکخوا  
 کس لکی اوله دورو کلسو  
 راهیسی شمروای  
 زبه وایس چی پوره دولس  
 کاله دناروی په بستو کس  
 پوره و او خلورو واری دمرگ  
 شربولی تللی ده - هسی  
 دپوی پو بستن په خواب کی  
 داسی وویل:  
 (( لکه دنورو نچو نویسه  
 شان تری پره وخته پوری لسه  
 کوره نی سمانتو نو سوه مخا-  
 من و زه زه کوره نی لپاره  
 شمرویل نه کار نه ووه خو  
 ماد لیکو او شمرویلو لمن  
 پری نه بوده او دای او د  
 غه کاره هخول کهنه  
 دینشو شمروانو په لسه  
 کی د حافظ او ددی شعره  
 نوخه دتعارفاسی له اشعارو  
 سوه خامه بینه لره  
 زبه سیا غواری چی هپوته  
 ورته و نه دشعریه زه لسه  
 نیل کوکل غصه زاوایس .

## د عبدالاکبر لک

عبدالاکبر از سیمها و تانیاک  
 شعر امروز جوانان است که  
 تقریبا در راه و رسم ویژه هسی  
 شعر میسراید و دارای نقطه  
 نظرهای بسیار تازه نسبت به  
 هنر میباشد - او سه سال  
 بیشتر به شاعری پرداخته  
 و اینک چهار مجلد «اماده  
 ولی چاپ نشده دارد»  
 آگاهی یافتیم که عبدالاکبر  
 از مدت یک سال به انتظار  
 به خاطر شعر دست به قلم  
 نبرد است و وقتی درین مورد  
 او او پرسیدیم در پاسخ گفت:  
 هنوز هم در ایستاد ایمن  
 سکوت خایوشم  
 در شعرهای وی که ظاهرا  
 به وزن شاملی می باشد دیدیم  
 وافق تازه و شگفتی نسبت به  
 اشیا و پدیده ها و روشهای  
 جاری هستی به مشاهده میر-  
 سد  
 او میگوید در باره شعرهای  
 چیزی گفته نمیتواند اما به  
 الهام ناگهانی باور دارد - بدون  
 الهام یک مصراع نیز سروده -  
 نمیتوانم  
 شعری از عبدالاکبر به نام ماور-  
 کج را با هم میخوانیم:

من در خانه بی چشم کشودم  
 که کلید در انتراد در دهان مار زهر ناکسی  
 گذارد و بودند  
 وان مار  
 در دست وسط خانه به دور خود پیچید و بود  
 و من از کنار خانه  
 فریاد میزدیم  
 \*\*\*  
 با هم جنگیدیم  
 مار



## دعوتبران - دعوتبران



با آنکه مسجد جامع بزرگ شهر هرات جایگاه مقدس مذ هب است، مگر از چندین نگاه طرف توجه علاقه مندان علم و هنر قرار میگیرد. زیرا در این جایگاه مذ هب هنر و صنعت و مهندسی و سنگتراشی و میناتور - کاشیکاری خوشنویسی و گچبری و ... در بخشهای بهمانند یافته اند.

آنچه بر عظمت و شکوه بیشتر آن مینافذ اینست که علاقه مندان علم و هنر هر کدام شیکارها و طرافت های آنرا به رفته و به خود وابسته میدانند و حق بجانب هم استند.

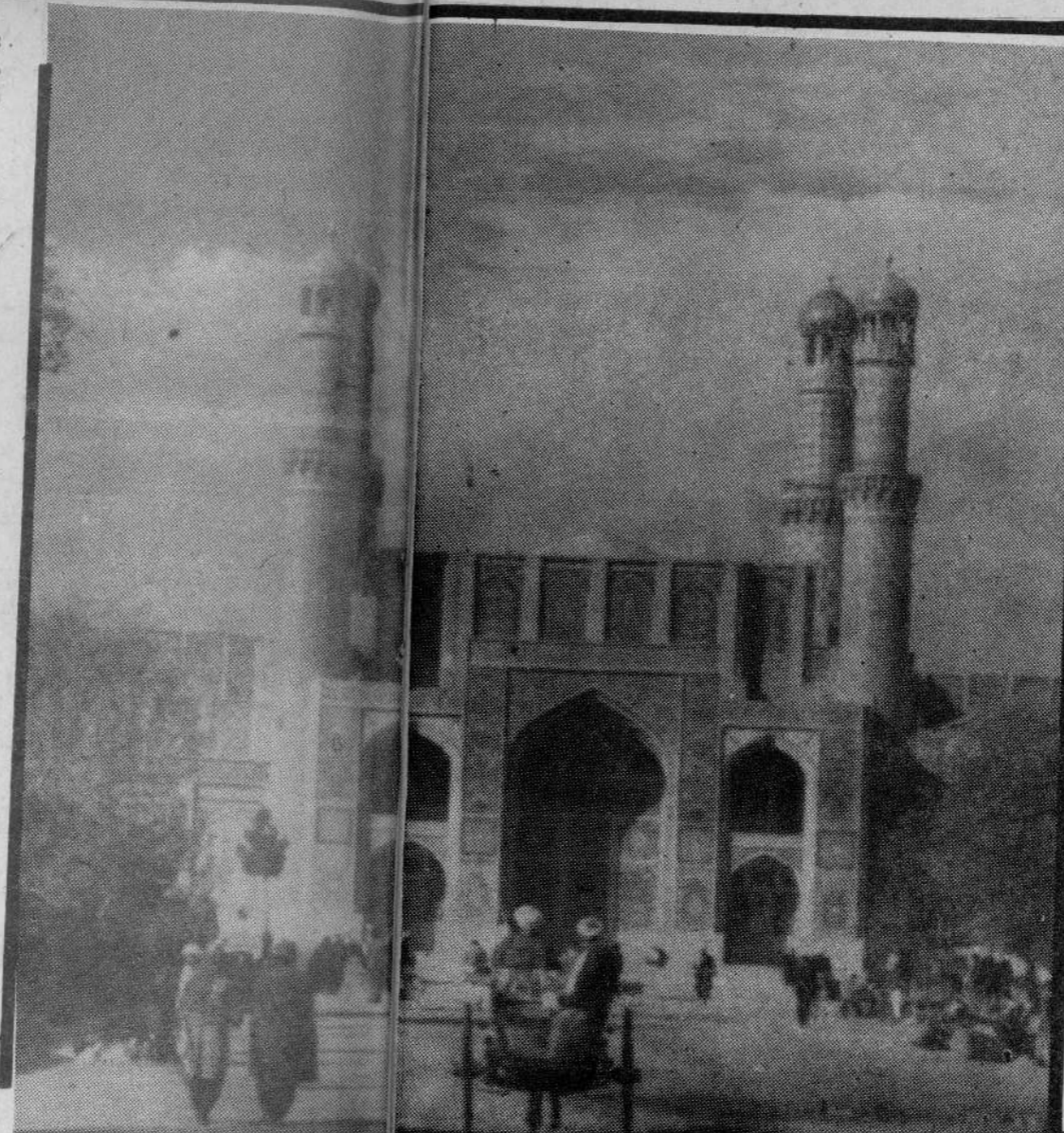
با اینکه نخست جدا از مذ هب بودن این جایگاه - مسجد جامع یک طرح و اثر بزرگ مهندسی و معماری است. با بهره گیری از مهندسی اسلامی (FUNDAMENTAL) این طرح به نظر یک ساخته شده است. کاردهی (FUNDAMENTAL) کافی و لازم داشته و در آن در آورده و در آینه نیز خواهد داشت. دور نیاها و نیاهای دوری و به روشی زیبا و برجسته کسی و به روشی دارد. چنانکه دور - نمای شهر هرات با میناتور مسجد جامع آراسته و دلپذیر گفته است و نمای شمسی مخصوص به آن داده است.

از صفات ویژه کپهای دیگر منحصراً به گردان اینست که هنرها و صنایع میناتور و کاشیکاری و سنگتراشی و نقاشی گچبری و آلاخوره جلوه های هنر وادب و پنجه خوب و خوش با طرح میندسی آموزش یافته اند. با اینکه همه اینها در میناتور یکدیگر طرح میندسی را اینها بهت بهار ساخته اند. بکار میناتور از تناسب خوب - هماهنگی کافی و تکرار معین کانتراست (تفاوت نمایان) لازم و تضاد مؤثره که لازمه هنر اثر خوب میندسی میباشد. بهر حال در

یکی دیگر از برجسته گی های آن موفقیت صنعت سا - ختمانی بحیث یک شیکار دیگر است که ظالها با در نظر داشت مواد ساختمانی کار شده (سنگ خست پخته و سارو) آن زمان واز نگاه محاسبات ستاتیکسی و ایکنات موجود امار چنهن واحه های بزرگ با ارتفاع ۱۰۰ متر (۱۰۰ m) عرض (۱۰ m) برای عملا بسیار دشوار بنظر میرسد. با آنکه گمان نمیرود که محاسبات ستاتیکسی به روش معادل به امروز صورت گرفته باشد. در حالیکه مهارت و عظمت ساختمانی آن با این شیوه و مواد سنگی انگیز هم است.

آنچه درین نوشته مطرح میشود اینست که آیا انکشاف و انکشافات تاریخی و مهندسی این مسجد او صاف و خصوصیات اصول وابسته به خود در راندها میکند. یا به بهر آنکه میناتور پیدا است که سهامی کوشی آن - در گذشته های دور و نزدیک - چنهن نموده است اما این نکته در تحقیق اینست که بهر همه پیش از امروز انکشافات معماری و میناتور این بنای تاریخی و مهندسی با الهام از یک میندسی بهرین هماهنگی و متوازن با آن صورت میگرفته است. هر چند اندک - بیکانگی هایی از اثر در کارها رخ میداده مگر هرگز به بیابان دهه اخیر نموده است که در بعضی تاکنین نیز داده دارد. اگرچه طرح های جدید و انکشافی باید متناسب با طرح گذشته و بهرین آن داده دهند. بهر کپهای آن نیز باشد و از زمان پدید آمدن خود هم حکایتی داشته باشند.

این کپها انکشافات و طرح های بیکانه در آثار تاریخی بهت بهار میناتور است بلکه از اهمیت تاریخی و هنری و کاربرد آن بقدر کافی کاسته و آن را از لحاظ هنری و مهندسی در یک مسود قیمت نامساعد برانگیزه و نا آشنا قرار میدهند.



این طرح های انکشافی بیکانه در دو بخش درونی و بیرونی مسجد جامع بدینگونه بکار رفته اند:

۱- بخش درونی:

الف: - سنگتراشی جدید و نیمه کاره صحن و مسجد درونی مسجد بجای فرش خشتن قدیمی سا آنکه به تناسب صف و مشون و مساحت لازمه هر نماز گذار - تقسیم بندی شده اما از نگاه رنگ و تون سنگتراشی (سبزه و سفید) اثر بخشی و هماهنگی لازم را با عناصر اصلی مسجد دارا بوده نمیتواند. شاید استفاده و بکار برد نوع کاشی با رنگهای یکدست تر بهین دیوارها و کف کشته ها - (صافی ها) بکار رفته در تری - کپها آن مؤثر تر میباشد. و از سری بعمود پنداشته میشود که تقابل و تفرق (Contrast) بتواند جای بهتری داشته باشد.

اگر از فراز نام مسجد جامع - در زمینه ژرف نگریسته شود، این انگاره نادرست جلوه می کند که تقابل و تفرق پدید آور زیبا نیست. سبزه سفید و بافت و باز با بودن دستگه مجبزه کاشی سازی در مسجد جامع - مورد نیاز نمیتوانست به آماسی در دسترس قرار بگیرد و بهت بهار از همه این صحن بزرگ که دو تا بهستان بیشتر مورد استفاده

قرار میگیرد. داغ شدن - سنگتراشی کاربرد هم آن را مورد بهر شکر جدی قرار میدهد.

ب: - وضو خانه دارای دو قسمت درونی و بیرونی است. بخش درونی از نور کافی طبیعی برخوردار نبوده و امکانات نور رسانی دیگر هم عملاً معسر بالای آن یک طرح بیکانه از مسجد است. بخش بیرونی حوضی دارد که در بیکانگی - مطلقاً محیط خود قیاز - دارد. آب سرد و بخش زینر پوشش فضایی نیمه باز قرار دارد و در واقع کشتزار چمنک ها و نباتات آب است. این مسئله عدم لزوم چمن شوره بکار گیری و وضو خانه های بهرزه از لحاظ صحن میان میدارد. در شرایط معاصر اینگونه مسایل با استفاده از امکانات جدید آبرسانی بهتر حل شده سنی تواند.

۲- بخش بیرونی:

الف: - پارک در واقع باغ مسجد بوده با بهرین شهر وندان و رهگذران در اوقات فرازادی نماز و دیگر مراسم و ارتباط است. چه رهگذران چاده های اطراف آن همواره مشاهده اش میکنند. بحیث تفریحگاه نیز از آن استفاده شده و از لند سبک (Landscape) با تزئین ساحه ضعیف برخوردار.

دار است. چون این جایگاه را عامه مردم احترام زیاد میکند ازنده و بهرین بنیاد بوده که انکشاف و آبادی های جدید آن در محراق توجه و علاقه مندی مقامات قرار داشته و از همین سبب ساخته ها و انکشافات آن (از هر چمن ستن) اخت. بجان اینکه دارای یک چشمه آلالان انکشافی میندسی باشد. چون انکشاف این بخش هم در بیکانگی مطلق از سبک میندسی مسجد صورت نموده است. بنا بهننده نا آشنا این قسمت را ملحق و متعلق به مسجد فکر نخواهد کرد. در چند دهه اخیر در این پارک کارهای بهرین انجام شده است.

الف: - احاطه در دوره حمله در مرحله اخیر کتاره و ادخال های قلزی ناموافق که احاطه یک مسجد و بهرزه این مسجد بوده سنی تواند بالای احاطه خشکی - بهرین کار شده است.

ب: - حوض های وضو گیری دارای نل های بد شکل چمنی و بزرگتر ساختمانی بیکانه و دارنده چمنک ها.

ج: - اتاق واتی هم دارای بزرگتر صنعتی نیا.

بقیه در صفحه (۸۴)

# مسجد جامع هرات

## نمای دور نما



هدف عمده :

مفاصل ران و قسمت های خارجی ران ها را سفید ساخته و موجب تقویت شکم میگردد .

تبصره :

توجه کنید که پای دراز شده باید تا که میتواند - استوار نگه داشته شود . تا جاییکه توان دارید این پوز را برای مدت طولانی نگه دارید .

تمرین پایه کمک دیوار

هدایات :

- ۱- طوری ایستاده شوید که پشتتان به سوی دیوار باشد .
- ۲- تنفس کنید و پشت را به دیوار چسبانیده و فشار دهید .
- ۳- نفس بکشید و ساق پای راست را تا سطح لگن خالصه بلند کنید . پای تان باید نرمش و ارتجاعیت داشته و زانوهای تان راست باشد . این حالت را برای مدت (۱۰) ثانیه نگهدارید . عمیقاً تنفس کنید .
- ۴- تنفس کنید و پارا به حالت اول پایین کنید . استراحت کنید و پارا عوض نمایید .

فوتوی شماره (۴۰)



هدف عمده :

ماهیچه های چار سرولگن خاصه را سخت میسازد .

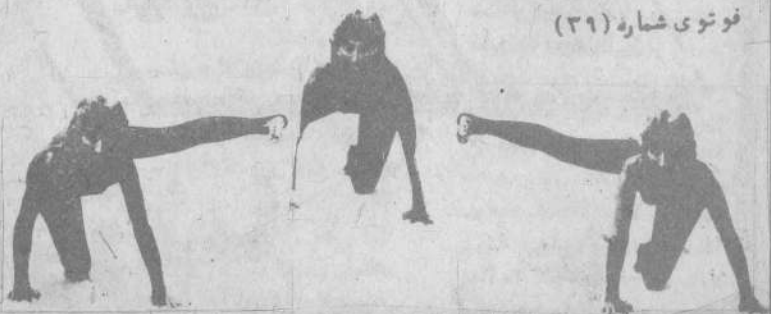
تبصره :

در موقع بلند کردن پا میتوانید با چسباندن دستها به دیوار توازن خود را حفظ کنید .

تمرین سطح

هدایات :

۱- شکم را روی فرش بچسبانید و دراز بکشید طوری که دستهای تان در کنار تان قرار داشته باشد و هوله رانزیر لگن خاصه هموار کنید .



فوتوی شماره (۳۸)



38

هدف عمده :

بطن را خرد و وثابت نگه میدارد .

تبصره :

موقع نفس کشیدن و بلند شدن توجه کنید که شکم را بداخل فرو ببرید .

تمرین بلند کردن پا

هدایات :

- ۱- روی پاها وزانوها تکیه کنید .
- ۲- ساق پای راست تان را به یک جناح به طرف خارج دراز کنید . پای تان باید ارتجاعیت و نرمش خودی را داشته باشد . ولی پای دیگر تان باید روی فرش - محکم و استوار باشد . نوک انگشتان تان باید موازی با - شانه های تان باشد .
- ۳- کمر به طرف چپ مایل شوید و ساق پای راست را بلند کنید . عمیقاً تنفس کنید و همین حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید .
- ۴- آهسته آهسته پا را پایین کرده و استراحت کنید . پارا عوض کنید .

فوتوی شماره (۳۹)



# یوگا

۲- تنفس کنید و در همین زمان قسمت علیا و سفلی تنه را بلند نمایید. کمر را قات کنید و به بالا بنگرید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید. عمیقاً تنفس کنید.  
۳- نفس بکشید و به تدریج به حالت اولی برگردید. یکبار دیگر این تمرین را تکرار کنید.

فوتوی شماره (۴۱)

هدف عمده:

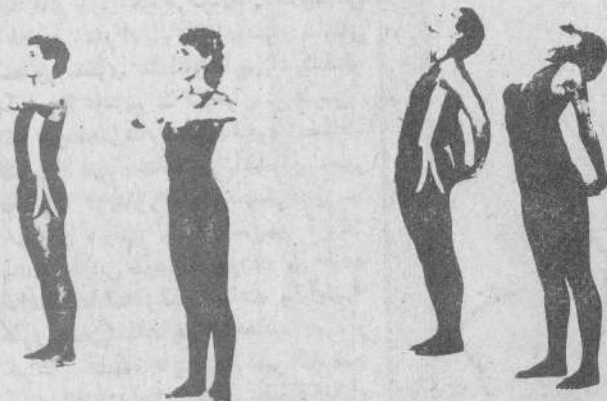
سینه، کمر، ران ها، لگن خاصره و شکم را تقویت میکنند.

تیمبره:

این بزرگترین تمرین تقویت کننده عمومی بدن است.

تمرین فشار و هم آشننگی

هدایات:



- ۱- با راحتی ایستاده شوید.
- ۲- کف دستها را به هم محکم بگیرید و بازوها را تا سینه بلند کنید. آرنج های تان را قات نگه دارید.
- ۳- عمیقاً تنفس کنید و بعد نفس بکشید و کف دستها را بهم بفشارید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- خود را آزاد سازید و تا شمارش چهار استراحت کنید. تمرین را بار دیگر اجرا کنید.

فوتوی شماره (۴۲)

هدف عمده:

سینه و بازوها را سفت و متناسب میسازد. این تمرین به صورت خاص برای بند دست و مساعد نهایت مفید است.

تیمبره:

موقعیکه کف دستها را بهم میفشارید سعی کنید عضلات سینه نیز فشرده شوند.

تمرین های درانت

هدایات:



42

- ۱- روی دستها وزنها انکاء کنید.
- ۲- زانوی راست تان را به یک جناح به طرف بوسرون تا که میتوانید بلند نمایید. توازن و کنترل را حفظ کنید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۳- ساق پارا تا حدود شش انچ پایین کنید و این حالت را مجدداً برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- آهسته آهسته پارا پایین آورده تا بحالت اول برگردد.

استراحت کنید و بعد تمرین را با پای دیگر مجدداً آغاز نمایید.



# جنگی اصفهان

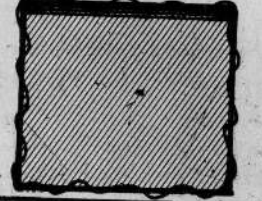
نوشته بود من اگر عطار را بلبوس فروش هم بودم  
برای تو آلبومی فارسی را که یگانه داروی -  
بیماری تو می باشد منی فرستادم تا از آن  
مرغی بمیری و نواده چنگیز در جهان وجود  
نداشته باشد .  
و صول نامه مژ بور مرا خشک کن کرد و  
دانستم که سلطان منصور مظفری پادشاه  
فارس مدتی است مغرور و خود پند و  
نادان چون اگر نادان نبود در جواب -

من راجع باصفهان که می گفتند قدیم  
ترین شهر عراق است بیزها شنیده بودم  
و میل داشتم که بروم و آن شهر را ببینم یکی از  
علل حرکت من از خراسان در فصل  
زمستان بسوی ماوراءالنهر این بود که  
در بهار سال ۷۸۰ هجری برای عزم  
بطرف عراق آباد میباشم و بتوانم خود را به  
اصفهان برسانم من نمیدانستم بعد از -  
اینکه باصفهان رسیدم چه خواهد کرد و  
آیا عازم فارس خواهم گردید یا نه ولی  
اطلاع داشتم که باید روزی سزای سلطان  
منصور مظفری سلطان فارس را در کف  
بگذارم ( توضیح - در تواریخ فارسی  
نام این شخص شاه منصور مظفری است -  
مترجم ) شرح اختلاف من با سلطان منصور  
مظفری از این قرار است : در سفر دوم -  
خراسان ، وقتی وارد آن سرزمین گرد -  
یدم حال من خوب نبود و پزشک من عقیده  
داشت که کسالت از کرم میباشد و اگر آلبومی  
فارس بخورم کسالت رفع خواهد گردید در  
خراسان آلبومی فارس پیدا نمیشد من  
گفتم که تو از سلطان منصور مظفری بخواه  
که با کاروان - ریح السه را با ما برای تو  
مقداری آلبومی بفرستد .



## بیننده

# بازگشت



من آن نامه را ننوشتم در همان روز که نامه  
مژبور من رسید تصمیم گرفتم که روزی دماغ  
سلطان منصور مظفری را بخاک بمالم ولی  
تا وقتی عراق را نمی گزفتم نمیتوانستم خود  
را بفارس برسانم زیرا بطوری که گفتم یک  
قشون بزرگ نمیتوانست از راه کوه ایسران  
عبور کند و در راه جنوب عراق یعنی نزد  
کسرمان و فارس برساند .  
وقتی بهار سال ۷۸۰ هجری فرارسید  
باید قشون یکصد و بیست هزار نفری از ماوراء  
النهر براه افتادم و وارد خراسان شدم  
من قشون خود را به واحدهای چهل هزار  
نفری تقسیم کردم و فرماندهی دو واحد  
را بدو سپهر خود واگذار داشتم فرماندهی واحد  
دیگر را خود برعهده گرفتم از طوس به  
راهی عزم بسوی ری نمودم و من آن راه را  
پیش گرفته بودم و اینکه بمقامتی برخورد

جاری نمی گردید آن شهر را مشروب می کرد  
ولی دو سال قبل از این که من به ری بروم  
در زمستان زلزله ای مهیب در هر بلوچه در  
آورد و آن شهر بزرگ پس از چند دقیقه  
ویران گردید و آرزوی غیر از ویرانه ای باقی  
نماند عده ای از مردان و زنان که توانسته  
بودند هنگام زلزله از شهر خارج  
شدند و در قریه های اطراف پناهنده شدند  
از آن پس چون باصفهان نزدیکی می  
کرد بدم قشون کشی من وضع جنگی پیدا  
کرد و دو طایفه بجلو فرستادم و من اول  
دوم پنج فرسنگ و من طایفه دوم و قشون  
من پنج فرسنگ فاصله وجود داشت طایفه  
ها و همپسین عقب در اوان موظف بودند  
طرفین را در راه تحت نظر بگیرند تا ما  
از جناحین غافلگیر نشویم از روزی که من

وارد ری شدم راه اصفهان را بستند و  
شتم هیچ کس بسوی اصفهان نبرد تا کسی  
خبر حرکت قشون مرا بسوی اصفهان بان -  
شهر نرساند من میخواستم اصفهان را غافل  
گیر کنم تا اینکه مجبور به رفتن بدو نشدم  
**اگر اصفهان بدون مقاومت از پای در میسر  
آمد من میتوانستم راه فارس را پیش بگیرم  
و سزای سلطان منصور مظفری را در کنار  
بگذارم اما اگر اصفهان مقاومت میکرد  
و جنگ طولانی میشد ممکن بود موقع قشون  
نشی بفارس بگذرد گواهی ندیده بودم -  
که هوای فارس گرم تر از هوای عراق است  
پس از اینکه اصفهان را محاصره کردم  
میدانستم که شهر مزبور از تنگی از یاد رنمی  
آید ، زیرا علاوه بر ( زاینده رود ) که از -  
وسط شهر میگذرد اصفهان در بطوری که**

فمن تابستان را با نیز خریه داری می نمایند .  
بدین ترتیب که در اقل راد رفس تابستان  
ابتیاع میکنند و خیزم راد رفس را نیز و نظام  
قطع درخت های خشک یا اشجار زائد خریدار  
ری می نمایند لذا توانستارند استعبار که  
اصفهانها به بزودی از کرسنگی از یاد آیند  
ولی از ایام تابستان قصص در شهر آغاز  
خواهد شد .  
من نمی توانستم یکصد و بیست هزار سرباز  
خود را تا ایام تابستان پشت حصار اصفهان  
معرض کنم و علاوه بر هزینه قشون از شمال هم  
خیلی ماضی نبودم . من میدانستم که در -  
خوزستان دشمنان سرسخت دارم که اگر -  
بمن دسترسی پیدا کنند مرا با سخت ترین  
شکنجه ها بقتل خواهند رسانید و نیز اطلاع  
داشتم که در آن ریایجان پادشاه نوریست

کردن و بعد نبود به بوسیله نبوتی از  
بلاد دیگر نمیتوانستند . عادت کبوتر  
این است که هر جا باند بسوی آنجا  
پرواز می نماید و اثر کبوتر را در اصفهان  
آسیان دارد در فاصله پنجاه فرسنگی -  
اصفهان رها نمایند ، بسوی شهر پرواز می  
کند و وارد آسیان خود می شود . گاهی فکر  
میکردم که محاصره اصفهان خاتمه بدهم  
وراه فارس را پیش بگیرم و جنگ پادشاه فارس  
بروم ولی من فهمیدم که قرار دادن شهری  
مستحکم چون اصفهان را در عقب خود -  
ورفتن بسوی فارس دیوانگی است چون شاید  
راه مراجعت مرا قطع نمایند .  
گاهی هم با خود می گفتم بماوراءالنهر  
برگردم و سال دیگر عزم اصفهان کنم ولی غرور  
من مانع از این بود که بدن کشودن شهر  
اصفهان مراجعت نامم .  
در بهار ماه روزی از نزد هم جمادی الاولی  
در سال ۷۸۰ هجری قبل از اینکه آفتاب -  
طلوع کند و اندکی بعد از اینکه فجر دمید  
صله بزرگ علما اصفهان شروع شد .  
گفتم حصار اصفهان سخت فرسنگ و نیم  
طول داشت و درای سصد برج بود و از -  
پشت حصار اریه عبور میکرد . هیچکس  
نمیدانست آن حصار چه موقع ساخته  
شده ولی بدفعات آنرا درست کرده  
بودند .  
پیشتر نماز قصبه ( سده ) برای نقل -  
کرد که حصار اصفهان از طرف نوح پیمبر  
ساخته شده و آنقدر حصار مزبور محکم است  
که طوفان نتوانست آنرا ویران نماید و حتی  
گفت که نوح پیمبر قبل از طوفان -  
کشتی خود را در اصفهان ساخت و از آنجا براه  
افتاد . ویران کردن آن حصار حتی به  
وسیله احتراق باورت کاری بود مشکل برای  
اینکه خیلی غصابت داشت . معذرا برای  
اینکه بتوانم زودتر شهر را تصرف نمایم -  
مجبور بودم که حصار را ویران کنم و وقتی  
از سربازان خود را وارد شهر نمایم وقتی  
سربازان من وارد اصفهان شدند در تمام  
آن شهر یک شب و یک قاطر و الاغ و یک  
سکه وجود نداشت و سکه اصفهان تمام  
جانوران را از فرط گرسنگی خوردند بودند .  
در آنروز گرسنگی سکنه شهر خیلی با  
کمک کرد و اگر اصفهانها گرسنه نبودند -  
بسهولت از یاد رنمی آمدند چون در -  
مدت محاصره طولانی شهر اصفهان نشان  
دادند که میتوانند مقاومت نمایند . پامداد  
آنروز آفتاب در آمد و بعد از آن هوا مستور  
از ابر گردید . و با ظهر اولین باران -  
پانجمزی باریدن گرفت . و پیش باران ما را  
از بیت میکرد لکن بجنگ ادامه میدادیم .  
ادامه دارد

هست و هرگاه امیر خراسان و امیر شمال  
و پادشاه آن ریایجان با هم متحد شوند می  
توانند این قشون نوریست علیه من بسج -  
نمایند . این بود من میباید هر چه زودتر  
کار اصفهان را بپرستم . ولی صدای کلنگ  
زدن ما توجه اصفهانها را جلب میکرد و طول  
نمیدید که از بالای حصار مشعل هایی که  
بطناب آویخته بودند نمایان میگردد و در سای  
حصار را روشن می نمود و صد کلنگ و سنگ  
های گران ، سر سبازان ما فرود می آمد .  
من از جنگ اصفهان یک آزمایش دیگر  
تصمیم کردم و آن ضرورت تر بود  
شاهین بود . و طبقه من وارد اصفهان  
شد پیشا هدیه کردم که روز ها ، دسته  
هایی از کبوتران در آسمان شهر پرواز -  
میکنند .  
اهالی سده می گفتند که اصفهانها  
خیلی به کبوتر علاقه دارند و از کودکی کبوتر  
انرا تربیت و اهلی میکنند ولی من دانستم  
که کبوتران مزبور سوله انتقال خبر از نقطه  
ای به نقطه دیگر هستند . اصفهانها  
بوسیله کبوتران زود پند شدن من بشهر -  
مطلع شدند و خود را برای دفاع آماده  
ادامه دارد



# احیای کتید

هند اصلاً تا عهد اردبیل چسرا که میگویند بخاطر ایزان بودن قیمت آن تا حیران ادویه به کپنی ها فرمایش میدهند که مثلاً امپلین ۵ ایتالیایی و کوئو امکا نول ۸ ایتالیایی تهیه کرده بفرستد اینک مواد آنرا از چی می سازد مهم نیست در همین رابطه است که نزدیک است ادویه های تولید شرکت هونست فارمی ساخت وطن که خیلی موثر و مفید است ایزان را بیافند بجای چهل

تابلیت ویتامین یا مسکن هندی ده تابلیت از همین نوع ساخت وطن موثریت بیشتر دارد در حالیکه قیمت آن نیز می تواند اقتصادی تر باشد اما متأسفانه در شرایط فعلی بنابر بلند بودن قیمت آن مردم ترجیح میدهند ادویه ایزان اما غیر مفید و آخر پداری نمایند اغلباً هشتاد پان بیسواد مردم مانی که از اطراف می آیند ادویه تاریخ تهر شده را بدست میآورند که حتی سبب

# مسجد جامع کرا

۱- مناره یادگاری (مونسو - منت) دارند و وجود غیر ضروری  
۲- تانک بزرگ فلزی برای ذخیره آب بالای دیوارهای سنگی بلند و کلفت  
۳- تشناب های عامه و چاه همیق جدید (دوراز خصوصیات ماحه)  
۴- حوض های تزئینی با ارتفاع بلند دیوارها و دارای دید دشوار که هیچگاه زیست بخش و ظریف بوده نمیتواند و نام هیچ سبک مهندسی را روی آن نمیتوان گذاشت

خدمات و عناصر بسیار شده بالای شده که در خارج احاطه متعلق به مسجد باشد استفاده از امکانات تکنیکی و یا تفاوت ارتفاع (تفاوت بهشرا از ۲ متر در سطح) در زیر زمین بکار گرفته شوند تا هم سوا می مهندسی این بخش زیبا بهم نمیخورد و هم ناموس ترازان بدست میآید  
همه و همه اینها اهدای خوب و شریفانه می بوده اند که جهت فراهم آوری تسهیلات بیشتر و بهتر برای مردم و آراسته و پیراسته ساختن این شاهکار جاودانی، از نگاه اهمیت تاری

مرگ بیمارشان میکردند  
روپ بادنجان رومسی  
که از دستها به اینسو ماجرای  
دورود را از سرگذشتانده  
است هنوز در انواع قلبی  
خود وجود دارد به فروش میرسد  
در اکثر منازل بخاری  
ها و اشتوب ها و در اکثر جاهها  
حاشین مؤنزه خراب شده  
اند چو که در تیل آب مخلوط  
میکردند و این آب آفت  
مانین الات است که چقدر  
ضرر دارد خدا میداند؟  
روغن های که با کچالو پر می  
شوند همزکم  
نیست اگر بخواهی برای ساعت  
باراد بوی پاکدام و نسکه دیگر  
بظری بخری حافظ من نمیشد  
بیوانی بخری امیل پیدا کنی  
و این امر انواع آن نقلی است  
و بهتر از چند روز کار میدهد  
و سرگام باین  
تقلب چه باید کرد؟  
بدرست ساختن  
مردم را از طریق اعلانات و تبلیغات

بلند پسر • شاروالی کابل  
از تادرنست نر راکترو  
کند باید جلو تقلب را بگیرد  
ترازی که بی انصاف است  
و دست وزن نمیکند ترازی  
تصابی که پیش از وقت انداخته  
شده چرو دارد باید مجازات  
شود • اجناس فروشنده گان  
باید در بازار چت شود آنچه  
تا این گذشته و غیر صحت است  
باید از بازار جمع آوری شود  
و نظمه هر مشعری ماست  
که هنگام خریداری نیاز مندان  
انسان را در انتخاب اشیا  
و اجناس مورد ضرورت شان از  
دست درستی بودن و صحت بودن  
کمت کنند آنچه ندهند که بدی  
فروشنده های بی انصاف  
خان به چشم خریدار ساد  
بخورن باید بیاشند  
لطفاً به دوستان و نزدیکان  
همکاران و مسایران خود  
بگویند که در خرید و در هر  
خرید محتاط باشند چرا که  
این بازار قلب جقدر رنگا  
رنگ شده

یخی، مذهبی، هنری و -  
مهندسی مسجد درست و چها  
بکار بسته نشده اند و حتی  
از ارج و بهای مهندسی و -  
هنری آن کاسته اند هرگاه  
کسی به این بخش چشم بد و زد  
سهای یک مو سه ساختمانسی  
فرا روی او سبز میشود تا -  
الحاقیه یک مسجد نگرستن به  
این واقعت آشکار می سازد که  
یا مهندسی مین مراجعه نشده  
و یا مهندسی روی بعضی عوا -  
مل مجال و امکانی برای طرح  
های موافق و موثرند است  
اند  
این گونه برخورد های -  
شتابزده در برابر بنا ها و سا -  
ختمانهای دارای اهمیت تاریخی  
یخی فرهنگی و مهندسی و بیوز  
در بارانکشاف مسجد جامع بزرگ  
هرات فردایی نخواهد داشت  
چنین مسایل از چندنگامزاده  
برپاد شده های بالا زمان -  
های اقتصادی زیاد رانیز  
بار میآورد  
۱- اعمار طرح های نا -

موافق  
۲- تخریب همین طرح  
های ناموافق در آینده روشن  
فرهنگی  
۳- پیاده نمودن طرح  
های موافق دوباره در آینده -  
روشن فرهنگی  
بمنظور جلوگیری از برهم  
زدن سهای فرهنگی و مهندسی  
آثار تاریخی که در واقع بیانگر  
تاریخ و فرهنگ هر جامعه بگونه  
مادی آن اند و جلوگیری از زیان  
های فراوان اقتصادی ناشی  
از بیگانه بر خوزدها و ضروری  
و حتی است تا صلاحیت -  
طرح و دیزاین و اعمار انکشاف  
مهندسی آثار دارای ارزش  
های باستانی و هنری به اهل  
فن و مهندسی که به تاریخ  
و اثر آشنایی و علاقه دارند داده  
شود • و باید هر اثر قابل ترمیم  
و انکشاف دارای جنرال پلان  
ویا دورنمای انکشافی باشد  
و این مسئله ای است که اندک  
توجه و دستوری به آن نبوده  
است



# بیار و جتنجیالهای

خانواده شناسایی شده است، از نظر سایکو لوژیکی نیز استقرار حزب کانگرس که شخصیتها ی چون جواهر لال نهرو و اندرا گاندی و راجیو گاندی در راس آن قرار داشته کار بزرگی است و ضرورت به آن در راه آینده هم بیشتر و خویتر رهبری شود.

## شرح مختصر زنده گی ناراسیمهاراؤ :

پامو لائوری و ینکاتانارا سیماراوهو پی سیار مردی از جنوب هند است. او زیاده شناس هدا نشیند، و ژورنالوست و حقوق دان و معلم و اداره چی برجسته است. آقای راو که به تاریخ ۲۸ جون سال ۱۹۰۷ روان هفتاد ساله شد چندی قبل مسوول لیت بزرگی را عهده دار گردید. او به تعقیب قتل راجیو گاندی به حیث رئیس حزب کانگرس اندرا را انتخاب شد. آقای راو زاده یک اداره چی یا تجریه است از روی مهربانی پی پی وی صدا میزنند و همیشه کارهای کلیدی را چون مستهای وزارت دفاع و وزارت خارجه منابع انسانی، حقوق و صحت و تعلیم و ترمه هم در مرکز هم در زادگاهش ایالت اندرا پرادیش از سال ۱۹۶۲ به این طرف به عهده داشته است. همچنان او را اعظم ایالتی اندرا پرادیش نیز بوده

است

موصوف در سال ۱۹۲۱ در یک خانوادۀ دهقان در محله کربننگرایانست اندرا پرادیش دید، به جهان گشود. او با معنویت بزرگ شده و طبیعت شاعری نیز دارد. آقای راو درسه پوهنتون درس خوانده که عبارت اند از: پوهنتون های عثمانیه، بیثی و هنگ کونگ و درجه لیسانس در علوم طبیعی را به حقوق یکجا کرده است.

پس شهرت و اعتبار او به ثابۀ انسانی که بنفدین زبان را میدانند ساینس استخدامی ها و دستاورد هایش را تحت تاثیر قرار داده است. مهارتش در حرف زدن به دلسانیهای انگلیسی و هندی سانسگریت و تیلیگو که کانادا، امرای قاره سی مغربی و هسپانیوی و فرانسوی او را یکی از مؤثرترین وزرای خارجه هند و ستان نشانی کرده است. در پهلوی آن کارهای ادبی اثر نیز قابل ملاحظه است و جلایزه اول ساهیتیا اکادمی را به خاطر ترجمه اثر "ویشواناتاستهاناراینا" به زبان هندی به دست آورده است. او همچنان نا ولی را از زبان مراتی به تیلیگو ترجمه کرده است. ناول مذکور را او

پسندۀ معروف هری نارایان اپتی نوشته بود و مورد تحسین فراوان نیز قرار گرفته بود. آقای راو برای شش سال در راس کمیته انتخاب جایزه جان پت قرار داشت. آقای راو هنوز در مکتب بوده که به سیاست رو آورد و در اعتراض علیه حکومت نظام که سرودن و آندی ماترام راضع قرار داده بود، در سال ۱۹۳۸ در کالج خود فعالانه سهم گرفت. به همین گونه او در

جنبش آزادی هند در سال ۱۹۴۲ سهم فعال داشت.

مگر آقای راو بعد از آزادی هند چهارم شناخته شده سیاسی شد. از ۱۹۵۲ برای بیست سال تمام عضو اسمبله اندرا پرادیش بود. در همین مدت برای ده سال سمت وزارت و سه سال هم صدراعظم ایالتی اندرا پرادیش بود. او برای نخستین بار در سال ۱۹۵۴ از کربننگر خود راه اسامبلهکانند پد کرد و چندین بار بازم از همانجا وارد اسمبله شد. همچنان او برای نخستین بار بعد از انتخابات سال ۱۹۶۲ در کابینه سنجواریدی به حیث وزیر مقرر شد و خانم اندرا گاندی او را در سطح ملی راه داد. به حیث سکرتیر جنرال حزب در زمان حاله اضطرار مقررش کرد. هم چنان در سال ۱۹۸۰ او را وزیر خارجه ساخت.

راجیو گاندی نه تنها از سبب کبریا و بزرگی بلکه از سبب استعداد شریه ناراسیمهاراؤ احترام داشت. راجیو گاندی بعد از پیروزی در انتخابات سال ۱۹۸۴ مقام وزارت دفاع را به آقای راو سپرد و بعد او را به وزارت انکشاف منابع انسانی تبدیل کرد.

به این ترتیب جای تعجب نبود که چندی قبل به حیث رئیس حزب کانگرس اندرا تعیین گردید. راجیو گاندی و دیگران او را به حیث فرد دم حزب موشناخته حتی احزاب سیاسی رقیب در انتخاب او و به حیث رئیس حزب کانگرس مکن العمل مثبت نشان دادند. آقای راو سه پسر و پنج دختر دارد و خانمش در گذشته است.

# کیا بی طرف ...

گفت: راه مدین افغان جدا و راه مدین مخرع جداست. کارهای ما هیچ ارتباطی با هم ندارند. اثر مدین افغان مرا همکاری بر منهایی کند همکاران را من پذیرم آن هم به خاطر خدمت به مردم و ملی رفته های ما از هم جداست. کسی که کسانی شمارا در دست کارهای تان مساعدت نموده اند؟

من هرگز یک های استیفاء دان پوهنتون کابل را فراموش نخواهم کرد مخصوصا که استاد منایی را نمیتوانم بدست فراموشی سپارم و در کار آن ها دوتا ریه نامهای طاهر و حاسی جمعه آن در دست من و دیزاین به ماتین به مسنی مساعدت برای کرده اند. از این هسینه مشون با هم بود. کسی زمبه اربهر از خارج

از کدیر و پشیرد کارهای تان ای اد کرده است؟ چندین سال قبل که امریکایی ها به وریا بودند به کسی تان ازین خواستند تا با امریکاییان همکاری را در تان ای اد کرده است چه تان ای اد را در تانوم؟ X تمبده در ساحیه های تیلی تان خوانده ایم شما بیست ما این بیل سازی نیز اختراع نموده بودید که روزانه صد ها بیل تولید می نمودند در این مورد در تان روئین پیدا کردید؟ - زمانیکه ما این بیل را اختراع نمودیم فکر کردیم که توانسته ام به تسهیلات را برای دهاتین و دیگر هموطنانم مهیا نموده ام

اما یانا ست هیچ عکس العمل و تشویق را در مقابل ندیدم و آن ماشین را برای کسی که خواهر خریداری آن را داشتند فروختیم. بعد از ختم کلام متوجه شدیم که باید دیگها را از زمین دایر بگردان آورد قبل ازین که به بیخ بزنیم. دیگها را برداشتیم و مس چیزهایی را بیجان که مردم در هموطنانم به آن ضرورت دارند. یا تان ما تان به طرف دیگها رفتیم زمانیکه روی دیگها را برداشت و اتعاه جانب بسود دیگها شوریا محو می نمود و بیجان دین ریخته شده بود که همه را متحد ساختیم.



بسیاری از اطفال ها اطفال  
 نثارا قبل از این که به کو  
 کستان بیاورند عادت داده  
 اند تا به گونه ریشو بر سر ای  
 شان از بازار مکتوب خوردنی  
 بخرند تا طفل شان بارها به  
 به طرف کود کستان بیایند  
 اما اگر روزی همان کار صورت  
 نگردد کودک یا طفل با راهی  
 شدن به طرف کود کستان  
 به گریه می افتد دیگر این که  
 بسیاری از کودکان در روزهای  
 اول که به کود کستان میایند  
 نابلد میباشند از همان سبب  
 با آمدن به طرف کود کستان  
 ناراضی می شوند میشوند اطمینان  
 به نشان داده است که این  
 گونه اطفال پس از مدتی بسا  
 کود کستان چنان انبساط می یابند  
 که حتی با آمدن به این طرف  
 دیگر خدا حافظی را با والدین  
 خود فراموش نمیکنند در لغیر  
 از اطفال نورستانی مسافران  
 کود کستان دوستی در مسیر و  
 آن چه که اطفال در کود کستان  
 میآورند پرسیدیم

تشرف برده بود و دیگری نیز  
 برای مدتی رخصت گرفته است  
 با ظاهره ظاهر مساوی  
 کود کستان ستاره بعد از یک  
 صحبت کوتاه به طرف منسوب  
 کود کستان راهی شدیم  
 معلم میشد که  
 معلمان همه با چندی بلندی  
 اطفال شوکتی اند و غویب  
 آن دادگر برای شان خسته  
 گشته نیست با بدین مایکی  
 از معلم ها آمد از خاموش  
 باشد ، برای معلمان سلام  
 نهدید ؟ بعد همه اطفال باد  
 یک صدای باد زدند سلام و مهر  
 کدام آمده است ؟ در سوار  
 به جاهای شان نشستند من  
 با ستاره از وضع پرسیدیم  
 راباز کرده و این دیوان در سخن

بالای تریه اطفال چه نقشی  
 را داراست ؟  
 - ما خانه باید گفت که استند  
 بسیاری از نواهران ما کسه  
 ظاهر آراسته و تحصیل خوب  
 دارند ولی در برابر کودک شان  
 برعکس عمل میکنند بعضی  
 لباس طفل اتوباشند و کتیف  
 میباشند و به شکل ستوان قبول  
 کرد که طفل از او استرس از  
 ماله دوست معلم دیگر  
 کود کستان ستاره پرسیدیم که  
 هدف عمده کود کستان چیست  
 آیا صرفاً غذا دادن به اطفال ؟  
 نخر گذا یا ضرورت است  
 اما در کود کستان التین بر سر  
 نندزه و نگهداری اطفال تشویق  
 نمودن اطفال به خواب ، سا  
 مت تیری ، بازیهای خفایه

نداشتند و اگر چند شاگردی  
 هم گماستند همه در خواب اند  
 مام سخنان او را گوش داده  
 روز دیگر مراجعه نمودیم  
 با داخل شدن به صحن  
 کود کستان مگر میشد کسه  
 کود کستان روز قبل نمیشد  
 معلم ها و شاگردان با جدیت  
 و نظم صرف کار بودند بسا  
 استفاده از موقع در صنف های  
 این کود کستان قدم گذاشتیم  
 در صنفی که داخل شدیم معلمی  
 به اسم خدیجه نیاز مبرور  
 صحبت با شاگردان بود بعد  
 از معرفی بوالا شی را با او مطرح  
 نمودم که سخن ماله بسا  
 پاسخ ما را ارائه نمود  
 مثلا از خدیجه نهایی خواستم  
 تا در مورد بازیهای شان  
 در کود کستان چیزهای بگویند  
 او هنوز لب ننگزوده بود که ماله  
 چنان پاسخ داد : نداشتن  
 سامان بازی و مواد درسی بکسی  
 از بازیهای عمده است  
 بعد پرسیدیم چگونه اطفال را جذب  
 ب کود کستان می نمایند ؟  
 بازم ماله جان چنین گفت  
 نقلی راه مادرش در راه باشد  
 و بی سر باشد نسیم که شنیده ایم  
 بعضی شاگردان مکتب را بسا  
 اثر شناخته و واسطه های  
 کود کستان پس از وقت مکتب  
 جذب می نمایند شناخته شاگرد  
 مکتبی را جذب نموده اند ؟  
 - ماله هیچ شاگرد مکتبی  
 ندانم این حرف بکنی غلط ط  
 است در حالیکه ظاهره ظاهر  
 معان کود کستان ستاره در مورد  
 جذب اطفال مکتب به کود کستان  
 ها چنین گفت :  
 - ما تنها اطفال معلمین کود  
 کستان را در مکتب های که بسا  
 حواقیق باست کود کستانها  
 خصیصه داده شده در کود کستان  
 ستاره جاداده ام که هیچگونه  
 مشکل را برای اطفال کود کستان  
 ایجاد نمی نمایند در حالیکه  
 صالحه میامدی و کود کستان  
 شعور قدم به قدم ما را همراه  
 می میکرد از او خدا حافظی نمودم

# معلم، مادر و ...

بقیه از صفحه ( ۲۱ )

با پلا نهدی پاسخ داد :  
 در کود کستان اطفال موسا  
 به کارهای مدنی و محاسبه  
 سازی و سرش کاری خواندن  
 ریاضی و شیمی ، نژاد ، کتاب  
 نگاری ، ورزش ادبیات و باغچه  
 و بعضی معلومات آسانی بسا  
 در نظر داشت من شان آشنا  
 میشوند و با ناطقی که توانستم  
 ام این امکانات را برای شان  
 محرز ساخته ام  
 بعد از ختم سخنان محترم  
 ناطق نورستانی از پی تشکر و  
 نبرده و پس از این ساعت  
 کوتاه وارد کود کستان ستاره  
 گردیدیم  
 این کود کستان گریه  
 نداشتند و با شنیده تر نسبت به  
 کود کستان درستی به نظر می آمد  
 اما سلیقه و نظافت درین جا هم  
 کاملا برقرار شده به چشم  
 می خورد ، با پیروان در بازیهای  
 در و دراز عقب در مساوی  
 رسیده با تا تک باید گفت که  
 در هر دو کود کستان آمین شان  
 تشرف نداشتند یکی به خارج

ز اندم از جمله معلم صاحب  
 ها یکی مسرور امام را تا به  
 نمود دیگری سرخسوزانند  
 و آن دیگر نسیم نبود ناگه  
 هفت معلم شیرخوار گناه  
 کود کستان ستاره در پاسخ  
 یکن از پرسیدیم گفت بعضی  
 جار و جنجال های خانواده گن  
 برخاسته مادر و پدر و از همین  
 تحمل حالات تاثیر مستقیم  
 بالای روان کودک دارد ، ما  
 داشته ایم از همین گونه  
 اطفال که روحیه ای بوده اند  
 همان حالت پزیرنده کی طفل  
 بعضی اطفال دیگر را نیز متاثر  
 میازد ، این وظیفه معلم  
 است تا چه گونه طفل را از تشویش  
 های روانی ، خشکی و دلنگینی  
 برهاند زیرا راجحان مسامحه  
 سازد که طفل همه تشویشات  
 درونی را فراموش نماید تا گتسه  
 ناپاید گذاشت که سلامت نمودن  
 خفا خوب زنده کی بسیاری  
 طفل در قدم نداشت وظیفه  
 با تقویت اوست  
 پرسیدیم تسلیل مادران

و نشان درسی این ها همه  
 پلان هایست که باید بالای اطفال  
 ل تطبیق شوند  
 رحمه مشخص معلم دیگر  
 کود کستان ستاره برای مادران  
 کم تجربه چنین گفت : زمانیکه  
 یک دختر مادر میشود باید  
 بیشتر از همه توجه صحت ، نظا  
 لت و تکوین و بیماری طفل خود بسا  
 شد در ضمن آن طفل کیویدیهای  
 راه در وجود خود احساس  
 نمایند همه تا تیرا صورتی  
 اند که آینده طفل راه خطر  
 میاندازد در غم حرفهای  
 معلمان کود کستان ستاره  
 ره مان را به طرف کود کستان  
 شعور و تمهید نمودیم ، سلامت  
 درونیم پس از آنکه بود و تن  
 به امیر آنجا مراجعه نمودم  
 با ماله میامدی آن کود کستان  
 معرفی شد سخن ماله  
 جان پس از معرفی و ختم  
 سخنان ما از او خواست تا  
 روز دیگر به آن جا بروم چه  
 به گتسه خود در از طرف  
 بعین آن قدرها نهاد شاگرد



بقیه از صفحه (۶۱)

# آرزو دارد ...

بد منتون پذیرفتندم که در هر دو رشته قهرمان میباشم .  
 - آیا به نظر شما ورزش بد منتون ثقیل نیست ؟  
 - بلکنی میکند و با جسم میگوید به تصور من سوال شما از این نکته منشاء میگردد که من یک دختر استم .  
 - نخیر ، های-چنین حرفی در میان نیست و صرفاً از نگاه ورزش طرح نمودم .  
 - خوب ، بشنوید ]  
 ورزش بد منتون ، ورزش - اجتماعیت که به تعقیب و الهیال یگانه ورزش ثقیل میباشد و زیرا این ورزش هم به شکل دبل و - هم به شکل سنگل " انفرادی " اجرا میشود و پرورزشکاران را تا حاکمیت عام تمام بالای میدا ن داشته باشد ، البته در شکل

انفرادی آن با نام این ورزش - بکیت بد منتون ، پروجا ل میا شد .  
 - به اثر معلوماتی که در مورد شما به دست آورد ، ام شما - همیشه قهرمان بوده اید . راز موفقیت تان چیست .  
 - در مورد اینکه همیشه قهرمان بوده ام ، و فعلاً خودم را از این نمیتکم و اما در این زمینه از - تیرمان خوب خود محترم - محمد عظیم و محترم محمد رسول دشتی سپاسگزارم و در قدیم دهم پشت کار و حاضر بودن خودم به شکل منظم در تفریح - بنات میباشد . مو صوف افزود چارصال قبل مسابقات فاینل جهت انتخابات اعضای تیم ملی

از طرف کمیته ملی المپیک در - انستیتوت پولی تخنیک کابل راه اندازی شده بود که با اخذ مدال طلا تقدیرنامه و یک کپ قهرمانی مقام قهرمانی را حایز شدم که - البته در رشته پینگ پانگ نیز دسترس کامل دارم و در این رشته یک مدال نقره و یک کپ قهرمانی و بی شما تقدیرنامه های ورزشی دارم .  
 - چندی پیش سفری به کشور اتحاد شوروی داشتم در مورد نوعیت و نتایج مسابقات تان حکایتها نمودم .  
 - یکجا قبل که جهت اشتراک در مسابقات دوستانه عازم کشور اتحاد شوروی شده بودم با - تمسهای جوانان رشته بد منتون و پینگ پانگ مسابقات را اجرا نمودم که به اصطلاح همیچ " باخت " نداشتم و از آنجا با خود یک تابلوی ورزشی و یک پتتون که تصویر ورزشی بروی آن حک شده بود از جانب -

فد را چون آن کشور برام داده شد .  
 - در اخیر اگر پرسشی راطرح نکنم خودتان چی خواهید گفت :  
 اینکند آخرین لحظه رشته کلام رابه دست من سپردید با استفاده از فرصت میگویم که ورزش بد منتون از سالان د رازی در لست ورزشهای کشور ما درج گردیده و ورزشکاران بسیار - متعدد همین اکنون در این عرصه دارم و اما اندک تهن توجهی بخاطر حضور ما - ورزشکاران این رشته در خارج از کشور نموده ام .  
 موضوع دیگر اینکه همیشه و - میخواهم مقام قهرمانی ام را حفظ نمایم .  
 - من هم موفقیت و قهرمانی همیشه کنی برایتان آرزو میکنم .

## د (۳۳) سخنی را اخذ و بفرماید ...

(( داهلك لوتى دى . نيه به داري چي كوم بل شونهي تهين ولبزو ))  
 هلك وويل :  
 - (( و لوتى ته يم . راصه چي دهنه شتن سري ماهي ته ورشو او كوتى سي وگورو ته به حتما وويي چي دهنه د كو بنو شاو خواز نداد يلا رله غو بنو جهر شوي او ياشي چي دهنه دوه سترگي او پوزوه زوز د كوتيو به تلي بوري نيشي وي ))  
 مدير وويل : (( و عقده لرم چي دا كوچني لوتى دي...؟ محسن سواب وركر :  
 (( دهنه لوتى ته دي . ما پخيله هم خو واري خيلي كو - نبي دده يلا ره ووري دي ، خو دوروستي بل لپاره كلسه چي وولم ، مانه سي وويل چي م شوي دي ))  
 دهنه خنگه م شوي دي ؟ بو و ن دهنه فونشل چي به سوه كوتيه كي مخ وويي . كه يي

چي كار پايته ورخته و ي ليدل چي خيل كوتى سي تو - كلي دي . تا سو وگوري ، دهنه داسي محكم سندان و هلس ووي چي نژوي ووسندان سوري شي دهنه لاسره سندان بوري كلك نيشي وو او تول دهنه خلك چي به لپاره تهيدل ، مرسته بي ووسره ونگره ، هوگوي ، له ده سوه چي مرسه ونگره او دي به سندان بوري نيشي موشو ...  
 مدير محسن ته چي دكو - چني تر خنگه ولار وو ، وگل . دهنه دوا ره چي پويول نيشي وو ، چي تابه ويل دوا - ره سوه بو دي او مدير خيل - سر خو واره بي له دي چي وواسي ، وپوزاره . بيا بوسره وگرميد او به خيل بسه خوگي كيناست . دكافله ياشي سي دسزه سوه واخيشي او شو شيمي ووسته به سي دسترگو له كوتيه محسن او كوچني هلك ته وگل .

بقیه از صفحه (۵)

# مردم در ...

اتحاد ولدوله سردار احمد - القدوس خان صدر اعظم بوضاحت بمشاهده رسیده است . چنانچه همینکه سردار مو صوف از کابل روزه عقد هار گردید در فزانه سران قبايل مختلف چون محمد آخان هزاره ، عباس خان هزاره ، محمد رحمد خان توري ، محمد الله خان قبايق ، نواب خان و سهند خان الکوزايي نوبر - محمد شاه خان قزلباشي محمد اسلم خان بلوچ ، حاجي - محمد محقوب خان توخسي و يك عده ديگراز خوانسين ، علما و روحانيون تا شهر قندهار زير شمار هاي اتحاد وهمبستگي در صفوف مبارزين پيوستند و با -

طرد هرگونه اختلافات فذهي قوس و منطوقی چون مفت واحد علمه د ضمن همبازره پرداختند و به اين ترتيب وحدت ملي مردم افغانستان که توسط رهبران ملي تبليغ ميديدند - بانگر بهريري تا رنج آنها عليه استعمارگران انگليس بود .  
 اين اقدام پروسه مبارزه در راه استقرار حاکمیت ملی در کفوز راتکمیل کرد . لذا دیده می - از هم بهیچ د امر استقلال کشور روی احساسات پاک و نظهرستی مردم خطاب میگردد که این امر منجر به استرداد استقلال کشور ما گردید .



صورت کرد و پوست دقیقه قبل از آن محل را با خاکستر گرم و با داغ اما پاک و مانند خاکستر کاغذ پاک و خاکستر سکرته و خاکستر تکه های ظرف غیر سندی بمالید .

۶- مالش دادن یک توتبه مکعب شکل پنج پاک قبل بعد از برداشته موی علاوه بر جلوس گیری از نفوذ انتانات و میکروب های عادی در درازنیز کاهش میدهد .

# ازموهائی که رنج...

بقیه از صفحه (۵۷)

در مراحل بعدی میتواند برای همیشه آنرا از بین ببرد . طرز استعمال آن نیز زیاد سهولت دارد .

ورقه ضخیم موم داغ را بالای ناحیه هیوار نموده و مانند کشیده تا سرد شود . سپس آنرا برخلاف جهت تایل رو بیدن موبد داشته به طرف خود بکشید . در این صورت استعمال پارچه تکه و پلاستیک لازم نیست .

شوره دوم آنست که موم گذاشته شده اما قابل تحمل را به آهسته گی روی جلد هیوار نموده پس از یک دقیقه پارچه نازک و پلاستیک را به روی او بگذارید و تا یک دستتان فشار بد دهید . وقتی فشار مساویانه به تمام ناحیه تحت موم وارد گردید ، به سمت ورقه موم را با پارچه یا پلاستیک برخلاف تایل رو بیدن میبندید که طرفی خود بکشید ؛ تمام موهائی ناحیه از پشه خود بیرون خواهند شد .

موم مخصوصه پانامی کونگون می و تجاریت به همین جهت تهیه شده است و اما شایسته میتواند آن را به سهولت از ترکیب مواد ذیل تهیه بدارید .

گرم - بوره بودرشد ۰۰۰ - آب یک گلاس .

جوهر لمبوی ترش (شیر- یک اسید) یا قاشق چای خوری .

گلسهرین نم قاشق . آب را تا زمانی حرارت دهد که بوره کاملاً در آن حل شود . نیمه آن تبخیر خواهد شد .

جوهر لمبور با آن یکجا ساخته تا وقتی که قوام موم برسد حرارت دهد . سپس آن را از منبع حرارت دور کنید و نم قاشق گلسهرین به آن علاوه نمایید . دیگر واکنش تهیه شده فاسل استفاده میباشد .

تست حساسیت مانند قبل حساسیت .

نیل شود . نیمه آن تبخیر خواهد شد .

جوهر لمبور با آن یکجا ساخته تا وقتی که قوام موم برسد حرارت دهد . سپس آن را از منبع حرارت دور کنید و نم قاشق گلسهرین به آن علاوه نمایید . دیگر واکنش تهیه شده فاسل استفاده میباشد .

تست حساسیت مانند قبل حساسیت .

## دیالکترولیز:

شوره مدون از بین بردن موی آنست که باید تحت نظارت متخصص ویناداکتر جلدی مجرب صورت پذیرد و زهره خالی از خطر نیست . الکترولیز به شش - هفت گزینه متفاوت از فرستادن تداوم جریان برق به فولیکول موی و بیماری بپایز موی قطع راه تغذیه - سدود ساختن مجاری ارتیه طی موی باعث سوختن و سوزاندن ساقه موی صورت میگردد . این راه از بین بردن موی است و اما یک بار دیگر قابل هشدار است که باید با آن حد اعلا احتیاط و مراقبت هدایم تخصص جلدی در نظر گرفته شود .

به خاطر بسپارید که از بین بردن موهائی اضافی به این شوره برای صاحبان تکالیف قلبی دیابت ( موی شکر) و دختران کثیراز سن شانزده مطلقاً ممنوع است .

پس از بین بردن مو با شوره - الکترولیز باید تمام بدن را حقیقاً کرم جلدی تطبیق نمود .

معمولاً به خاطر پوفا - ندن پر موی ساعد از موهای زیاد استفاده میکنند که به دلیل ذیل باعث زیاد شدن موهائی این ناحیه میشود :

حسالت تحمیک پذیر - و استعداد رشد موهائی ساعد در برابر تماس های مداوم با موهائی .

در سایه قرار گرفتن ناحیه - تدریج مداوم و توضع .

# گل

طبله ، هارمونی ، اوشیلیس غزلای شایه ماندولین - اکاردیون اوپانوی هم به لاس گرمی اوپه غزلوئی درخنده کوهی .

گلزبان ، دینتو موسیقی لوبال اوددغی موسیقی خد - متکاردی دی دینتو - اصلایی موسیقی خوبونکیسی اوپه نه اونکیلی به بی دودی خوبتونکی اولاروی دی اوحس دغری موسیقی ته هم دستدرو

بقیه از صفحه (۷)

# نهیضت

خان صد راغظم طی نامه از شمس المشایخ و نورالمشایخ مجددی برادرش خواهان اعلان جهاد علیه مشروطه خواهان شد و آنانرا واجب القتل قلمداد کرد .

چون اهداف برنامه مشروطه خواه یا به قدرت رسیدن شاه امان الله یاد رد هوا ماند و اصلاحات سیاسی واجتماعی شاه نتوانست روشن فکران را مجاب سازد بنابراین مقاومت های ایمن روشنفکران در مقابل شاه آغاز یافت . شاه همیشه مقاومت روشنفکران را در مقابل خود احساس نمود یکایک آنان را از بیلوینر کنار گذاشته در عرض افراد فرصت طلب و مقاپه پرست را به جای آنان گذاشت و در پیروفته اداره دولت شکل یک اداره مطلق العنان را به خود و گرفتار علاقه محمود بسنگه طرزی از وزارت خارجه معزول شد . محمدولی خان وزیرجریمه از دست فعال وزارت خارجه

به و بیفیه تشریفات . کیا شاه گذاشته شد . عبدالهادی - داری وزیرتجارت از کابینه استعفا نمود و میرمحمد قاسم خان از امور مهم مملکت دور ساخته شد .

با این حال شاه در چرخه های روشنفکران رو برو شد . غلام محی الدین خان ارتسی و کمال انتخابی کابل در لویه جرگه ( ۱۹۲۸ ) فریاد کشید :  
ما دامیکه این وزاری - مشهور بقصا دشما تا پای محاصره و در اسیر نشده هیچ اصلاحات در مملکت ممکن نیست .

برای شاه موقعیت دشواری پیش آمد حکام و مأمورین فرصت طلب که به عنوان مشروطه خواهان کرسی ها را اشتغال کرده بودند بدون هیچگونه احسان مسرولیت به چور و چپاول و کیندن خون مردم مصرف بودند که پیمانان

نارضایتی مردم از شاه بود . شعارهای غریب که شاه از اروپا باخود آورد بود با واقفیت های زنده گی هاضما سات مذهیبی و عرف و ادب سنتی مردم موافق نبود بنابراین تحریکات انگلیسها را خوشتر میپندردند میتوانست قدرت تحصیل کرده و مذهب بدیم که به شکایات خورد و بزرگ از طفل بی دندان گرفته تا پیر مردی که آخسین دندانش را همین بالا شدن به سرس از دست داد مانند و قسم نمیکند ارم - به اثر صمی و تلاش منسوب - بین آمهت جمع آوری بیستکارت مدیهست مبارزه با جرایم فلسی در هرز مقدار زیاد تصاویر و بیستکارت های مغایر اخلاقی و کلتور از نژاد متن پرورد - بزرگ دوست شاگرد صنفت ششم یکی از کتاب کشف چه دست آمد . بیستکارت تصاویر به دست آمده ضبط گردیده مشتمل به چنگال بهره های نهضتار صنفی هاسپرد شده فضیه تحت تحقیق نگران صنف قرار دارد .

از خواننده گان ارجشند صحنه تقاضا به عمل مایسد تا باخواندن این مطالب بر ما خرد که رجو که گه ری نکنند

# زمان

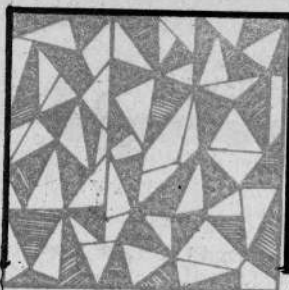
به جوړولو کی کاراخلي گلزبان به نياتو نيمتوالو - نوکی گدون کوي دي د مغلستان به نيمتوال کی بی افتخاري ديلوبم ترلاسه کوي ساي ي و روسي دده دغه هشی بی گبی نه دي هه - فس چي دده ديه استعداد له برکه دده شعرت اوچپو بيت نيات دي نودده دکار له برکه به دپښتو موسيقي هو له هم سکه وي .

نيمتوال کی بی د سوزو وصال وگاچه بيا د بلنگاريا به نيمتوال کې بی لوري مقام ديولتو د به نيمتوال کی دهم مقام او دموافق د بابل به نيمتوال کې افتخاري ديلوبم ترلاسه کوي گلزبان اوسره پښتو کی دغزل موسيقي دودي په خاطر نهاتو هشی کې تر خود پښتو دغه برخه موسيقي هم خيل له عمان لور ساي ي و روسي دده دغه هشی بی گبی نه دي هه - فس چي دده ديه استعداد له برکه دده شعرت اوچپو بيت نيات دي نودده دکار له برکه به دپښتو موسيقي هو له هم سکه وي .

# ملاقات در مسکو

معددا سفر بوش به سکو از نظر سیاسی ضروری نبود . دوکراتها او را ملاقات میکردند که باید در پاسخ به تهمیلات در اتحاد شوروی خیلی محتاط باشد و تلاش نکند تا از مخاطب گریز نکند . شاید از همین سبب بود که آقاي بوش در میانه خود احتیاط را از دست نداده و ششمانی اشرا بر مبنای اصول وانمود کرده است . و بالاخره بشهت نعمت لبتدای صلح جبهات بر قدرتهار امارالین از نهای میکند . اگرچه ( ستارت) نگران انسانها را از خطر های اسلحه های دورنگره ؛ میکرموتان گت که سرفا ز خوین برای ایجاد جهان فرخ از جنگهای هه بی خواهد بود .





در این مورد هیچ ستاره وجود دارد که نامرئی است. اما اینرا پیدا کنید.



این یک نشانی مرموز است. بآن دلیل که نام بی از ایالات متحده آمریکا در آن بیستم من خورد. این ایالت کدام است.



### اعداد مرموز

اعداد مرموز در اینجادر هیچ نقش عددی را بازی میکند و شما این اعداد را از روی علائمی که در اطراف آنها دیده میشود منی توانید پیدا کنید.

# حل کنید و جایزه بگیرید

تهیه کننده لطیفه "سهدی"

افقی:

- ۱- عروس شهرها • دلبری
- ۲- مخفف کز • دنباله درختی بر سر
- ۳- از شهرهای عربستان •
- ۴- لکه کوچک حرف معمول به واسطه •
- ۵- از اسمای ارضی • فراغنه مصر •
- ۶- اگر چیزی از روزگار باشد آدم خورده • چشیده • است •
- ۷- حرف انتخاب جمله کتب • طلسم • از حالت دریا •
- ۸- کتاب جمع شده • در یکی از آثار جان اشتاین یک پنهان شده است • فلزی است •
- ۹- خوراکی با تخم مرغ • از هراهان دوت •
- ۱۰- رسن فلز گرانبها •
- ۱۱- هنریشه فلم بیک • نهک •

عمودی:

- ۱- مسردترین نفاثر جهان در حال حاضر
- ۲- از حروف الفبا • انگلیسی
- ۳- از سران آلمان نازی • خواننده گلستان •
- ۴- بخاطر سپردن • از انواع خواهر برادر •
- ۵- از جشنهای باستانی • از کلمات پرستش تصدیق روس •
- ۶- واعظ در جمع •
- ۷- سنگ تازی • میزان کر • دن • عددی است •
- ۸- از ادارات تابع وزارت • کشور • از موجودات افسانه ای •
- ۹- تکراری از حروف • رویاه صحرا •
- ۱۰- نخس • از خاکهای • صنعتی • از حیوانات مزاحم •
- ۱۱- از مخترعین معروف • آمریکایی •

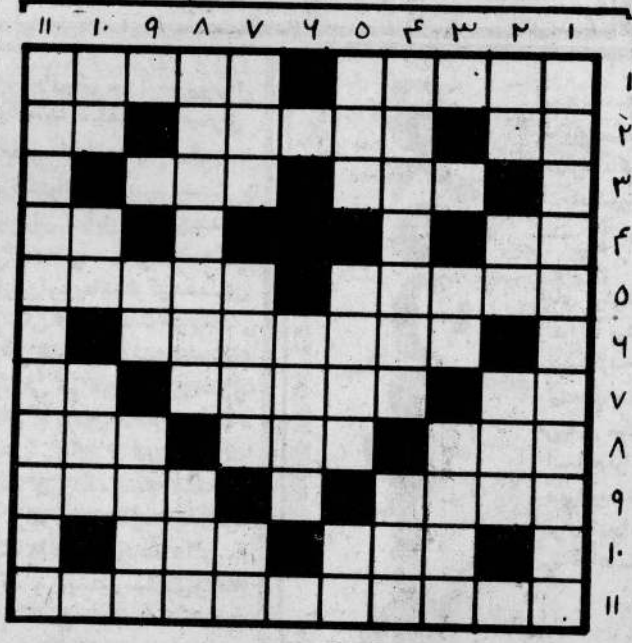
# سعدی

# ۵۵



# پند و اندرز

# ها





# حل کنید و جایزه بگیرید

افقسی

- ۱- شاعر پارسی گو پاکستان
- شاعر جوان ماه می ۱۳۵۴ در
- خط قلم " ازوسته "
- ۲- دوره زیبای درختان -
- فصل امر رساندن از حیوانات
- است فاره ایست .
- ۳- جانور نیست - بیه جلیاسه
- که در آب و آتش زیست می تواند
- معلوم وستم رسیده خدمت
- مقد سوست .
- ۴- نشان که ریا می کنند اما
- بر سراسر - کسی را کشته
- از فلک اندا - سرور بر آغاز .
- ۵- رقم را جمع کنید - بد نیست
- از سه رهای مشهور امرینا من
- و سما .
- ۶- پای بر جردن است و منکن
- مستقران - نورانی - رعیت
- واحد است .
- ۷- نم ندای حیوانات .
- نهایت زمان عمر - خد رحما -
- هرنگ که گلها را می بوئند . در
- پشتو - پیر از ارکان سورسورا
- نا از آسوی .
- ۸ - اسم پر پا - آخری
- علم بد ستان .
- ۹- کشتزار - علم نو آموزان
- تخم القاح شده - سلم رحمتم .
- ۱۰- اسن نیست . پیشواو -
- رغنون - زبری و باهوشی .
- ۱۱- عدت نعن که در او کلمه
- میاید و معنی انرا تغییر میدهد

- ۱- مستخرج احمرا ایست نه مصفا
- رف سرد را مقصود شود .
- ۲- برای زیبای آن ورزشی -
- ایست - رنگ در و در مند - مایه
- زنده گانی .
- ۳- تکرار یه رف - جنون را جمع
- ۱- شود - در امان و آسوده
- جاسر .
- ۴- آریابه لعن تشبیه کرده اند
- سراشت است و مفرد اناس بی
- ۵- مهره - مهره عین .
- ۶- مرکب مؤش در مژگوریاں - امر
- در آن زنده در می نمایند .
- ۷- و در ویدیا - هشتاد و نه
- در توری بدن و میموند .
- ۸- به غذا غس می ورزید . علم
- به دست دارد . در ردیف دوم
- موجود است .
- ۹- بی میدان و زهران
- ۱۰- وزیرار - اثر از آنست بیوانند
- شرباب است - صحت راست .
- ۱۱- پدر مردگان - ستاره
- غنا و ششهای آسمانی .
- ۱۲- تغییر در شستو زارخانه
- را اداره می کنند . محمود به
- آیین کریم میزنند .
- ۱۳- وسیله تا زنجار - نوعی
- نود کیمیاوی - خداوند کار .
- ۱۴- یک از فنون - آیین تارل
- مارش بوده که اصول موسیالویم
- علمی را تشریح می کنند
- (..... تارنیا ) کتاب
- بیست از لغون تولستوی .
- ۱۵- آواز کبوتر است و از سنا مع
- شعری - و ویتی دارای اقلیم
- مد پترانه که پرومیس زیتون
- در آنجا صورت می گیرد .
- ۱۶- متحرک نیست . پست و فرو
- مایه - کدام غله جات .
- ۱۷- دختران هند ویدست
- براد را نترس می بندند - اولی -
- نوع طیاره و دوس هفتسین
- نجراب
- ۱۸- فراموش در شستو بنانه گاه
- است و کباب از وطن - ست چپ .
- ۱۹- مژده دهنده مرکز ولایت
- نهمروز - اول و شروع است
- با پانزدهن حرف و او .
- ۲۰- تکرار حرف پهن در شستو
- میگویند " بودم " از امراض خطر -
- نایک . روز مهرب .
- ۲۱- حاتم شاهی که الماس
- کوه نور را به احمد شاه بابا تحفه
- داد . ناف آهوی مشت .

جستجو می نمود . آسمانی  
در میان سر آب و سوا که  
برابر مصالحه و برقرار بیجا  
ران مخصوصا تلولین میسازند

**عمودی**  
۱- کتابی از حکیم ناسرخسرو  
و لغت - بعضی مایه آن معتاد  
است و گویند تا نکریت در نندان  
است .  
۲- هر سه می توان دید - راز  
نهدار - نفس در دستو .  
۳- شهر مهم تجارتی تایلند  
اسراب زاده اتلیوس - در -

۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵

۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱

- ۱۶- متحرک نیست . پست و فرو
- مایه - کدام غله جات .
- ۱۷- دختران هند ویدست
- براد را نترس می بندند - اولی -
- نوع طیاره و دوس هفتسین
- نجراب
- ۱۸- فراموش در شستو بنانه گاه
- است و کباب از وطن - ست چپ .
- ۱۹- مژده دهنده مرکز ولایت
- نهمروز - اول و شروع است
- با پانزدهن حرف و او .
- ۲۰- تکرار حرف پهن در شستو
- میگویند " بودم " از امراض خطر -
- نایک . روز مهرب .
- ۲۱- حاتم شاهی که الماس
- کوه نور را به احمد شاه بابا تحفه
- داد . ناف آهوی مشت .

## حل جدول

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ک	ن	م	ز	س	ر	ی	ا	س	ت	ا	ف	ح	ا	ن
ب	ب	ا	ب	و	ن	م	ا	ی	ر	ا	ر	ا	د	ب
ه	ت	ن	ا	ف	ت	ر	ی	و	ی	و	پ	ا	و	و
ع	ی	ا	د	ت	ت	ف	ن	ش	ا	و	ر	ز	ر	ز
م	ز	ز	ک	و	ر	ن	ی	ز	و	ن	د	ق	د	د
ت	م	ی	ا	ن	د	ج	ی	ا	س	ا	ر	ع	ر	ر
ا	ت	ی	ک	م	د	ج	د	ع	ر	ع	ر	ع	ر	ر
ی	ا	ی	ل	ی	ا	ر	د	ر	ک	ا	ع	ا	ص	ا
و	ی	ن	د	و	ا	م	ا	ن	ا	ت	ا	ت	ل	ل
ن	ن	و	ی	ا	و	ی	ا	ک	ا	ج	ا	ج	ا	ا
س	ن	ا	ت	و	ر	د	ا	ش	م	ن	م	ن	م	م
ج	ک	س	ر	ط	ا	ن	ت	ا	ک	د	ا	د	ا	ا
د	و	ب	ل	ی	ن	د	ب	م	ز	ا	ر	ا	ا	ن
ه	م	ا	ا	م	ا	ب	ا	ن	ک	ا	د	ه	ل	ل

- ## حل کنندگان
- محترم عبدالصبر نواز نثر
- محترم صفیه نواز نثر از مکروریان
- محترم بشیر احمد امیری
- منزه محمود محصل حقوق
- محترم سها خورشید از لسه - زرغونه .
- آرین پور محصل سال جارم
- استشوت طب کابل .
- محترم حسنا غزال از پوهنتون - کابل .
- محترم نوره ناصر محصل طب پک
- محترم محمد جاوید سرماز . زرغونه .



# سپاوون کورکات

## شیر سوه و عمل

ترجمه : حسام الدین برومند

۱- خرگوشی که در سوراخ همک درخت زنده گی میکرد ، متوجه شد که زنبور های عمل بسیاری شان خانه ساخته اند . خرگوش به فکر افتید که چگونه از سوراخ بیرون برآید ، از زنبور دوستش موش صحرایی رابه کمک صدا زد . آن وقت هر دو سبزه ها و علفهای خشکیده را از بالای درخت جمع کردند تا به اطراف زنبور ها در بدهند . با ایسن کار شان زنبور های عمل دسته جمعی پریدند آن گاه خرگوش و موش صحرایی ماندند و عمل ها .



۲-۳ : وقتی آن ها به عمل چسبیدند و مصروف خوردن بن شدند یکبار سرورکله شیر در آن جا پیدا شد و غریب :

تیز تر ، تیز تر از درخت پا- بین بیائید . خرگوش که متوجه شد فریاد کشید و خشمگین است لرزان لرزان گفت : موش

صحرایی مراد علف بیچکان وقتی این کار انجام یافت . خر- گوهر به شیر گفت : تو میتوانسی به خاطر آسوده راحت را بگیری و بروی ، من بخود به خود پا- بین ، موشوم . خرگوش بدین ترتیب پاره نجات خود را سنجیده و از درخت خیز زده و پتان پرید که نهی .

شکار که از پنک شیر فرار نموده بود ، ازین رو هیچ پشمش را از موش صحرایی دور نمیگرد



۴- لحظه یی بعد ، شیر با خشم زیاد بر موش صحرایی غریب : پایمین شو .

بدین ترتیب موش صحرایی مجبور شد که خود را تسلیم کرک نماید .

۵- شیر در حالی که موش صحرایی را بر زمین خوابانده و میخواست خفکش کند ، گفت : تو جور جرات تیری از جنگل بن عمل بخوری ؟ موش صحرایی بازار زد و عذر گفت : بشیو جان خرگوش مرا وادار به این کار ساخت و غریب داد . فشیر



باد رنده خوبی تمام با پنجالش بر موش صحرایی حواله کرد اما موش صحرایی بدون آن که پنجال فشیر بر وجودش برسد ، آن را در هوا محکم گرفت بعد از آن جستی زده و در میسان بته ها خود را ناپدید ساخت .



۷-۶ خرگوش را که غسل موزه  
 داده بود اینبار با سنگ پشت  
 قصد خوردن غسل نمودند باز  
 هم سر و کله نشیو شده پیدا شد  
 گرن بلا فاصله بر خرگوش غرید :  
 بیا پایین شو ، چرا معطل  
 استی ؟ اما خرگوش در مقابل  
 گفت : اگر توبل میدهی مرا  
 قورت نمیشی ، پایین میومم گوشت  
 بسیار سختی دا رم و بسعلاوه  
 کوبنک استم ، وقتی نرم شدم -  
 طعمه خوبی برای تو میومم  
 آن وقت مرا به دم خود بنشان  
 چنچ بده ، بعد به زمین بز  
 آن وقت پیش از آن که نفسم  
 برآید مرا نوتر جان کن . نشیو

بلا فاصله خرگوش را بردمش  
 نشاند ، دمتر را چنچ داد اما  
 چون دم کوتاهی داشت هخر -  
 گوش از دمش لغزید و ناپدید  
 شد .



۹-۸ : اکنون تنها بیچاره سنگ  
 پشت بر درخت مانده بود اما  
 هر قدر که نشیو بزوی حمله کرد  
 و حیوان را پنجال کند بر سنگ -  
 پشت هیچ تا ، نهر ننمود . یکبار  
 سنگ پشت سرش را از میان لاکش  
 بیرون آورد ، نشیو خور شد و آن  
 راه آب انداخت . سنگ پشت  
 در آب شروع به آبیازی نمود نشیو  
 به دنبال آن خود را به آب اندا -  
 خت ، لیکن درین میان خودش  
 نغر کرد .

۱۱-۱۰ : نشیو خشمگین به  
 سرف جنتل خزید ، آن جا کلبه  
 خرگوش را دید ، آرام داخل آن  
 رفت ، لکن آن جا را خالی  
 یافت ، خوب منتظر برگشت -  
 صاحب خانه ندست ، خرگوش



به زودی آمد ، اما چی میدید  
 پل پا های نشیو ، ۴۴۰ واقعا  
 چا یکی و تیز هوشی را از -  
 دست نداد و با عجله گفت :  
 صبح بخیر کلبه من .  
 صبح بخیر .  
 نشیو به دنبال خسر -  
 گوش دوید ، اما شکار از چنگ  
 رفته بود ، زیرا به همان اندا -  
 زه که نشیو ساده بود هخر گوئی  
 زرنک بود و با خود فیصله کرده  
 بود که مختصر صا ، ننگدار ، نشیو  
 غسل بخورد .





✳️ محترم نظیفه احمدی از اکا-  
دمی علوم ج ۱۰  
طرح تان برای نزدیک بین  
رسید. وی اهدوار است در  
اینده طرح ادبی بفرستد.  
از شما سپاس بگذارم.

✳️ دوستدار سیده مه‌مهیدی  
نزدیک بین در مورد کسی  
که شما پرسیده اید که چرا بر-  
نمیگردد از قول عوام مفرماید:  
اگر ده بار کسی محکم گرفته  
نمی‌تواند. حوصله مند باشید.

✳️ همکار خوب توریک اسدی  
از لایحه مهم:  
نه تنها شما بلکه تمام خوا-  
نده گان عزیز سیده هرگاه  
مخواستند بگویند (سبا وون  
چطور باشد؟) باید همراه با  
مطریبات خویش یک قطعه نو-  
توی خود را نیز ارسال بدارند  
از شما تشکر.

- ساکت باش:

مگر که دوستم داری بگذار  
این جمله بر لبهایت بلسزد  
ولی به صدا نماند.  
خواهم آن را از دور احساس  
نمایم. از رویا بیدار مکن  
و مگر که دوستم داری. آه  
ساکت باش.

✳️ همکار خوب فخریه جان  
تنها صدیقی:  
نامه شما را خواندم و از  
خواندن آن احساس ناراحتی  
کردم. مخصوصاً این که  
نوشته بودید نامه تان را در  
صفحه کشتزار سوخته نشر کنم  
خواهر عزیز: امید را از-  
دست ندهید شما چون  
کشتزار سبز و شاداب هستید  
زنده گی به غم‌هایش نماند.  
از خداوند استعنا می‌کنم تا  
صحت تان را دوباره به دست  
آرید. مطالعه بهترین مایه  
در لحظات غم و تنهایی است  
مشورده کتاب‌های به ذوق تان  
را مطالعه نموده تا روحاً از  
درد رهایی یابید. صحت  
مند باشید.

✳️ محترم عبدالشمن شهزوی -  
کارمند ریاست برق کابل  
شما حتماً سده را هنگام  
برجاری برق - العه مینمایید  
که متوجه حساب بانکی سوله  
که در خود سوله درج است  
نشده اید. نزدیک بین برای  
خود دید روشن و برای شما  
برق روشن و توی شما مینماید.  
✳️ همکار همیشه حاضر سوله  
حکمت الله ناظمی حکمتجو از  
شاروالی کابل:  
نزدیک بین نامه تان را خوا-  
ند و گفت که شما از خصایص  
نیک انسانی برخوردارید.  
ای کار در دور بین هم چون شما  
میبود. به هر حال از غیبت که

بگذرم باید بگویم که من هم  
دعایم روزی شکست لاتی تان  
اگر به جایزه یک هزار افغانکی  
تمادت نمیکند به جایزه صد  
افغانی تمادت کند. از شما  
تشکر! اهدوارم در آینده  
بفهمم سلام بچه ها را در توی  
خوانده بعداً حرف‌های تان  
را همراه با فوتی تان بر-  
سند. نزدیک بین واسطه  
خواهد شد تا بدون تو بست  
چاپ شود. در لاتی برنده  
باشید.  
- آخرین چیزی که از دست  
ببرد، امید است.  
- حیثیت را میتوان خم کرد  
ولی آن را نمیتوان شکست.

# از نزدیک

✳️ همکار خوب مهم کمال از  
لایحه اربانا:  
ما بوس نشوید. نزدیک -  
بین شما در طرح جدول -  
تشویق خواهد کرد. چرانی!  
ما از تمام همکاران خویش طرح  
جدول می‌گیریم. مگر به شرط  
آن که خودتان به اداره مجله  
تشریف آورده طرح جدول -  
تان را تسلیم نمایند. از شما  
تشکر! جدول است با شهید.  
✳️ محترم مسعوده مهجور از  
اکادمی علوم:  
نزدیک بین هر قدر شیشه  
هنگام را پاک کرد تا نامه تان  
را درست بخواند مؤفق نشد  
بالاخره از دور بین کمک خوا-  
ست او بعد از آن که حرف  
را زهر داد و زهر داد و جنگ  
انداخت، توانست بخواند  
ولی توانست از آن مضمون

درست بگیرد. مشورده بنده به  
شما این است که از خداوند  
برای این دو نفر سواد عاجل  
و دانش کامل آرزو کنید. ماهم  
برای شما مطالب جالب آرزو  
مندیم.  
✳️ همکار عزیز سید خالد حکمی  
از لایحه دوستی:  
چرانی! شما میتوانی به  
شعبه (اطلاعات و نامه ها)  
اداره سیاوون تشریف بیاورید  
و در مورد ذکر شده از نزدیک  
بین کمک بخواهید. قابل  
تشکر نیست!  
✳️ علاقه مند جواب به نامه ها  
روشنه جان زین:  
نزدیک بین از احساس نیک  
تان نسبت به او تشکر میکند  
ولی این که خوانسته اید تا یک  
قطعه فوتی تان را در این  
صفحه سنجاق نماید. -

وی مفرماید: همکار گل! درین  
مفحه معمولاً عکس‌های علاقه-  
مندان ما چاپ میشود. اگر  
این جانب نیز عکس خوشتر  
سیناق نمایم، همکار دور بین  
ساحب بالایم می‌بگرد که  
گویا من خودم علاقه مند خود-  
هستم لذا معذرتم را بپذیرا  
شوید. و بگذارید ما این تقاضا  
را از شما کم. و در مورد -  
نامه تان باید گفت که اگر  
شما به جای نزدیک بین می  
بودید باید نامه خشک می  
میکردید؟ جز این که از تو-  
بستند اثر نامه های (ترا) آرزو  
میکردید. از شما تشکر. بر  
عکس نامه تان ترو تان باشد.  
✳️ محترم فوزه وردک:  
برسیده اید که چرا هنرمند  
محبوب نهراد در با در کشور  
کم دیده میشود?  
نزدیک بین میگوید: به  
خاطری که در خارج از کشور  
زیاد دیده میشود.  
✳️ همکار عزیز احمد حاوید  
سمی:  
نسبت از بهاد مطالب  
نزدیک بین نمیتواند تمام نیک  
های ارسال تان را نشر  
نماید اما چون به این عقیده  
است که (( اخلاق مهم است ))  
لذا دو نیکه از نیکه های  
ارسالی تان را در مورد -  
اخلاق انتخاب میکند.  
خلق خوش چرافی است  
که صفات خوب ما را روشن می  
کند و بر صفات بد ما سایه  
ماندازد.  
خلق خوب پول رایجی است که  
باهر نعمتی عوض نمیشود.  
✳️ همکار خوب مرضیه مرا-  
دی از حصه سوم خیرخانه:  
قابل تشکر نیست نزدیک  
بین همیشه در خدمت شما  
بوده و نامه های پر محتوای  
هریک شما را بدون واسطه  
میبواید، و در مورد مطلب  
این نامه تان مفرماید که  
ای کار جای اعتبار است تذکر  
میدادید.

✳️ شمار قدیم نور الرحمن  
نوبین از شهر بلخمری:  
برای کسانی که شما کانتینر  
کانتینر سلام فرستاده بودید،  
همه بالمقابل کانتینر - کانتینر  
علیت مفرستند. و به جواب  
کله تان دور بین مفرماید:  
حالی که بی فایدهم، و بی رقم  
همی که تخلص تان را دیدم،  
خیال کردم که از همکاران شما  
هستید، باز هم برای آن که  
قهر نشوید، همانم نزدیک -  
بین معذرت میخواهم. برای  
آن که جبران نکرده باشم، می  
خواهم عذر شما را در قطار هم  
کاران دایمی بچایم، و لطفاً -  
در نامه های آینده بی قطع  
فوتی تان را ارسال کنید، و اینک  
مطلب زیبای طنزی تان را بخوا-  
ند:

آمدن کارمندان به وسیله  
- آمدن جناب رئیس به دفتر  
شورفته خواست دلبر.  
- از مدتی صاحب محترم وابسته  
است به کش موتر مایکلتر.  
- از ما مورعاً حب وابسته است  
به پنجر شدن مایکلتر.  
- و از ملازم بیچاره ساعت هفت  
صبح و بدون در زدن داشت  
شکلر.

✳️ محترم غم ریانی مرادی از  
صحت عامه ولایت بلخ: از مرا-  
ملات شما، صرف فوتی میا-  
رک تان را چاپ میکنم و امید  
واریم در آینده مطالب جالب  
تان را نشر نمایم.  
✳️ محترم ریتا کوشی ایماق از -  
شهر مزار شریف:  
دور بین حیران است، چی  
کند؟ بی شمار عزیز ما مفرماید  
کهن دایمی هستیم، چرا -  
نو خطاب کردید. ولی  
بعضاً فرموده اید که همکاران ما  
تشریف دارند. حال آنکه در  
شماره های گذشته، نامه -  
های فراوانی از شما را پاسخ  
گفته ایم. به هر صورت در -  
همین حال هم جای شکر است  
مانندت مطالب جالب شما  
هستیم.

# خواب زیاد خطرناک است

خواب زیاد به قدری خطرناک  
است که ممکن است منجر به  
موت انسان شود. زیرا موقعی  
که مایه خواب می‌رویم آهسته تر  
نفر میکنیم یعنی کمتر اسپیچ  
جذب می‌کنیم. کاربن را  
در خون نگه میداریم. جمع شدن  
اکساید کاربن در خون برای  
بدن (۸) الی (۱۰) ساعت  
بمخندان ضرر ندارد ولی اگر  
ازین مدت تجاوز شد، مسمومیت  
از بلخ.

خواب زیاد به قدری خطرناک  
است که ممکن است منجر به  
موت انسان شود. زیرا موقعی  
که مایه خواب می‌رویم آهسته تر  
نفر میکنیم یعنی کمتر اسپیچ  
جذب می‌کنیم. کاربن را  
در خون نگه میداریم. جمع شدن  
اکساید کاربن در خون برای  
بدن (۸) الی (۱۰) ساعت  
بمخندان ضرر ندارد ولی اگر  
ازین مدت تجاوز شد، مسمومیت  
از بلخ.

# از دور

# چه وقت باید از دور واج کرد؟

تفاوت سن زن و مرد در موفسج  
از دواج بستن سال باید باشد؟  
یک روانشناس مشهور فرانسوی  
مؤلف شد فورمولی برای خواب  
دادن به این سوال پیدا کرد  
که به عنوان یک کشف جالب -  
مورد قبول عدّه زیادی از -  
دانشمندان واقع شده است  
فورمول ازین قرار است: اگر  
سن شوهر را نصف کنیم عدد  
هفتزایه آن افزون نماییم سن

مطلوب زن به دست مییابد.  
مثلاً اگر سن مرد سی سال -  
باشد، سن زن باید نصف سی  
یعنی ۱۵ و عدد هفت یعنی ۲۲ -  
سال باشد. البته این فورمول  
برای تخمین حد اکثر بوده و در  
مورد همه صدق میکند.

ارسالی: رحمت الله رمزیار از -  
بلخمری.

✳️ همکار با استعداد عبد -  
المجید فایز از ولایت بلخ:  
دور بین از شما و دیگر  
همکاران شاعر تها مینماید تا  
اشعار خود را بفرستید،  
تا در یکی دو شماره بعد صفحه  
بی ترتیبی و شمر جوانان را -  
زینت بختر آن سازیم. از شما  
تشکر، شاعر باشید.

# در نزدیک مکتب

دختر اولی: از تو قد و لکه  
میوشی که سگرت پف می‌شند  
او نموده دوست داره.  
دختر دوم: کی، سو چمبر  
آبی ره میکی.  
دختر اولی: بیلی بیلی هموره.  
دختر دوم: چپ با بر احمق  
که اویدم این.

ارسالی: فرید احمد میهن  
در خورتان:

# افزودن نام

- هر کس زبانش را ندان بگیرد  
در جای غیبتش چالان میباید  
شد.  
- اگر ناخنهای پت دست گرفته  
شود و از دست دیگرانی به سرو  
سکه حمله میکند.  
- اگر ناخنهای گرفته شده به  
زیر پا انداخته شود، فقر  
می آید.  
- اگر در چشم، مهران می  
آورد.  
ارسالی: ریتا کوشی ایماق از  
بلخ.



# ۷۲ ساعتی که جهان را تکان داد

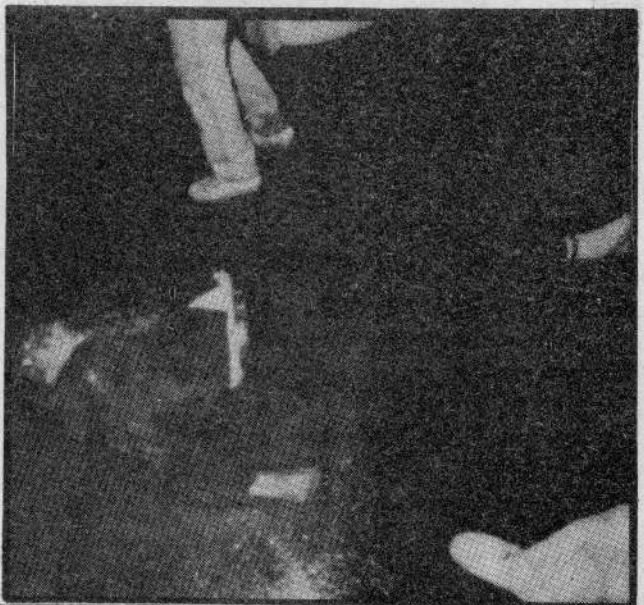
کودتاجهان مستقیمه دفاع کنند؟  
- اقلی کار میچف، حزب کمونیست چه موضعی دارد؟  
- پولیت بوری حزب تاجا حالا موضع خود را تعیین نکرده است. دیروز دفتر سیاسی جلسه داشت، اما تاحال اعلامیه میداده نشده. کمونیست ها منتظر اعلامیه هستند. بوداشت شما از این حوادث به شایبه زورناهیست چیست؟

- ارزایی ها مختلف است، بعضی ها تغییرات اخیرا پشتیبانی می کنند و بعضی ها پشتیبانی نه نموده و آن را کودتای خوانند.  
- مردم چه فکر می کنند؟  
- مردم در تشریح هستند.  
دیروز رئیس جمهور وجود داشت و صبح میخشد. ما له بر سر قانونت و حفظ آن است. در ما سکو اکون، ارتش، تانکها و ماشین های محاروبی و سربازان وجود دارند. مردم می پرسند که اگر سربازان برای دفاع از ما سکو آمدند، این دفاع در برابر چیست؟ از سوی دیگر اگر رئیس جمهور بیمار است پس چرا واحد های ارتش را باید مستقر ساخت؟  
- آینده کودتا را چگونه پیش بینی می کنید؟

- حالا شاقشه اصلی در کشور تقابل میان رهبری جدید و جمهوری روسیه است. من امیدوار هستم که حوادث به خوبی نماند، هر چه دیشب با مرگ سه نفر خونریزی لغز شد. من نمی خواهم باور کنم که کمیته فوق العاده (ک) ج. ب. (خواستار خونریزی است!) - به نظر شما اکنون ابتکار به دست کیست؟  
- طوری که پولندی ها می گویند ابتکار در دست کسی است که تانک ها در دست اوست.  
نظر شما در مورد مقاومت بوریس یلتسن چیست؟  
- در ماه شهریور یلتسن گفته بود که هیچ وقت به گریباچف باور نخواهد کرد و حالا او از گریباچف دفاع می کند.  
موضع معازن روزنامه پر اودا - بدینگونه بود. سخنان او نشان می داد که کودتاجهان بیض از همه

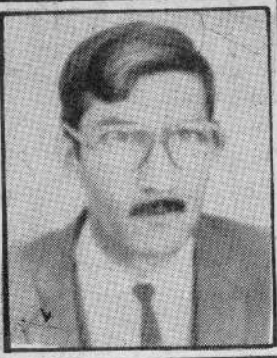
پیشینیان حزب کمونیست حساب می کردند. اما آنها متوجه نشده بودند که این حزب و خاستگاه رهبری این باتن در دادن به نوسازی بشرک موانع گذشته از مدت ها قبل با سپیدین به شعار حفظ قدرت و ایجاد موانع در برابر دموکراسی و کوشش برای کد ساختن روند های نو، ابتکار سیاسی را از دست داد. موبه یک حزب بی امید ییال و مخالف جریان تاریخ تبدیل شده است. درست به همین دلیل آنها این ابتکار را بدست گرفتند. مقام پیش قراول مقاومت را بسرای حفظ دموکراسی بدست آوردند که نیاز تاریخ و زمان ما را درک نمودند. نیاز زمان ما اروپیکه تجربه، ارزیابی شرقی و اکنون روسیه نشان داد عبارتست از مبارزه به خاطر دموکراسی، مقابله با دیکتاتوری ها و تسو ایتر یانیزم و احترام به اراده آزاد مردم (در روز سوم کودتا یعنی روز چهارشنبه ۳۰ اسد (۲۱ اگست) ستارت روسیه وارد مرحله مهم شد. پارلمان روسیه توانست اجلاس خود را آغاز کند. شب گذشته یلتسن با آقایان بوئر، میتران، جان مچجر خانم تاچر، هارن لهووالینسا و بعد

دیگراز رهبران جهان تا ماسها تیلیفونی داشت آنها با یلتسن هم نظر بودند. کودتا یسان فوراً قدرت قانونی را اعاده نموده و کدور را ترغیب کردند! همزمان سنگر بنفشی ها ادامه داشت و - تا اهرات اوج میگرفت (۴۸ ساعت گذشته ستارت بیرون از بیرون گرفت اجلاس پارلمان روسیه در روحیه هیبتنگی کامل با بوریس یلتسن و با تایید در خواست همگانی برای برگشت رئیس جمهور قانونی میخائیل گریباچف و عقب رتن کودتا چنان توأم بود. کودتاچیان موفق نشدند رادیو و تلویزیون روسیه را که به مرکز عمده کار سیاسی، تبلیغی و وسیع افکار عامه مبدل شده بود، ببندند. حمایت غرب از موضع ستارت به جهت انزای میثاق و این امر بار و روحیه چنگنده گان را ازاد را تقویت می کرد. این امر زیر پای کودتا چیان راست نمود. روحیه آنان را درهم شکست. کودتاجهان فعالیت پارلمان شوروی، فعالیت بوریس یلتسن و برآمدن پایان دهها هزار انسان را متوقف ساخته نتوانستند. حواسی ظهر روز سوم کودتا شهر از شایعات در باره شکست کودتا پر شد. تلویزیون سی. ان. ان که عمده گوی از شهریان ماسکو آن را دیده می توانست این شایعات را به موقع به اطلاع عامه رساندند. در یک گزارشی گفته شد که یانایف و چکا در حال فرار در میدان هوایی دیده شدند. درست ساعت ۲ بعد از ظهر رادیوی روسیه از توافق رهبری روسیه با نظامی ها در مورد خروج قطعات از شهر اطلاع داد. همزمان فعالیت ها برای فرستادن دیپلمات جمهور روسیه نزد رئیس جمهور گریباچف که در کرمینا در حال ستراحت به سر می برد آغاز شد. در رأس هیأت صدراعظم جمهوری روسیه سیلا یف قرار داشت. و از تیم گریباچف بهره صرف در متن از اعضای شورای امنیت شوروی که یکی آن - بهره معروف پریاکوف بود در تلویزیون ظاهر گردید. آنها نیز نازم کرمینا بودند.  
کودتاجیان در برابر اراده مردم به زانو درآمدند و دموکراسی یکبار دیگر به پیروزی رسید.  
قسمت دوم در شماره آینده





# چراغی در راه روشنایی



شماری از آفریده های جهاد:

- ۱- کو جهان انوی ژوند رجا پ شده
- ۲- دگلو خولی دجلد اول چاپ شده
- ۳- دگلو خولی دجلد دوم رامید وار چاپ
- ۴- دلدنو و پشتمامید وار چاپ
- ۵- دلدنو داستانونو مجموعو ( امیدوار چاپ )
- ۶- دشمرنو و انشرونو مجموعو ( امیدوار چاپ )
- ۷- دنوی دنامتو لهکوالو دغوره اوژابل شوپو داستانونو مجموعو ( امیدوار چاپ )
- ۸- ددختنسی - رمان عشقی حماسی ( چاپ شده )

وده ها زمان داستان آفریده است که شماری از آنها باهنوز - اقبال چاپ نمانده اند . چندین آفریده او جایزه های را کاپی برده اند . که از جمله رمان عشقی حماسی ( دختنسی ) او جایزه اول انجمن نویسندگان افغان - نیستان رانصیب گردید .

جهاد در آفریده های ادبیتر با اندیشه و تحلیل بلند به حمایت عاطفی میرداد از زمین حرکت است که خواننده حساس را در محله دله گرمی گهر میکند و تا پایان اثر بیدرد نمیگذارد .

و در بخش و درد که این نرزانان قلندار ، با هزاران درخ و هممات ، دامن عمر بر چید و دلی را که سالها از سوختن بردن به تنگ بود ، آرام و بین تیش با خود به خاک برد .

روانش شاد باد !

دانشگاه کابل راه یافت . به سال ۱۳۵۸ در روزنامه " میواد سمت " مسمر اقتصادی راه دوش گرفت . و سپس به مجله " جرگه " از آن جا به مجله " سپاهن و آخرسن " و " ظیفه " رسمی اثر دست معاهدت خرید . هنر بود .

جهاد با آن که به درد خانگاه قلبی دچار بود ، اما شکوایی و - همت بلند ، چنان در راهش داشت که هرگز ، نزد هیچکسی لب به شکوه نمیگشود و در درد - ناگهین حالات خود نهنزدست از قلم و آفرینتر بر نمیگرفت .

این شخصیت بلند همت و - خمیر دراز منسای همت آفرین - نشی فرهنگ خد مدعا مقاله " سیاسی ، اجتماعی و اجتماعی به نشر سیرده است . به همین گنه صد هاشعر ، پارچه های ادبی ، در راه های رادیو سی

... و چنانی دیگر از جراتانان عمر نویی ملند . با زلم دیدار " خانه " امید اناده بی فرو - سریزد و دلغای در تیر هجرت جاودانه " عزیزی ، انتخاب سون و ماتم میگردند . و خشت چندمی دیگر ، از حصاره فرهنگ مان بهله میزدانند . نویی انند .

مصطفی جهاد ، نویسنده " اندیشه " ، شاعر " شکوایه " ، ژورنالیست بر دیار کشور در ماه اسد همین سال ، دیده از فروع هستی بر بست .

مصطفی جهاد به سال ۱۳۳۳ هجری خورشیدی در قره توه خیل ولهالی ده سیزلاست کابل دیده به دیدار هستی آورد . دانشهای نخستین را در مکتب باغ علم بردان آقا زو سپس در - لویه " حبیبه " به انجام رسانید و از آن جا به دانشکده " حقوق

کد شته فرو میخلتند . بعد میهرسد د یگر چیزی که نمانده ؟ میگویم سها سنگد را از شما .

هنرمندان تاجیکستان که در آستانه هفتاد و دو مهین سالگرد استقلال افغانستان به منظور اجرا کسرت ها در جشن افغان ها به دعوت اتحادیه جوانان افغانستان تشریف آوردند . بودند . پس از اجرای یک سلسله کسرتها دوباره به کشورشان عودت نمودند .

اداره " مجله " سپاهن از - بصیر باسل مهمان دار اینس گروپ که در قسمت فراهم آوری زمینه مصاحبه با ما همکاری - نمودند ، قلباً تشکر مینماید .

به اتان تعلق دارد . پس از یک لحظه هتیمی به لب می آرد و میهرسد : آیا همین ، همین طور ادامه میدهد یا سوال های تان ختم خواهد شد .

میگویم فقط یک - سوال دیگرم را پاسخ دهید و پس :

« اسال کدام آهنگه افغانی را باز خوانی نمودید و امید و چرا ؟ »

« آهنگهای " اوخدا جان - دلم تنگ است " و " بیچمجان لوگری " را برای مردم دستدا - شتنی افغانستان اجرا میکنم . آن همه به خاطری که از اینس گونه آهنگه ها مردم افغان خاطره های خوشی دارند و با شنیدن این آهنگها باری به

پایه از صفحه ( ۲۵ )

## اوجنداجان ...

که در سال های قبل موا استقبال میکردند احساسات شان نسبت به آهنگهای بهتر شده است و چنان برایم کف میزدند که خود را محبوب تر از گذشته احساس کردم .

« ایما از آواز خوانان تازما افغان - نی با آهنگهای تازه شان کسا - نی توجه شما را جلب کرد مانند ؟ »

بارضایت پاسخ میدهد : - همیشه شنونده آواز فرهاد دریا و وحید صابری اعضای ارکستر لاله ها و نوادراسر خواهم بود . و فکر میکنم کسه آینده موسیقی کشور افغانستان

تنبور روحم را ارامش میبخشد این ساز یگانه همراز زنده گم است .

« پیش از عزیمت به افغانستان چه فکر میکردید که در استان افغانی تان از شما چگونگی استقبال به عمل خواهند آورد ؟ »

با حالت از خود راضی این طور ادامه میدهد :

« پیش از آن که به افغانستان بیایم با خود می اندیشیدیم و هراس داشتم که میا دا بسرای علاقه مندان افغانی کم چه بهره خسته کنند و ششده باشم . اما آن طور نشد همان گونه



# رستوران محبت



میزبان خوشمزه و شیرین غذاهای غیره می باشد و در رستوران محبت برگزار  
 نمایند. رستوران محبت با محبت خاطر در شرط نخبه میوه غذای خوب  
 قیمت اندک در همه اوقات پذیرای شماست  
 پنجشنبه رستوران محبت به روزه در ساعت ۲۰:۱۱-۲۱:۰۰ ظهر  
 نماز عصر تا پنجشنبه در وقت عصر به شهر رستوران  
 آدرس: جاده یوسف خاکی رستوران محبت تهران پلاک ۲۵۷۶۶

رهنمایی در خرید  
 و فروش خانه  
 زمین آپارتمان و موتور

## رهنمایی مسابقات

## روح الله تقیری



### آدرس:

شهر نو چارراهی حاجی یعقوب  
 متصل مسجد جامع شیرپور  
 تلفون ۳۲۵۲۹



# آریانا مارکیت

## تازه به فعالیت آغاز نموده

آریانا مارکیت که تازه به فعالیت تجارتي آغاز نموده، اجناس از قبیل لوازم منزل و



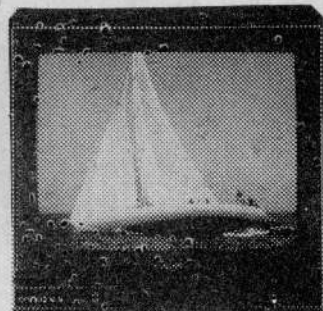
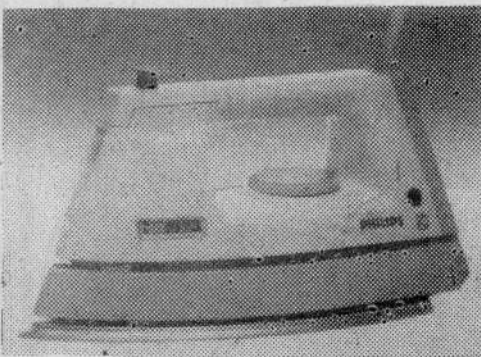
لوازم آرایش، لباس، مردانه، زنانه، طفلانه، ظروف بکلی

تلویزیون و غیره اجناس را بطور عمده و پرچون برای مشتریان

محترم عرضه می‌دارد.

آدرس: ایستگاه و افغانان تعمیر سابقه افغان اعلانی

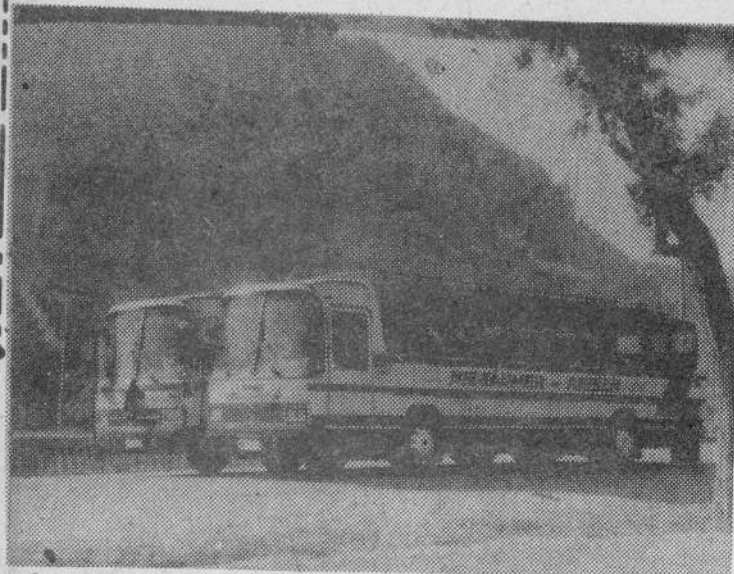
# فروشگاه فلیس دیلایت



فروشگاه دیلایت شیک ترین اجناس  
رلاز شهرترین کمپنی مار جهانگ تان ولرد  
نموده و بلا شتر تیغ عرضه می‌دارد.

تلویزیون مار زین فلیس اتوماتیک ریپوت کنترل دلار به سایز مار مختلف با یک سال  
گارانتی، ویدئو کست شارپ جاپان مدل VC-M730E اتوماتیک دلار ثبت کار، سیستم  
ریپوت کنترل دلار، ارقام رادیو کست، اتوماتیک فلیس، با یک سر مینر، تلویزیون مار سونو پیک  
۱۱۰۲۰ انچه سیاه سفید سخت استاد شمدر. آدرس: مقابل شاه ولی کابل محمد جان پناه





اگر قصد سفر دارید  
در بسته‌های خمیده آرام  
و مستریج ۳۰۳ سفر  
کنید .

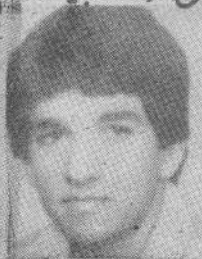
بازار کت پنجشیر بس شمارا  
از کابل به پنجخری بستمنگان  
دعزاد شریف مع الحیر میرساند  
آدرس :  
کابل - ساحه د افغانستان پل خشتی

سفر  
بازار کت  
پنجخری

تلفون ۲۱۷۸۴

### فروشگاه پنجشیر

زیباترین مپړی مردانه ، بهترین لوازم آرایش و  
عطریات ، مرغوبترین پیراهن های زنانه و مردانه  
شیکترین سیلر ها و پلوه نصف های مردانه و بچه گانه  
مقبولترین دیشی های اسپرتی و  
کاوبای ، جاکت و دیشی های  
پشمی را از مشهورترین کمپنی های



جهان تازه وارد نموده و به قیمت مناسب عرضه  
نمیدارد .  
آدرس : شهر نو چارراهی طره بازار خان تقبال  
افغان کارت

دو صومسوم سال گلبنار  
تازان ، مهنه عمر بیت لوده  
مطلوبند .  
گلدست عود مر ، خنجر و کلچر نور  
همه مطبوعه ذوق خوشما



آدرس : چارراهی طره بازار خان

گلفروشی سنبل  
گلفروشی سال



# آریا پامیر لمتد

## یک نام بزرگ تولیدی اجناس فلز

با خریداری اجناس فلزی مستحکم و بادوام تولید موسسه تخصصی آریا پامیر لمتد به زیبایی

دقت و دینارل شما مشتری افزایش

اگر میخواهید اتاق های تان را زیبایی خاص بخشید آدرس زیر

یادداشت کنید . فابریکه : عقب باغ پارتیفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه : حصه دوم جاده میوند تیفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه : سالنگ وات منزل اول آریانا مارکت تیفون ۲۳۷۴۷



آدرس : قوطا سهه فروش صد ف  
ایستگاه موتراهای گولای پمارك  
حصه سوم خیرخانه واقع دماغانا

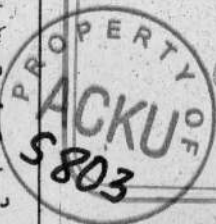
اخبار هفته جوانان امروز و سایر نشریه بار را  
به قیمت نازل عرضه میداریم

قرطاسیه فروش صد ف اقم کتاب و کتب  
انواع قلمها خودکار و دستگیره و صد ها قسم جنس  
مورد نیاز طلاب معارف ، مجوسه و اول



# برای شما دیدن آیم

## سروش شما در ماه میزان



۱ میزان - روزیست که برای دختران و خانمها که در ماه حمل تولد گردیده اند برابرم های گذشته شما از این روزه بعد دوباره حاد میگردد تلاش کنید که از هرگونه ساقته دوری جوید .

۲ میزان - روز آرام و خوبی برای آنده ای خواهد بود که در ماه های جوزا سرطان و حوت تولد شده اند روز خوب برای معاملات تجاری می خواهد بود . علاوه بر آن برای کسانی که در ماه میزان تولد گردیده اند روز خوبی برای ازدواج خواهد بود .

۳ میزان - ناراحتی هایی که در ماه تولد شده اند در این روز شدت می یابند و کسب خواهد کرد و خانمها و دخترانی که در ماه سنبله تولد شده اند امروز روز خوبی برای شما نخواهد بود . در این روزها کوشش کرد تا جاسو احساساتی شدن خود را بگریزد به خصوص متولدین ماه سنبله خیلی محتاط باشند تا اکنون سعادتتان در این روز از هم نپاشد .

۴ میزان - متولدین ماه های حمل ، جوزا ، دلو و حوت در این روزهای ۱۶ میزان به مسافرت اقدام نه ورزید برای متولدین ماه ثور این روز یک روز خسته و بیسی خواهد بود ، اگر تلاش کنید دوست آزرده شده تان در این روزها شامی خواهید کرد . روز خوبی برای انتخاب همسر زنده کسی برای تولدین ماه ثور خواهد بود .

۵ میزان - برای متولدین ماه های جدی و حوت روزیست جنجال بوده در این روزها زیاد میروند تا شمارا در کارتان فحش دهند و این کارونستی می شوند . متولدین ماه عقرب بیاد داشته باشند که این روز برای حل و فصل نزاکت.

میزان و دلو روز خوبی خواهد بود . خانمهای متولدین ماه های عقرب و حوت در زمان سیات خانوادگی تان در این روزها حوصله مندی نه استفاده نمایند . روز خوبی برای ازدواج برای متولدین ماه حمل خواهد بود ، اما از انجام معاملات تجاری در این روز صرف نظر کنید و غیران بدشانسی انتظار شمارا می کند .

۶ میزان - روز خوبی برای مردان ، دگران و نظامیان متولدین ماه میزان خواهد بود . برعکس برای متولدین ماه حوت روز خوبی نیست . جنرالهای فامیلی و بعضا تجارتی و تحصیلی انتظار تان را می کنند . جنرالهای متولدین ماه عقرب از این روز به طرف حل شدن پیش میروند .

۷ میزان - متولدین ماه های حمل ، سرطان ، قوس و حوت منتظر شنیدن یک خبر خوشی در این روزها باشید . کوشش کنید تا رسیدن آن را در این روزها از دست ندهید . متولدین ماه های جوزا ، اسد دلو برعکس منتظر شنیدن یک خبر ناگوار باشید ، اما در مقابل آنده کسانی که به برابرم های اقتصادی دست و گریبان هستند از این روز به بعد وضع اقتصادی شما بهبود می یابد .

۸ میزان - متولدین ماه های جوزا ، اسد سنبله میزان ، جدی در آخر ماه میزان همه کارها به مراد دل شما پیش خواهد رفت ، به خصوص در مسائل عشقی و سیاسی شما با جانب قابل در این روز شانس خوب برای متولدین ماه جدی و دلو در امور سیاسی پیدا خواهد شد از آن استغاده . اعضای نباید متولدین ماه حمل اگر میخواهد کدام معامله تجارتی را در این روز انجام دهد آنرا به فردا بگذارد .

۹ میزان - روزیست که برای متولدین ماه حوت اگر یک دام جنالی مواجه شده باشند از این روز به بعد کارها به مراد دل شما پیش خواهد رفت ولی در هر حال از احساساتی شدن بپا خودداری کنید . در ضمن آن شانس خوبی را از دست نخواهد داد .

۱۰ میزان - برابرم های شخصی متولدین ماه عقرب و قوس و حوت در این روزها میگرد و این کارالی آخر ماه میزان آسان خواهد یافت . متولدین ماه حمل و سرطان محتاط باشند که جراحت دیدی در این روزها انتظار شمارا می کنند .

۱۱ میزان - برای مسافرت متولدین ماه های جوزا ، اسد

های ایجاد شده فامیلی تان نخواهد بود این کار را بگذارید .

۱۲ میزان - روز خوش شانس برای متولدین ماه های سرطان ، اسد ، میزان و حوت خواهد بود . از هر نگاه متولدین روز خوبی برای معاملات تجاری و کاری شما خواهد بود . متولدین ماه حمل کوشش کنند تا در این روزها ازدواج نکنند . متولدین ماه دلو متوجه باشند که با هیچ کس در این روزها سخن گفتنی نیست .

۱۳ میزان - متولدین ماه های ثور ، سرطان ، میزان و عقرب منتظر حادثه غیر متوجه در زندگی تان باشند اما از سفر در راه



# موتورهای انصاری وات

آه شما هم حفظ کنید، هر وقتیکه در موتور هستید.  
 آیا تاکنون در شرکت کر و نای جدید مدل ۱۹۹۰ را حاضر کرده اید؟  
 و هر نوع بنزرها را مدل جدید و موتورهای انصاری وات تازه  
 ارائه نموده است.



شما از نمایشگاه این موتورها در چهارراهی انصاری شهرنودین کنید  
 و موتور لخواه تانرا باریک مورد پسند انتخاب کنید • همچنان موتورهای  
 انصاری موتوهای مدل جدید ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ بنز تویوتا و سیکپ های  
 مختلف النوع را به دستر دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانند با شرایط  
 سهل موتور مورد ضرورت خویش را دستیاب شوند •

که سرتیلا بار دیگر بخاطر داشته باشید  
 تلفن ۲۰۵۲ چهارراه انصاری شهرنودین



ACKU  
سلسل  
DS  
350  
22 ص  
v4 lms

# یک چشم بزرگ در فروشگاه بزرگ

معافل خوشی تا نراد در سورا  
فروشگاه بزرگ افغان بگلزار  
نمایند تا خاطره آن همیشه شاه  
بماند  
وقت را بزرگ کنید

# فروشگاه بزرگ افغان

شما می توانید در منزل مختلف فروشگاه بزرگ افغان خرید کنید  
تجدید کردن در این مجموعه از شما خرید کنید



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**